

۴۴۴

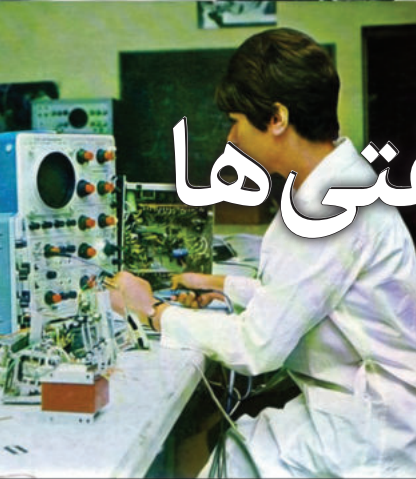
کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۵ تا ۲۱ دی ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۱۰



«کشف حجاب»



زن ایرانی و پنجاه و هفتی ها



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهارم

کیهان شماره ۱۹۱۰ (۴۴۴)

جمعه ۱۵ تا ۲۱ دی ماه ۱۴۰۲

۵ تا ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴



زن ایرانی و هیئت‌های و مهمانی‌ها

مژده به هم‌میثاتی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
اکنون نسخه دیجیتال کتاب نیز در دسترس است

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه : جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان) برای نخستین بار ایجاب گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ سرمقاله - بازی با دم شیر اقتصاد جهانی / الاله بقرات

۴-۵ تیر هفته - «کشف حجاب» زن ایرانی و پنجاه هفته ها... / روشنگر آسترکی

۶ شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: رژیم ایران برای حفظ قدرت... /

۷ شادباش شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت آغاز سال نو میلادی... /

۷ جمهوری اسلامی، زندان بزرگ روزنامه نگاران... / احمد رافت

۸ حمله امریکابه پایگاه های کتاآب حزب الله وحشد الشعی در سوریه و عراق... /

۸-۹ شکار صالح العاروری بعد از رضی موسوی: نفر بعدی کیست؟... /

۱۰-۱۱ رئیس شورای اطلاع رسانی دولت رئیسی: ۶۰ مدیر در طول ۲ سال شناسایی و... /

۱۱ قحط الرجال... / خیراندیش (احمد/حرار)

۱۲-۱۳ «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۵)... /

۱۴ وزیر خارجه بریتانیا: باید به جمهوری اسلامی فهماند که اقدامات بدخواهانه را... /

۱۵ گروگان اسپانیایی پس از ۱۵ ماه زندان در تهران به مادرید بازگشت... / احمد رافت

۱۶-۱۷ متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۵)... /

۱۸-۱۹ اشکان بلوچ؛ یکی دیگر از بازداشتی های خیزش ملی ۱۴۰۱... / فیروزه نوردستروم

۱۹-۲۰ یک فرد آگاه به پرونده رضاسابی: پرونده های که باز است چگونه رای... / فیروزه نوردستروم

۲۰-۲۲ پیش زمینه های شکل گیری یهودستیزی... / محمود مسائلی

۲۳ سازمان حقوق بشر ایران خواستار اقدام جامعه جهانی برای توقف اعدام... /

۲۴ یک وکیل دادگستری حکم اعدام مجاهد کور کور را «خلاف قانون» دانست... /

۲۵ پایگاه خبری «هیل»: جو بایدن و سیاست مماشات... /

۲۶-۲۷ خلاصه حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری در سوئد و... (بخش ۱) / حنیف حیدر نژاد

۲۸ وزیر دفاع ایتالیا: اگر رژیم ایران به تهدیدات خود ادامه دهد بهتر نیست از؟... /

۲۸-۲۹ میخائیل اولیانوف: درواشنگتن تصمیم گرفته اند نیازی به «توافق اتمی»... /

۲۹ تلفات سنگین در حمله امریکابه پایگاه «فاطمیون» در مرز سوریه و عراق... /

۳۰ کشتی جاسوسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حملات حوثی هاعلیه... /

۳۱ نفتالی بنت: امریکا و اسرائیل باید هدف روشن برای سرنگونی رژیم ایران... /

۳۲ اعدام چهار نفر در ایران به جرم «خرابکاری» و «جاسوسی» برای موساد... /

۳۲-۳۳ ترور رضی موسوی فرمانده لجستیک «سپاه قدس» در سوریه... /

۳۳ تشییع جنازه رضی موسوی در تهران: علی خامنه ای نماز میت خواند... /

۳۴-۳۵ استفاده از هواپیماهای مسافربری وباری به عنوان «سپر انسانی» ابتکار قاسم سلیمانی بود... /

۳۵ مر اسم خوسین سالگر د قاسم سلیمانی در کرمان بایش از ۱۰۰ کشته و ۲۰۰ مجروح... /

۳۶-۳۷ مافیای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دست غارتگر میراث فرهنگی... / فیروزه نوردستروم

۳۷ قتل یک سر باز دیگر در یادگان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زاهدان... /

۳۸ هشدار در مورد خطرات وابستگی جمهوری اسلامی به نرم افزارها و... /

۳۸-۳۹ فرمانده نیروی دریایی ستکام: حوثی ها هیچ علامتی از پایان دادن به حملات... /

۳۹ دست کم ۲۳ نفر در حمله هوایی به پایگاه های وابسته به «سپاه قدس»... /

۴۰ امریکاسه فایق حوثی ها و سر نشینان آنها را غرق کرد... /

۴۱ راهبردهای شکست خورده امریکا و اروپا علیه کارزار جنگی جمهوری اسلامی... /

۴۲ ابراز نگرانی دولت بایدن از افزایش مجدد سرعت غنی سازی اورانیوم در ایران... /

۴۲-۴۳ هشدار امریکا و سه دولت اروپایی در مورد «پیامدهای خطرناک» غنی سازی... /

۴۳ محمد اسلامی: گزارش جدید آژانس تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی... /

۴۴ اعزام ناوشکن «البرز» به دریای سرخ... /

۴۴ هشناد و هشت سالگی ۱۷ دی و حقیقت کشف حجاب... / بهنام محمدی

۴۵ یک سخنگوی وزارت خارجه امریکا: حوثی ها ماشه را می کشند اما رژیم ایران... /

۴۶-۴۷ ائتلاف شرق در برادره انداختن «جنگ بزرگ خاورمیانه» علیه غرب... /

۴۷ فریدون عباسی دوانی: دشمنان در قطعاتی که به آنها نیاز داریم خرابکاری می کنند... /

۴۸ شرکت «ماهان ایر» شریک «سپاه» در تدارکات نظامی، دو کشتی ظاهر... /

۴۸-۴۹ نتایج نظر سنجی مؤسسه ارفی: جمهوری اسلامی روی شبکه باروت... /

۵۰-۵۱ درگذشت کامیابا تمانقلیچ، فرشته نجات کودکان ونوجوانان بی بناه... /

۵۱ درگذشت پروانه مزبان، مبلغ سرشناس تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران... /

۵۲-۵۳ فراکنی مسولان نسبت به مشکل اعتیاد دانش آموزان... /

۵۳ دامنه فرار از شرایط ایران امروز به مدارس رسید... /

۵۴-۵۵ خبرهای کوتاه... /

۵۶ پشت جلد - عکس هفته / نه به اعدام!

بازنشر
بازنشر



بازی با دم شیر اقتصاد جهانی

آیا می‌توان یک سیاست و اقدام از زمان انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی نام برد که به سود ملت و مملکت بوده باشد؟

بجز تازه‌به‌دوران رسیدگانی که بدون شایستگی به مال و مقام رسیدند و ریزه‌خوارانی که در خدمت گروه‌های مافیایی ملیان و پاسداران، در داخل و خارج، به خدمتگزاری نظام مشغولند، چه کسانی از این نظام سود برده و از آن رضایت دارند؟ نظام متشکل از اقلیتی که تنها با پول بادآورده و سرکوب بی‌رحمانه استمرار یافته، چه سود همگانی به جامعه



گول‌های کشتیرانی جهان تعلیق حمل و نقل کالا در دریای سرخ را تهدید کردند / ۲ ژانویه ۲۰۲۴ / رویترز

رسانده است؟ کدام سیاست را چه در داخل و چه در خارج پیش برده که بر مشکلات نه اضافه بلکه از آنها کم شود؟ آیا آموزش و پرورش کشور ارتقاء یافته؟ سیستم بهداشت و درمان بهبود پیدا کرده؟ مسائل محیط زیست نه همگام با غرب بلکه همراه با برخی همان کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی و اسرائیل مورد توجه قرار گرفته و از کوربازی و خشکسالی و پیامدهای آن کم و بر آب و مراتع و جنگل‌ها افزوده شده؟ ارزش‌های اقتصادی و ارزش پول بالا رفته؟ رفاه در سراسر کشور و استان‌های محروم گسترش یافته؟ امنیت و آسایش مردم بیشتر شده؟ ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و جرائم کیفری کاهش پیدا کرده؟ یا اینکه حقوق شهروندان در زمینه‌های مختلف بیش از ۵۷ تأمین و تضمین شده؟ بعید به نظر می‌رسد یک انسان سالم و با نگاه و عقل معمولی حتا فقط به یکی از اینها و موارد مشابه پاسخ مثبت بدهد. هیچ استاد و شواهد و مدرکی به اندازه زندگی روزانه و واقعی خود جامعه بیانگر عمق اضمحلال و سقوط ایران به فقرا نیست. وگرنه چرا باید «مغزها» و «نیروی کار» و «تولیدکنندگان» و «سرمایه‌گذاران» از زادگاه خود فرار کنند و راهی هر کشوری شوند تا کار و زندگی عادی داشته باشند؟ در تمام ۴۵ سال که سیستم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در ایران بهم ریخت و کشور به پایگاهی نظامی-ایدئولوژیک تبدیل شد که همزمان خانواده‌های مافیایی جمهوری اسلامی به تغذیه انگلی از ثروت عمومی کشور مشغول شدند و رژیم با پاسدارانش در کار تشکیل و تأمین گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامی در منطقه بود تا آرمان نابودی کشور اسرائیل و سلطه اسلام بر جهان را تحقق بخشد، زندگی ایرانیان به کابوسی تبدیل شده که جمهوری اسلامی چون بختک بر آن افتاده است. هر «انتقام سخت» که رژیم از آن سخن می‌گفت، کمانه کرد و به خود مردم ایران برگشت. درواقع، انتقام سخت چیزی جز خود جمهوری اسلامی نیست که از مردم ایران گرفته می‌شود!

اکنون نیز افعی رژیم فرسوده و وحشت‌زده با بازوهای نیابتی‌اش در داخل توسط ترور و سرکوب علیه مردم، و در خارج با موشک و پهپاد در حالی علیه نظم و حقوق بین‌الملل می‌جنگد که بازی با دم شیر اقتصاد جهانی در دریای سرخ و آب‌های بین‌المللی بسی فراتر از موضوع اسرائیل و خاورمیانه است و صبر کشورهای قدرتمند چه غربی و چه شرقی را به نقطه جوش می‌رساند.

«کشف حجاب» زن ایرانی و پنجاه و هفتی‌ها



● **حامیان ارتجاع سرخ و سیاه برای اینکه بتوانند انقلاب تباه سال ۵۷ را توجیه کنند، همواره دستاوردهای حکومت دو پادشاه فقید پهلوی را تحریف و یا سانسور کرده‌اند.**

دوران بود که جسارت و شجاعت و اراده لازم برای انجام آن داشت.

اینهمه در حالیست که ظرفیت و خواست ایجاد یک تغییر بزرگ برای پاره شدن پیله‌ای که طی چند قرن دور زنان تنیده شده بود از سال‌ها پیش از «کشف حجاب» در جامعه ایران شکل گرفته بود. جنبش زنان در دوره منتهی به انقلاب مشروطه فعالیت فرهنگی و سیاسی خود را آغاز کرده بود.

در آن دوران انجمن‌های مشروطه به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای سازماندهی انقلاب مشروطه فعال بودند و با وجود همه محدودیت‌ها زنان نیز انجمن‌هایی زنانه و یا به صورت مختلط با مردان برای سازماندهی و بحث و تبادل نظر درباره مبانی فکری و برنامه‌های عملی انقلاب ملی تشکیل داده بودند؛ مانند «انجمن حریت نسوان» یا «انجمن آزادی زنان» در تهران، «اتحادیه‌ی غیبی نسوان» در تهران، «کمیته‌ی زنان» در تبریز و «انجمن مخدرات وطن» در تهران.

موضوع «حقوق زنان» و آزادی و نقش اجتماعی و سیاسی آنها پیش از پیروزی انقلاب مشروطه مطرح شده و مورد بحث از سوی زنان فعال آن زمان بود. هرچند تأسیس محدود مدارس دخترانه یا نشریاتی با فعالیت زنان و انجمن‌هایی برای توانمندسازی زنان، تا حدودی گویای برخی تغییرات بودند اما به صورت عمومی مطرح نمی‌شدند. محدودیت‌های فرهنگی و دست بالای ذکور خانواده در تصمیمات زنان مانع عمومی شدن تحولات بود.

در این شرایط بود که «کشف حجاب» به عنوان قانونی دست بالای مردان متعصب و ناآگاه و شاید معذور در برابر افکار عمومی قرار گرفت و مقدمه حضور گسترده زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را فراهم آورد.

سالگرد صدور فرمان «کشف حجاب» در حالی فرارسیده که زنان ایرانی این روزها در مبارزه‌ای ناعادلانه با حکومتی که همه ابزارهای سرکوب علیه آنها را در اختیار دارد، در خیابان‌ها حجاب از سر برمی‌دارند تا با پافشاری بر حق آزادی پوشش، روند براندازی ساختار تباه جمهوری اسلامی را تقویت کرده و پیش ببرند.

هشتاد و هشت سال پیش در هفدهم دی‌ماه ۱۳۱۴ فرمان کشف حجاب به عنوان یکی از مهم‌ترین و موثرترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران در رشد و پیشرفت جامعه به اجرا درآمد.

قانونگذار آن زمان به درستی دریافته بود که رسیدن به توسعه اجتماعی بدون حضور و نقش زنان به عنوان نیمی از جمعیت پویای کشور غیرممکن است؛ و توسعه اجتماعی نیز پیش‌درآمد مهمی بر توسعه اقتصادی و سیاسی است. همزمان سد سنتی-فقهی تمامیت‌خواهی مذکر و پدرسالار با عناوینی چون غیرت و تعصب، زنان را پست‌نشین کرده، نقش اجتماعی و شهروندی آنها را زدوده، و حتی برای آنها در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده نیز جز وظیفه همسراری و فرزندآوری قائل نبود.

تلاش برای آزادی زنان صرفا از درون خانواده و اول با فرهنگ‌سازی و آموزش و سپس راه یافتن به فعالیت‌های اجتماعی، با توجه به رسوب باورهای مذهبی-سنتی در لایه‌های مختلف جامعه، زمانبر، دشوار و حتی ممکن بود بی‌نتیجه باشد.

در چنین شرایطی، شکست سدهای زنان را از هر سو زیر فشار قرار داده بود نیازمند حرکتی بود که باورها و قالب‌های پوسیده را بطور زیربنایی و با حمایت قانون هدف قرار دهد و آثاری همه‌جانبه با خود به همراه بیاورد. حرکتی که به نظر می‌رسد رضاشاه شاید تنها کسی در آن

زنان ایران نه در جریان انقلاب ۵۷ بلکه از پیش از مشروطه آغاز شده بود و دستاوردهای پیش از انقلاب ۵۷ آن بی‌نظیر و تکرارنشده بودند اما پس از انقلاب ۵۷ وضعیت زنان ایران به چند دهه عقب‌تر سرفرت کرد و جایگاه آنها در قوانین به شدت سقوط نمود.

دو آنکه جنبش زنان ایران در اصل برآمده از آگاهی ملی ایجاد شده در جریان تحولات انقلاب مشروطه بوده و ایرانگرایی همواره بخشی از تفکر راهنمای زنان فعال آن زمان بوده است. یکی از گویاترین نشانه‌های آن سخنرانی پروین اعتصامی در جشن فارغ التحصیلی از دبیرستان در سال ۱۳۰۳ است که به «اعلامیه زن و تاریخ» معروف شد. جریان پنجاه و هفتی اما از آنجا که سردمدار مبارزه علیه پهلوی و پادشاهی مشروطه و ایرانگرایی بوده و هست، تلاش دارد از جنبش زنان ایران هویت‌زدایی کرده و پیوند میان حقوق آنها به عنوان نیمی از ملت با جنبش ملی را قطع کند. در واقعیت اما نتایج عملکرد آن پیوند، نشان می‌دهد در مختصات تاریخی- فرهنگی ایران بهترین نتایج را در بر داشته و زنان ایرانی را در فاصله کوتاهی با خروج از پستوها و اندرونی‌ها به یکی از پیشروترین زنان در منطقه و جهان تبدیل کرد.

۸۸ سال بعد، زنان ایران به دنبال حقوق آن دوران!

زنان ایران در حالی از یک قرن پیش به مدت پنج دهه گام به گام، با مهمترین اصلاحات و قوانینی که برابری و حقوق شهروندی آنها را نهادینه و پاسداری می‌کرد پیش آمده بودند که از سال گذشته و پس از چهار دهه تضییع حقوق از سوی جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» را به عنوان یکی از ابزارهای مهم مبارزه با حکومت به کار گرفته‌اند.

این مبارزه از نخستین روزها پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی در پی جان باختن مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد در ابعاد دامنه‌داری آغاز شده است. زنان و دختران ایران در مبارزات خیابانی و با همراهی و همدلی مردان معترض، حجاب از سر برداشته و روسری‌های خود را آتش زدند. این مبارزه سیاسی با فروکش کردن اعتراضات خیابانی به دلیل سرکوب وحشیانه، به صورت مدنی تداوم یافته است. زنان بسیاری در حالی که حجاب اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند و روسری از سر برداشته و در خیابان‌ها و اماکن عمومی حاضر می‌شوند.

در آنسو رهبر جمهوری اسلامی با صراحت اعلام کرده که «کشف حجاب حرام شرعی و سیاسی است» و بدین ترتیب دست قوای حکومتی را برای سرکوب زنان باز گذاشته است. حسین شریعتمداری نماینده رهبر جمهوری اسلامی و مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران نیز خواستار این شده که مردم مسلمان ایران برای مقابله با کشف حجاب دست به کار شوند!

هرچند حکومت به اشکال مختلف قانونی، قضایی و انتظامی تلاش دارد زنان را وادار کند که از حجاب تحمیلی جمهوری اسلامی تبعیت کنند تا ویتترین جامعه اسلامی حفظ شود اما برای برخورد قهری که بتواند به قول «خودی»‌ها بساط «کشف حجاب» را جمع کند، به جمع‌بندی مشخصی نرسیده و کژ دار و مرزبانی با تبلیغات گسترده «مبارزه با بی‌حجابی» را پیش می‌برد.

یکی از مهم‌ترین دلایل اینکه تا حد امکان از فشارهای غیرخوشونت‌بار برای مبارزه با پوشش اختیاری استفاده می‌شود، هراس از جاری شدن دوباره سیل اعتراضات سراسری در خیابان‌هاست؛ سیلی که هر بار که به راه می‌افتد قوی‌تر از گذشته پایه‌های فاسد و فرسوده حکومت را می‌لرزاند. روشنگ آسترکی

و همان چیزی بود که امروزه به عنوان «کودک‌همسری» شناخته شده و البته جمهوری اسلامی همچنان در سال ۱۴۰۲ خورشیدی مدافع و مروج آن است! منتقدان همواره پیش و پس از ۱۷ دی ۱۳۱۴ را نادیده می‌گیرند تا بتوانند روایت خودساخته‌ای علیه پهلوی‌ها را به افکار عمومی در ایران امروز بفروشند. «کشف حجاب»



مسیر پیشرفت و حضور زنان در عرصه اجتماعی را هموار کرد بطوری که نه تنها بلافاصله امکان حضور اجتماعی زنان به صورت عمومی را فراهم شد بلکه مقدمه حضور زنان در عرصه سیاسی با تأسیس احزابی چون «حزب زنان ایران» و رسیدن به کرسی‌های مجلس شورای ملی و وزارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها و ریاست سازمان‌ها و ادارات و حتی دادگاه‌ها در نقش قاضی شد. زنان به سرعت به حوزه ورزش و هنر وارد شدند و توانستند نقش اجتماعی و شهروندی در ساختن ایران آباد و مترقی را به عهده بگیرند.

از سوی دیگر هرچند اکثر آنها که امروز علیه «کشف حجاب» موضع می‌گیرند و همچنین در گذشته با «بال» اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی» همراهی و همکاری و همفکری داشته‌اند، معتقدند یک قرن پیش «قانون از بالا» نادرست بوده، اما خودشان سال‌ها معتقد به «چانه‌زنی» و «فشار از پایین و تغییر از بالا» بوده‌اند بدون آنکه به نتیجه برسند! اتفاقاً جنبش زنان پس از انقلاب ۵۷ به عنوان همکار دو دهه پیش اصلاح‌طلبان، با همسویی با همین جریان به اقداماتی چون «کمپین یک میلیون امضا» دست زد که معنایی جز درخواست «از بالا» نداشت!

همچنین بدیهی است که بسیاری از قوانین در جامعه بشری با هدف فرهنگ‌سازی تصویب و اجرا می‌شوند؛ که اگر تشخیص قانونگذار درست بوده باشد نتیجه مثبت می‌دهد، مانند قوانین حمایت از خانواده و زنان و محیط زیست و قوانین راهنمایی و رانندگی و البته «کشف حجاب». اگر قانونگذار از درک صحیحی برخوردار نباشد، آن مصوبه با گذشت دهه‌ها هم در فرهنگ و فکر جامعه نفوذ نمی‌کند؛ مانند «حجاب اجباری» که از سوی جمهوری اسلامی برای تبدیل زنان ایرانی به زنان مسلمان انقلابی و ویتترین ترویج و صدور انقلاب تحمیل شد اما هرگز از سوی جامعه پذیرفته نشد و فرهنگ عموم شهروندان را متأثر نکرد!

آنچه را که در عمل جریان معروف به پنجاه‌وهفتی، از چپ تا اسلامگرا، تحریف می‌کند اینست که نخست، جنبش

«کشف حجاب» عَلم پهلوی‌ستیزی از سوی ارتجاع سرخ و سیاه!

سال‌های سال حامیان ارتجاع سرخ و سیاه کوشیدند «کشف حجاب» را به عنوان ظلمی علیه زنان و نقض حقوق آنها معرفی کنند. این واقعیت‌زدایی از تاریخ چه از سوی

جمهوری اسلامی به عنوان حکومت مستقر برآمده از انقلاب ۵۷ و چه از سوی دیگر بازوهای به ثمر رساندن این انقلاب که با عنوان و یا ادعای اپوزیسیون فعال هستند بیش از نیم قرن است تکرار می‌شود.

این گروه‌ها و جریان‌های سیاسی برای اینکه بتوانند انقلاب تباه سال ۵۷ را توجیه کنند، همواره دستاوردهای حکومت دو پادشاه فقید پهلوی را تحریف و یا سانسور کرده‌اند. یکی از این دستاوردها، حقوق زنان بوده است.

این جریان‌ها با سانسور واقعیت رشد و ارتقاء جایگاه زنان ایرانی در دوران دو پادشاه فقید پهلوی، «کشف حجاب» را ابزاری برای ساختن تصویری دیکتاتور و زن‌ستیز از رضاشاه علم کرده و می‌کنند.

یکی از تحلیل‌های زیاد بازگو شده از سوی این جریان‌ها درباره «کشف حجاب» تحمیلی بودن آن در پی یک «قانون از بالا» است.

نخست آنکه نداشتن حجاب اسلامی- قجری با چادر و روبنده از مدت‌ها قبل از صدور فرمان مربوطه مورد بحث بود و حتی امثال صدیقه دولت‌آبادی از سال‌ها پیش از دی‌ماه ۱۳۱۴ با حجاب اختیاری در انتظار عمومی ظاهر می‌شدند. به بیان دیگر این خواست برحق زیر پوست جامعه زنان از دهه‌ها قبل وجود داشته است. زنان آن دوران درک کرده بودند که نخستین گام برای رسیدن به فرصت‌های برابر با مردان، خروج از اندرونی‌ها و حضور آزادانه در جامعه است.

از سوی دیگر «کشف حجاب» مانند تصمیمات جمهوری اسلامی «یک‌شبه» و در فضایی منزوی از حوزه زنان روی نداد. از سال‌ها پیش‌تر گام به گام مقدمات قانونی فراهم شده بود. از جمله قانون ازدواج تصویب شده در ۱۳۱۰ که برای نخستین بار در تاریخ ایران ازدواج را با تکیه بر حقوق زنان در چارچوب قانون قرار داد. یکی از نکات جالب این قانون در نظر گرفتن مجازات‌هایی برای «آزار زنان توسط همسر» و توجه جرم‌انگاران به ازدواج زودهنگام دختران

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: رژیم ایران برای حفظ قدرت همزمان با سرکوب مردم به تجاوزات منطقه‌ای دست می‌زند



● شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۲۴ دسامبر (سوم دی‌ماه) در مصاحبه با ویل کین در «فاکس نیوز» درباره وضعیت منطقه و جنبش آزادیخواهی ملت ایران و نتایج یک تغییر دموکراتیک در ایران گفتگو کرد.

● «این رژیم تقریباً متخصص جنگ‌های نیابتی است. به ویژه وقتی که «مماشات» به عنصری تبدیل می‌شود که به رژیم در جنگ‌های نیابتی کمک می‌کند... این موضوع آنها را گستاخ‌تر می‌کند و مشوق آنها در انجام اقدامات بیشتر خواهد بود.»

● «باید بدانیم بسیاری از کارهایی که رژیم انجام می‌دهد به خاطر ضعف و ناامیدی آنها در داخل ایران است. زیرا آنها ملت ایران را بطور کامل از دست داده‌اند.»

● «مسئله مهم‌تر اینست که در آستانه کریسمس به وضعیت مسیحیان ایرانی فکر می‌کنم، احتمالاً مجبورند کریسمس را در کلیساهای غیرقانونی زیرزمینی جشن بگیرند زیرا نوکشیان و رهبران آنها توسط این رژیم که خروج از دین اسلام را غیرقانونی می‌دانند اعدام می‌شوند.»

● «ما باید درک کنیم که ارزش‌هایی که مردم ایران از آنها دفاع می‌کنند همان ارزش‌های جهان آزاد و دموکراتیک است. من این را شگفت‌آور می‌دانم که تا امروز بجای حمایت حداکثری از ملتی که خودش بهترین ارتش در جهان برای ایجاد تغییر است، هیچ حمایتی که شایسته آن برای آزادی هستند دریافت نکرده‌اند. در عوض ما شاهدیم غربی‌ها وقت‌شان را برای مذاکره با رژیمی تلف می‌کنند که گروگان می‌گیرد و باج‌خواهی می‌کند و از ضعف‌های موجود در سیاست برای اعمال فشار حداکثری سوء استفاده می‌کند.»

همزمان با هشدار مقامات غربی به جمهوری اسلامی در مورد افزایش تنش‌ها در خاورمیانه به ویژه اختلال در مسیر کشتیرانی آزاد در دریای سرخ اما رژیم ایران و شرکای آن همچنان به تهدیدات خود در منطقه ادامه می‌دهند.

شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۲۴ دسامبر ۲۰۲۳ (سوم دی‌ماه) در مصاحبه با ویل کین در «فاکس نیوز» درباره وضعیت منطقه و جنبش آزادیخواهی ملت ایران و نتایج یک تغییر دموکراتیک در ایران گفتگو کرد.

● «ویل کین»: ما شاهد افزایش تروریسم در اروپا، دریاها و اقیانوس‌ها و همچنین در سراسر خاورمیانه هستیم؛ نظر شما درباره فعالیت‌های جمهوری اسلامی و اقداماتش در مورد جنگ در اسرائیل چیست؟

شاهزاده رضا پهلوی: این رژیم تقریباً متخصص جنگ‌های نیابتی است. به ویژه وقتی که «مماشات» به عنصری تبدیل می‌شود که به رژیم در جنگ‌های نیابتی کمک می‌کند... این موضوع آنها را گستاخ‌تر می‌کند و مشوق آنها در انجام اقدامات بیشتر است. بنابراین وقتی چنین اقداماتی از رژیم سر می‌زند نباید تعجب کنیم. رژیم از این اقدامات برای به دست آوردن هرچه بیشتر اعتبار استفاده می‌کند بدون اینکه مسئولیت و پیامدهای آن را به عهده بگیرد.

● آیا فکر می‌کنید جمهوری اسلامی با استفاده از نیروهای نیابتی توان افزایش سطح تهدید نه فقط علیه آمریکا بلکه علیه کل جهان به ویژه در مورد اختلال در

خطوط کشتیرانی را دارد؟

-حُب، تهدیدات و ناامنی که رژیم و شرکای آن در خطوط کشتیرانی ایجاد کرده‌اند به وضوح پیداست. من نمی‌دانم منظور شما در این پرسش به قدرت آتش آنها برمی‌گردد یا نه، اما به این بستگی دارد که حکومت تا کجا از متحدان کلیدی خود یعنی همین نیابتی‌ها پشتیبانی خواهد کرد. منتها ما نباید فقط به عملکرد ظاهری این رژیم نگاه کنیم... باید بدانیم بسیاری از کارهایی که رژیم انجام می‌دهد به خاطر ضعف و ناامیدی آنها در داخل ایران است. زیرا آنها ملت ایران را بطور کامل از دست داده‌اند. در عین حال همزمان با اینکه آنها در حال ارتکاب جنگ و تجاوز در خارج کشور هستند از سرکوب شدید در داخل نیز استفاده می‌کنند.

باید درک کرد این ماهیت رژیم است که آنها را وادار می‌کند اینگونه رفتار کنند. رژیم برای حفظ خود در قدرت باید به سرکوب در داخل ادامه دهد اما در عین حال در خارج هم باید این نوع تجاوزات را مرتکب شود تا پیش از همیشه همه توجهات را از خود و مشکلات در داخل منحرف کند. به همین دلیل است که رژیم دقیقاً از جنگ‌های نیابتی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند، چه حماس باشد چه حزب‌الله یا هر گروه نیابتی دیگر... رژیم از همه آنها برای رسیدن به هدف خود حمایت می‌کند از جمله حوثی‌ها.

● شاهزاده، همانطور که می‌دانید اخیراً صحبت‌هایی مطرح شده مبنی بر اینکه اگر انتخاباتی در کرانه باختری برگزار شود فلسطینی‌ها به حماس رأی خواهند داد و گفته می‌شود که آنچه در آنجا [توسط حماس] روی می‌دهد دست‌کم در میان ساکنان کرانه باختری و غزه محبوب است. شما آنچه را در ایران می‌گذرد و نگرش مردم در ایران را مطرح کردید و می‌گویید این موضوع در ایران بسیار متفاوت است و اینکه رژیم در ایران محبوبیتی در میان مردم ندارد و باید در داخل کشور سرکوب کند تا جمعیت

ناراضی را مهار نماید. با توجه به این موضوع این سؤال پیش می‌آید که اگر این رژیم همچنان منفرودماند مردم چه خواهند کرد؟

-می‌دانید، مسئله به زمان برمی‌گردد؛ ما شاهد سقوط رژیم‌های توتالیتر یا رژیم‌های دیکتاتوری یا نظام‌های فاشیست و نژادپرست بوده‌ایم، در مقطعی از زمان حتماً این اتفاق خواهد افتاد، ما آن را در مورد آفریقای جنوبی دیدیم و یا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به یاد داریم. من هیچ تفاوتی در سرنوشت جمهوری اسلامی با این رژیم‌ها نمی‌بینم اما همیشه این سؤال مطرح بوده که به چه قیمتی؟ فراهم شدن چنین فرصتی برای یک ملت چقدر هزینه دارد که در نهایت خود را آزاد کند؟ ولی مسئله مهم‌تر اینست که در آستانه کریسمس به وضعیت مسیحیان ایرانی فکر می‌کنم، احتمالاً مجبورند کریسمس را در کلیساهای غیرقانونی زیرزمینی جشن بگیرند زیرا نوکشیان و رهبران آنها توسط این رژیم که خروج از دین اسلام را غیرقانونی می‌دانند اعدام می‌شوند.

ما باید درک کنیم که ارزش‌هایی که مردم ایران از آنها دفاع می‌کنند همان ارزش‌های جهان آزاد و دموکراتیک است. من این را شگفت‌آور می‌دانم که تا امروز بجای حمایت حداکثری از ملتی که خودش بهترین ارتش در جهان برای ایجاد تغییر است، هیچ حمایتی که شایسته آن برای آزادی هستند دریافت نکرده‌اند. در عوض ما شاهدیم غربی‌ها وقت‌شان را برای مذاکره با رژیمی تلف می‌کنند که گروگان می‌گیرد و باج‌خواهی می‌کند و از ضعف‌های موجود در سیاست برای اعمال فشار حداکثری سوء استفاده می‌کند. برای مثال قرار ندادن حوثی‌ها در فهرست تروریستی تنها دامن زدن به گستاخی کسانی است که سعی در استفاده از همین موضوع علیه منافع غرب دارند.

● به خاطر شرکت در این برنامه از شما سپاسگزاریم -من نیز از شما سپاسگزارم... کریسمس را تبریک می‌گویم.

جمهوری اسلامی، زندان بزرگ روزنامه‌نگاران

شادباش شاهزاده رضا پهلوی به
مناسبت آغاز سال نو میلادی:

آزادی مردم ایران
بزرگترین تغییر
مثبتی است که جهان
می‌تواند در سال
۲۰۲۴ ببیند



شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۲۰۲۴ میلادی نوشت:

«سال نو زمانی است که به آینده و امکانی که برای تغییر و پیشرفت با خود به ارمغان می‌آورد، بیندیشیم. آزادی مردم ایران بزرگ‌ترین تغییر مثبتی است که جهان می‌تواند در سال ۲۰۲۴ ببیند. من و یاسمین بهترین آرزوهایمان را برای سالی پر بار و سلامت برای همه دوستان ملت ایران در سراسر جهان داریم، و از آنها می‌خواهیم که با حمایت از آرمان آزادی و دموکراسی سکولار در ایران، بهترین سرمایه‌گذاری ممکن در صلح و رفاه را برای بشریت انجام دهند. ایران آزاد، جهان را از بلای تروریسم رها خواهد کرد.»

تنها یک تراژدی انسانی نیست و عواقب سیاسی مهمی نیز دارد زیرا جامعه‌ها را از دریافت اطلاعات مستقل و آزاد محروم می‌سازد. با وجود شهامت برخی روزنامه‌نگاران در ایران که با وجود سانسور و محدودیت‌های گسترده گاهی توانسته‌اند گزارش‌های مستقلی را در رسانه‌های تحت کنترل نظام منتشر کنند و بهای بالایی نیز برای آن پرداخته‌اند، که از دست دادن شغل خود کمترین آن است، فضای رسانه‌ای در جمهوری اسلامی در اختیار کامل نظام قرار دارد و رسانه‌ها به ارگان‌های تبلیغاتی حکومت تبدیل شده‌اند.



از راست: نسیم سلطان بیگی، نیلوفر حامدی، الهه محمدی

روزنامه‌نگاران» نام می‌برد منتشر ساخته است. در صدر این فهرست، جمهوری خلق چین با ۱۲۱ روزنامه‌نگار که در پایان سال گذشته میلادی هنوز در زندان بودند قرار دارد. نام جمهوری اسلامی با ۲۱ روزنامه‌نگار زندانی در مقام هشتم این فهرست ثبت شده است. میانمار، بلاروس، ویتنام، روسیه، سوریه، پادشاهی سعودی، مصر و اریتره نیز از دیگر «زندان‌های بزرگ روزنامه‌نگاران» در جهان هستند. در این گزارش به وضعیت روزنامه‌نگاران زن ایرانی توجه ویژه‌ای شده است.

در حال حاضر پنج روزنامه‌نگار زن ایرانی در زندان‌های جمهوری اسلامی پشت میله‌های زندان بسر می‌برند: الهه محمدی، نیلوفر حامدی، ویدا ربانی، سعیده شفیعی و نسیم سلطان بیگی. در روزهای گذشته سه نفر از این روزنامه‌نگاران، الهه محمدی، نیلوفر حامدی و نسیم سلطان بیگی از حق دیدار و تماس با خانواده‌های خود نیز محروم شدند. الهه محمدی و نیلوفر حامدی پس از اطلاع‌رسانی در رابطه با قتل مهسا (ژینا) امینی بازداشت و اخیرا به ۱۲ و ۱۳ سال زندان محکوم شدند. نسیم سلطان بیگی نیز سرگرم گذراندن محکومیت ۴ سال و دو ماه حبس به اتهام «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ علیه نظام» است. در سال ۲۰۲۳ میلادی تنها سای زاو تایکه روزنامه‌نگار میانماری به ۲۰ سال زندان، حکمی طولانی‌تر از الهه محمدی و نیلوفر حامدی محکوم شده است. در سال ۲۰۲۳ میلادی در مجموع ۵۸ روزنامه‌نگار در جمهوری اسلامی بازداشت شدند که ۲۱ نفر از آنها هنوز در زندان هستند. بازداشت و زندانی شدن روزنامه‌نگاران در جمهوری اسلامی با اعتراض‌های سال ۲۰۲۲ و خیزش «زن، زندگی، آزادی» آغاز نشده است. ۲۰ سال گذشته دست کم ۸۰۰ روزنامه‌نگار در ایران بازداشت و زندانی شدند. در همین مدت بیش از ۲۰۰ رسانه نیز توقیف و تعطیل شدند. تنها از آغاز تظاهرات شهریور ۱۴۰۱ تا پایان سال ۲۰۲۳ میلادی برابر با دی‌ماه ۱۴۰۲ بیش از ۱۰۰ روزنامه‌نگار احضار، بازداشت و زندانی شدند. کریستف دلوار دبیرکل «گزارشگران بدون مرز» می‌گوید «زندانی شدن یک روزنامه‌نگار به خاطر فعالیت‌های رسانه‌ای

● جمهوری اسلامی با ۲۱ روزنامه‌نگار در زندان، یکی از ده «زندان بزرگ روزنامه‌نگاران» است. فهرستی که جمهوری خلق چین در راس آن قرار دارد.
● در ۲۰ سال گذشته در جمهوری اسلامی دست کم ۸۰۰ روزنامه‌نگار بازداشت و زندانی و بیش از ۲۰۰ رسانه توقیف و تعطیل شدند.
● در سال ۲۰۲۳، دست کم ۶۷ روزنامه‌نگار در سراسر جهان هنگام انجام وظیفه جان خود را از دست دادند.

احمد رأفت - پایان هر سال زمان گزارش آمارها و نوشتن کارنامه‌ها است. سال ۲۰۲۳ میلادی یکی از بدترین سال‌ها برای روزنامه‌نگاران در سراسر جهان بود. در سالی که چند روز پیش به پایان رسید، دست کم ۶۷ روزنامه‌نگار در سراسر جهان هنگام انجام وظیفه جان خود را از دست دادند. تازه‌ترین آنها عبدالله الوان خبرنگار فلسطینی شبکه تلویزیونی قطری الجزیره بود که در باریکه غزه در جریان جنگ اخیر کشته شد.

آنتونی بلانکر دبیرکل فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران مستقر در بروکسل پایتخت بلژیک، معتقد است که «هیچ گزارشی ارزش جان یک روزنامه‌نگار را ندارد.» آنتونی بلانکر در ارائه آمار روزنامه‌نگاران زندانی و کشته شده هنگام انجام وظیفه، از «طرفین درگیر در جنگ غزه» خواست «حداکثر تلاش خود را برای محافظت از روزنامه‌نگاران و کارکنان رسانه‌ای بکار گیرند، زیرا افکار عمومی تنها در صورتی می‌تواند اطلاعات در مورد این درگیری‌ها را به دست آورد که روزنامه‌نگاران بتوانند آزادانه و در امنیت کار خود را انجام دهند.» یکی دیگر از موانع جدی برای اطلاع‌رسانی آزاد، سرکوب روزنامه‌نگاران در کشورهای مختلف است. در سال ۲۰۲۳ میلادی دست کم ۷۷۹ روزنامه‌نگار در ۴۱ کشور بازداشت شدند. ۵۴۷ نفر از آنها آغاز سال ۲۰۲۴ میلادی را پشت میله‌های زندان جشن گرفتند. سازمان غیردولتی «گزارشگران بدون مرز» که وضعیت کار روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای در ۱۳۰ کشور را بررسی می‌کند، در آخرین گزارش خود فهرستی از ده کشوری که از آنها با عنوان «زندان‌های بزرگ

حمله آمریکا به پایگاه‌های کتائب حزب‌الله و حشدالشعبی در سوریه و عراق



تصویری از حملات پهپادی حزب‌الله عراق به پاسگاه‌های آمریکایی در اربیل (بالا) و حمله آمریکا به تأسیسات حزب‌الله و حشد الشعبی

شکار صالح العاروری بعد از رضی موسوی؛ نفر بعدی کیست؟

● در آستانه چهارمین سالگرد حذف قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد توسط آمریکا، صالح محمد سلیمان العاروری مشهور به «ابومحمد» نفر دوم حماس و یک از فرماندهان اصلی «محور مقاومت» سه‌شنبه شب دوم ژانویه ۲۰۲۴ (۱۳ دی) در انفجاری در حومه جنوبی بیروت کشته شد. این ساختمان هدف حمله پهپادی اسرائیل قرار گرفت. در این انفجار سه نفر دیگر از جمله سمیر فندی ابوعامر و عزام القرع ابوعامر از فرماندهان ارشد گردان‌های القسام نیز کشته شدند.

● حماس در واکنش به کشته شدن العاروری اعلام کرد هرگونه مذاکره درباره آتش‌بس و تبادل اسیران تا اطلاع ثانوی متوقف خواهد شد و این اقدام بی‌پاسخ نخواهد ماند. ● روزنامه «اسرائیل هیوم» در گزارشی با اشاره به اینکه العاروری در قلب بیروت حذف شد با طرح این پرسش که «نفر بعدی کیست؟» توضیح داد «وی تنها یک نفر از صف مقامات ارشد حماس خارج از غزه است... اسماعیل هنیه رئیس دفتر و موسی ابوالمرزوق معاونش و همچنین خالد مشعل و فتحی حمد هنوز زنده‌اند و جفتک می‌زنند».

● اواسط آذرماه حسن هانی‌زاده تحلیلگر سیاسی حکومتی در ایران به خبرگزاری ایلنا گفته بود «توجه داشته باشید که اسرائیل در مورد ترور رهبران مقاومت صرفاً تمرکز خود را بر روی حذف فیزیکی سران حماس و جهاد اسلامی معطوف نخواهد کرد بلکه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا تمام رهبران مقاومت را از بین ببرد».

در آستانه چهارمین سالگرد حذف قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد توسط آمریکا، صالح محمد سلیمان العاروری مشهور به «ابومحمد» نفر دوم گروه تروریستی حماس و یک از فرماندهان اصلی «محور مقاومت» سه‌شنبه شب دوم ژانویه ۲۰۲۴ (۱۳ دی ۱۴۰۲) در انفجاری در حومه جنوبی بیروت کشته شد.

ساختمانی که مقامات ارشد حماس در آن حضور داشتند هدف حمله پهپادی اسرائیل قرار گرفت. در این حمله شش نفر دیگر از جمله سمیر فندی ابوعامر، محمد زکی شاهین و عزام القرع ابوعامر از فرماندهان ارشد گردان‌های القسام نیز کشته شدند.

برخی رسانه‌های عربی العاروری معاون اسماعیل هنیه رئیس حماس را «مهندس عملیات توفان الاقصی» نامیدند. حذف وی انتقام در مقابل حمله مرگبار «هفت اکتبر» به اسرائیل ارزیابی می‌شود که در آن ۱۲۰۰ نفر کشته و صدها تن زخمی شده و یا به گروگان گرفته شدند که برخی از آنها بعداً در غزه به قتل رسیدند.

از شبه‌نظامیان کشته شدند. هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه جان غیرنظامیان تهدید شده باشد وجود ندارد. ارتش ایالات متحده به ارزیابی اثربخشی این حملات ادامه خواهد داد.» ژنرال مایکل اریک کورولا فرمانده سنتکام نیز گفت: «این حملات پاسخ به آن عناصری بود که مسئول مستقیم حملات به نیروهای ائتلاف در عراق و سوریه هستند و هدف ما کاهش توانایی آنها برای ادامه حملات است. ما همیشه از نیروهای خود محافظت خواهیم کرد.»

ویدیوهایی در «ایکس» منتشر شده که نشان می‌دهند خسارات حمله هوایی آمریکا به تأسیسات حزب‌الله عراق زیاد است. از سوی دیگر دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن گزارش داد در پی انفجار یک ماشین در شرق استان دیرالزور، دو فرد اهل سوریه که با مأموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری می‌کردند، کشته شدند.

آدرین واتسون سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد تمرکز حملات هوایی آمریکا به سه نقطه مورد استفاده در حملات پهپادی کتائب حزب‌الله و گروه‌های دیگر بوده است.

لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا نیز اعلام کرد این حملات «ضروری و متناسب» با حمله علیه آمریکایی‌ها در اربیل بود. نیروهای فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) شامگاه دوشنبه ۲۵ دسامبر (چهارم دی‌ماه) مواضع شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در عراق و سوریه هدف قرار دادند. سنتکام در بیانیه‌ای اعلام کرد این حملات پاسخ به راکت‌پرانی به پایگاه نظامیان آمریکا در فرودگاه اربیل عراق بوده است که طی آن چند نفر از پرسنل زخمی شدند. ساعاتی پس از آنکه اعلام شد رضی موسوی فرمانده لجستیک «سپاه قدس» در دمشق در حملات هوایی اسرائیل کشته شده، شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق چندین راکت و پهپاد به سمت فرودگاه اربیل شلیک کردند. حملات آنقدر شدید بود که پرواز هوایی‌های «عراق ایرویز» که از فرانکفورت آمده بود نشست در فرودگاه اربیل را لغو کرد. در بیانیه سنتکام آمده «ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد که حملات هوایی ایالات متحده به تأسیسات کتائب حزب‌الله خسارات سنگینی زده و احتمالاً تعدادی

● ارتش آمریکا شامگاه دوشنبه چهارم دی‌ماه پایگاه‌های شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق و سوریه را هدف قرار داد که در آن دست‌کم یک نفر کشته و ۲۴ نفر از نیابتی‌ها زخمی شدند.

● این حمله به تلافی حمله پهپادی به پایگاه آمریکادر اربیل عراق صورت گرفت که طی آن سه آمریکایی زخمی شدند. ● دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن گزارش داد در پی انفجار یک ماشین در شرق استان دیرالزور، دو فرد اهل سوریه که با مأموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری می‌کردند، کشته شدند.

● آدرین واتسون سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد تمرکز حملات هوایی آمریکا به سه نقطه مورد استفاده در حملات پهپادی کتائب حزب‌الله و گروه‌های دیگر بود.

● لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد این حملات «ضروری و متناسب» با حمله علیه آمریکایی‌ها در اربیل بود. نیروهای فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) شامگاه دوشنبه ۲۵ دسامبر (چهارم دی‌ماه) مواضع شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در عراق و سوریه هدف قرار دادند.

سنتکام در بیانیه‌ای اعلام کرد این حملات پاسخ به راکت‌پرانی به پایگاه نظامیان آمریکا در فرودگاه اربیل عراق بوده است که طی آن چند نفر از پرسنل زخمی شدند. ساعاتی پس از آنکه اعلام شد رضی موسوی فرمانده لجستیک «سپاه قدس» در دمشق در حملات هوایی اسرائیل کشته شده، شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق چندین راکت و پهپاد به سمت فرودگاه اربیل شلیک کردند. حملات آنقدر شدید بود که پرواز هوایی‌های «عراق ایرویز» که از فرانکفورت آمده بود نشست در فرودگاه اربیل را لغو کرد.

در بیانیه سنتکام آمده «ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد که حملات هوایی ایالات متحده به تأسیسات کتائب حزب‌الله خسارات سنگینی زده و احتمالاً تعدادی

زیرساخت‌های اقتصادی و سیاسی حماس در سایر کشورها کم‌اهمیت‌تر از نابودی تیپ‌های شاخه نظامی در نوار غزه نیست... اگر حماس به عنوان یک نهاد سیاسی پس از جنگ به حیات خود ادامه دهد، همچنان به دنبال راه‌هایی برای انجام حملات تروریستی در اسرائیل و سراسر جهان خواهد بود.»

بر اساس این گزارش، به تازگی شین بت و موساد یک حمله را در دامارک خنثی کردند. خود هنیه در این هفته ابراز امیدواری کرد که این سازمان بتواند به نحوی در سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) ادغام شود. به نظر می‌رسد برنامه این است که حداقل به عنوان یک حزب سیاسی در روز بعد از جنگ، به حیات خود ادامه دهند.

بر اساس شواهد به نظر می‌رسد حذف رهبری خارجی حماس پایان کار نخواهد بود. اگرچه اسرائیل صفتی از فرماندهان در شاخه نظامی غزه، از جمله فرماندهان مناطق شمالی و مرکزی را حذف کرده، اما بسیاری از آنها همچنان در کمین نوار غزه بسر می‌برند.

اهداف اصلی یحیی سنوار رئیس حماس در غزه و سران

خودداری کرد.

حسن نصرالله رهبر حزب‌الله چندین هفته پیش با صراحت به اسرائیل درباره تلاش برای کشتن رهبران حماس در بیروت هشدار داده بود. او تهدید کرد که اگر چنین اتفاقی بیفتد، پاسخ قوی به آن خواهد داد.

یک مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت که اسرائیل در حال آماده شدن برای مقابله با انتقامجویی احتمالی حماس یا سایر گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه است.

اسماعیل هنیه رهبر حماس این اقدام را یک جنایت خواند و گفت: «همه این ترورها و حملات ما را قوی‌تر و مصمم‌تر از همیشه خواهد کرد.»

دو مقام آمریکایی به آکسیوس گفتند که اسرائیل پشت حمله روز سه‌شنبه ۲ ژانویه بوده اما تأکید کردند که از قبل دولت بایدن را در مورد آن مطلع نکرده بودند.

یک مقام ارشد اسرائیلی تأیید کرد که اسرائیل قبلاً به آمریکا اطلاع نداده اما دولت بایدن را «در حال انجام عملیات» مطلع کرده است.

برخی تحلیلگران معتقدند ترور العاروری یک هفته پس

حماس در واکنش به کشته شدن العاروری اعلام کرد هرگونه مذاکره درباره آتش‌بس و تبادل اسیران تا اطلاع ثانوی متوقف خواهد شد و این اقدام بی‌پاسخ نخواهد ماند. شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل در گزارشی گفت، العاروری قرار بود چهارشنبه با حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله دیدار کند. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با محکوم کردن ترور العاروری مدعی شد «این اقدام نتیجه درماندگی و شکست سنگین و غیرقابل ترمیم در برابر گروه‌های مقاومت فلسطینی در سه ماه گذشته است.»

وی گفت که «خون العاروری قطعاً جوشی دیگری در رگ‌های مقاومت و انگیزه مبارزه علیه اشغالگری صهیونیست‌ها، نه تنها در فلسطین، بلکه در منطقه و در بین همه آزادیخواهان جهان ایجاد خواهد کرد.»

العربییه گزارش داد که میانجی‌ها در تلاش‌اند تا از تشدید و گسترش تنش‌ها در پی کشته شدن العاروری جلوگیری کنند. دفتر نخست‌وزیری لبنان نیز اعلام کرد که این کشور به دلیل حمله پهنادی و «نقض حاکمیت لبنان» به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت خواهد کرد.



العاروری در سفر به تهران به علی خامنه‌ای تابلویی حکاکی شده از شهر اورشلیم هدیه می‌دهد / ۳۱ تیرماه ۱۳۹۸

شاخه نظامی از جمله محمد دیف، مروان عیسی، رعد سعد و رافع سلامه هستند. در کنار آنها می‌توان فرماندهان ارشد دیگری مانند عضدالدین الحداد، فرمانده تیپ شمال شهر غزه در حماس را نام برد که اکثر گردان‌هایش قبلاً از بین رفته‌اند. می‌توان امیدوار بود که با شکست رهبری این سازمان تروریستی، بسیاری از قابلیت‌های آن نیز از بین برود. در تهران پیش‌بینی شده بود که اسرائیل و متحدانش بعد از «هفت اکتبر» علاوه بر رهبران گروه‌های شبه‌نظامی سراغ سپاهی‌ها نیز بروند. سیدرضی موسوی یکی از آنها بود. حسن هانی‌زاده تحلیلگر سیاسی جمهوری اسلامی ۱۲ آذرماه به خبرگزاری ایلنا گفته بود «توجه داشته باشید که اسرائیل در مورد ترور رهبران مقاومت صرفاً تمرکز خود را بر روی حذف فیزیکی سران حماس و جهاد اسلامی معطوف نخواهد کرد بلکه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا تمام رهبران مقاومت را از بین ببرد.»

شیخ علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۰ در یک مصاحبه گفته بود «نفوذ موساد در کشور آنقدر زیاد شده که مسئولان باید نگران جان‌شان باشند.»

از ترور سیدرضی موسوی مسئول لجستیک «سپاه قدس» در دمشق پیام مستقیم به تهران ارسال می‌کند. نفر بعدی کیست؟!

روزنامه «اسرائیل هیوم» در گزارشی با اشاره به اینکه العاروری در قلب بیروت حذف شد با طرح این پرسش که «نفر بعدی کیست؟» توضیح داده «وی تنها یک نفر از صف مقامات ارشد حماس خارج از غزه است... اسماعیل هنیه رئیس دفتر و موسی ابوالمرزوق معاونش و همچنین خالد مشعل و فتحی حمد هنوز زنده‌اند و جفتک می‌زنند. این دو مسئول روابط خارجی و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای سازمان تروریستی حماس هستند و می‌توانند در لیست ترور قرار بگیرند.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده «فتحی حمد در ترکیه اقامت دارد و می‌توان حدس زد که او نیز در آنجا مشغول فعالیت تروریستی است. به نظر تصادفی نیست که اطلاعات ترکیه در این هفته از دستگیری حدود ۳۰ مظنون با همکاری موساد خبر داد.»

اسرائیل هیوم در ادامه می‌نویسد، «از بین بردن



محمد العاروری معاون رئیس دفتر حماس

محمد عبدالسلام سخنگوی انصارالله سخنگوی انصارالله یمن با محکوم کردن ترور العاروری بر حمایت خود از «جنبش‌های مقاومت در فلسطین و لبنان» تأکید نمود.

حزب‌الله لبنان نیز تهدید کرد که ترور العاروری بی‌پاسخ نخواهد ماند. در بیانیه حزب‌الله آمده «ترور العاروری موجب تحولی خطرناک در جنگ بین محور مقاومت و دشمن صهیونیستی خواهد شد.» در این بیانیه همچنین ادعا شد «این جنایت وحشیانه موجب ایمان هرچه بیشتر مجاهدان در فلسطین، لبنان، یمن، سوریه، ایران و عراق به آرمان عادلانه خود و پایبندی به ادامه راه جهاد و مقاومت تا پیروزی و آزادسازی خواهد شد.»

اگرچه هنوز اسرائیل مسئولیت ترور العاروری را بر عهده نگرفته است، اما یک اسرائیلی و دو مقام آمریکایی به «آکسیوس» گفتند که اسرائیل در پشت این حمله بوده است. این حمله ضربه‌ای جدی به حماس به شمار می‌رود و می‌تواند حزب‌الله لبنان را به تشدید حملات خود علیه اسرائیل سوق دهد.

دفتر نخست‌وزیر اسرائیل از اظهار نظر در اینباره

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت رئیسی: ۶۰ مدیر در طول ۲ سال شناسایی و برکنار شدند



● رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم درباره افرادی که توسط «گشت ارشاد مدیران» مورد رسیدگی قرار می‌گیرند گفت: «همه این موارد به معنای این نیست که در قوه قضائیه تشکیل پرونده شود، ممکن است بعضی‌ها معرفی هم شده باشند و در مورد بعضی‌ها هم به این جمع‌بندی رسیده باشند که یک اهمالی بوده و برکنار شدند.»

● چندی پیش سخنگوی دولت سیزدهم در سخنانی گفته بود: «برکناری ۶۰ مدیر در دو سال گذشته مربوط به عملکرد گشت ارشاد مدیران است و منحصر به این پرونده خاص یا به معنای فساد یا ارتکاب جرم همه افراد برکنار شده نیست.»

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در مورد ۶۰ مدیر برکنار شده در پی راه‌اندازی گشت ارشاد مدیران گفت: «همه این موارد به معنای این نیست که در قوه قضائیه تشکیل پرونده شود، ممکن است بعضی‌ها معرفی هم شده باشند و در مورد بعضی‌ها هم به این جمع‌بندی رسیده باشند که یک اهمالی بوده و برکنار شدند.»

روز گذشته شنبه ۲ دی‌ماه سپهر خلجی در پاسخ به این پرسش که پس از ماجرای چای «دبش» آیا «گشت ارشاد مدیران» در این دولت به کار خود ادامه می‌دهد، به خبرگزاری ایلنا گفت: «بله، شماره تلفن ۲۷۷۷ که اعلام هم کرده‌ایم، یکی از شعبه‌های گشت مدیران است. این دولت، دولت مردمی است. ما در این زمینه نیازمند کمک مردم هستیم، برای همین منظور با دستور آقای رئیس جمهور ستاد مقابله مفاسد بر مبنای گزارش‌های مردمی تشکیل شد.»

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت تاکید کرد که شماره ۲۷۷۷ «تقریباً شاید ۵ الی ۶ ماه است که راه‌اندازی شده، اما در ۲ سال گذشته در ادامه همین بحث گشت ارشاد مدیران همانطور که آقای سخنگو هم اعلام کردند بیش از ۶۰ نفر به دلایل مختلف قصورشان محرز شده و برکنار شدند.»

وی در پاسخ به اینکه آیا این افراد برکنار شده به قوه قضائیه معرفی شده‌اند، گفت: «همه این موارد به معنای این نیست که در قوه قضائیه تشکیل پرونده شود، ممکن است بعضی‌ها معرفی هم شده باشند و در مورد بعضی‌ها هم به این جمع‌بندی رسیده باشند که یک اهمالی بوده و برکنار شدند.»

خلجی تاکید کرد: «خود دولت هم یک ساز و کاری دارد، مثلاً به مجموعه تخلفات اداری معرفی می‌شوند. بعضی‌ها بزرگترین تنبیه برای‌شان این است که از کارشان برکنار شوند. انواع و اقسام برخوردهای اداری است و بعضی‌ها هم آنجایی که نیاز بوده به دستگاه قضایی معرفی می‌شوند.»

وی توضیح داد: «آنچیزی که آقای سخنگو (بهادری جهرمی) به درستی هم اشاره کردند و فیلم و صوتش هم هست، نفرمودند که ۶۰ نفر برای این پرونده (پرونده چای دبش) برکنار شده‌اند. ایشان گفتند در ۲ سال گذشته مواردی که دولت خودش به این موضوع رسیده این تعداد بوده است. البته چندی از این تعداد هم

نهادهای دامی بعد از کشف موضوع فرآیند به طور کلی اصلاح شد. افراد متخلف تحت تعقیب قرار گرفتند، وزیر استعفا داد و قائم مقام وزیر سابق هم برکنار و تحت تعقیب قضایی قرار گرفت.»

با اینهمه منصور حقیقت‌پور فعال سیاسی اصولگرا در واکنش به اظهارات رییس قوه قضائیه ۲۱ آذرماه به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «آقای رئیسی گفته ۶۰ نفر در پرونده چای دبش برکنار شدند؛ دستگاه قضا می‌گوید اسامی آنها اعلام نشده، این سطح ناهماهنگی قابل قبول نیست.»

به گفته وی «در اظهارات رسمی دولتمردان آمده بود که ۶۰ مدیر در پی شناسایی این فساد برکنار شدند، رئیس قوه قضائیه اعلام کرده که اسامی این نفرات اعلام نشده است. دلیل تعلل دولت در معرفی این افراد چیست، ناهماهنگی در این سطح برای ما قابل قبول نیست. برای ما که هر هفته می‌بینیم آقایان رؤسای قوا، یا در قوه مقننه یا در قوه مجریه یا در قوه قضائیه با هم می‌نشینند و در این سطح هماهنگی می‌کنند، این رفتارها اصلاً قابل قبول نیست.»

در همین ارتباط حشمت‌الله فلاحت پیشه استاد دانشگاه علامه طباطبایی فساد چای را یکی از نتایج میل مسئولان به مدیریت خارج از شمول نظارت و بازرسی دانسته و گفته است: «تا زمانی که این تمایل در کشور حاکم است، هر فصل یا هر ماه خبر از فساد بزرگ دیگری خواهد رسید.»

جزو همین پرونده هستند، ولی دولت این ۶۰ نفر را در این ۲ سال شناسایی کرده است و این روند هم ادامه دارد و اگر در این مسیر به افرادی برسند که کوتاهی و یا تخلفی انجام شده حتماً در این ساز و کار برخورد می‌شود.»

چندی پیش سخنگوی دولت سیزدهم در سخنانی گفته بود: «برکناری ۶۰ مدیر در دو سال گذشته مربوط به عملکرد گشت ارشاد مدیران است و منحصر به این پرونده خاص یا به معنای فساد یا ارتکاب جرم همه افراد برکنار شده نیست.»

وی اضافه کرده بود: «مواردی که از سوی دولت عنوان مجرمانه احراز شده باشد به قوه قضائیه ارجاع شده و با سایر موارد تخلف یا سوء مدیریت نیز با جدیت برخورد شده است.»

اینهمه در حالیست که رئیس قوه قضائیه برای اولین بار نام شرکت متخلف در حوزه واردات چای را در ۱۶ آذر اعلام کرد و گفت: «متأسفانه هم در مورد چای دبش و هم در مورد واردات نهادهای دامی تخلف صورت گرفته است.»

به گفته محسنی اژه‌ای، در مورد ارزش مادی پرونده و اینکه تخلف صورت گرفته یا جرم باید بررسی شود یا نه، قاضی می‌بایست تصمیم بگیرد.

وی توضیح داده بود: «به محض اینکه متوجه این اتفاق شدیم از کنار آن نگذشتیم. در مورد نهادهای دامی بازرسی کل کشور، دولت و وزارت اطلاعات به جد پیگیری کردند و مصمم بودیم موضوع را پیگیری کنیم. در مورد پرونده

قحط الرجال

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۹) فروردین ماه ۱۳۸۴ خیراندیشی (احمد احرار)

بازارشم



گرمی بازار خود می‌افزود.

حالا، این یکی دو هفته اخیر، صحبت از حضور قطعی حضرت آیت‌الله در عرصه انتخابات و آمادگی وجود مسجودشان برای خدمت به اسلام و انقلاب در مسند ریاست جمهوری است. خودشان هم فرموده‌اند: «اکنون همه بحثها بر سر این است که آیا مدیریت کشور به من منحصر می‌شود یا خیر... هرچه به انتخابات نزدیکتر می‌شویم احساس می‌کنم مسؤولیت من سنگینتر است».

بدین ترتیب، حضرت آیت‌الله رفسنجانی عملاً بر این نکته مهر تأیید می‌زند که در خاستگاه بودرجمهر و خواجه نظام‌الملک قحط‌الرجال راستین واقع شده و جز وجود مبارک ایشان، و یک مختصری هم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، کسی نمانده است که از عهده مدیریت مملکت برآید.

وقتی برای تریز حاکمی از طرف تهران تعیین شده بود که اول بار بود به آن نواحی می‌رفت. روزی که وارد تریز می‌شد جماعتی تا بیرون شهر به استقبال رفتند. یکی از مستقبلیین که در بازار حجره داشت خود را در فرصتی به حاکم رسانید و آهسته به او گفت شما تازه به حکومت این شهر رسیده‌اید و اوضاع و احوال اینجا را نمی‌دانید، دوست و دشمن را هم نمی‌شناسید. برای آن که مبادا اشتباهی از شما سر بزند و در ابتدای کار شکستی به‌بار آورد خوبست قبل از آنکه هر قدمی بردارید و هر تصمیمی بگیرید با محترمین شهر مشورت کنید.

حاکم را این خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی خوش آمد. گفت بسیار خوب، فردا در فلان ساعت شما محترمین شهر را با خودتان به دارالحکومه بیاورید تا درباره بعضی مسائل مهم مشورت کنیم.

روز بعد، آن شخص به همراه برادرش که او نیز در سلك کسبه بود به دارالحکومه رفت. آن دو را به تالار اجتماعات بردند. حاکم وارد شد و چون کسی را جز آن دو نفر ندید، پرسید پس محترمین شهر کجايند. رند مصلحت‌اندیش گفت در حقیقت این شهر چندان اشخاص محترمی ندارد. محترمینش یکی من هستم و یکی هم تا اندازه‌ای جناب اخوی!

سپهدار رشتی که در دوران ریاست وزرای او کودتای ۱۲۹۹ وقوع یافت مرد متمولی بود اما سواد چندانی نداشت. از او تعدادی «کلمات قصار» به‌یادگار مانده که یکی از آنها «قحط‌الرجال آبلیمو» است.

به‌برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، ایران به‌قول سپهدار رشتی دچار قحط‌الرجال آبلیمو شده است. این را ما نمی‌گوئیم، حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌گوید و می‌خواهد اثبات کند.

از دو سه ماه پیش که نام آیت‌الله رفسنجانی جسته و گریخته برای بازگشت به مقام ریاست جمهوری به‌گوش می‌رسید، جناب ایشان در پاسخ سؤال علاقه‌مندان، همراه با یکی از آن لیخندهای نمکین می‌فرمود مگر قحط‌الرجال است که مقامات مملکتی بین ما چند نفر دست به‌دست بگردد؟ ما آرمان را بیخته‌ایم و ال‌کمان را آویخته‌ایم و حالا نوبت جوانترهاست که بیایند و مسؤولیتها را به‌عهده بگیرند. این عدم تمایل، اوایل جدی به‌نظر می‌رسید و موجب شد که یکچند نام «پدرخوانده» از فهرست نامزدهای احتمالی در انتخابات ریاست جمهوری حذف شود. اما دوباره، پس از آنکه کاندیداهای ریز و درشت از جناح چپ و جناح راست قدم به میدان گذاشتند و میمنه و میسره آراستند، باز زمره آغاز شد که این گروه و آن گروه رفته‌اند خدمت آیت‌الله و گفته‌اند اوضاع بحرانی است، اسلام و انقلاب در خطر است و کسی را جز شما نداریم که از عهده غلبه بر بحران و دفع خطر و حفظ کیان اسلام و انقلاب برآید.

کم کم لحن سخن آیت‌الله عوض شد. دیگر از آن صحبتها نکردند که مگر قحط‌الرجال آبلیموست و نوبت جوانترهاست. فرمودند با وجود آن که ترجیح می‌دهم کنار بنشینم و میدان را برای دیگران باز بگذارم، اما اگر طوری پیش آمد که «احساس تکلیف» کردم البته مضایقه نخواهم داشت.

رسیدیم به دوره «ساسپنس»: می‌آید... می‌آید... هواداران نوشتند اگر نباید چه می‌شود. مخالفان پرسیدند اگر باید چه می‌کند. حضرت آیت‌الله هم با اظهار این که هنوز تصمیم نگرفته‌ام، و تکرار این که هنوز احساس تکلیف نکرده‌ام، بر

به گفته این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی «مجموع دزدی‌ها در پرونده‌های بزرگ اختلاس در ایران بیش از ۵۷ میلیارد دلار ارزیابی شده است. این رقم برابر با کل وامی است که کره جنوبی از صندوق بین‌المللی پول گرفت و ضمن نجات اقتصاد ورشکسته خود، در جمع ده اقتصاد برتر دنیا قرار گرفت».

وبسایت «تجارت‌نیوز» نیز ۱۴ آذرماه در گزارشی با عنوان «مسیر سبز برای فساد ۳۷/۳ میلیارد دلاری «دبش» در این ارتباط نوشت: «در روزهایی که دولت به بهانه کمبود منابع ارزی، واردات دارو، تجهیزات پزشکی، مواد اولیه شیرخشک و نهاده‌های دامی را به تأخیر انداخته و جان مردم و نوزادان را به بازی گرفته، مالک برند دبش سه میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار، یعنی دقیقاً معادل ارز مورد نیاز صنایع دارویی در سال جاری، ارز یارانه‌ای دریافت کرده است».

بنابراین گزارش «گرچه دولت سیزدهم با مقصر جلوه‌دادن دولت قبل باز هم سعی دارد از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند، اما به گواه اسناد منتشر شده، ۸۰ درصد این ارز طی دو سال گذشته به گروه کشت و صنعت دبش اختصاص یافته است. ماجرا از این قرار است که این برند موروثی برای واردات چای درجه یک هندی اقدام به ثبت سفارش کرده، اما در عمل همان چای درجه دوم را که به عنوان محصول صادراتی ایران به کنیا برده، حتی بدون فک پلمب به کشور بازگردانده است!»

در ادامه این گزارش آمده است: «شرکت دبش با این ترفند موفق شده در طول این سال‌ها، چای دو دلاری را بین ۱۴ تا ۲۰ دلار دلار به بازار عرضه و در هر کیلو به‌طور میانگین ۱۵ دلار سود کند. اما طبیعی است که برای جابه‌جا کردن رکورد فساد در ایران، وجود یک شرکت کافی نیست؛ بلکه این امر قبل از هر اقدامی به تشکیل یک کارتل مافیایی و حضور افرادی از نهادهای دولتی نیازمند است».

«در طول این سال‌ها شرکت دبش در حالی توانسته سیستمی متشکل از وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صمت و اقتصاد و نهادهایی همچون بانک مرکزی، گمرک، سازمان توسعه تجارت، سازمان استاندارد و حتی غذا و دارو را همدست خود کند که ارز مورد نیاز واردات چای در هر سال حدود ۲۴۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود، اما شرکت دبش به اندازه نیاز ۱۴ سال کشور، ارز یارانه‌ای دریافت و منابع کشور را غارت کرده است. از سوی دیگر، در حالی که ۱۲۷ شرکت دیگر واردکننده چای، پشت محدودیت‌های دولتی اسیر شده‌اند، اظهارات رئیس سازمان بازرسی گواه ایجاد «مسیر سبز» گمرکی برای ترخیص کالاهای این گروه بدون استعلام نهادهای مرتبط است».

حاشیه‌های فساد «دبش» همچنان در ایران ادامه دارد و وزارت جهاد کشاورزی پس از چند روز سکوت عجیب از ایجاد محدودیت در واردات چای خبر داد. یک نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنانی انتقادآمیز گفت واردات اسب و اسپرم منجمد شده برای مجلس اولویت بیشتری نسبت به بزرگترین فساد افشاشده‌ی تاریخ کشور دارد.

طی روزهای گذشته عدم واکنش نهادهای حکومتی از مجلس شورای اسلامی تا دولت، و حتی شخص علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به پرونده فساد دبش با انتقادهایی همراه بوده است. بسیاری معتقدند فساد به این گستردگی در هر کشور دیگری رخ می‌داد دست‌کم چند وزیر کابینه استعفا می‌دادند و واکنش محکمی از سوی نمایندگان مجلس آن کشور نشان داده می‌شد.

«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۵)

دیدار با بن بلا و تبادل نظر با دکتر کشاورز در الجزایر

از زمان اختفا در الجزایر تا انقلاب اسلامی در ایران پانزده بار گذرنامه عوض کردم و هربار به يك نام!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲)

بازنشر



حمید شوکت



کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پیشین ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است. در این کتاب، گفتنی‌های بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است. خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می‌کنیم. گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می‌آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

بود می‌گفت: موریس. به ما چیزی نگو. ما این راه و رسم رازداری را از دوره مقاومت و مبارزه با فاشیسم آموخته‌ایم، همه هم و غمشان راحتی و آسایش من بود.

● در فکر خدمت به خدا و خلق خدا بودند؟

– واقعا همین طور بود. انگار جز این وظیفه دیگری نداشتند اغلب سرشام از تجربیاتشان هنگام اشغال فرانسه به دست ارتش آلمان نازی و دشواریهایی که در آن زمان با آن رو به رو بودند سخن می‌گفتند. يك بارسر شام یکی از آنها به من گفت: موریس. خوب از این سالاد و سبزیجات بخور. دوره‌ای که ما با فاشیسم مبارزه می‌کردیم از این خبرها نبود. بخت با تو یار است که در این روزگار وارد مبارزه شده‌ای و همه به صدای بلند می‌خندیدند. باید این را نیز اضافه کنم که در تمام آن مدت يك بار با من از مسیح و انجیل یا دین و ایمان سخنی به میان نیاوردند و کمترین نشانی در میان نبود که بخواهند مرا تحت تاثیر عقاید خود قرار دهند.

● مربوط به چه فرقه‌ای بودند؟

– کلیسایی در فرانسه هست که به آن کلیسای مذهبیون اهل عمل می‌گویند و این با کلیسای رسمی کاتولیک تفاوت دارد. پدر پی‌یر که شصت و چند ساله می‌نمود و بقیه ساکنان آن صومعه که کم و بیش سالی در همین حدود داشتند به کلیسای مذهبیون اهل عمل تعلق داشتند.

● جز آنها با کس دیگری تماس نداشتی؟

– با هیچ کس. روزهای یکشنبه هم که روستائیان برای عبادت به کلیسا می‌آمدند به من می‌گفتند از اتاقم خارج نشوم.

● چه مدتی در آن صومعه بودی؟

– پانزده روز. يك بار پس از صرف شام پدر پی‌یر به اتاقم آمد و گفت، موریس بیش از این صلاح نیست که این جا بمانی. تصمیم گرفته‌ایم محل امن‌تری را برایت تدارک ببینیم. این محل در بلژیک است و باید به آنجا بروی. من می‌خواهم در این باره باهم صحبت کنیم.

شبی به قدحی که قطرش شاید يك متر و روزگاری قسمتی از تنه درخت تنومندی بود قرارداداشت. در این طرف برای همه سالاد درست می‌کردند. غذای اصلی آنها اغلب همین سالاد و سبزیجاتی بود که مورد علاقه توست. سبزی‌ها را هم خودشان می‌کاشتند و خودکفا بودند. کارشان شب و روز ، مطالعه و دعا و نیایش بود.

● شب و روزت چگونه می‌گذشت و با چه زبانی صحبت می‌کردید؟

– من تاحدودی فرانسه بلد بودم و آنها نیز کمی انگلیسی می‌دانستند. بیشتر وقتم به خواندن کتاب می‌گذشت. فرصت خوبی پیدا کرده بودم که انجیل بخوانم و این کار، گاه شبها تا دیروقت ادامه پیدا می‌کرد. فقط شب هنگام خواب کمی سخت می‌گذشت. اتاق کوچکی به من داده بودند که بی شباهت به محراب نبود؛ با مجسمه‌ای از مریم مقدس که لبخند معنی‌داری بر گوشه لب داشت و شمع بزرگی که همواره روشن بود. از من خواسته بودند هیچ گاه آن شمع را خاموش نکنم و من به احترام چنین می‌کردم. پس، کم و بیش خواب چندانی در میان نبود؛ آن هم در فکر دائمی ماجرای کاخ مرمر و اضطرابی که نیکخواه و یارانش با چنان اتهام سنگینی در اسارت دشمن درجه موقعیتی قرارخواهند داشت؟

● و همه اینها درشعله شمع و نگاه و لبخند معنی دار مریم مقدس و صومعه‌ای که هزاران کیلومتر از ایران فاصله داشت...

– صبح وقتی از خواب بیدار می‌شدم بلافاصله رادیو بی بی سی را می‌گرفتم تا ببینم آیا خبرتازه‌ای از سرنوشت گروه نیکخواه به دست خواهم آورد؟

● کشیش‌ها می‌دانستند سیاسی هستی؟

– می‌دانستند اما اجزئیات بی‌خبر بودند. اصولا کمترین کوششی نیز نمی‌کردند که بدانند ماجرا از چه قرار است. خاطرهم هست پدر پی‌یر که به نوعی مسئول تماس با من

● محسن رضوانی – به هر تقدیر ژولی گفت حقیقت امر هرچه باشد باید فوراً پنهان شوم، چون درصورت دستگیری، پلیس فرانسه مرا تحویل دولت ایران خواهد داد. پس، شبانه مرا به خانه پرفسوری که با گروه او همکاری داشت برد.

● حمید شوکت – او نیز جزو گروه «توما» بود؟

– چنین حدس می‌زد. بعدها با چند نفر دیگر از اعضای این گروه نیز آشنا شدم. اغلب استاد دانشگاه بودند و خانه‌هایی مجلل داشتند و با کلفت و نوکر و راننده از من پذیرایی می‌کردند. سرشام صحبت برسر حادثه و کاخ مرمر و نقش نیکخواه، و اوضاع ایران بود. وقتی شام تمام شد او گفت ماندن من در پاریس خطرناک است و قرار است مرا به نقطه امنی ببرند. همان شبانه مرا سوار اتومبیل شیکی کردند و با راننده‌اش به دهی که درفاصله يك ساعت و نیمی پاریس قرار داشت رفتیم. پیش از حرکت نیز مقداری پول به من داد.

● در آن ده چه کردی؟

– مرا به منزل نجاری که با خانواده‌اش زندگی می‌کرد بردند و مدت يك هفته آن جا ماندم. پس از آن صاحب خانه گفت باید تغییرمکان دهم و مرا این بار به صومعه‌ای بردند. اقامت من در این صومعه دو هفته طول کشید که دوره جالبی بود. در هر اتاقی نیز يك شمایل حضرت مریم را آویخته بودند.

● آن صومعه کجا واقع شده بود؟

– منطقه‌ای در شمال فرانسه و نزدیک مرز بلژیک با دیوارهای سنگی بزرگی که دور تا دورش پر از باغ و درخت و دشت و چمن بود. نزدیک این صومعه کلیسایی قرار داشت که یکشنبه‌ها روستائیان برای عبادت به آنجا می‌آمدند. گمان می‌کنم بیست کشیش در آنجا زندگی می‌کردند. در زیر زمین صومعه میز چوبی قدیمی بسیار بزرگی قرار داشت. در انتهای میز يك طرف بزرگ چوبی،

— نه، در سطح روابط گرم و دوستانه باقی ماند. دیگر به نوعی اهل خانه شده بودم.

● شب و روزشان چگونه می‌گذشت و چه فعالیتی داشتند؟

— نمی‌پرسیدم چه می‌کنند. این يك اصل اساسی بود که هیچ وقت سؤالی نکنیم و اگر مطلبی عنوان می‌شد، کنجکاوی نداشته باشیم. همین قدر می‌توانم بگویم که آن روزها آوازه انقلاب الجزایر و کوبا در تمام جهان پیچیده بود. انقلابیونی که زندان دیده، شکنجه شده، شکست خورده و تحت تعقیب بودند، به الجزایر و کوبا دل می‌بستند و آن را میهن و سرزمین خود می‌دانستند. از خاورمیانه، آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، انقلابیون به سوی الجزایر و کوبا روان بودند.

شبهات وقتی در خیابانهای الجزایر قدم می‌زدی آرژانتینی و پرتغالی و عرب و ترک و هزار و يك جماعت دیگر را می‌دید که بیش و کم هم سرنوشت تو بودند و از همین واقعیت احساس یگانگی و غرور می‌کردی. در آن روزگار الجزایر به انقلاب ایران کمک می‌کرد و من هنگام اقامت در آن کشور با چند ایرانی که سیاسی بودند و آنها را از اروپا می‌شناختم رو به رو شدم. بدون آن که بپرسم چرا و برای چه به الجزایر آمده‌اند.



دکتر فریدون کشاورز

دیدار با بن بلا

● دیدار با بن بلا چگونه بود؟

— وقتی کار گرفتن گذرنامه الجزایری به تاخیر افتاد، از میزبانانم پرسیدم آیا هیچ راهی هست که به بن بلا رجوع کنیم؟ چند روز بعد گفتند برایم از او وقت گرفته‌اند. با بن بلا در کاخ ریاست جمهوری ملاقات کردم. دیدار با او احساس شادی و شغفی فوق العاده در من ایجاد کرد. آن روزها از بن بلا، با احترام و ویژگی خاصی نام برده می‌شد. به هر حال، در ملاقات کوتاهی که با او داشتم موقعیتم را تشریح کردم و توضیح دادم به چه علت به الجزیره آمده‌ام. همچنین اضافه کردم که در ماجرای کاخ مرمر نقشی نداشته‌ام و بعید می‌دانم که نیکخواه و یارانش نیز در این مسأله دخیل بوده باشند.

● بن بلا چه گفت؟

● هیچ فکر نمی‌کردی ممکن است پیش از ترک بروکسل در فرودگاه دستگیر شوی؟

— نگران که بودم؛ اما آن روزها کنترل مرزها به شکل امروز نبود. حتی به این که موعد تمدیدگذرنامه ایرانی‌ام نیز سرآمده، اهمیتی ندادم علاوه بر این چاره‌ای نداشتم. هرچه زودتر اروپا را ترک می‌کردم خطر دستگیری کمتر می‌شد. در فرودگاه الجزایر دو فرانسوی، که خود را از دوستان ژولی معرفی کردند به استقبال آمدند. با آنها به منزلشان که در نزدیکی میدان پست مرکزی قراردادشتر رفتم.

● آنها در الجزایر چه می‌کردند؟

— در آن خانه چهار زن فرانسوی زندگی می‌کردند که از دوره مبارزات آزادیبخش با جنبش استقلال طلبانه الجزایر همکاری داشتند و با پیروزی انقلاب در الجزایر ماندگار شده بودند. بیش از آن نیز مدت‌ها در مصر زندگی کرده و روزگاری عضو حزب کمونیست مصر بودند و به اجبار آن کشور را ترک کرده بودند. هر چهار نفر زبان عربی را خیلی خوب صحبت می‌کردند و انگلیسی و فرانسه می‌دانستند.

● با ژولی چه رابطه‌ای داشتند؟

— عضو همان گروه توما بودند و می‌گفتند یهودی هستند و این نکته‌ای درخور توجه است. یعنی از ژولی کارشناس زبان کردی تا پدر پی یر مسیحی و یهودیانی که روزگاری عضو حزب کمونیست مصر بودند، همگی



احمد بن بلا

در يك سمت و سو در يك تشکیلات برای سالیان طولانی فعالیت و مبارزه کرده بودند. بعد ها متوجه شدم یکی از آنها که نادیا نام داشت خواهر ژولی است. نادیا با آن که هنوز سی سال نداشت دندانپزشک شده بود. می‌گفت در جریان بازجویی‌هایی که در مصر متحمل شد، به این روز افتاده است.

● این اطلاعات را چگونه به دست آوردی؟

— سه ماهی با آنها زندگی کردم. نسبت به من خیلی مهربان بودند، اما علی‌رغم آن چه در آغاز کار گفته بودند که ظرف یکی دو هفته برایم گذرنامه الجزایری می‌گیرند، هرچه دوندگی می‌کردیم به جایی نمی‌رسیدیم. حتی موفق شدند برایم از بن بلا، رئیس جمهور الجزایر وقت ملاقات بگیرند، اما نمی‌دانم چرا گذرنامه درست نشد؟

● آیا آن مهربانها به روابط عاطفی و عاشقانه نیز کشید؟

— من موافق این کار نبودم و گفتم مایلم به پاریس بروم و با دوستانم ملاقات کنم، چون مدتی است از وضع آنها بی‌خبرم. پدر پی‌یر گفت: مانعی ندارد فردا ترتیب این کار را می‌دهیم. فقط خیلی احتیاط کن، چون ما مسئول سلامت تو هستیم و نمی‌خواهیم برایت اتفاق ناگواری رخ دهد.

روز بعد، یکی از روستائیان آمد و مرا با اتومبیل به پاریس برد. فردای آن روز با ژولی تماس گرفتم. او ظاهراً از آمدنم به پاریس توسط پدر پی‌یر اطلاع یافته بود و با هم در کافه‌ای ملاقات کردیم. ژولی گفت چون پلیس فرانسه در تعقیبم است، ماندنم در آن کشور صلاح نیست. به همین جهت بهتر است به بلژیک بروم و در آنجا مدتی با استقاده از امکاناتی که در اختیار دارند منتظر بمانم. اما این امکانات نیز موقتی است و راه دیگر این است که اگر مایل باشم به الجزایر بروم.

● چرا الجزایر؟

— گروهی که ژولی عضو آن بود. با جنبش آزادی بخش الجزایر همکاری و به آن جنبش کمک می‌کرد. ژولی می‌گفت: ما در الجزایر امکانات زیادی داریم و می‌توانیم آن‌جا برای گذرنامه الجزایری بگیریم.

● موافقت کردی؟

— به نظر پیشنهاد خوبی آمد. چون در فرانسه یا بلژیک به هر حال خطر دستگیری و تحویلیم به دولت ایران وجود داشت. حال آن که در الجزایر دست و پا بلزتر بود. برای مدتی از ماجرا دور می‌شدم و می‌توانستم صبر کنم تا آنها از آسیاب بیفتند. علاوه بر این، کشاورز نیز در الجزایر بود و یاد حرف چینی‌ها افتاده بودم که می‌گفتند: اگر تصمیم گرفتید به چین بیایید با رفیق فریدون کشاورز تماس بگیرید.

بر این اساس با پیشنهاد ژولی موافقت کردم. با این همه قرار شد اول به بلژیک که امن تر بود برگردم و از آنجا به الجزایر بروم، ژولی نشان محلی را در مرز فرانسه و بلژیک به من داد. با آذر هوشنگ توکلی به سمت مرز رفتیم. پیش از ترک فرانسه با برخی کادرها و رهبران گروههای سیاسی ایرانی تماس گرفتیم تا مسأله دفاع از گروه نیکخواه را برنامه ریزی کنیم.

● در آن جا با چه کسی قرار داشتی؟

— حساب همه چیز را کرده بودند. در مرز فرانسه در خانه‌ای که نشانی آن را به ما داده بودند منتظر شدیم و سر ساعت معین براساس کروکی‌ای که کشیده بود پیاده از منطقه‌ای که خاک فرانسه را از بلژیک جدا می‌کرد گذشتیم. آذر هوشنگ توکلی از همین جا برگشت و من پس از ده پانزده دقیقه راه پیمایی وارد خاک بلژیک شدم. در این جا يك خانم بلژیکی در اتومبیل سیتروئن مشکی رنگی در انتظارم بود. با رد و بدل کردن رمز کوتاهی سوار شدم و به سمت بروکسل آمدم. نزدیکی‌های غروب، پس از يك ساعت رانندگی به بروکسل رسیدیم. او مرا به خانه و خانواده‌ای بلژیکی برد و چند روز بعد با هم به سفارت الجزایر در بلژیک رفتیم. گمان می‌کنم هنوز سفارت نبود و بیشتر حالت دفتر نمایندگی را داشت.

● خود را چگونه معرفی کردی؟

— گفتم موریس و تبعه ایران هستم. این رمزی بود که ژولی پیشاپیش قرارش را با آنها گذاشته بود. ده دقیقه‌ای بیش نگذشته بود که روی ورقه‌ای به من ویزا دادند. بیرون دفتر نمایندگی، همان خانم با سیتروئن مشکی رنگش در انتظارم نشسته بود. از آنجا برگشتیم و همان روز بلیطی برایم گرفتند و دو روز بعد با شرکت هواپیمایی سابتا به الجزایر رفتم.



وزیر خارجه بریتانیا: باید به جمهوری اسلامی فهماند که اقدامات بدخواهانه را تحمل نمی‌کنیم



دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا

کامرون در پاسخ به این پرسش که آیا لندن آماده اعمال سایر اقدامات علیه این تهدیدات هست یا نه، گفت که این موضوع چیزی نیست که عمومی قابل طرح باشد اما توضیح داد «باید هشدار بسیار واضحی به حوثی‌ها و حامیان ایرانی آنها ارسال شود که ما این حملات ادامه‌دار به کشتیرانی را تحمل نمی‌کنیم.»

به اعتقاد ناظران، عدم واکنش مناسب در مقابل تهدیدات چندبُعدی رژیم ایران و شرکای آن در منطقه «محور مقاومت» را بیشتر از هر زمان دیگری گستاخ کرده است. سردار بسیجی محمدرضا نقدی معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدید کرده «آمریکا و رژیم صهیونیستی به زودی باید منتظر بسته شدن دریای مدیترانه و جبل الطارق و سایر آبراه‌ها باشند.»

یکی از انتقادات به دولت بریتانیا خودداری از قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی است. پیش از این گوئیبدو کروسو وزیر دفاع ایتالیا تهدید کرد که اگر رژیم ایران به مسیر کنونی ادامه دهد بهتر است آن را از روابط بین‌الملل حذف کرد. وی در مصاحبه با روزنامه «ایل فولیو» که ۳۰ آذرماه منتشر شد گفته بود «نقش [رژیم] ایران باید روشن شود. نمی‌توان باور کرد کشوری که بنزین روی آتش می‌پاشد بدون هیچ مزاحمتی همچنان به کار خود ادامه دهد.»

جان استاوپرت مدیر ارشد محیط زیست و تجارت اتاق بین‌المللی کشتیرانی که ۸۰ درصد از ناوگان تجاری جهان را در بر می‌گیرد نیز به آسوشیتدپرس گفته است در شرایطی که ۴۰ درصد تجارت آسیا و اروپا بطور معمول از طریق آبراه انجام می‌شود، ناامنی در دریای سرخ تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد جهانی خواهد گذاشت.

بر اساس گزارش مجله «اکنومیست»، «۵۳ درصد تجارت کانتینری جهان در دریای سرخ متوقف شده است.» حمله حوثی‌ها به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری بخشی از دفاع نامتقارن جمهوری اسلامی در منطقه است بدون اینکه مسئولیت این حملات را به عهده بگیرد.

● دیوید کامرون که این هفته از منطقه دیدن کرد و با همتای مصری خود در مورد جنگ اسرائیل در غزه و همچنین وضعیت ناآرام دریای سرخ به گفتگو پرداخت، تهران را به کمک به «گروه‌های نیابتی» متهم کرد. پیش از این گوئیبدو کروسو وزیر دفاع ایتالیا تهدید کرد که اگر رژیم ایران به مسیر کنونی ادامه دهد بهتر است آن را از روابط بین‌الملل حذف کرد.

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که یکشنبه ۲۴ دسامبر (سوم دی‌ماه) منتشر شد، گفت در اینکه رژیم ایران به دنبال «نفوذ کاملاً بدخواهانه» در منطقه و جهان است شکی نیست. وی متعهد شد که تهدیدات بازدارنده‌ی بیشتری در قبال تهدیدات جمهوری اسلامی به کار گرفته شود.

این صحبت‌ها در حالی بیان شده که مقامات آمریکایی بارها جمهوری اسلامی را به دست داشتن در حمله حوثی‌ها به نفتکش‌ها و کشتی‌های خارجی در دریای سرخ و باب‌المندب متهم کرده‌اند. بر اساس اعلام پنتاگون، رژیم ایران اطلاعات تاکتیکی کشتی‌ها را در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد. کامرون که این هفته از منطقه دیدن کرد و با همتای مصری خود در مورد جنگ اسرائیل در غزه و همچنین وضعیت ناآرام دریای سرخ به گفتگو پرداخت، تهران را به کمک به «گروه‌های نیابتی» متهم کرد.

وی به تلگراف گفت: «ایران در حال نفوذ کاملاً بدخواهانه در منطقه و جهان است... در این شکی نیست. شما حوثی‌ها را دارید، حزب‌الله و البته حماس را دارید، شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در عراق را دارید که به پایگاه‌ها و نیروهای بریتانیایی و آمریکایی حمله می‌کنند... اینها همه نیابتی هستند و من فکر می‌کنم این بسیار مهم است که اول از همه [رژیم] ایران یک پیام فوق‌العاده واضح دریافت کند که این تهدیدات تحمل نخواهد شد.»

کامرون افزود: «ما باید با متحدانمان کار کنیم تا مجموعه‌ای واقعاً قوی از اقدامات بازدارنده علیه [رژیم] ایران ایجاد کنیم و مهم است که این کار را انجام دهیم.»

➔ - او به گرمی از من استقبال کرد و پس از پایان سخنانم گفت همان روز دستور خواهد داد برایم گذرنامه الجزایری صادر کنند. اما علی رغم قول او که در آن لحظه کمترین تردیدی در اصالت آن نداشتیم، هیچ‌گاه گذرنامه الجزایری نگرفتم.

● چه تصمیمی گرفت؟

- مدتی در انتظارماندم و چون خبری نشد، از رفقایم در اروپا خواستم برایم گذرنامه ایرانی بفرستند که چندی بعد به دستم رسید و با شیوه‌ای که از آلکس، کمونیست یونانی، درلندن آموخته بودم، نام و عکس آن را عوض کردم. این اقدام سرآغاز زندگی جدیدی بود که با نام رشدی آغاز می‌کردم. از آن پس تا آستانه انقلاب ایران که گذرنامه واقعی گرفتم، بیش از ۱۵ بار گذرنامه عوض کردم و هر بار نیز با نام تازه‌ای.

● تماس با فریدون کشاورز چگونه صورت گرفت؟

- دکتر کشاورز آن روزگار در الجزایر صاحب نام بود و ریاست بیمارستان المصطفی را برعهده داشت. او چنان که شهرت یافته بود، با مهارت در رشته خود باعث نجات جان دهها نفر شده و در الجزایر از احترامی فوق‌العاده برخوردار بود. وقتی با او ملاقات کردم، مرا به منزلش دعوت کرد و گفت از آن پس می‌توانم در آن جا زندگی کنم. این شد که از منزل آن فرانسویها به منزل کشاورز نقل مکان کردم. به هرحال تا گذرنامه جعلی به الجزایر برسد به دعوت کشاورز در منزل او زندگی کردم و با هم خیلی دوست شدیم. در این فاصله از هر فرصتی برای بحث و گفتگو استفاده می‌کردم. او برایم از تجربیاتش می‌گفت. از سالهای زندگی درشوروی و عراق و انتقاداتی که به حزب توده داشت.

● ارزیابی تو از نظراتش چه بود؟

- احساس می‌کردم دانش تئوریک چندانی ندارد. بیشترتپ شخصیتی ملی بود و به نظر نمی‌آمد در فکر ایجاد یک جریان مارکسیست - لنینیستی باشد. به روابط بین‌المللی و جلب حمایت دولتها خیلی اهمیت می‌داد. حمایتی که پشتیبانی مالی در آن نقش مهمی بازی می‌کرد. کشاورز تصورش این بود که به عنوان شخصیتی اجتماعی که روزگاری، وزیر کابینه مصدق بوده و به عنوان پزشکی سرشناس شهرت دارد، می‌تواند با تکیه بر سابقه مبارزاتی رهبر یک جریان سیاسی باشد هرچند این مطلب را آشکارا بیان نمی‌کرد.

● منظورت وزیر کابینه قوام است

- نه، مصدق. یعنی با این که روزگاری وزیر کابینه قوام بود، اما در الجزایر از او به عنوان وزیر کابینه مصدق یاد می‌کردند، چون مصدق به عنوان قهرمان مبارزه، ضد امپریالیستی مردم ایران در الجزایر شناخته شده بود و البته نمی‌دانم این خطای فاحش از کجا سرچشمه می‌گرفت؟ اما می‌دانم که کشاورز کوششی برای اصلاح آن نمی‌کرد.

● درمورد نظراتش چه فکر می‌کردی؟

- من با احترامی که برایش قائل بودم کوشش می‌کردم نظرات و راه و روش خودمان را توضیح دهم دست کم دریک مورد به نحوه برخورد او با رهبران حزب توده ایراد داشتم. کشاورز بیشتر مسایل را از زاویه شخصی عنوان می‌کرد. می‌گفت کیانوری چنین و چنان کرده است اسکندری این ایرادها را دارد و کامبخش این جا و آنجا چنین گفته است. ما از منظر دیگری به قضایا نگاه می‌کردیم. می‌خواستیم اختلافات نظری را بشکافیم و در پی آن بودیم که بدانیم خط و ربط سیاسی چیست. به او گفتم می‌تواند درکنفرانس سازمان که قرار است بزودی تشکیل شود شرکت کند. (ادامه دارد)

گروگان اسپانیایی پس از ۱۵ ماه زندان در تهران به مادرید بازگشت



سانتیاگو سانچز کوخودر/ عکس از شبکه‌های اجتماعی

کوتاهی به کیهان لندن می‌گوید «سانتیاگو اگرچه در شرایط جسمانی مناسبی قرار دارد ولی در مدتی که در زندان بوده بیش از ده کیلو وزن کم کرده و از نظر روحی صدمه بسیاری دیده است.» همین دیپلمات می‌افزاید «دولت اسپانیا هیچگونه تعهدی را در مقابل آزادی سانتیاگو نپذیرفته و شاید به همین دلیل تلاش‌ها برای آزادی او ماه‌ها به طول انجامیده است.»

خبر تکمیلی

سانتیاگو سانچز کوخودر در دیدار کوتاهی با روزنامه‌نگاران در فرودگاه بارخاس مادرید بلافاصله پس از بازگشت به اسپانیا پس از تقریباً ۱۵ ماه زندان در جمهوری اسلامی گفت: «خیلی طولانی و خیلی سخت بود ولی حالا من در کشور خودم هستم. ما باید بدانیم که چقدر خوش‌شانس هستیم که در این کشور متولد شدیم.»

سانچز کوخودر نیز بلافاصله پس از به آغوش گرفتن فرزند ۴۱ ساله‌اش گفت «بالاخره این کابوس پایان یافت.»

این جهانگرد اسپانیایی که اول اکتبر ۲۰۲۲ بلافاصله پس از ورود به ایران از اقلیم کردستان عراق، در آرامستان آبیچی سفر حین ادای احترام به مهسا (ژینا) امینی بازداشت شده بود، به خبرنگارانی که برای استقبال از او در فرودگاه حضور داشتند گفت «روز یکشنبه قبل از ترک زندان (اوین) بیش از ۵۰۰ زندانی با من خداحافظی کردند و شادمانی خودشان را از آزادی من با کف زندن و فریاد نشان دادند.»

او در ادامه با اشاره به رفتار مقامات قضائی جمهوری اسلامی گفت: «این مادر...ها در تمام مدت مرا تهدید به اعدام می‌کردند.» او در خاتمه گفت با وجود نظر مخالف آنخل لوسادا سفیر اسپانیا در تهران، قصد دارد به ایران بازگردد «زیرا کسی نمی‌تواند برای من تعیین تکلیف کند.»

کردند که به گفته آنخل لوسانو، سفیر اسپانیا در تهران، هم‌بندی‌هایش انگلیسی صحبت می‌کردند و به او اجازه دریافت کتاب و دیدار با مقامات کنسولی داده شد. روز یکشنبه آنخل لوسانو شخصاً در زندان اوین حضور پیدا کرد تا این گروگان اسپانیایی را که به گفته مقامات جمهوری اسلامی به احترام «روابط دوستانه و تاریخی بین دو کشور» و «بر اساس قانون» آزاد شده است تحویل گیرد. سانتیاگو سانچز کوخودر آخرین شب سال ۲۰۲۳ میلادی و اولین شب پس از پایان کابوسی را که بیش از ۱۴ ماه به طول انجامید در محل سکونت سفیر اسپانیا در تهران گذراند.

در دورانی که این گروگان اسپانیایی در زندان بود، مقامات دولتی این کشور اروپائی تلاش کردند تا رسانه‌ها کمتر در این مورد بنویسند، به ویژه پس از آنکه در ماه فوریه سال گذشته میلادی توانستند آنا بائیرا، دیگر شهروند اسپانیایی را که در جریان اعتراضات سال ۲۰۲۲ بازداشت شده بود به مادرید بازگردانند.

در اعتراض به این سیاست دولت اسپانیا، اول اکتبر سال گذشته میلادی اعضای خانواده و گروهی از دوستان سانتیاگو در مقابل وزارت خارجه در مادرید تجمعی در سکوت برگزار کردند. بعد از این تجمع خوزه مانوئل آلبارس، وزیر خارجه اسپانیا، در یک سخنرانی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر به گروگانگیری جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «سانتیاگو نه تروریست و نه جاسوس است؛ بلکه جهانگردیست که جمهوری اسلامی برای ساکت ساختن غرب در مقابل سرکوب مبارزات زنان ایران به گروگان گرفته است. سانتیاگو نمی‌توانست نسبت به سرکوب وحشیانه زنان در جمهوری اسلامی بی‌تفاوت بماند و به همین دلیل برای ادای احترام بر مزار ژینا حضور یافته بود.» یکی از دیپلمات‌های اسپانیایی در تهران در گفتگوی بسیار

● سانتیاگو سانچز کوخودر جهانگرد اسپانیایی که دوم اکتبر ۲۰۲۲ در آرامستان آبیچی سفر بازداشت شده بود، پس از حدود ۱۵ ماه حبس، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ از زندان اوین آزاد شد.

● سانتیاگو سانچز کوخودر ۸ ژانویه سال ۲۰۲۲ میلادی پیاده‌روی خود را از مادرید برای حضور در جام جهانی فوتبال به مقصد امیرنشین قطر آغاز کرده بود.

● خوزه مانوئل آلبارس وزیر خارجه اسپانیا در ماه نوامبر ۲۰۲۳ سکوت خود را شکست و گفت «سانتیاگو نه تروریست و نه جاسوس است، بلکه جهانگردیست که جمهوری اسلامی برای ساکت ساختن غرب در مقابل سرکوب مبارزات زنان ایران به گروگان گرفته است.»

احمد رأفت - در خانه والدین سانتیاگو سانچز کوخودر در آکالا د هنارس Alcalá de Henares در حومه مادرید، دوستان و خانواده او از اولین ساعات روز سه‌شنبه ۲ ژانویه ۲۰۲۴ جمع شدند و در انتظار بازگشت این جهانگرد اسپانیایی پس از حدود ۱۵ ماه زندان در ایران هستند.

در آخرین روز سال ۲۰۲۳ میلادی، سفارت جمهوری اسلامی در مادرید در شبکه ایکس اعلام کرد که سانتیاگو سانچز کوخودر از زندان اوین آزاد شده است. لحظاتی بعد در همین شبکه، فلیپه ششم، پادشاه اسپانیا، این خبر را تأیید کرد و نوشت در انتظار جشن گرفتن سال جدید میلادی در حضور سانتیاگو سانچز کوخودر در مادرید است.

برقراری تماس حتی تلفنی نیز با والدین این جهانگرد اسپانیایی در این ساعات بسیار مشکل است. فردی که به تلفن‌ها پاسخ می‌دهد به غایب‌نگی از سلینا، مادر سانتیاگو، می‌گوید او با فرزندش بلافاصله پس از آزادی از زندان اوین و انتقال به محل زندگی سفیر اسپانیا در تهران گفتگوی کوتاهی داشته است و در انتظار به آغوش گرفتن او در بعد از ظهر سه‌شنبه است.

آخرین ملاقات سلینا با فرزندش به ۸ ژانویه سال ۲۰۲۲ میلادی باز می‌گردد، زمانی که این جهانگرد و حامی تیم رئال مادرید از سان سباستیان د لوس ریئس San Sebastián de los Reyes، در ۲۰ کیلومتری مادرید پیاده‌روی خود را به سمت قطر برای حضور در جام جهانی فوتبال آغاز کرد.

سانتیاگو سانچز کوخودر در روز دوم اکتبر سال ۲۰۲۳ هنگام بازدید از مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آبیچی سفر بازداشت و بلافاصله به زندان تبریز منتقل شد. جمهوری اسلامی تا سه هفته خبر بازداشت این جهانگرد اسپانیایی را اعلام نکرده بود. آخرین خبری که او از این سفر در شبکه‌های اجتماعی قرار داده بود، ورود او به ایران با عکسی از منطقه مرزی در اقلیم کردستان عراق بود.

سانتیاگو سانچز کوخودر که اکنون ۴۱ سال دارد، پس از دو ماه به بند ۲۰۹ زندان اوین در تهران منتقل شد و ماه‌ها، بنا بر آنچه او در اولین ملاقاتش با غایب‌نده‌ای از سفارت اسپانیا در تهران گفته بود «در سلولی که مساحت آن از یک مترمربع تجاوز نمی‌کرد و بدون دسترسی به سرویس بهداشتی»، در وضعیت بسیار سختی نگهداری می‌شد.

ماه‌ها بعد سانتیاگو را از افرادی به سلول دیگری منتقل

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید (۵) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

● برخی ممکن است بگویند او ریگان بود که اینها را گفته. شما می‌توانید به گزارش واشنگتن پست در ۱۹۸۰ و در فوریه ۱۹۷۹ توجه کنید. [تیتز واشنگتن پست در مقاله‌ای به تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۷۹] «اعدام‌ها در ایران تازه اول کار است... تهران می‌گوید ۴ اعدام آغاز پاکسازی است» آنها از کلمه «پاکسازی» استفاده می‌کنند. پاکسازی خیابان‌های ایران. پیروان ادیان مخالف یا حتی ادیان غیرمخالف، بهائیان چپ و راست کشته می‌شدند. پرسنل نظامی چپ و راست کشته می‌شدند... همین امروز چه اتفاقی برای شما می‌افتد اگر عضوی از جامعه LGBTQ باشید؟ چرا یک کمپین در شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی می‌کنید و نمی‌گویید، بیا بیاید امروز در ایران در خیابان‌ها با پرچم رنگین کمان اعتراض کنیم و ببینید با شما چه می‌کنند؟ زیرا اگر این کار را بکنید خیلی سریع به دیدار سن پیتز یا هر کسی که خدای شماسست خواهید شناخت! ریگان حتا به پدر شما به خاطر کارهایی که در ایران انجام می‌داد اعتبار می‌داد و می‌گفت که او کاری را انجام می‌دهد که ما باید بکنیم.

گاهی اوقات که مردم [آمریکا] از اسرائیل، تانیاها، انتقاد می‌کنند، حداقل تانیاها به ما زنگ می‌زند و نمی‌گوید ۵۰ هزار سرباز بفرست و... زلینسکی آمد. او بزرگترین مدیر مالی همه کمپین‌های جمع‌آوری پول در تمام دوران است. ۴۰ میلیارد بده! ۲۰ میلیارد دیگر بده! اگر ندهی، بچه‌های خودتان باید اعزام شوند! دست‌کم تانیاها کار خودش را می‌کند و از کسی تقاضای کمک نمی‌کند. می‌گوید خودمان این مشکل را حل خواهیم کرد. امروز چه مسائلی خاورمیانه را احاطه کرده؟ وقتی می‌بینی ریگان در مناظره ۱۹۸۰ آن حرف‌ها را می‌گوید، می‌دانی که او همان لحظه انتخاب شده. در عرض چند دقیقه انتخاب شد. طی چند دقیقه نیز خمینی اسیران جنگی را آزاد می‌کند چرا که تا این حد ترس داشتند. به نظر شما رئیس‌جمهور فعلی ما بیشتر شبیه جیمی کارتر است یا رونالد ریگان؟

- می‌دانید، گفت این موضوع جالب است زیرا چیزی در ذهن من یادآوری شد و آنهم در مورد آزادی نهایی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران. چیزی مشابه وجود دارد به این معنا که چپ اینجا از دولت ترامپ انتقاد کرد که از برجام خارج

● بله...
- و آنها را چه خواهید نامید؟ از نظر امنیت ملی چه پاسخی می‌دهید؟
● اولویت شماره یک محافظت از ملت است.

● درست است؛ آنها مقاله می‌نوشتند و می‌گفتند که دهان ما را بسته‌اند! در حالی که سعی می‌کردند جنگ مسلحانه راه بیندازند. گروه‌هایی مثل مجاهدین خلق که وابستگان نظامی ایران را در آن زمان ترور می‌کردند. یا گروه‌های دیگری که افسران پلیس یا سربازان ایرانی را می‌کشتند. چگونه می‌توانی با آنها برخورد کنی؟ یک کار بی‌هزینه نیست. درواقع، آن حزبی که شما به آن اشاره کردید، حزب توده، پدرم چند بار هدف ترور قرار گرفت، فکر می‌کنم دو بار بود و اولین بار توسط سربازی بود که تحت تأثیر این حزب قرار داشت و دست به سوء قصد زد. پدرم از آن جان سالم به در برد. اما واقعیت این است که تا آن زمان، حزب توده هنوز یک حزب قانونی بود. درواقع، دومین حزب کمونیست قدیمی جهان پس از حزب کمونیست شوروی. این حزب هنوز قانونی بود.

● می‌دانید، همیشه مقصر دانستن دولت آسان است، اما چه مقدار از طرف دیگر معادله باید تا حدودی برخی مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرد؟ من اینجا نیستم که قضاوت کنم. فقط سعی می‌کنم برای مخاطبان توضیح دهم که در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم؛ امروز در کجا ایستاده‌ایم؟ اشتراک منافع ما کجاست؟ در کجا می‌توانیم به ذهنیت مشترک برسیم؟ صرف نظر از اینکه چپ یا راست هستیم یا میانه. آیا مسئله بر سر جمهوریخواه یا سلطنت‌طلب یا سوسیالیست یا محافظه‌کار بودن است؟ ما برای کشورمان چه می‌خواهیم؟ در مقایسه با سایر نقاط جهان، در کجا قرار داریم؟ من فکر می‌کنم این بحث واقعی است که امروز در ایران به ویژه بین نسل امروز در جریان است. و من به شدت تشویق می‌شوم وقتی می‌بینم که نسل امروز با مهارت و دقت لازم کورکورانه از هر چیزی که کسی می‌گوید پیروی نمی‌کنند. و این به من امید می‌دهد. و وقتی امیدوارم می‌شوم که بالاخره حالا ما این پتانسیل را داریم، پس سعی می‌کنم به آنها بگویم بسیار خوب، حالا بیا بیاید از امید به باور برسیم. این باور که ما واقعا می‌توانیم. ←

● شده و همین باعث افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم و همه اینها شد. واقعیت اما این است که تنها دو روز پس از پیروزی دولت جدید واشنگتن در انتخابات [جو بایدن]، آنها شروع به غنی‌سازی کردند و نه قبل از آن!

● عجب!
- این یک مقدار موازی با آزادی گروگان‌ها به نظر می‌رسد.

● خیلی...
- می‌خواهم بگویم برای کسانی که در اپوزیسیون رژیم قبلی بودند و بعد از انقلاب به قدرت رسیدند، واکنش به قدرتی که از بیرون نشان داده می‌شود یکی و همان است؛ همان واکنشی که وقتی دیدند کارتر ضعیف عمل می‌کند و از شاه حمایت نمی‌کند، مخالفان علیه پدرم در آن زمان جسورتر شدند و دلیل‌اش نیز همین است که آنها الان در قدرت هستند! همان وضعی که آمریکا اکنون نشان می‌دهد، دوباره آنها را گستاختر می‌کند. در طول چهار دهه گذشته، هربار که ایالات متحده قاطعیت نشان می‌دهد، آنها عقب‌نشینی می‌کنند، پس می‌کشند؛ ارتباط مستقیمی بین این دو سیاست وجود دارد.

اجازه دهید قاطعانه یک چیز را برای ثبت شدن بگویم. من می‌دانم که بسیاری از افراد طرف مقابل خواهند گفت، چیزهای زیادی وجود دارد که من آنها را محکوم نکردم، ساواک این کار و آن کار را کرد و... اما من هرگز اعمال خشونت را نپذیرفته‌ام. من هرگز شکنجه را نمی‌پذیرم و علیه آن هستم. اما این بدان معنا نیست که از تصویر کاملاً غیرواقعی صحبت می‌کنم که چه همه زندانی سیاسی بوده‌اند، که درست نیست. تازه، آن زندانیان سیاسی چه کسانی بودند؟ بسیاری از همان افرادی که علی‌خامنه‌ای یکی از آنهاست. همان کسانی که به دره بقاع [در لبنان] و به اردوگاه‌های فلسطینی که از طرف کاتگ تأمین مالی می‌شد می‌رفتند تا آموزش ببینند. شما اگر باشید در چنین شرایطی چه می‌کنید؟ آیا به عنوان یک آمریکایی اگر برخی افراد شما مخفیانه آموزش ببینند تا علیه کشور خودشان بجنگند یا دولت آمریکا را در دست بگیرند، با آنها چه می‌کردید؟ حداقل‌اش گوانتانامو خواهد بود، درست است؟



● جالب است که شما این را می‌گویید زیرا در حالی که هر امپراتوری بزرگی نوعی سازمان اطلاعاتی مخفی داشته باشد، آمریکا سیرا دارد، بریتانیا ام‌آی‌۶، اسرائیل موساد، ایران ساواک را داشت. اما نکته جالب اینجاست. یکی از کسانی که به پدر شما خیانت کرد حسین فردوست بود. حسین فردوست ده سال یکی از معاونان ساواک بود پدر بزرگ شما او را به همراه پدر شما به فرانسه فرستاد [کالج له روزه در سوئیس] تا در تحصیل وی را همراهی کند. هزینه سنگینی نیز برای او پرداخت. ولی شما تصور کنید با خانواده شما چه می‌کنند! در نهایت شما کسی هستید که وی به او خیانت می‌کنند!

بعد از معاونت ساواک کنار می‌رود. ولی چطور می‌شود که او را نکشند و تبدیل به یکی از رهبران ساواک [مخفف «سازمان اطلاعات ملی ایران» که بعداً به اوواک «وزارت اطلاعات و امنیت کشور» تغییر نام داد] می‌شود؟ بعداً وقتی کمی بیشتر می‌گردید داستان‌هایی در مورد او می‌شنوید و درباره سرلشکر قره‌باغی و رابطه‌ای که بین آنها وجود داشت... اما سازمان اطلاعات مخفی برای مدتی اهمیتی نداشت که چقدر بزرگ باشد و هیچکس هم از بزرگی آنها خبر ندارد. درباره سیرا گفته می‌شود عجب سازمان فوق‌العاده‌ای؛ درباره ام‌آی‌۶ هم می‌گویند عجب سازمان فوق‌العاده‌ای! اما به هر حال کار کسی که به عنوان فردی از یک دستگاه امنیتی فعالیت می‌کند مورد انتقاد زیادی قرار می‌گیرد.

بگذارید درباره تبعید حرف بزنیم. شما ایران را ترک کردید؛ سادات، مصر، آمریکا، در جایی مورد استقبال قرار گرفتید و در جایی از شما استقبال نشد؛ پدرتان با سرطان دست به گریبان است. بیماری را برای خودش نگه داشته و می‌خواهند مردم بدانند؛ زمان پرفراز و نشیبی بود. و علاوه بر آن، شما بچه‌ها دائم در حال انتقال بودید. آن زمان قبل از اینکه دنیا با خبر شود، آیا می‌دانستید که پدرتان به سرطان مبتلاست؟ -من و خواهران و برادرم وقتی متوجه شدیم که وی در سال ۱۹۷۹ در بیمارستان نیویورک بود. درست پیش از گروه‌انگیزی [سفارت آمریکا].

● این اولین بار بود که شما بچه‌ها فهمیدید؟
-بله؛ ما نمی‌دانستیم.

● خود وی قبلاً می‌دانست؟

-او به شکلی می‌دانست؛ خیلی خصوصی. فکر می‌کنم ۱۹۷۳ یا ۷۴ بود که برخی پزشکان از جمله چند پزشک فرانسوی اول تشخیصی دادند که درست نبود و بنابراین درمانی که انجام دادند هم تجویز اشتباهی دارو بود. به هر حال، اکثر مردم از جمله هم‌میهنان من نمی‌دانند که پدرم در این فکر بود که به نوعی بازنشسته شود و کارها را به من بسپارد در زمانی که احتمالاً حداکثر من ۲۲ ساله می‌شدم. ما درباره اوایل دهه هشتاد [میلادی] صحبت می‌کنیم. البته با توجه به اینکه می‌دانست بیمار است. بعضی‌ها بعداً گفته‌اند اگر می‌دانست که قرار است این کار را انجام دهد چرا برنامه‌اش را اعلام نکرد و از این مسائل. اما من نمی‌دانم تا چه حد می‌خواست به شکلی از من محافظت کند، یا اینکه شاید در آن زمان بحران به جایی رسیده بود که دیگر خیلی دیر شده بود. اگر زودتر این را اعلام کرده بود، شاید کل کشور جور دیگری پاسخ می‌داد. اما بجز این، به هر حال [بیماری] وضعی بود که جهان خارج از آن بهره می‌برد. منظورم این است که این مسائل و اینکه آدم کدام جهت را انتخاب کند، پیچیده است. اینها واقعیاتی هستند که مردم باید در مورد آنها فکر کنند زیرا تاریخ گاهی مسیر عجیبی

برای شکل گرفتن در پیش می‌گیرد.

۴۳ سال پیش دنیا با امروز خیلی فرق داشت

● حالا درباره ۱ نوامبر ۱۹۸۰ می‌پرسم؛ یک روز بعد از روز تولد شما در ۳۱ اکتبر هم‌زمان با هالووین؛ شما ۲۰ سال دارید و خودتان را به عنوان پادشاه جدید اعلام می‌کنید. همان زمان جان ترترت سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در واشنگتن گفت ایالات متحده هیچ قصدی در حمایت از رضا پهلوی ندارد؛ او افزود ما نتیجه رفراندوم آوریل [۱۲ فروردین ۱۳۵۸ رفراندوم جمهوری اسلامی آری یا نه] را می‌پذیریم و دولت ایران را به عنوان حکومت قانونی ایران به رسمیت می‌شناسیم. وقتی حرف جان ترترت را شنیدید و دیدید که آمریکا چنین موضعی گرفته، واکنش اولیه شما چه بود؟

-اجازه دهید چیزی بگویم که به نظر مخاطبان شما باید در چارچوب تاریخ بدانند. سه ماه قبل، یا به هر حال پیش از آن بیانیه [اعلام پادشاهی] جنگ بین ایران و عراق آغاز شده بود. آن زمان اولین ابتکار من ارسال پیامی به پرسنل نیروی هوایی ایران بود و به عنوان خلبان داوطلب شدم تا همراه نیروی هوایی ما در برابر نیروهای متجاوز صدام حسین بجنگم. جنگ شروع شده بود و این تنها چیزی بود که در آن زمان در ذهنم بود. خب، من می‌توانستم اینجا بمانم و حرفی هم نزنم. اما این اولین واکنش طبیعی من بود، به عنوان یک ملی‌گرای ایرانی که کار و وظیفه‌ی من در درجه اول اینست که بروم و در آن جنگ شرکت کنم. هیچوقت جوابی نگرفتم. بعداً متوجه شدیم که رژیم بسیار مشکوک بود که مبادا این کار یک پوشش باشد برای اینکه نیروهای نظامی را به سمت یک کودتا سوق دهد. به هر حال، جوابی نگرفتم. شما به آن پیام مراجعه کنید.

قصد من خیلی ساده این بود که بگویم گوش کنید، ما در حال جنگ هستیم. در ارتش درگیری و روحیه آشفته و عدم اعتماد به نفس وجود دارد. و تنها قصد من در آن زمان این بود که به مردم بگویم، شما ممکن است به نهاد [پادشاهی] پشت کرده باشید، اما نهاده‌ی که من نماینده آن هستم، به شما پشت نکرده است. من در آن زمان بیست سال داشتم و فکر می‌کردم که شاید برای بازگرداندن عنصری از ثبات و اعتماد به مردم این کار لازم باشد. همه می‌دانستیم رژیم جدیدی بر سر کار است. اگر داوطلب شده بودم که به آنجا بروم، می‌دانستم که خمینی بر سر کار نشسته. این کار برای خدمت به رژیم نبود بلکه با این فکر می‌خواستم به کشور خدمت کنم. در طول سال‌ها نیز همواره گفته‌ام، در نهایت این مردم ایران هستند که باید انتخاب کنند. من همیشه گفتم این تصمیمی است که مردم باید در مورد آینده‌ای که می‌خواهند داشته باشند، بگیرند. این موضع تزلزل‌ناپذیر من در ۴۴ سال گذشته بوده؛ به همین دلیل است که امروز، تمرکز و هدف من و تنها مأموریت من این است که ما یک دوره گذار و یک انتقال دموکراتیک داشته باشیم. یعنی مجلس مؤسسانی که در آن نمایندگان مردم در مورد قانون اساسی بحث خواهند کرد و آن را به عنوان محتوای رژیم آینده و در نهایت، شکل نظام را به همه‌پرسی خواهد گذاشت.

بنابراین من برای پادشاهی یا جمهوری تضمین نمی‌کنم بلکه برای یک نتیجه‌ی دموکراتیک و سکولار تضمین می‌دهم و بگذارید مردم خودشان تصمیم بگیرند که چه می‌خواهند. مأموریت من در ۴۴ سال گذشته حمایت از تغییر دموکراتیک علیه دیکتاتوری مذهبی بوده و اینکه بگویم ما بدون جدایی دین و دولت که پیش‌نیاز دموکراسی است نمی‌توانیم به یک سیستم دموکراتیک برسیم. چه برسد به اینکه بخواهیم تحت یک نظام دینی به آن دست پیدا کنیم. شما به عناصری مانند جامعه‌العی‌بی‌تی و حقوق آنها اشاره کردید. اخیراً جایزه‌ای

از سوی «لاگ کابین» برای «صراحت بیان» از جمله در دفاع از حقوق جامعه دگرباشان جنسی به من اهدا شد. هیچکدام از اینها نمی‌تواند تحت ایدئولوژی‌ای به دست بیاید که از همان اول نه تنها فقط با جوامع دیگر مذاهب یا جامعه دگرباشان جنسی بلکه با هر کسی که عقیده‌ای غیر از آن داشته باشد سر ستیز دارد. این یک واقعیت است که آنها ضد ایران هستند و به هیچ شکلی منافع ملت را حفظ نمی‌کنند.

زمانی که در مصر بودم به خوبی می‌دانستم که پدرم باید کشور را ترک کند و من عملاً در تبعید هستم. نقش من چیست؟ وظیفه من چیست؟ بجز اینکه ولیعهد سابق و غیره هستم. به عنوان یک ایرانی چه مسئولیتی بر عهده من است؟ به عنوان کسی که می‌تواند الهام‌بخش مردم باشد، به عنوان کسی که مردم به وی اعتماد دارند؛ به عنوان کسی که طی سال‌ها با او آشنا شده‌اند؛ نه فقط به این دلیل که پدرم زمانی پادشاه بود و من ولیعهد بودم. یک نسل کامل اصلاً آن دوران را نمی‌شناخت. اما همانها مرا می‌خوانند، دنبالم می‌کنند، با من صحبت می‌کنند. فکر می‌کنم آنها می‌دانند که من دارم تلاش می‌کنم که با این کار به کجا برویم. بنابراین جایی که ما در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۰ بودیم، برخلاف جایی که امروز در سال ۲۰۲۳ هستیم، مجموعه شرایط بسیار بسیار متفاوت است.

● پس بگذارید در موردش صحبت کنیم. در مورد شرایط ایران که چرا مردم همچنان می‌خواهند که تغییری در ایران رخ دهد. تورم در حال حاضر ۴۵ درصد است...
- طبق تازه‌ترین ارقام رسمی ۵۰ یا ۵۵ درصد است...

● بسیار خوب ۵۵ درصد، نرخ بهره ۱۲ درصد. می‌دانید، نرخ بهره واقعی خالص در واقع منهای ۴۳ درصد خواهد بود که در شرایطی که بازار چنین وضعیتی دارد بسیار وحشتناک است. ایمنی زنان، کودکان را ما دیدیم که همین یک سال پیش با آنها چه کردند زمانی که تظاهرات اعتراضی انجام می‌شد. به شدت وحشیانه بود و زنان می‌ایستادند و می‌جنگیدند و حکومت به شدت نگران بود. می‌دانید، وقتی از ایران به ایالات متحده آمدم، همیشه فکر می‌کردم ریاضی اینجا خیلی آسان است. نه به این دلیل که من یک پدیده در ریاضی بودم بلکه به این دلیل که استانداردهای ریاضی در ایران بسیار بسیار بالا بود و جدی گرفته می‌شد. شرایط امروز در ایران چگونه است؟ با چه بحرانی دست و پنجه نرم می‌کنند؟ قبلاً به بحران آب اشاره کردید. آیا می‌توانید برخی از مشکلاتی را که مردم ایران این روزها با آنها دست به گریبان هستند تشریح کنید؟

-من حدس می‌زنم بارزترین عامل، اقتصادی است که از نظر درآمد و از نظر توانایی تغذیه خانواده و اینکه ۶۰ درصد جامعه در خط فقر یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند، عامل غالب است. فرصت‌های اشتغال بسیار کم است. مردم مجبورند به معنای واقعی کلمه اعضای بدن خود را بفروشند تا بتوانند اجاره خانه بپردازند زیرا راه دیگری ندارند. این وضع تا کی می‌تواند ادامه داشته باشد؟ به ویژه از زمان دولت جدید در واشنگتن، رژیم ایران به بیش از ۹۰ میلیارد دلار دسترسی پیدا کرد، بخش زیادی از آن حاصل درآمدهایی بود که مشمول تحریم نبودند؛ پولی که برای مردم خرج نشده، هزینه کارگران نشده؛ همان قشربهایی که واقعاً برای غذایی که روی سفره‌شان بگذارند تلاش می‌کنند. در عوض، رژیم همه این پول‌ها را برای نیروهای نیابتی خود مثل حزب‌الله و حماس هزینه می‌کند. آنها هر کاری در منطقه انجام می‌دهند، از جمله دشمنی با سعودی‌ها از طریق حوثی‌ها در یمن، ارسال پهپاد برای روس‌ها در جنگ علیه اوکراین و غیره.

(ادامه دارد)

اشکان بلوچ؛ یکی دیگر از بازداشتی‌های خیزش ملی ۱۴۰۱ به زندگی خود پایان داد؛ جمهوری اسلامی او را کشت



عکس‌هایی که از اشکان بلوچ در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است

«اشکان بلوچ فرزند داریوش و نیکو بارها در بازجویی‌هایش گفته بود نقشی در اعتراضات نداشته و در راه بازگشت به خانه بازداشت شده. این جوان به دلیل قرار گرفتن زیر شکنجه جسمی و روحی در زمان بازداشت، تحت فشار روحی بسیار قرار داشت، فشار جسمی و شکنجه زیادی را تحمل کرده بود و دچار افسردگی شده بود، بنا بر تجویز دکتر اعصاب و روان قرص مصرف می‌کرد، قرص‌هایی که برای درمان نبود و صرفاً برای کنترل بود.»

وی ادامه می‌دهد: «پزشکان زندان با زندانیان بیمار به همین شکل عمل می‌کنند؛ وقتی مراجعه می‌کنید می‌گویند می‌کنید یا هر مسئله دیگری، حام خوب نیست افکار خودکشی دارم یا هر مسئله دیگری، یکسری قرص خواب‌آور به شما می‌دهند، کل روز منگ و خواب هستید. به اشکان هم دائم از این قرص‌ها تجویز می‌کردند، اشکان که با پدرش زندگی می‌کرد چند سالی بود که برادرش فوت کرده بود. مادر اشکان، در زمان کودکی وی از پدر اشکان جدا شده بود و تا همین چند سال پیش با هم در ارتباط نبودند، ولی چند سال پیش این ارتباط شکل گرفت اما مادر اشکان ناگهان فوت کرد.»

به گفته این فرد نزدیک به اشکان بلوچ، او در تمام بازجویی‌هایش تحت فشار تهدیدهای مداوم و زیر شکنجه بود: «قبل از خودکشی اول در سال گذشته یک بازرسی از طرف قضات دادستانی انجام شد که به داخل بند آمدند و با زندانیان صحبت کردند؛ یک قاضی به شوخی یا جدی رو کرد به اشکان و گفت: «تو دنبال آزادی نباش تو باید ۵ سال حکمات را بکشی!» دلیل خودکشی اول اشکان همین موضوع بود. آنهم همان زمانی که عفو عمومی از سوی رهبر جمهوری اسلامی صادر شده بود و نامه درخواست عفو از زندانیان گرفتند و این گفتگو بین او و قاضی شکل گرفت و اشکان دست به خودکشی می‌زد. بعد خودکشی دوم او در بیمارستان لقمان تهران اتفاق افتاد، آنجا به قصد

● یکی از نزدیکان اشکان بلوچ به کیهان لندن می‌گوید: «اشکان بلوچ فرزند داریوش و نیکو به دلیل قرار گرفتن زیر شکنجه جسمی و روحی در زمان بازداشت، تحت فشار روحی بسیاری قرار داشت، فشار جسمی و شکنجه زیادی را تحمل کرده بود و دچار افسردگی شده بود، بنا بر تجویز دکتر اعصاب و روان زندان، قرص مصرف می‌کرد، قرص‌هایی که برای درمان نبود و صرفاً برای کنترل بود.»

● به گفته دو نفر از هم‌بندی‌های اشکان بلوچ، وی را در بازجویی به شدت شکنجه کرده بودند تا علیه خودش اعتراف اجباری کند اما نتوانسته بودند او را مجبور به این کار کنند.

● بار اول «اشکان در حمام زندان رگ مچ دست چپ و رگ گردنش را با در قوطی کنسرو که در زندان به آن «گیوتین» می‌گویند زده بود. زندانیان خبردار شدند و او به بیمارستان لقمان تهران منتقل شد، اما آنجا هم به قصد پایان دادن به زندگی، خودش را از طبقه سوم بیمارستان به پایین انداخت که دچار ضایعه نخاعی شد. بعد از آن خانواده‌اش او را به تبریز بردند. چند روز پیش یک ضابط قضایی با او تماس گرفته و به دادسرا احضارش کرده بود. اینبار اشکان به دادسرا نرفت و در خانه به زندگی‌اش پایان داد. جمهوری اسلامی، اشکان را کشت.»

رگ مچ دست چپ و رگ گردنش را با در قوطی کنسرو که در زندان به آن «گیوتین» می‌گویند زده بود. زندانیان خبردار شدند و او به بیمارستان لقمان تهران منتقل شد، اما آنجا هم به قصد پایان دادن به زندگی، خودش را از طبقه سوم بیمارستان به پایین انداخت که دچار ضایعه نخاعی شد. بعد از آن خانواده‌اش او را به تبریز بردند. چند روز پیش یک

ندوخته به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند:

مراسم شام غریبان
مرحوم مغفور سادروان جوان ناکام

اشکان بلوچ

فرزند دلسد: داریوش بلوچ و مرحومه بانو نیکو غناری تبریزی

روز جمعه مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۰۱
از ساعت ۶ الی ۸ بعد از نماز مغرب و عشاء
در منزل شخصی واقع در خیابان عباسی
ایستگاه طاق، کوی پرورش اول
منعقد خواهد شد.

مراسم بانوان همزمان در همان آدرس برگزار خواهد شد.

ضابط قضایی با او تماس گرفته و به دادسرا احضارش کرده بود. اینبار اشکان به دادسرا نرفت و در خانه به زندگی‌اش پایان داد. جمهوری اسلامی، اشکان را کشت. یکی از نزدیکان اشکان بلوچ در مورد آخرین وضعیت روحی و جسمی اشکان بلوچ به کیهان لندن می‌گوید:

فیروزه نوردستروم-روز گذشته یکشنبه ۳ دی ماه، میلاد عبدی زندانی سیاسی سابق که مدتی را در سالن یک زندان فشافویه با اشکان بلوچ هم‌بند بوده است از خودکشی این زندانی سیاسی خبر داد. عبدی، دانشجویی که در جریان اعتراضات سراسری بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شده بود گفته است که اشکان بلوچ یکبار در زندان اقدام به خودکشی کرده بود و جان سالم به در برده بود. او می‌گوید اشکان پس از انتقال به بیمارستان هم بار دیگر اقدام به خودکشی کرد.

بر اساس اظهارات میلاد عبدی اشکان حدود سی سال سن داشت و ورزشکار رشته کیک بوکسینگ بود: «بیک موتوری بود و هم‌راه ۱۴۰۱ وقتی به خانه برمی‌گشته در جریان اعتراضات سراسری بازداشت شده بود. بر اساس آنچه خودش به ما گفته بود شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی او را به ۵ سال حبس تعزیری محکوم کرده بود.» اوایل بهمن ماه ۱۴۰۱ چند روحانی که خود را مشاوران دادگاه‌های انقلاب و قضات کشیک معرفی می‌کردند به زندان آمدند و با ما صحبت کردند: «همه از مشکلات خودشان می‌گفتند، اشکان هم با آنها صحبت کرد و گفت که برادرش را از دست داده و هفتم بهمن سالگرد برادرش است و می‌خواهد بتواند به مزار برادرش برود. از آنها خواست کمک کنند که مرخصی بگیرد. اما با خواسته او موافقت نشد.» به گفته دو نفر از هم‌بندی‌های اشکان بلوچ، وی را در بازجویی به شدت شکنجه کرده بودند تا علیه خودش اعتراف اجباری کند اما نتوانسته بودند او را مجبور به این کار کنند. اوایل بهمن در زندان شایعه شده بود که می‌خواهند به مناسبت ۲۲ بهمن به زندانیان عفو همگانی بدهند. تعدادی قاضی همراه با دادستان تهران به زندان بزرگ رفتند و آنجا یکی از قضات با تهدید به اشکان می‌گوید: «تو که باید پنج سال را بکشی.» بعد از این تهدید اشکان در حمام زندان

یک فرد آگاه به پرونده رضارسانی: پرونده‌ای که باز است چگونه رای قصاص برای آن صادر می‌کنند؟!



رضا رسانی

سالگرد کشته شدن سیدخلیل عالی نژاد در شهرستان صحنه و در نتیجه به خشونت کشیده شدن این تجمع با حمله نیروهای امنیتی و انتظامی به معترضان، در جریان یک درگیری میان شهروندان و ماموران کشته شد.

پیشتر در ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ یک عضو نزدیک به خانواده این جوان پیرو آیین یارسان اهل صحنه کرمانشاه با اشاره به کشته شدن سرهنگ پاسدار نادر بیرامی در جریان مراسم ۲۷ آبان ماه در این شهرستان به کیهان لندن گفته بود که در «این مراسم، امسال به خاطر انقلاب «زن زندگی آزادی» شعارهای مردم سیاسی‌تر بود و تعداد زیادی از مردم صحنه در این تجمع شرکت کردند، البته چند روز قبل از برگزاری این مراسم، از طرف سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با رضا تماس گرفتند و او را احضار کردند تا از او تعهد بگیرند که در آن مراسم شرکت نکند اما رضا قبول نکرد و رفت.»

تایید این حکم در دیوان عالی کشور در حالیست که دادنامه صادره از سوی دادگاه بدوی با ایرادات شکلی و ماهوی فراوان همراه است. استناد به اعترافات اجباری متهمان پرونده علیه یکدیگر، نادیده گرفتن عامدانه شهادت شماری از متهمان به نفع رضا رسانی، تصریح دادنامه به وجود نقص در تحقیقات مقدماتی، عدم توجه به نظر کارشناسی پزشکی قانونی و به ویژه استناد دادگاه به «علم قاضی» برای اثبات مجرمیت از جمله ایرادات اساسی در دادنامه رضا رسانی است.

پیشتر یک منبع آگاه به پرونده در گفتگو با «دادبان» تأکید کرده بود که صدور حکم قصاص از سوی دادگاه به دلیل فشار از سوی ریاست قوه قضاییه برای تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر این پرونده صورت گرفته و فقدان مدارک و شواهد و مستندات قانونی در پرونده، بسیار بیشتر از آن است که بتوان برای آن حکم قصاص نفس علیه رضا

● یک فرد آگاه به پرونده رضا رسانی به کیهان لندن می‌گوید: «یک نسخه از پرونده را همچنان باز نگه داشته‌اند که بر روی آن تحقیقات انجام شود! این اولین بار است که می‌شنویم یک پرونده در حال تحقیق باشد و مهم در این میان حکم قصاص بگیرد!»

● «حتی حکم بدوی و اولیه که قاضی محمدرسول حق‌نجاتی صادر کرده بر اساس «علم قاضی» رای داده شده، چون هیچگونه مدرک معتبر و مستندی در اختیار قاضی نبوده گفته من بر اساس علم خودم این رای را صادر می‌کنم!»

● «خانواده رضا رسانی تا حال سه وکیل گرفته‌اند و برای هر کدام دستمزدهای کلانی هم پرداخت کرده‌اند و متأسفانه این وکیل آخری اصلاً نتوانسته پرونده رضا را بخواند چون به او گفته‌اند رای تایید شده و وقتی رای تایید شود اجازه می‌دهند کسی پرونده را بخواند.»

فیروزه نوردستروم- شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور در ایران حکم اعدام صادره علیه رضا رسانی را تأیید کرده است. این معترض ۳۴ ساله کرمانشاهی پیشتر در مهر ماه ۱۴۰۲ از سوی شعبه دوم دادگاه کیفری یک این استان به اتهام قتل عمد به «قصاص نفس» یا اعدام محکوم شده بود.

در رای صادره از سوی دادگاه، (غلام) رضا رسانی به قتل نادر بیرامی رئیس اداره اطلاعات شهرستان صحنه در استان کرمانشاه متهم شده است.

رضا رسانی متولد ۵ اسفند ۱۳۶۷ فرزند آخر یک خانواده یارسانی در شهرستان صحنه استان کرمانشاه به اتهام قتل سرهنگ پاسدار نادر بیرامی فرمانده سازمان اطلاعات سپاه (ساس) شهرستان صحنه به «قصاص نفس» یا همان اعدام محکوم شده است.

نادر بیرامی در تاریخ ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در جریان مراسم

پایان دادن به زندگی، خود را از طبقه سوم بیمارستان به پایین انداخت که دچار ضایعه نخاعی شد. بعد از آن خانواده‌اش او را به تبریز بردند. چند روز پیش یک ضابط قضایی با او تماس گرفته و به صورت تلفنی او را به داسرا احضار کردند. اینبار اشکان به داسرا نرفت، فشار روانی بالایی داشت به‌خصوص بعد از ضایعه نخاعی نمی‌توانست به تنهایی به امور روزمره خود رسیدگی کند. به همین دلیل برای بار سوم دست به خودکشی زد و به زندگی خود پایان داد در حالی که اشکان نفر اول لیست عفو بوده ولی در این مدت دو بار اقدام به خودکشی کرد و بار سوم موفق شد! این چندمین زندانی بازداشتی در دوران خیزش سراسری و ملی ۴۰۱ است که به فاصله کوتاهی بعد از آزادی موقت و یا در زندان دست به خودکشی می‌زنند و یا در مرگ‌های مشکوک چشم از جهان فرو می‌بندند.

زهره سرو زندانی سیاسی از ۲ آذرماه در اعتراض به عدم رسیدگی حقوقی و پزشکی در بند زنان زندان اوین در اعتصاب غذا بسر می‌برد. وی تحت فشار سازمان اطلاعات سپاه برای همکاری، روز ۲۲ آذر اقدام به خودکشی کرد که به بیمارستان منتقل و سپس دوباره به زندان برگردانده شد. ۳ ماه پیش نیز اسلم صدیقی یک زندانی سیاسی بلوچ ۲۳ ساله در اعتراض به فشار ماموران امنیتی در زندان اقدام به خودکشی کرد. این زندانی سیاسی در ۲۰ آذر ۱۴۰۱ به اتهام تبلیغ علیه نظام و همکاری با رسانه‌های خارجی توسط نیروهای امنیتی در ایرانشهر بازداشت شده بود. روز ۲۰ آذرماه نیز حمزه درویش، زندانی عقیدتی سیاسی پس از صدور حکم ۱۴ سال زندان برای پرونده جدید در زندان، با خوردن ۱۴ قرص اقدام به خودکشی کرد.

در اردیبهشت ماه امسال معصومه صنوبری زندانی سیاسی محبوس در زندان «کجویی» کرج در اعتراض به شکنجه و افزایش فشارهای مأموران و رئیس زندان، اقدام به خودکشی کرد. همچنین امیرحسین تروال ایمان، یکی از زندانیان اعتراضات سراسری تنها چند روز پس از آزادی از زندان در خواب دچار ایست قلبی شد و جان باخت.

آروین نیک‌پی جوان ۲۰ ساله اهل مریوان که در جریان اعتراضات سراسری بازداشت شده بود، ۱۶ اردیبهشت ماه در بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهرستان دست به خودکشی زد. بنیامین کوهکن که از سوی نیروهای نظامی در زاهدان بازداشت شده بود، در بهمن ماه گذشته به دلیل شکنجه و «تعرض جنسی» توسط مسئولین زندان زاهدان اقدام به خودکشی کرد اما دادستان زاهدان این خبر را نیز مانند سابق تکذیب و ادعا کرد: «بنیامین کوهکن ۱۷ ساله به اتهام قتل عمد و سرقت مسلحانه اکنون در زندان است و در بازداشت موقت بسر می‌برد.»

سامان یاسین هنرمند کرمانشاهی ساکن تهران محکوم به اعدام نیز ۲۹ آذرماه سال گذشته در زندان «رجایی‌شهر» کرج با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد. او را به بهداری زندان منتقل کرده و پس از شستشوی معده به بند سیاسی در «اندرزگاه ۴» این زندان منتقل کردند.

عرشیا امامقلی‌زاده علمداری نوجوان ۱۶ ساله‌ای که به «جرم» عممه‌پرانی در جلفا بازداشت شده و ده روز زندانی بود، در آذرماه سال گذشته تنها ۲ روز بعد از آزادی با قید وثیقه خودکشی کرد و جان باخت. بلافاصله بعد از این اتفاق خانواده تحت فشار قرار گرفتند که به هیچ وجه این موضوع در رسانه‌ها بازنتاب نداشته باشد و پیکر این نوجوان با حضور جمع محدودی از اعضای خانواده به خاک سپرده شد. سعدا خدیرزاده زندانی سیاسی گُرد نیز در ۲۷ آذرماه سال گذشته اقدام به حلق‌آویز کردن خود در زندان کرد و به نوزاد ۲ ماهه‌اش نیز «قرص خوراند.»

در مهرماه جاری یک فرد آگاه به پرونده رضا رسایی با اشاره به اینکه این زندانی سیاسی پس از گذشت یازده ماه هنوز از درد ناحیه کتف دچار ناراحتی است در مورد آخرین وضعیت پرونده این جوان یارسانی به کیهان لندن گفته بود: «قاضی پرونده محمد رسول حق نجاتی در حالی که مدرک و شاهدی علیه رضا رسایی نیست، حکم اعدام علیه وی صادر کرده؛ در حالی که پزشکی قانونی نتوانسته نظر قطعی بدهد و در تمامی بخش‌های این حکم نوشته «محتمل»، یا «می‌تواند با آلات جارحه دیگری هم اتفاق افتاده باشد». واقعیت این است که رضا رسایی در هیچکدام از فیلم‌های درگیری مشاهده نشده و حتی یک فیلم یا عکس یا مدرک معتبر علیه او وجود ندارد، حتی در اعترافات اجباری که از رضا رسایی گرفته‌اند نوشته شده رضا از پشت ضربه زده که پزشک قانونی نیز این را تأیید کرده که ضربه پشت کشنده نبوده و فقط یک ضربه از جلو کشنده بوده؛ حتی بر اساس اعتراف اجباری که خودشان خواستند و از رضا رسایی گرفتند باز هم رضا نباید حکم قصاص می‌گرفت.»

یک عضو نزدیک به خانواده رضا رسایی با تأیید حکم اعدام رضا رسایی به کیهان لندن می‌گوید: «بقیه متهمان پرونده از سه ماه تا دو سال حبس حکم گرفته‌اند. چنانچه این حکم در سیستم ثبت شود باید دوباره ادای دادرسی بزنیم، خانواده رضا بسیار نگران هستند و امید خود را از دست داده‌اند چون نیروهای امنیتی و سپاه روی خانواده وی فشار زیادی وارد می‌کنند.»

به گفته وی، «خانواده رضاسایی تا حال سه وکیل گرفته‌اند و برای هر کدام دستمزدهای کلانی هم پرداخت کرده‌اند و متأسفانه این وکیل آخری آقای لشکری اصلاً نتوانسته پرونده رضا را بخواند چون به او گفته‌اند رای تأیید شده و وقتی رای تأیید شود اجازه نمی‌دهند کسی پرونده را بخواند.»

این عضو نزدیک به خانواده رضا رسایی می‌افزاید: «حکم از قبل صادر شده است. سپاه حکم را از قبل به دیوان عالی کشور داده بود، آنها برای تأیید حکم اعدام به قضات فشار آوردند و قضات پرونده را مجبور به تأیید کردند؛ به عبارت دیگر سپاه اجازه نمی‌دهد قضات رای خودشان را بدهند و را مجبور کرده‌اند که حکم اعدام را تأیید کنند.»

او در ادامه توضیح می‌دهد که «خانواده رضا رسایی قصد دارند به این حکم اعتراض کنند، این اعتراض مجدداً در دیوان عالی کشور بررسی می‌شود البته اگر خودشان اجازه بدهند و تأیید کنند. این در حالیست که این پرونده چهار پنج نفر فراری دارد، هیچ مدرک معتبر، فیلم یا عکسی دال بر اینکه رضا حتی یک ضربه زده باشد وجود ندارد، حتی افرادی که دستگیر شده‌اند حکم‌های سه ماه تا یک ساله گرفته‌اند، برایشان دیه بریده‌اند که دیه پرداخت کنند یعنی پذیرفته‌اند که این افراد ضربه زده‌اند، هیچ چاقویی از آنها گرفته نشد و به راحتی آنها را رها کردند به هر حال چاقو متعلق به یکی از آنها بوده است.»

به گفته وی، حتی در حکم بدوی و اولیه قاضی حق نجاتی بر اساس «علم قاضی» رای داده شده: «چون هیچگونه مدرک معتبر و مستندی در اختیار قاضی نبوده گفته من بر اساس علم خودم این رای را صادر می‌کنم! در این حکم و دادنامه قاضی پر از تناقض هست، مثلاً اندازه زخم را تحریف کرده ۵/۲ سانتی‌متر را ۴ سانتی‌متر نوشته، این در حالیست که پزشکی قانونی هیچ چیزی را تأیید نکرده چون کلا دو چاقو تحویل شده بوده و

نتوانسته نظر خود را اعلام کند اینکه کدام چاقو مربوط به کدام زخم است، چون بر اساس زخم‌ها تعداد چاقوها زیاد بوده و با دو عدد چاقو نمی‌توان نظر کارشناسی ارائه کرد.»

موضوع دیگری که این فرد در مورد دادنامه رضا رسایی مورد توجه قرار داده این است که «قاضی حق نجاتی که اولین رای را صادر کرده در حکم‌اش نوشته است که «پرونده را به تحقیقات برگرداندم اما با یک تحقیقات مختصر به دادگاه برگشت داده شد. نتیجه و حاصلی نداشت». اینهمه در حالیست که یک نسخه از پرونده را در کرمانشاه همچنان باز نگه داشته‌اند که بر روی آن تحقیقات انجام شود، پرونده‌ای که باز است و تحقیقات بر روی آن همچنان در حال انجام است چگونه رای قصاص برای آن صادر می‌کنند؟ اگر اینها آنگونه که ادعا می‌کنند و می‌گویند پرونده شاکي خصوصی دارد و ما هیچگونه دخالتی نداریم در حالی که کاملاً دروغ می‌گویند و خودشان (سپاه) را پشت شاکي خصوصی قایم کرده‌اند و ادعا می‌کنند پرونده را برای انجام تحقیقات بیشتر باز نگه می‌داریم. این اولین بار است که می‌شونیم یک پرونده در حال تحقیق باشد و متهم در این میان حکم قصاص بگیرد!»

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی با اشاره به اینکه وی در طول مدت حبس خود هرگز از مرخصی استفاده نکرده اضافه می‌کند که «وضعیت روحی او بسیار ضعیف است فقط به خاطر مادر و فامیل سعی می‌کند محکم باشد و آنها را آرام کند. او می‌گوید «اشکال نداره؛ دیگه کاری ازتون برنماید، ول کنید بگذارید هرکاری می‌خواهند بکنند». مادر و اعضای فامیل هر شب در حال شیون و زاری هستند؛ داریم عزیزی را از دست می‌دهیم. مادرش هربار از شبکه‌های اجتماعی خبر و عکس‌های رضا پخش می‌شود حالش بد می‌شود؛ شروع به شیون و زاری می‌کند.»

وی اضافه می‌کند: «گرایش‌های مذهبی خانواده رضا هم بی‌تأثیر نیست چون اعدام یک نفر از مردم شهر که خانواده شناخته شده‌ای هم هستند باعث می‌شود مردم از ترس در سال‌های آینده در مراسم مشابه سال گذشته شرکت نکنند و مراسم تعطیل می‌شود. همه می‌دانند رضا بی‌گناه است و چون مدرک هم وجود ندارد انتظار چنین حکمی وجود نداشته. مشخص نیست قاضی پرونده، محمدرسول حق نجاتی، این حکم بی‌نهایت ناعادلانه را از روی کدام علم صادر کرده؟!»

یک عضو نزدیک به خانواده رضا رسایی در مصاحبه‌ای که سال گذشته با «کیهان لندن» داشت با اشاره به اینکه محمدمهدی کرمی یکی از اعدام‌شدگان اعتراضات انقلابی مردم، از شهروندان متعلق به آیین یارسان بوده توضیح داده بود: «بیرون دین یارسان یا اهل حق پس از پیروزی انقلاب اسلامی افراد زیادی را از دست داده‌اند. در سال‌های اخیر برخی از آنها در اعتراض به فشارها و آزارهای جمهوری اسلامی و برای شنیده شدن صدای اعتراض اهل یارسان در ایران اقدام به خودسوزی در ملاء عام کردند.»

«اهل حق» یا «یارسان» از جمله اقلیت‌های دینی در ایران هستند که نه تنها از بسیاری از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم‌اند بلکه آیین آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی جزو ادیان به رسمیت شناخته شده نیست. علی‌خامنه‌ای، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و بهجت، حکم به کافر و نجس بودن یارسان‌ها داده‌اند.

پیش‌زمینه‌های

شکل‌گیری

یهودستیزی؛

تبارشناسی مواضع

حماس و معضل

خاورمیانه

● پس از آغاز انتفاضه اول فلسطینیان علیه اسرائیل، جنبش مقاومت اسلامی موسوم به «حماس» به عنوان شاخه فلسطینی اخوان المسلمین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ پا به عرصه ظهور گذاشت تا اسرائیل را از روی کره زمین محو سازد. ميثاق حماس به روشنی هدف را توضیح می‌دهد: «اسرائیل وجود خواهد داشت تا زمانی که اسلام آن را محو کند.»

● در مقدمه ميثاق حماس دو بار موضوع اسرائیل مورد تأکید قرار گرفته است. اول اینکه «اسرائیل باید محو شود»، همانگونه که جمهوری اسلامی ایران هم آنرا باور دارد و در شعارهایش بر آن تأکید می‌کند، و دوم اینکه علاوه بر اسرائیل «یهودیان و یهودیت باید نابود شود». بنابراین، حماس سرنوشت خود را با نابودی نه فقط اسرائیل، بلکه با محو ساختن همه یهودیان گره زده است.

● ماده ۷ این ميثاق می‌گوید که نهضت مقاومت اسلامی یکی از حلقه‌های زنجیره مبارزه با متجاوزان صهیونیست است که سابقه آن به سال ۱۹۳۹ و ظهور عزالدین قسام و برادران اخوان المسلمینی باز می‌گردد. در این ماده به حدیثی از البخاری ارجاع داده شده که به موجب آن: «پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود: روز قیامت برپا نمی‌شود تا مسلمانان با یهود نجنگند (یهودیان را بکشند) و یهودیان پشت سنگ‌ها و درختان پنهان شوند. سنگ‌ها و درختان می‌گویند: ای مسلمانان، ای عبدالله، یک یهودی پشت سر من است، بیایید و او را بکشید!» خود طبیعت علیه وجود یهودیان قیام می‌کند. طبیعت خود یهودیان را به عنوان موجودی بیگانه و غیرطبیعی می‌داند؛ بنابراین قانون طبیعی مستلزم ریشه‌کن کردن یهودیان است، بطوری که یهودی نه تنها یک دشمن هستی‌شناختی بلکه یک تهدید متافیزیکی به شمار می‌رود. این بیانات رسمی حماس آشکارا مواضع ضدبشری این گروه را فاش می‌سازد و نشان می‌دهد که تا زمانی که حماس بر این اعتقادات پای می‌فشارد، امکان برقراری هیچ نوع آرامشی در منطقه وجود ندارد.

محمود مسائلی - مدتی پیش مقاله‌ای از دیوید پترسون پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات سیاست و ضدیت با یهودیان خواندم که در آن نامبرده دست به مطالعه و تحلیل «تبارشناسی شریر» [۱] زده و ریشه‌های شکل‌گیری حماس را از آغاز شکل‌گیری دنبال کرده است. پیشتر در سه نوشتار با نگاهی متفاوت، اما مربوط به همین بحث، که در کیهان لندن به چاپ رسیدند («تأملی در مفهوم «قوم برگزیده خداوند» در آیین یهود» و «اتهامات نسبت به یهودیان» و «یهودستیزی اولیه رهبران فلسطینی») این تبارشناسی را از زمانی که



سئیزه‌جویان «القسام» وابسته به گروه ترویستی حماس / آبان ۱۴۰۲ / رویترز

از نوع نازیسم) است. همه این اعتقادات بر مبنای نفرت از قوم یهود سرچشمه گرفته و اگرچه با پذیرش دین یهود در مبنای قرآنی سازگاری ندارد اما از سوره‌های آن برای توجیه و توضیح خود استفاده می‌کند و اسلام را راهنمای عمل و قرآن را «قانون اساسی» خود می‌داند.

چنانکه ماده ۲ میثاق، بار دیگر تاکید می‌کند که حماس همان اخوان المسلمین است و هدفش هم پیاده کردن دستورات اسلام در حیطه‌ای جهانی است و نه فقط اینکه به سرزمین‌های اسلامی محدود باشد: «نهضت مقاومت اسلامی یکی از شاخه‌های اخوان المسلمین در فلسطین است. نهضت اخوان المسلمین یک سازمان جهانی است که بزرگترین جنبش اسلامی در دوران معاصر را تشکیل می‌دهد. درک عمیق و دقیق، و پذیرش کلیه مفاهیم اسلامی در همه ابعاد زندگی، فرهنگ، عقیده، سیاست، اقتصاد، آموزش، اجتماع، عدالت و قضاوت، گسترش اسلام، آموزش، هنر، عالم غیب، و گرویدن به اسلام شامل دستورات اسلامی هستند.» حماس در میثاق خود این عقیده را در راستای دستورات الهی توضیح می‌دهد: «بلکه ما همیشه حق را بر باطل غالب و پیروز می‌گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و باطل بی‌درنگ نابود می‌شود، و وای بر شما که خدا را به وصف کار باطل و بازیچه متصف می‌گردانید.» (سوره انبیا، آیه ۱۸)

ماده ۵ تصویر روشن‌تری از مواضع حماس را ترسیم می‌کند زیرا توضیح می‌دهد که هدف حماس خداوند است، پیامبر نمونه آن و قرآن قانون اساسی آنان است. بنظر حماس دامنه این اعتقادات تا هر جایی امتداد پیدا می‌کند که مسلمانانی هستند؛ مسلمانانی که اسلام را به عنوان روش زندگی خود در همه جای جهان پذیرفته‌اند. مفاد این ماده با ماده ۶ تکمیل می‌شود: «نهضت مقاومت اسلامی یک جنبش برجسته فلسطینی است که بیعت آن با الله بوده و سبک زندگی آن اسلام می‌باشد.» این ماده توضیح می‌دهد که آنها تلاش خواهند کرد تا پرچم خدا را بر فراز هر و جب از فلسطین برافراشته و زیر لوای اسلام در آورند تا به قول خودشان همه ادیان بتوانند در امن و امنیت در جایی که به جان، مال و حقوقشان مربوط می‌شود، زندگی کنند. بنابراین، در نگاه نهضت مقاومت اسلامی «در غیاب اسلام، نزاع‌ها فراگیر می‌شوند، ظلم گسترده می‌شود، شر بر همه امور غلبه می‌کند و انشعابات و جنگ‌ها در می‌گیرد.» این میثاق همچنین این قطعه از شاعر مسلمان محمد

بخش دوم مقدمه میثاق حماس این وظیفه توضیح داده شده و مبنای آنرا نیز قرآن و فرمان الهی معرفی می‌کند: «از میان مشکلات و دریای رنج، از تپش قلب‌های مومن و آغوش پاک، از روی احساس وظیفه و در پاسخ به فرمان خداوند، ندا داده شده است که مردم را گرد هم آورده، آنها را راه خدا را واداشته، و اراده‌ای مصمم برای ایفای نقش خود در زندگی و غلبه بر همه موانع بوجود آورد، و بر مشکلات موجود بر سر این راه غلبه کند.» این راهی است که «آمادگی مداوم برای فدا کردن جان و هر آنچه را در راه خدا ارزشمند است» بیان می‌کند. به نظر حماس و رهبران فکری این ایدئولوژی تنها یک راه در پیش رو وجود دارد و آن راه خداوند است که از آن گریزی نیست: «به آنها بگو: این راه من است، من شما را با دلیلی آشکار به سوی خدا دعوت می‌کنم، هم من و هم کسی که از من پیروی می‌کند، و الحمدلله من مشرک نیستم.» (یوسف – آیه ۱۰۷)

همه این توضیحات مذهبی به این دلیل در مقدمه میثاق آورده شده است تا هدف نهایی جنبش مقاومت اسلامی را به عنوان نابودی یهودیان (و نه فقط اسرائیل) در دستور کار قرار دهد: «مبارزه ما با یهودیان بسیار بزرگ و بسیار جدی است. این نیاز به همه تلاش‌های صادقانه دارد. این مرحله‌ای است که ناگزیر باید مراحل دیگری را دنبال کند.»

تا اینجا در مقدمه میثاق حماس دو بار موضوع اسرائیل مورد تاکید قرار گرفته است. اول اینکه «اسرائیل باید محو شود»، همانگونه که جمهوری اسلامی ایران هم آنرا باور دارد و در شعارهایش بر آن تاکید می‌کند، و دوم اینکه علاوه بر اسرائیل «یهودیان و یهودیت باید نابود شود». دقت نماید که اینگونه باورها برای نابودی یهودیان از همان نقطه نظرات الحاج امین الحسینی سرچشمه می‌گیرد که خود از باورمندان به ایدئولوژی اخوان المسلمین بود. بنابراین، حماس سرنوشت خود را با نابودی نه فقط اسرائیل، بلکه با محو ساختن همه یهودیان گره زده است. این در حالیست که قرآن دیانت یهودی را یکی از ادیان الهی می‌داند. حال، این پرسش که چگونه گروهی خود را مسلمانان معتقد به دیانت اسلام می‌دانند، به یکباره یهودیت را انکار می‌کنند، توسط آنها بی‌پاسخ مانده است. در حقیقت، اعتقادات حماس که در این میثاق توضیح داده شده، از قرآن و دیانت اسلام پیروی نمی‌کند بلکه خوانش دقیق میثاق و پیش‌زمینه‌های همکاری الحسینی با هیتلر، نشان می‌دهد که اینگونه جهان‌بینی محصول تأثیرات یهودستیزی (به ویژه

سرزمین کنعان به عنوان سرزمین عبریان انتخاب شد تا ظهور رژیم نازی در آلمان توضیح دادم و تصمیم داشتم با مطالعه «میثاق حماس» ادامه این تبارشناسی را در نوشتاری دیگر تکمیل کنم. مقاله پترسون مقداری کار را هموارتر ساخت. بنابراین تصمیم گرفتم بخش‌هایی از این مقاله را به عنوان مبنای قرار داده و آنرا با شرح و توضیحاتی در اختیار علاقمندان قرار دهم. هدف اصلی نگارش نیز این است که نگرشی متفاوتی از فضای رایج فراهم شود تا خوانندگان بتوانند درک روشن‌تری از شرایط در منطقه داشته باشند.

در مباحث و نوشتارهای پیشین، رابطه مستقیم و متقابلاً پیش‌برنده‌ای میان حاج امین الحسینی رهبر فکری و معنوی فلسطینی‌ها با هیتلر رهبر حزب نازی توضیح داده شد. همچنین این چشم‌انداز به تصویر کشیده شد که چگونه الحسینی در شکل‌گیری هولوکاست در آلمان مشارکت غیرمستقیم داشت و اسناد و مدارک آنهم در اختیار خوانندگان قرار گرفت. برای توضیح بیشتر، پیچیدگی‌های موضوع، مشارکت مستقیم الحسینی در سازماندهی نیروهای «وافن اس اس» در منطقه بالکان نیز که به هولوکاست دیگری منجر شد، نیز مورد بررسی قرار گرفت. حال، از این نقطه به بعد می‌توانیم با مراجعه به «میثاق جنبش مقاومت اسلامی» [ii] معروف به «حماس» خطوط موازی میان ایدئولوژی حماس و مرام نازیسم آلمان را مورد بررسی قرار داده و تبارشناسی این گروه که خود را پشت اسلام و آلمان فلسطین پنهان کرده، بیش از پیش آشکار و عیان سازیم. [iii]

پس از آغاز انتفاضه اول فلسطینیان علیه اسرائیل، جنبش مقاومت اسلامی موسوم به «حماس» به عنوان شاخه فلسطینی اخوان المسلمین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ پا به عرصه ظهور گذاشت تا اسرائیل را از روی کره زمین محو سازد. میثاق حماس به روشنی هدف را توضیح می‌دهد: «اسرائیل وجود خواهد داشت تا زمانی که اسلام آن را محو کند، همانگونه که پیش از خود دیگران را محو کرد.» این بیانیه به نقل از حسن البنا که «امام شهید» حماس خوانده شده است، در همان مقدمه میثاق، در پاراگراف دوم نقل شده است. مقدمه با نام «خداوند بخشنده و مهربان» شروع و با توسل به آیات ۱۰۹ تا ۱۱۱ سوره عمران تاکید می‌کند که «شما بهترین امتی هستید که برای مردم برانگیخته شده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان می‌آورید.» رابطه میان نام خداوند و توسل با سوره آل عمران این داعیه را حمل می‌کند که حماس بهترین امت است (همانند یهودیان به عنوان قوم برگزیده خداوند)، بنابراین در راستای وظایف دینی خود می‌بایست اسرائیل را حذف کند. به عبارت بهتر. همانگونه که در پاراگراف سوم مقدمه می‌خوانیم، به نظر حماس «مادام که اسرائیل وجود دارد، جهان اسلام در آتش» خواهد بود، بنابراین «هرکدام از ما باید آبی هرچند کم بریزیم تا هرچه می‌تواند خاموش شود بدون اینکه منتظر دیگران باشیم.» حماس در مقدمه این عبارت را از شیخ امجد الزهوی به عاریت گرفته که از بنیانگذاران نهضت اسلامی عراق و از همراهان شیخ جمال‌الدین اسد ابادی، عبدالرحمن کواکبی، شیخ محمد عبده و شیخ محمود شکری آلوسی بود.

حال فلسفه فکری حماس بهتر روشن می‌شود. ماده یک میثاق هدف از شکل‌گیری نهضت را پیاده کردن دستورات اسلامی اعلام می‌کند «نهضت مقاومت اسلامی: برنامه نهضت اسلام است. از آن آرمان‌ها، طرز تفکر و درک جهان، زندگی و انسان سرچشمه می‌گیرد. برای قضاوت در تمام رفتارها به آن متوسل می‌شود و برای هدایت گام‌هایش از آن الهام می‌گیرد.» برنامه حماس به هیچ عنوان نمی‌تواند اعتقادات خود را که وظیفه غیرقابل انکار اسلامی نامیده می‌شود، نادیده انگارد. در

اکبال را مورد استناد قرار می‌دهد تا بتواند احساسات پیروان خود را بیشتر برانگیزد: «اگر ایمان از بین برود، هیچ امنیت و حیاتی برای کسی که پایبند به دین نباشد، نیست، کسی که زندگی بدون دین را بپذیرد، فنا را همنشین عمر خود قرار داده است».

با اینگونه مقدماتی که در میثاق نهضت مقاومت اسلامی نوشته شده است، از نظر حماس، کلید حکومت جهانی اسلام، نابودی جهانی یهودیان است، موضعی که با استناد به ماده ۷ میثاق بیان شده است. این ماده می‌گوید که نهضت مقاومت اسلامی یکی از حلقه‌های زنجیره مبارزه با متجاوزان صهیونیست است که سابقه آن به سال ۱۹۳۹ و ظهور عزالدین قسام و برادران اخوان المسلمینی باز می‌گردد. در این ماده به حدیثی از البخاری ارجاع داده شده است که به موجب آن: «پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود: روز قیامت برپا می‌شود تا مسلمانان با یهود نجنگند (یهودیان را بکشند) و یهودیان پشت سنگ‌ها و درختان پنهان شوند. سنگ‌ها و درختان می‌گویند: ای مسلمانان، ای عبدالله، یک یهودی پشت سر من است، بیاید و او را بکشید!» خود طبیعت علیه وجود یهودیان قیام می‌کند. طبیعت خود یهودیان را به عنوان موجودی بیگانه و غیرطبیعی می‌داند؛ بنابراین قانون طبیعی مستلزم ریشه‌کن کردن یهودیان است، بطوری که یهودی نه تنها یک دشمن هستی‌شناختی بلکه یک تهدید متافیزیکی به شمار می‌رود. این بیانات رسمی حماس آشکارا مواضع ضدبشری این گروه را فاش می‌سازد و نشان می‌دهد که تا زمانی که حماس بر این اعتقادات پای می‌فشارد، امکان برقراری هیچ نوع آرامشی در منطقه وجود ندارد.

ماده ۱۱ چشم‌انداز دیگری را معرفی می‌کند. حماس هیچ نوع سازشی در مورد وضعیت فلسطین را نمی‌پذیرد زیرا به باور آنان حضور یهودیان نه تنها غیرطبیعی است، بلکه امری نامقدس است: «فلسطین یک سرزمین وقف اسلامی است که برای نسل‌های مسلمان تا روز قیامت وقف شده است». فلسطین به عنوان یک «سرزمین وقف اسلامی»، سرزمین مقدسی است که تنها از آن مسلمانان است. بنابراین، مسئله فلسطین در مورد سیاست یا اقتصاد نیست، بلکه در مورد قداست و حقیقت است، چیزی که هیچ کشور یا حاکمی نمی‌تواند با آن مذاکره کند. درخواست از یک مسلمان برای مذاکرات صلح با یهودیان به معنای دست کشیدن از اسلام است. بنابراین بر اساس ماده ۱۳ «ابتکارات و به اصطلاح راه حل‌های مسالمت‌آمیز و کنفرانس‌های بین‌المللی در تضاد با اصول نهضت مقاومت اسلامی است. سوء استفاده از هر قسمت از فلسطین، سوء استفاده علیه بخشی از دین است». هیچ راه حل مسالمت‌آمیزی نمی‌تواند وجود داشته باشد زیرا بر اساس ماده ۱۵ «روزی که دشمنان بخشی از سرزمین مسلمین را غصب کنند، جهاد وظیفه فردی هر مسلمانی می‌شود. در مقابل غصب فلسطین توسط یهودیان، برافراشتن پرچم جهاد واجب است. برای انجام این امر مستلزم انتشار آگاهی اسلامی در میان توده‌ها، چه در سطح منطقه‌ای، چه در سطح عربی و چه در سطح اسلامی است. باید روحیه جهادی را در دل ملت نهاد تا با دشمنان مقابله کنند و به صف مبارزان بپیوندند». در همان ماده، و بر اساس روایتی از البخاری و مسلم امکان‌پذیر نیست: «به دارنده روح محمد سوگند می‌خورم که دوست دارم در راه خدا هجوم ببرم و کشته شوم، سپس حمله کنم و کشته شوم، و سپس دوباره حمله کنم و کشته شوم».

مناسب است مقداری بر مفاد مواد پیشین نیز نگاهی داشته باشیم. ماده ۱۲ توضیح می‌دهد که ضرورت برقراری اسلامی و جهاد برای آن در مرکز موضوع ملی‌گرایی

فلسطینی قرار دارد. در حقیقت، دیانت و ملیت را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک نمود. ملی‌گرایی از دیدگاه نهضت مقاومت اسلامی حماس بخشی از مرام دینی است. هیچ چیز در ملی‌گرایی مهم‌تر و عمیق‌تر از این نیست که هرگاه دشمن بر سرزمین مسلمین پا بگذارد، مقاومت در برابر آن و سرکوب دشمن وظیفه فردی هر مسلمان زن و مرد خواهد بود: «ملی‌گرایی نهضت مقاومت اسلامی عناصر مهم‌تری را در خود دارد که به آن روح و جان می‌بخشد. با سرچشمه روح و بخشنده حیات پیوند دارد و در آسمان وطن پرچم آسمانی را برافراشته است که با پیوندی استوار به زمین و آسمان می‌پیوندد». برای تامین نگرش ملی‌گرایی اسلامی، نهضت مقاومت اسلامی به آیه‌ای از قرآن استناد می‌کند که می‌گوید: «مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیانگری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی‌تردید به محکم‌ترین رشته که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست.» (سوره بقره - آیه ۲۵۶)

ماده ۱۷ این ماموریت جهادی را بر عهده زنان مسلمان می‌گذارد: «نقش زن مسلمان کمتر از مرد مسلمان در نبرد رهایی نیست. او سازنده مردان است. نقش او در هدایت و تربیت نسل جدید بسیار است». یعنی اینکه مادران باید فرزندان را تربیت کنند که همواره آماده دادن جان خویش در راه آرمان‌های جهادی حماس باشند. مادران باید به فرزندان خود بیاموزند که وظایف شرعی را برای آمادگی برای نقش جنگی را داشته باشند. همان ماده تأکید می‌کند که یهودیان کنترل رسانه‌های جهانی، خبرگزاری‌ها، مطبوعات، مؤسسات انتشاراتی، ایستگاه‌های رادیویی و غیره را به دست گرفته‌اند. آنها با پول خود در نقاط مختلف جهان انقلاب کردند... آنها پشت انقلاب فرانسه، انقلاب کمونیستی و اکثر انقلاب‌هایی بودند که ما شنیدیم و شنیدیم، اینجا و آنجا. آنها با پول خود انجمن‌های مخفی مانند فراماسون‌ها، باشگاه‌های روتاری، لاینز و دیگران را در نقاط مختلف جهان به منظور خرابکاری در جوامع و دستیابی به منافع صهیونیست‌ها تشکیل دادند. آنها با پول خود توانستند کشورهای امپریالیستی را کنترل کنند و آنها را به استعمار بسیاری از کشورها تشویق کنند تا بتوانند از منابع خود بهره‌برداری کنند و فساد را در آنجا گسترش دهند».

بنابراین، بر اساس ماده ۱۸ میثاق «زن در خانه خانواده مبارز، چه مادر باشد و چه خواهر، مهم‌ترین نقش را در رسیدگی به خانواده، تربیت فرزندان و آغشته ساختن آنها به ارزش‌ها و افکار اخلاقی برگرفته از اسلام دارد. او باید به آنها بیاموزد که وظایف دینی را انجام دهند تا برای نقش مبارزه در انتظار آنها آماده شوند. به همین دلیل است که باید در تربیت دختران مسلمان به مدارس و برنامه‌های درسی که دنبال می‌شود توجه زیادی شود تا مادران خوبی با آگاهی از نقش خود در نبرد رهایی بخشی شوند. او باید در انجام امور خانه‌داری از دانش و درک کافی برخوردار باشد، زیرا صرفه‌جویی و پرهیز از اتلاف بودجه خانواده، یکی از الزامات توانایی ادامه حرکت در شرایط سخت اطراف ماست. او باید این حقیقت را در مقابل چشمان خود قرار دهد که پولی که در دسترس او است مانند خونی است که هرگز نباید جز از رگ‌ها جاری شود تا هم کودکان و هم بزرگسالان بتوانند به زندگی خود ادامه دهند».

متن ماده ۲۷ میثاق مقاومت اسلامی، بسیار تکان‌دهنده است زیرا در آن حماس هر نوع نگرش مربوط به جدایی دین از سیاست را عمیقاً به چالش کشیده و آنرا انکار می‌کند: «سکولاریسم کاملاً در تضاد با ایدئولوژی دینی

است. نگرش‌ها، رفتارها، و تصمیمات از ایدئولوژی‌ها سرچشمه می‌گیرند. به همین دلیل است که با تمام قدردانی ما از سازمان آزادیبخش فلسطین- و آنچه می‌تواند به آن تبدیل شود- و بدون کم اهمیت جلوه دادن نقش آن در درگیری اعراب و اسرائیل، نمی‌توانیم فلسطین اسلامی کنونی یا آینده را با ایده سکولار مبادله کنیم. اسلامی بودن فلسطین بخشی از دین ماست و هر که دین خود را کوچک بیندازد بازنده خواهد بود». این ماده ادامه می‌دهد که اگر «سازمان آزادیبخش فلسطین اسلام را به عنوان سبک زندگی خود بپذیرد، ما سرباز آن خواهیم بود و هیزم آتش آن خواهیم بود که دشمنان را می‌سوزاند».

در اینجا ماده ۲۸ میثاق جنبش مقاومت اسلامی قابل استناد است: «تهاجم صهیونیسم، تهاجم وحشیانه است. برای رسیدن به هدف خود از توسل به همه روش‌ها و استفاده از همه راه‌های شیطانی و حقیر خودداری نمی‌کند. هدف آنها تضعیف جوامع، تخریب ارزش‌ها، فساد وجدان‌ها، تخریب شخصیت و نابودی اسلام است». این امر در پس تجارت مواد مخدر و اعتیاد به الکل در انواع آن قرار دارد تا کنترل و گسترش آن را تسهیل کند. سپس «از کشورهای عربی احاطه کننده اسرائیل خواسته می‌شود تا مرزهای خود را به روی مبارزان کشورهای عربی و اسلامی باز کنند تا بتوانند تلاش‌های خود را با برادران مسلمان خود در فلسطین تثبیت کنند». از سایر کشورهای عربی و اسلامی نیز خواسته می‌شود تا حرکت رزمندگان تسهیل کنند و این کمترین کاری است که می‌توانند انجام دهند.

در ماده ۳۲ منشور نهضت مقاومت اسلامی نفرت از یهودیان را توضیح داده شده و همگان در مقابله با آن فرا خوانده می‌شوند: «امروز فلسطین است، فردا این یا آن کشور خواهد بود. طرح صهیونیستی بی حد و حصر است. پس از فلسطین، صهیونیست‌ها آرزوی توسعه از نیل تا فرات را دارند... آنها آرزوی توسعه بیشتری را خواهند داشت». بنابراین، «خروج از دایره مبارزه با صهیونیسم خیانتی بزرگ است و لعنت بر کسی که این کار را می‌کند». این خیانت به معنای خیانت به الله است. به همین دلیل، جهاد اسلامی همه عرصه‌های مذهبی، ملی و سیاسی را در هم می‌آمیزد تا بتواند جهاد علیه صهیونیسم را به پیروزی برساند. در ادامه مضمون خیانت به خدا، ماده ۳۴ به کلام خداوند استناد می‌کند: «بگو به کسانی که ایمان نمی‌آورند مغلوب خواهید شد و در جهنم انداخته می‌شوید». (سوره آل عمران، آیه ۱۲) سپس ادامه می‌دهد که این تنها راه برای آزادی فلسطین است. در واقع، بر اساس اعتقادات نهضت مقاومت اسلامی، یهودیان باید از جهان محو شوند تا راه برای رهایی بشریت هموار شود.

از خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود متن میثاق نهضت مقاومت اسلامی را بخوانند و در ادامه این روشنگری مشارکت نمایند. باید ماهیت حماس را شناخت و آنرا در اختیار دیگران هم قرار داد تا آگاهی‌ها نسبت به این پدیده نامبارک افزایش یابد.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورنی داتنم نزد ملل متحد [i] Patterson, D. (October 17, 2023). From Hitler to Hamas: A Genealogy of Evil. The Institute for the Study of Global Antisemitism and Policy [ii] Hamas Covenant 1988. The Covenant of the Islamic Resistance Movement. August 18, 1988 [iii] از این پس همه ارجاعات به میثاق حماس دلالت دارند و از ذکر تک تک آنها خودداری می‌شود.

سازمان حقوق بشر ایران خواستار اقدام جامعه جهانی برای توقف اعدام معترضان شد



از راست: منوچهر مهمان‌نواز، منصور دهمرده، محمد قبالو، مجاهد کورکور، رضا رسایی

است که روز ۲۹ آذر ۱۴۰۱ پس از شلیک به پایش دستگیر شد. او پس از دستگیری، از درمان مناسب محروم ماند و تنها گلوله از بدنش خارج شد. مجاهد در حالی که مجروح بود، برای اعتراف به قتل کیان پیرفلک ۱۰ ساله شکنجه کردند. کیان پیرفلک روز ۲۶ آبان ۱۴۰۱ با شلیک نیروهای امنیتی در شهر ایذه کشته شد.

جمهوری اسلامی اعترافات اجباری مجاهد کورکور را حتی پیش از شروع روند قضایی در رسانه‌هایش پخش کرد. شاهدان بسیاری گواهی داده‌اند که مجاهد در آن روز در ایذه نبوده است؛ دادگاه هیچ‌کدام از این شهادت‌ها را لحاظ نکرد. مجاهد به محاربه از طریق کشیدن سلاح با قصد کشتن مردم و ایجاد هراس، افساد فی الارض از طریق شلیک سلاح جنگی و بر هم زدن نظم عمومی و کشتن هفت نفر، از جمله کیان پیرفلک متهم شد. علاوه بر آن تشکیل یک گروه «باغی» و عضویت در آن با هدف شورش مسلحانه علیه حکومت، اتهام دیگر او در دادگاه انقلاب است.

جلسه دادگاه مجاهد کورکور روز ۲۸ اسفند ۱۴۰۱ برگزار شد و روز ۱۸ فروردین ۱۴۰۲ دادگاه انقلاب اهواز حکم اعدام برای او صادر کرد. مجاهد حق دسترسی به وکیل انتخابی نداشت. روز ۳ دی ۱۴۰۲ از سوی دادگاه انقلاب اهواز به خانواده مجاهد کورکور اطلاع داده شد که حکم او در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته. هیچ حکمی به آن‌ها نشان داده نشد. تنها به خانواده گفتند که پرونده‌اش به ایذه فرستاده شده و وکیلش می‌تواند تقاضای اعاده دادرسی کند. شایان ذکر است که اعاده دادرسی لزوماً جلیوی اجرای حکم را نمی‌گیرد و متهمان متعددی در این مرحله اعدام شده‌اند!

اما مجاهد کورکور یک پرونده هم در دادگاه کیفری دارد که مربوط به اتهام قتل هفت تن، از جمله کیان پیرفلک است. از سوی دیگر، محمد قبالو، منوچهر مهمان‌نواز و منصور دهمرده که همگی از معترضان در جریان خیزش زن، زندگی، آزادی بوده‌اند، حکم اعدام گرفته‌اند و در خطر اجرای حکم قرار دارند.

آزادی سر داده شده بود، با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد و طی آن نادر بیرامی، مأمور سپاه پاسداران، کشته شد.

رضا متهم ردیف اول در محاکمه ۱۱ تن به اتهام «مباشرت در قتل عمدی مرحوم شهید نادر بیرامی با آلت قتاله چاقو، مباشرت در ایراد جراحات عمدی غیرکشنده (غیرممنهتی به مرگ)، جراحات قفسه سینه به کیفیت مشروح در برگ کالبد شکافی، تظاهر و قدرت نمایی با چاقو و اخلاص در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال» در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان کرمانشاه بوده است. در اسناد دادگاه که نسخه‌ای از آن در اختیار سازمان حقوق بشر ایران قرار گرفته، رضا اتهام را نمی‌پذیرد اما بعد از ادامه یافتن «تحقیقات»، اعتراف می‌کند که آن مأمور را با چاقو زده است! هم‌پرونده‌ای‌های وی ترغیب شدند تا علیه او شهادت دهند و به این شرط، آزاد شدند یا در مجازاتشان تخفیف داده شد. یکی از همان‌ها بعدتر گفت که هرگز ندیده بود رضا قربانی را با چاقو بزند و شهادتش «از روی ترس» بود. رضا اما علیه هیچ‌کس دیگر شهادت نداد و در مراحل بعدی تحقیقات و همچنین در دادگاه به‌وضوح گفت که برای اقرار تحت شکنجه قرار گرفته است. تمام متهمان دیگر پرونده هم شهادت خود «از اقرار خود عدول کرده و بیان داشته تحت اعمال شکنجه اقرار نموده‌اند.»

دادگاه دو شهادت کارشناسی پزشکی قانونی را (از جمله آن‌که زخم ضربه کشنده، با مشخصات چاقوی منتسب به رضا همخوانی نداشته) نادیده گرفت.

همچنین در دادنامه، تمامی اظهارات مربوط به شکنجه نادیده گرفته شدند و به‌رغم کافی نبودن شواهد، برای صدور رأی به «علم قاضی» استناد شد. رضا در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ به قصاص نفس محکوم شد و اولیای دم (خانواده بیرامی) خواستار اجرای این حکم شده‌اند.

خانواده رضا دریافته‌اند که حکم او در شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور، روز سوم دیماه ۱۴۰۲ تأیید شده است. مجاهد کورکور (عباس کورکوری) یک معترض بختیاری

سازمان حقوق بشر ایران بار دیگر نسبت به افزایش چشمگیر اعدام‌ها در ایران هشدار می‌دهد و از جامعه جهانی می‌خواهد تا هر چه در توان دارند، برای توقف اعدام معترضان، از جمله رضا رسایی و مجاهد کورکور به کار گیرند. در سال ۲۰۲۳ میلادی، تا کنون دست‌کم هفت معترض در ایران اعدام شده‌اند.

محمد قبالو، منوچهر مهمان‌نواز و منصور دهمرده که همگی از معترضان در جریان خیزش زن، زندگی، آزادی بوده‌اند، حکم اعدام گرفته‌اند و در خطر اجرای حکم قرار دارند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، خانواده رضا رسایی و مجاهد کورکور، دو معترض که در زمان اعتراضات سراسری «زن، زندگی، آزادی» بازداشت شدند، می‌گویند که حکم آنها در دیوان عالی کشور تأیید شده است. همزمان، سه معترض دیگر در خطر اعدام قرار دارند.

سازمان حقوق بشر ایران بار دیگر نسبت به افزایش چشمگیر اعدام‌ها در ایران هشدار می‌دهد و از جامعه جهانی می‌خواهد تا هر چه در توان دارند، برای توقف اعدام معترضان، از جمله رضا رسایی و مجاهد کورکور به کار گیرند. در سال ۲۰۲۳ میلادی، تا کنون دست‌کم هفت معترض در ایران اعدام شده‌اند.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران، گفت: «احکام اعدام رضا رسایی و مجاهد کورکور همچون سایر معترضان بر اساس اعترافات زیر شکنجه و بدون دادرسی عادلانه، هیچ‌گونه وجهت قانونی ندارند. این احکام با هدف ارعاب مردم صادر شده‌اند و تنها بالا بردن هزینه سیاسی از طریق کارزارهای مدنی و فشار جامعه بین‌المللی می‌تواند از اجرای آنها جلوگیری کند.»

در روزهای اخیر، خانواده مجاهد کورکور و رضا رسایی از تأیید حکم این دو معترض در دیوان عالی کشور خبر داده‌اند. رضا (غلامرضا) رسایی، معترض کرد ۳۴ ساله و پیرو دین یارسان، در مراسم یادبود سید خلیل علی‌نژاد، یکی از رهبران این آئین، بازداشت شد. این مراسم که در آن شعار زن زندگی

یک وکیل دادگستری حکم اعدام مجاهد کورکور را «خلاف قانون» دانست



داوود شاه ولی هفتم اسفندماه در مورد آخرین وضعیت پرونده کیان گفته بود: «اراده‌ای وجود دارد که قتل مرحوم کیان پیرفلک به دستگیرشدگان آن درگیری منتسب شود. من به عنوان یک وکیل به خانواده مرحوم اعلام کردم که نه مانع طرح شکایت آنان می‌شوم و نه آنها را به نتیجه پیگیری امیدوار می‌کنم.»

داوود شاه ولی فروردین امسال هم گزارش داد که «با تصمیم شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ایزده مبنی بر صلاحیت دادسرای نظامی استان خوزستان در رسیدگی به پرونده کیان پیرفلک، پرونده جهت ثبت و رسیدگی به دادسرای نظامی مرکز استان ارسال خواهد شد. با توجه به روند طی شده پرونده و برخورد قانونی دادرها و دادگاه‌های نظامی با تخلفات ضابطین قضایی و وجود دلائل عدیده که بر توجه اتهام قتل کیان به ضابطین قضایی دلالت دارد، همچنان به کشف حقیقت امیدواریم.»

ارجاع پرونده قتل کیان پیرفلک به دادگاه نظامی به معنای پذیرش احتمال شلیک مأموران حکومتی به اوست؛ موضوعی که پیشتر از سوی جمهوری اسلامی تکذیب و حتی چند شهروند را با اتهام قتل کیان و با اهداف تروریستی بازداشت کرده بود. با وجود شاهدان عینی که بیگناهی مجاهد کورکور و بهمن بهمنی را ثابت و شلیک به کیان و دیگر شهروندان از سوی نیروهای حکومتی را تأیید می‌کند، همانطور که وکیل خانواده پیرفلک عنوان کرده «اراده‌ای» از سوی حکومت به دنبال دستکاری این پرونده است.

دادسرای ایزده بخش‌های از فیلم دوربین مداربسته دوربین‌های محل تیراندازی در شامگاه ۲۵ آبان و دقایقی بعد از تیراندازی را به نمایش درآورد اما ویدئوی صحنه تیراندازی که توسط دوربین‌ها ضبط شده را نمایش نداده است! سجاد پیرفلک از اظهار بی‌اطلاعی دادستانی از ویدئوهای شب حادثه خبر داده و نوشته است: «در پرونده‌ای که برای شب خونین ایزده در ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۱ ساخته شده، برای محکومیت برخی از معتزین به دوربین‌های مسلط بر صحنه قتل کیان، در زمان‌های قبل و بعد از قتل استناد شده است اما دادستانی از وجود فیلم در زمان قتل کیان اظهار بی‌اطلاعی کرده است.»

اعدام شد. خانواده پیرفلک و شمار دیگری از جانب‌اختگان شامگاه ۲۵ آبان ایزده بارها اعلام کرده‌اند که مجاهد کورکور نقشی در قتل فرزندانشان نداشته است. شاهدانی که شب کشته شدن کیان پیرفلک آنجا حضور داشتند گفته‌اند «هیچ اثری از مجاهد کورکور» آنجا نبوده «و به چشم دیده‌اند که مأمورهای جمهوری اسلامی» به کیان شلیک کرده‌اند. پس از اعلام خبر صدور حکم اعدام برای مجاهد کورکور، زینب مولایی‌راد با انتشار تصویری از خود در کنار مادر مجاهد در اینستاگرام نوشت: «هر دو از یکجا زخم می‌خوریم... یارب رومادر که باز خونی بی‌گناه ریخته شود.»

خواهر میلاد سعیدیان‌جو، یکی دیگر از کشته‌شدگان روز ۲۵ آبان در ایزده هم با انتشار عکسی از آقای کورکور نوشته بود: «مجاهد کورکور قاتل هیچ یک از عزیزان ۲۵ آبان در ایزده نیست. دستتان برای مردم رو شده است و با این کار تیشه به ریشه‌ی متزلزل خود می‌زنید.»

زینب مولایی‌راد مادر کیان پیرفلک پیشتر نیز در واکنش به متهم کردن بهمن بهمنی به قتل کیان از سوی مسئولان جمهوری اسلامی، در اینستاگرام نوشته بود: «بهمن برادر منه، من مادر کیان، هر گس از هم‌شهروانم را که به عنوان قاتل معرفی کنید هرگز نمی‌پذیریم. چرا که می‌خواهید طایفه‌ها رو به جان هم بندازید.»

او همچنین به طعنه نوشته بود «حالا خوبه که دو ساعت بعد از اتفاق تروریست‌ها رو در مرز ما که ۲۴ ساعت با ایزده فاصله داره گرفته بودید!» زینب مولایی‌راد چند روز پیش از انتشار این متن نیز تصویری از دیدار خودش با مادر مجاهد کورکور را منتشر کرده بود که حاوی این پیام بود که از دید خانواده پیرفلک مجاهد قاتل فرزندان نیست.

پدر کیان پیرفلک نیز با انتشار ویدئویی اعلام کرده به عنوان پدر کیان و شخص خویش هیچ شکایتی از مجاهد کورکور که از سوی جمهوری اسلامی به عنوان قاتل کیان اعلام شده ندارد.

همچنین با درخواست خانواده پیرفلک، داوود شاه ولی وکیل پایه یک دادگستری که وکالت خانواده کیان پیرفلک را بر عهده دارد، وکالت مجاهد کورکور، شهروند اهل ایزده محکوم به اعدام در پرونده حکومتی قتل کیان را نیز بر عهده گرفت.

● خسرو علی‌کردی: طبق قانون مجازات اسلامی شکایت و موافقت اولیای دم در اجرای قصاص، ضروری است. لذا صدور حکم مجازات اعدام مجاهد کورکور خلاف قانون است.

● شاهدانی که شب کشته شدن کیان پیرفلک آنجا حضور داشتند گفته‌اند «هیچ اثری از مجاهد کورکور» آنجا نبوده «و به چشم دیده‌اند که مأمورهای جمهوری اسلامی» به کیان شلیک کرده‌اند.

● دادستان ایزده در پاسخ به خانواده مجاهد کورکور گفته وکیل می‌تواند درخواست اعاده دادرسی بدهد.

خسرو علی‌کردی وکیل دادگستری معتقد است با توجه به اعلام رسمی والدین کیان پیرفلک مبنی بر نداشتن شکایت از مجاهد کورکور، صدور حکم اعدام برای او «خلاف قانون» است.

خسرو علی‌کردی وکیل پایه یک دادگستری که وکالت شماری از خانواده‌های دادخواه را نیز به عهده دارد در صفحه‌اش در شبکه ایکس نوشته که «میثم پیرفلک و ماه‌منیر مولایی والدین کیان پیرفلک طی سند رسمی، اعلام نموده‌اند از مجاهد کورکور شکایتی ندارند و مجاهد کورکور قاتل کیان پیرفلک نیست.»

این وکیل دادگستری افزوده که «طبق قانون مجازات اسلامی شکایت و موافقت اولیای دم در اجرای قصاص، ضروری است. لذا صدور حکم مجازات اعدام مجاهد کورکور خلاف قانون است.»

شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور حکم اعدام مجاهد کورکور از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته و متهم به قتل شماری از شهروندان ایزده از جمله کیان پیرفلک و میلاد سعیدیان‌جو در اعتراضات سال گذشته را تأیید کرد. خانواده پیرفلک و سعیدیان‌جو هر گونه ارتباط مجاهد کورکور با قتل فرزندانشان را رد کرده و مأموران حکومتی را عامل تیراندازی و کشتار ایزده دانسته بودند.

دادستان ایزده در پاسخ به خانواده مجاهد کورکور گفته وکیل می‌تواند درخواست اعاده دادرسی بدهد. وبسیت «ایران اینترنشنال» به نقل از یک منبع نزدیک به خانواده کورکور نوشته آنها «روز دوشنبه چهارم دی‌ماه به دادسرای ایزده رفتند و در آنجا دادستان ایزده گفت نمی‌تواند تصویر حکم صادره در دیوان عالی کشور را به آنها بدهد ولی داود شاه ولی، وکیل مجاهد کورکور می‌تواند برای اعتراض به حکم اعدام درخواست اعاده دادرسی بدهد.»

به گفته این منبع آگاه، مجاهد کورکور با گذشت یک سال از زمان بازداشت همچنان در سلول انفرادی زندان شیبان اهواز به سر می‌برد و هیچ‌گاه دلیل این موضوع را نگفته‌اند و همچنان در سلول انفرادی و در شرایط سختی نگهداری می‌شود.

در پی تأیید حکم اعدام مجاهد کورکور و رضایابی یکی دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراضات جنبش ملی در دادگاه دیوان عالی کشور سازمان حقوق بشر ایران در بیانیه‌ای «نسبت به افزایش چشمگیر اعدام‌ها در ایران هشدار» داد و از جامعه جهانی خواست «تا هر چه در توان دارند، برای توقف اعدام معتزنان، از جمله رضایابی و مجاهد کورکور به کار گیرند.»

سازمان حقوق بشر ایران افزوده که «در سال ۲۰۲۳ میلادی، تا کنون دست‌کم هفت معتز در ایران اعدام شده‌اند.»

پرونده ساختگی علیه مجاهد کورکور در شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز با سه اتهام «مبارزه»، «افساد فی الارض و کشتن ۷ نفر از شهروندان ایزده ای از جمله کیان پیرفلک» و «بغی و سردستگی قیام مسلحانه» بررسی و منتهی به صدور حکم

در حالی که بایدن فاطعانه از اوکراین در جنگ مقابل روسیه حمایت کرده است، اما پیشتر اشتباهات اولیه دولت وی به شروع این جنگ کمک کرد از جمله امضای توافقنامه‌ای با اوکراین در حمایت از «آرزوهای این کشور برای پیوستن به ناتو» (خط قرمز تحریک ولادیمیر پوتین) و همچنین امتناع از ارائه تسلیحات دفاعی-مانند موشک‌های ضد تانک و ضد هوایی در مقابل حملات روسیه.

به اعتقاد نویسنده‌ی این مقاله در «هیل»، در دولت بایدن، جسورانه‌ترین اعلامیه‌ها با ضعیف‌ترین اقدامات پشتیبانی شده و اکنون به نظر می‌رسد بایدن در نگرانی از تحریم مجدد روسیه، مایل است به اوکراین کمک کند اما نه برای ارائه تجهیزات که این کشور برای پیروزی در جنگ مقابل روسیه نیاز دارد.

رژیم ایران هم شاهد همین سیاست‌های بایدن بوده است: کسی که به شدت مشتاق «احیای برجام» است و تحریم‌های نفتی ایالات متحده و تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را کاهش داده (یا اجرای آنها را متوقف نموده و کمک کرده تا ده‌ها میلیارد دلار درآمد فروش نفت و گاز در سال ۲۰۲۲ به جیب جمهوری اسلامی سرازیر شود). جو بایدن همچنین شورشیان حوثی یمن نماینده اصلی رژیم ایران در شبه‌جزیره عربستان را از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا خارج کرد. این گروه اکنون تحت حمایت جمهوری اسلامی به کشتی‌های خارجی در دریا شلیک می‌کند. شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین، البته که همه این اتفاقات را از شرق آسیا نظاره می‌کند. وی همین هفته تکرار کرد که مطمئن است تایوان دوباره به چین ملحق می‌شود و در تازه‌ترین اقدام تحریک‌آمیز خود هواپیماهای نظامی را بر فراز تنگه تایوان فرستاد. شی به اندازه کافی دلیل دارد که بپرسد: چرا ایالات متحده تا این حد تمایلی به کمک به اوکراین برای پیروزی در جنگ علیه روسیه ندارد و از هرگونه رویارویی نظامی با ایران می‌ترسد، ولی ممکن است مایل باشد که خود را در یک جنگ بالقوه همه‌جانبه بر سر تایوان درگیر کند؟!

این واقعیت که اکنون یک پرسش معقول است، نشان می‌دهد که اعتبار بازدارندگی نظامی ایالات متحده در دولت بایدن تا چه اندازه کاهش یافته و اگر تاریخ را راهنمای خود بدانیم، باید بگوییم وقتی چنین پرسش‌هایی مطرح می‌شود- مانند دهه ۱۹۳۰ و دوباره در دهه ۱۹۷۰- معمولاً نتایج منفی به دنبال خواهند داشت.

به همین دلیل است که برای دولت بایدن بسیار حیاتی است که بازدارندگی ایالات متحده را دوباره برقرار کرده و آن را با هشدار به تهران شروع کند که می‌بایست در قبال حملات نیابتی‌های خود علیه منافع ایالات متحده پاسخگو باشد و در صورت لزوم حملات تاکتیکی را در داخل ایران نیز دنبال کند.

دولت بایدن همچنین باید برای روسیه روشن کند که اگر حل و فصل ارضی مورد توافق اوکراین را نپذیرد، ایالات متحده شروع به پشتیبانی تسلیحاتی از جمله موشک‌های دوربرد برای اوکراین خواهد کرد که بطور قابل توجهی فشار بر مسکو را افزایش خواهد داد.

هم فرانکلین روزولت در دهه ۱۹۴۰ و هم رونالد ریگان در دهه ۱۹۸۰ با جهانی مواجه شدند که در مورد قدرت و عزم ایالات متحده تردید داشت- آنها فقط با نمایش آشکار قدرت نظامی ایالات متحده آمیخته با قدرت معنوی آرمان‌های آمریکایی توانستند تاریخ را تغییر دهند.

نویسنده در پایان این پرسش را مطرح می‌کند که آیا جو بایدن در شرایط فعلی می‌تواند مانند آنها همین کار را انجام دهد؟



جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده / رویترز

با آنها روبروست. در چالش‌های جهانی، اگر منصف باشیم، نمونه‌هایی وجود دارد که بایدن به عنوان فرمانده کل قاطعانه عمل کرد، مانند تشکیل ائتلاف‌های جدید علیه چین در اقیانوس آرام و تعهد به تقویت تولید چپ‌های هوشمند در نیروهای مسلح آمریکا.

با این حال، هر ارزیابی شفاف از عملکرد بایدن در سیاست خارجی- گذشته و حال- یک موضوع ثابت را نشان می‌دهد که قطعاً به توضیح وضعیت وخیم امور جهانی در دوران ریاست جمهوری او کمک می‌کند: تعهد غیرمعمول او به انتخاب ضعیف‌ترین یا کم‌برخورده‌ترین مسیر.

استوارت گاتلیب در ادامه می‌نویسد، برای کسانی که معتقد به اهمیت قدرت سخت در بازدارندگی دشمنان و حفظ ثبات جهانی هستند، این ارتباط آشکار و آموزنده خواهد بود. اما در شرایطی که تهدیدات در بخش‌های کلیدی جهان- اروپای شرقی، خاورمیانه، تنگه تایوان- به اوج خود رسیده، ضروریست که دولت بایدن به سرعت برای احیای مجدد قدرت نظامی ایالات متحده اقدام کند. یک شروع خوب، اقدام قاطعانه علیه نیروهای نیابتی رژیم ایران است که به تأسیسات ایالات متحده و کشتیرانی جهانی در داخل و اطراف خلیج فارس حمله می‌کنند.

متأسفانه بایدن اگر بخواهد متحدانش را راضی نگه‌دارد و مخالفانش را متقاعد کند که استفاده از نیروی نظامی برای او جنبه تجارت دارد، کار سختی در پیش خواهد داشت: او سابقه طولانی در اتخاذ رویکرد نرم‌تر و مامشات‌محور دارد. در دهه ۱۹۸۰ به عنوان عضوی از کمیته روابط خارجی سنا، با تقویت دفاعی رونالد ریگان در برابر اتحاد جماهیر شوروی مخالفت کرده و آن را بسیار تهدیدکننده می‌دانست. او در سال ۱۹۹۱ با جنگ خلیج فارس مخالفت کرد و از تاکتیک نرم‌تر تحریم‌های اقتصادی برای آزادی کویت حمایت نمود. در اواسط دهه ۲۰۰۰ او با افزایش نیروهای دولت بوش در عراق مخالفت کرد و ادعا کرد که جنگ پیشاپیش شکست خورده است. در سال ۲۰۱۱ نیز به عنوان معاون رئیس‌جمهور [باراک اوباما] با عملیات یورش به روستای «آبوت‌آباد» که به کشته شدن اسامه بن لادن رهبر القاعده انجامید، مخالفت کرد.

بایدن به عنوان رئیس‌جمهور نیز دستوری معروف را صادر کرد (و برخلاف توصیه مستشاران نظامی خود) خواستار خروج تمام نیروهای ایالات متحده از افغانستان شد، که باعث شد طالبان دوباره بر افغانستان مسلط شود.

پایگاه خبری «هیل»: جو بایدن و سیاست مامشات؛ ضروریست این سیاست با هشدار بازدارنده به تهران تغییر کند

● استوارت گاتلیب استاد سیاست خارجی آمریکا و امنیت بین‌الملل دانشگاه کلمبیا در مقاله‌ای با عنوان «جو بایدن و سیاست مامشات» که ۳۰ دسامبر (نهم دی‌ماه) در پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا منتشر شد گفته بایدن کسی است که سابقه طولانی در اتخاذ رویکرد مامشات‌محور دارد و همین باعث شکست در سیاست خارجی آمریکا شده است.

● «هر ارزیابی شفاف از عملکرد بایدن در سیاست خارجی- گذشته و حال- یک موضوع ثابت را نشان می‌دهد که قطعاً به توضیح وضعیت وخیم امور جهانی در دوران ریاست جمهوری او کمک می‌کند: تعهد غیرمعمول او به انتخاب ضعیف‌ترین یا کم‌برخورده‌ترین مسیر.»

● «ضروریست که دولت بایدن به سرعت برای احیای مجدد قدرت نظامی ایالات متحده اقدام کند. یک شروع خوب، اقدام قاطعانه علیه نیروهای نیابتی رژیم ایران است که به تأسیسات ایالات متحده و کشتیرانی جهانی در داخل و اطراف خلیج فارس حمله می‌کنند.»

استوارت گاتلیب استاد سیاست خارجی آمریکا و امنیت بین‌الملل دانشگاه کلمبیا در مقاله‌ای با عنوان «جو بایدن و سیاست مامشات» که ۳۰ دسامبر (نهم دی‌ماه) در پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا منتشر شد گفته بایدن کسی است که سابقه طولانی در اتخاذ رویکرد مامشات‌محور دارد و همین باعث شکست در سیاست خارجی آمریکا شده است.

در مقدمه این مقاله آمده، از وقتی جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا شد، ایالات متحده یکی پس از دیگری در سیاست خارجی شکست خورده است؛ از خروج تحقیرآمیز آمریکا از افغانستان در اوت ۲۰۲۱ و حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ گرفته تا ژانویه ۲۰۲۳ وقتی بالن‌های جاسوسی چین بر فراز آمریکا دیده شدند. در تلاش‌های نافرجام دولت بایدن می‌بایست ناکامی در مهار جمهوری اسلامی را هم به این موارد اضافه نمود؛ در نهایت رژیم تهران به آغاز انفجار خشونت‌های کنونی در سراسر خاورمیانه کمک کرد. به نظر می‌رسد هیچ گوشه‌ای از جهان در امان نمانده است.

بسیاری از کارشناسان که از سوابق سیاست خارجی بایدن در این مدت دفاع کرده‌اند (یا آن را توجیه کرده‌اند) ادعا می‌کنند بایدن با چندین دهه تجربه یک «نخبه در سیاست خارجی» است و «وارث» مسائلی شده که اکنون

خلاصه حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری در سوئد و

نگاهی به برخی نکات مهم آن (بخش ۱)

حنیف حیدر نژاد



حمید نوری / نقاشی سیامک نادری

یک اشتباه جدی پیش آمده است. وگرنه درخواست فرجام رد خواهد شد.

● خلاصه حکم دادگاه، جایگزین خود حکم نیست. حکم دادگاه تجدید نظر به زودی با ترجمه رسمی و بطور کامل از سوی دادگاه انتشار پیدا خواهد کرد. تنظیم‌کنندگان خلاصه حکم در سازمان سوئدی «گزارش پنجاه وهشتم» تلاش کرده‌اند تا با این نوع خلاصه کردن که زبان اداری و حقوقی در آن ساده شده، فهم آن را برای بخش بزرگتری از مردم امکان‌پذیر کنند.

● اگر دولت سوئد که هیچ اظهار نظری در زمینه مبادله نداشته، نیت مبادله حمید نوری با زندانیان سوئدی در ایران را داشته باشد، باید تا نهای شدن حکم دادگاه تجدید نظر صبر کند. حمید نوری پس از پایان دوران محکومیت بر این اساس که حکم حبس ابد در سوئد برابر با ۲۵ سال است به ایران اخراج خواهد شد.

● دادگاه پژوهش یا استیناف و یا تجدید نظر حمید نوری ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ شروع و پس از ۹ ماه رسیدگی به پرونده، در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ حکم حبس ابد حمید نوری را تأیید کرد. دادگاه سوئد متهم را به اتهام یک جنایت جنگی و ۲۴ قتل به حبس ابد محکوم کرد.

● حمید نوری فرصت دارد تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ از دیوان عالی سوئد فرجام‌خواهی کند تا حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر را مورد بررسی قرار دهد. دیوان عالی سوئد زمانی چنین درخواستی را می‌پذیرد که دلایل محکمی ارائه شود که دادگاه تجدید نظر در حکم صادره رویه جدیدی را به لحاظ قضائی پایه‌گذاری کرده است. یا اگر دلایل خیلی استثنایی وجود داشته باشد، از جمله اینکه مشخص شود روند دادرسی در دادگاه تجدید نظر یک نقض جدی داشته یا اینکه در صدور حکم،

درگیری مسلحانه بین‌المللی (IAC) یا یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (NIAC) انجام شده باشد، و این حق را دارد که این رسیدگی را انجام دهد.

● آیا مکان وقوع جرم و مکان زندگی یا تابعیت متهم تأثیری در صلاحیت دادگاه دارد؟

پاسخ: برای اعمال صلاحیت فراسرزمینی به دلیل حضور متهم در سوئد، دادگاه‌های سوئد می‌توانند در مورد جرائم ارتكابی در خارج کشور توسط افراد مقیم سوئد اعمال صلاحیت کنند، به ویژه زمانی که مجازات احتمالی برای اتهام مطرح شده بیش از شش ماه حبس باشد. این واقعیت که متهم در زمان دستگیری تنها بطور موقت در سوئد بوده است، موضوع را تغییر نمی‌دهد.

● آیا یکی از افسران سوئدی با تبار ایرانی که در مرحله مقدماتی رسیدگی به پرونده نقش مترجم داشته است، جانبدار بوده و تمایلات شخصی‌اش را بر ضد حمید نوری دخالت داده است؟

پاسخ: در رابطه با جانبداری افسر پلیس با پرونده و اقدامات وی، دادگاه به این نتیجه رسید که اطلاعات مربوط به ارتباط شخصی بدون بررسی اصل اتهام، رد پرونده را توجیه نمی‌کند. [یعنی مهم آن است که چه موضوعاتی توسط آن پلیس ترجمه شده و اینکه کل پرونده در همان موضوعات بطور محتوایی و از زوایای مختلف چه چیزی را ارائه می‌دهد].

● آیا آنگونه که حمید نوری ادعا می‌کند، او را فریب داده و به سوئد کشانده‌اند؟

پاسخ: برخلاف ادعای متهم، دادگاه بر این نظر نیست که متهم به گونه‌ای به سوئد کشانده شده که حقوق وی را تضییع کرده باشد.

● آیا علنی شدن نام و چهره او در مرحله مقدماتی

یادآوری

خلاصه حکم دادگاه، جایگزین خود حکم نیست. حکم دادگاه تجدید نظر به زودی با ترجمه رسمی و بطور کامل از سوی دادگاه انتشار پیدا خواهد کرد. تنظیم‌کنندگان خلاصه حکم در سازمان سوئدی «گزارش پنجاه وهشتم» تلاش کرده‌اند تا با این نوع خلاصه کردن که زبان اداری و حقوقی در آن ساده شده، فهم آن را برای بخش بزرگتری از مردم امکان‌پذیر کنند. برای نوشته حاضر ابتدا متن انگلیسی به آلمانی و سپس به فارسی تنظیم شده است. ممکن است در برخی موارد اشتباهات کوچکی وجود داشته است.

کلمات داخل [کروشه] از سوی نگارنده و برای فهم بهتر جمله یا موضوع اضافه شده است.

پرسش‌های کلیدی

دادگاه تجدید نظر حمید نوری وظیفه داشت تا بر اساس شکایت وکلای حمید نوری و دلایلی که آنها علیه حکم صادره از سوی دادگاه بدوی ارائه کرده بودند به موضوعات متنوعی رسیدگی کند تا نهایتاً بتواند به این پرسش پاسخ دهد که آیا دستگیری و بازداشت حمید نوری قانونی بوده و آیا اتهامات صادره و حکم صادر شده علیه او قابل تأیید است؟

برای انسجام بهتر، پرسش‌های کلیدی و تعیین‌کننده‌ای که دادگاه تجدید نظر به آنها رسیدگی کرده، دسته‌بندی موضوعی شده و به آنها پاسخ داده شده است که در زیر آورده می‌شود. تأکید می‌شود پاسخ‌ها از متن خلاصه شده حکم است. پاسخ‌های دقیق و مشروح را می‌توان در متن ترجمه شده رسمی یافت.

صلاحیت دادگاه و مراحل دادرسی

● آیا دادگاه صلاحیت دارد بر اساس اصل صلاحیت جهانی به اتهامات مرتبط با حمید نوری بپردازد؟

پاسخ: دادگاه اعلام کرد که صلاحیت جهانی در مورد جنایات جنگی را دارد، صرف نظر از اینکه جنایات در چارچوب یک

سازمان سوئدی «مدافعان حقوق مدنی» یک نهاد غیردولتی است که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شده و از فعالیت مدافعین حقوق بشر در سراسر جهان حمایت می‌کند. این سازمان از طریق وکالت، دادخواهی و کمپین‌های عمومی برای ارتقاء سطح آگاهی مردم نسبت به حقوق مدنی خود در جهان تلاش کرده و همچنین به عنوان گروه ناظر حقوق مدنی سوئد فعالیت می‌کند. این سازمان همچنین بطور منظم گزارش‌هایی از دادگاه حمید نوری را در وبسایت خود به زبان سوئدی و انگلیسی منتشر کرده است. گزارش پنجاه وهشتم این سازمان به خلاصه جمع‌بندی شده حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری اختصاص دارد.

دادگاه پژوهش یا استیناف و یا تجدید نظر حمید نوری ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ شروع و پس از ۹ ماه رسیدگی به پرونده، در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ حکم حبس ابد حمید نوری را تأیید کرد. روش کار دادگاه به این شکل بود که قضات دادگاه ویدئوهای دادگاه بدوی حمید نوری را بطور کامل مشاهده کردند. آنها همچنین در ۲۲ جلسه علنی با دعوت از برخی شاهدان به آنها گوش فرا دادند. در دادگاه تجدید نظر نیز وکلای حمید نوری از او دفاع کرده و خود حمید نوری نیز مجدداً فرصت پیدا کرد از خود دفاع کند.

حمید نوری فرصت دارد تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ از دیوان عالی سوئد فرجام‌خواهی کند تا حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر را مورد بررسی قرار دهد. دیوان عالی سوئد زمانی چنین درخواستی را می‌پذیرد که دلایل محکمی ارائه شود که دادگاه تجدید نظر در حکم صادره رویه جدیدی را به لحاظ قضائی پایه‌گذاری کرده است. یا اگر دلایل خیلی استثنایی وجود داشته باشد، از جمله اینکه مشخص شود روند دادرسی در دادگاه تجدید نظر یک نقض جدی داشته یا اینکه در صدور حکم، یک اشتباه جدی پیش آمده است. وگرنه درخواست فرجام رد خواهد شد.

سازمان مجاهدین و وکیل آنها در دادگاه بدوی و تجدید نظر بسیار تلاش کردند تا کيفرخواست دادستان در ارتباط با اتهام جنایت جنگی را بی‌اعتبار کنند. هدف آنها از این تلاش‌ها برای آن بود تا وابستگی این سازمان به ارتش عراق در عملیات نظامی این سازمان در یک دادگاه بین‌المللی مورد بررسی قرار نگیرد. اینک با حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری و استدلال‌های این دادگاه در مورد ماهیت و گستردگی رابطه سازمان مجاهدین با ارتش عراق، وابستگی این سازمان به حکومت عراق یک بار دیگر تأیید و مشخص شد که این سازمان چگونه در چهار سال گذشته و در طول دادگاه حمید نوری، دادخواهی و حقیقت‌یابی را قربانی منافع سازمانی خود کرده است.

اسناد و مدارک و شواهد

● **آیا شهادت همه شاهدان اعتبار یکسان دارد، اگر نه، چه تأثیری بر درستی حکم دادگاه دارد؟ آیا ارزش اثباتی اسناد ارائه شده در ارتباط با اسامی زندانیان اعدام شده در تابستان ۶۷ برای دادگاه قابل تأیید است؟**

پاسخ: اگرچه اظهارات برخی شاهدان ارزش اثباتی کمتری داشته است، اما توسط شواهد کتبی، پشتیبانی شده است. مانند دادگاه منطقه [بدوی]، دادگاه [تجدید نظر] همچنین به این نتیجه رسید که نمی‌توان به فهرست‌های ارائه‌شده که حاوی اسامی اعدام‌شدگان در زندان‌های سراسر ایران در سال ۱۹۸۸ و همچنین تاریخ و مکان اعدام آنها بود، ارزش اثباتی بالایی قائل شد، زیرا اطلاعات مربوط به منابع آنها ناشناخته بود. [این تجربه به ما می‌آموزد که با وجود کار ارزشمند فردی یا گروهی در جمع‌آوری اسامی و مشخصات اعدام‌شدگان، اگر در تنظیم این لیست‌ها یا خاطرات، استانداردهای لازمی که برای دادگاه‌ها و ارگان‌های بین‌المللی مهم هستند رعایت نشود، محکمه‌پسند نبوده و ارزش قضائی و اثباتی نخواهند داشت. از این رو آشنائی با این استانداردها و رعایت آنها در نوشتن خاطرات، یا هنگام سخنرانی، گفتگو و مصاحبه و رعایت این استانداردها در تنظیم لیست کشته‌شدگان و... بسیار لازم و ضروری است]

● **آیا دادگاه حکم خمینی در مورد اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را تأیید می‌کند؟**

پاسخ: در اصل، دادگاه با نتیجه بدوی موافقت کرد که اعدام‌ها مرتبط به درگیری [عملیات سازمان مجاهدین] بوده و بنابراین ارتباط لازم برقرار بوده است... دادگاه بررسی کرد که آیا قبل از اعدام‌ها فتوایی از سوی آیت‌الله خمینی صادر شده است یا نه. این دادگاه دریافت که مقیاس و سازماندهی اعدام‌ها حاکی از آن است که این اعدام‌ها، آنطور که در کيفرخواست ادعا شده است، به دستور آیت‌الله خمینی در حکمی که در ارتباط نزدیک با اعدام‌ها صادر شده، صورت گرفته است. با وجود ابهام در مورد ماهیت فرمان خمینی (یعنی اینکه آیا باید آن را فتوا [دستور دینی] یا حکم [دستور حکومتی] تلقی کرد)، دادگاه بسیار بعید دانست که این اعدام‌ها بدون حمایت و دستور رهبری [جمهوری اسلامی] ایران انجام شده باشد و بنابراین این امر را چنین ارزیابی می‌کند. [و این ارتباط بین اعدام‌ها و درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی را توجیه می‌کند.

با تمام تلاشی که حمید نوری انجام داد تا اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و حکم خمینی در مورد آن را انکار و در نتیجه اساس اتهامات مطرح شده در مورد خودش را بی‌اثر کند، اما تأکید قاطع دادگاه تجدید نظر بر نقش خمینی در مورد کشتار زندانیان سیاسی بسیار پر اهمیت است.

(ادامه دارد)

علیه حمید نوری دارد؟

پاسخ: دادگاه به این سؤال پرداخت که آیا یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی بین ایران و مجاهدین خلق رخ داده است، و دریافت که شواهد قویاً نشان می‌دهد که درگیری مسلحانه بین مجاهدین خلق و ایران در زمان درگیری ادعایی ادامه داشته است. سطح درگیری‌ها به دلیل مدت و شدت آن یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی است... دادگاه به این نتیجه رسید که تحقیقات نشان داد که عراقی‌ها مشارکت فعال‌تری در عملیات چلچراغ و عملیات فروغ جاویدان داشتند. در مورد عملیات چلچراغ، دادگاه بعید می‌دانست که نیروهای عراقی و نیروهای مجاهدین خلق در این حمله همکاری عملیاتی نداشته باشند، زیرا نتایج نشان داد که نیروهای پیاده و نیروی هوایی عراق درگیر بوده‌اند. دادگاه به این نتیجه رسید که این نشان‌دهنده نفوذ عملیاتی بر مجاهدین خلق از طرف عراق است. دادگاه همچنین دریافت که تحقیقات قویاً ثابت کرده است که ارتش عراق پشتیبانی عملیاتی ملموس، از جمله پشتیبانی هوایی و پشتیبانی لجستیک، از مجاهدین خلق در طول پیشروی مجاهدین خلق به سمت قلمرو تحت کنترل ایران در طول عملیات فروغ جاویدان ارائه کرده است.

سپس دادگاه در مورد اینکه آیا ارتباط کافی بین درگیری مسلحانه و اعدام‌های زندان گوهردشت برای طبقه‌بندی اعمال ادعایی به عنوان جنایات جنگی وجود دارد یا نه، بحث کرد. دادگاه بررسی کرد که زندانیان اعدام شده در زندان گوهردشت از چه حمایتی بر اساس کنوانسیون ژنو برخوردار هستند. دادگاه خاطر نشان کرد در حالی که کنوانسیون چهارم ژنو از شهروندان بازداشت شده توسط دولت خود محافظت نمی‌کند، پروتکل یک کنوانسیون ژنو از هر غیرنظامی در یک درگیری مسلحانه بین‌المللی، صرف نظر از شهروندی آنها، محافظت می‌کند. در همین حال، ماده ۷۵ پروتکل اول، قتل و شکنجه افراد تحت حمایت را ممنوع کرده است. این کنوانسیون همچنین برای اشخاصی که در دست نیروی متخاصم هستند، صرف نظر از ملیت‌شان، تضمین می‌طلبد. [اگرچه دادگاه این موضوع را به صراحت بیان نکرده، اما ظاهراً به این نتیجه رسیده است که زندانیان اعدام شده در واقع افراد [اسیران] حمایت شده تحت کنوانسیون ژنو بوده‌اند بنابراین اعدام آنها جنایت جنگی به شمار می‌رود.]

● **آیا رابطه سازمان مجاهدین با عراق به نوعی بوده که بتوان ادعا کرد دولت عراق کنترل گسترده بر مجاهدین خلق اعمال می‌کرده است؟**

پاسخ: دادگاه با نتیجه دادگاه منطقه‌ای موافق است که مجاهدین خلق در عملیات نظامی علیه ایران از خاک عراق در سال ۱۹۸۸ شرکت کرده و پایگاه نظامی مجاهدین خلق در عراق از حمایت و حفاظت [حکومت/ دولت وقت] عراق بهره می‌برد. دادگاه همچنین با دادگاه منطقه موافقت کرد که مجاهدین خلق از [حکومت وقت] عراق در قالب تجهیزات نظامی کمک نظامی دریافت می‌کرده است. با این حال، دادگاه به این نتیجه رسید که این یافته در این مورد تعیین کننده نبود، زیرا دادگاه قبلاً به این نتیجه رسیده بود که عراق چنان کنترل گسترده‌ای بر مجاهدین خلق اعمال می‌کرده که از همین رو مجاهدین خلق را بخشی از درگیری مسلحانه بین‌المللی بین ایران و عراق می‌داند... دادگاه همچنین دریافت که تحقیقات قویاً ثابت کرده است که ارتش عراق پشتیبانی عملیاتی ملموس، از جمله پشتیبانی هوایی و پشتیبانی لجستیک، از مجاهدین خلق در طول پیشروی مجاهدین خلق به سمت قلمرو تحت کنترل ایران در طول عملیات فروغ جاویدان ارائه کرده است.

→ **بر اینکه شاهدان و شاکیان او را به ناحق مجرم بدانند تأثیر داشته است؟**

پاسخ: علنی شدن [خبر دستگیری] متهم بر روند رسیدگی، چنان تأثیری نداشته است که لازم باشد به خاطر آن پرونده منتفی شود. دادگاه همچنین بیان کرد که تأثیر احتمالی که ممکن است علنی شدن پرونده بر شاکیان و قربانیان داشته باشد، هنگام بررسی ارزش اثباتی اظهارات آنها توسط دادگاه بدوی، مورد توجه قرار گرفته است. [آنجا که دادگاه بدوی این درک را داشته که اظهارات یک شاهد تحت تأثیر اطلاعات ناشی از علنی شدن مشخصات یا اتهامات حمید نوری بوده، آن را لحاظ نکرده است.]

در طول برگزاری دادگاه بدوی و تجدید نظر، برخی از افراد با انگیزه‌های کینه‌توزانه شخصی یا گروهی تلاش کردند تا با برجسته کردن علنی شدن پیش از موعد نام و چهره حمید نوری، آن را دلیلی برای بی‌اعتباری کيفرخواست عنوان کنند. فضا سازی‌های مرتبط با این موضوع در مقاطعی باعث شد تا بخشی از دادخواهان و خانواده اعدام‌شدگان و افکار عمومی نسبت به آینده روند دادگاه حمید نوری حتی دچار ابهام یا تردید شوند.

حقوق متهم

● **آیا دسترسی حمید نوری به اطلاعاتی که بتواند از آنها برای دفاع از خودش دفاع کند محدود بوده است؟**

پاسخ: شرایطی که در بالا توضیح داده شد مانع توانایی متهم در ارائه دفاع موثر یا نقض حقوق وی نشده است. [باید دید در ترجمه رسمی که از سوی دادگاه منتشر خواهد شد در این مورد چه توضیحات بیشتری می‌توان یافت.]

● **آیا دادستان با درخواست حمید نوری برای تلاش جهت گردآوری اطلاعات از ایران مخالفت کرده است؟ و آیا نوع نگهداری حمید نوری در زندان به گونه‌ای بوده است که مانع از توانمندی او در دفاع از خودش شود؟**

پاسخ: دادگاه ابتدا به موضوع نقض احتمالی حقوق متهم پرداخت و خاطر نشان کرد که ماده ۶ کنوانسیون اروپایی ممکن است برای جبران نقض حقوقی که در آن ماده مقرر شده، راه حل مؤثری مشخص کند. با این حال، دادگاه در نظر گرفت که بهتر است اجازه دهد چنین شرایطی چه از طریق تخفیف مجازات یا تسهیل، همانطور که در رویه قضایی دیوان عالی سوئد ذکر شده است بر تعیین مجازات تأثیر بگذارد. [باید دید در ترجمه رسمی که از سوی دادگاه منتشر خواهد شد در این مورد چه توضیحات بیشتری می‌توان یافت.]

سازمان مجاهدین

● **آیا اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ ربطی به عملیات فروغ جاویدان سازمان مجاهدین داشته است؟**

پاسخ: دادگاه دریافت که نزدیکی بین اعدام‌ها و درگیری‌های مسلحانه [سازمان مجاهدین خلق] شواهد محکمی از ارتباط بین اعدام‌ها و درگیری‌های مسلحانه ارائه می‌دهد. دادگاه همچنین دریافت که رهبری [جمهوری اسلامی] ایران [خمینی] پس از یک جنگ پرهزینه و طولانی با عراق، تحت فشار زیادی قرار داشت و مجاهدین خلق در ژوئن و ژوئیه ۱۹۸۸ عملیات نظامی گسترده‌ای علیه ایران انجام داده بودند.

● **آیا تشخیص دادستان در دسته‌بندی کردن درگیری سازمان مجاهدین خلق با حکومت ایران ذیل درگیری مسلحانه بین‌المللی (IAC) یا یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (NIAC) قابل تأیید است؟ این موضوع چه اهمیتی در ارتباط با اعدام زندانیان و در ارتباط با اتهام وارده**

وزیر دفاع ایتالیا:

اگر رژیم ایران به تهدیدات خود ادامه دهد بهتر نیست از روابط بین‌الملل حذف شود؟



گوئیدو کروسو وزیر دفاع ایتالیا

● وزیر دفاع ایتالیا در مصاحبه با روزنامه «ایل فولیو» که ۳۰ آذرماه منتشر شد گفته «نقش [رژیم] ایران باید روشن شود. نمی‌توان باور کرد کشوری که بنزین روی آتش می‌پاشد بدون هیچ مزاحمتی همچنان به کار خود ادامه دهد.»

● گوئیدو کروسو در بخش دیگری از این مصاحبه تهدید کرد، که اگر جمهوری اسلامی بخواهد به این مسیر ادامه دهد و به همین ترتیب به تجارت بین‌المللی آسیب برساند، «ناگزیریم از خود پرسیم که آیا مناسب نیست آن را بطور کامل از روابط بین‌الملل حذف کنیم.»

● مدیر ارشد محیط زیست و تجارت اتاق بین‌المللی کشتیرانی که ۸۰ درصد از ناوگان تجاری جهان را در بر می‌گیرد، به آسوشیتدپرس می‌گوید در شرایطی که ۴۰ درصد تجارت آسیا و اروپا بطور معمول از طریق آبراه انجام می‌شود، ناامنی در دریای سرخ تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد جهانی خواهد گذاشت.

با ادامه حملات ایذایی علیه کشتی‌های تجاری در آبراه‌های بین‌المللی گوئیدو کروسو وزیر دفاع ایتالیا تهدید کرد که اگر رژیم ایران به مسیر کنونی ادامه دهد باید آنرا از روابط بین‌الملل حذف کرد.

به گزارش روزنامه «هافینگتون پست» وزیر دفاع ایتالیا در مصاحبه با روزنامه «ایل فولیو» که ۳۰ آذرماه منتشر شد گفته «نقش [رژیم] ایران باید روشن شود. نمی‌توان باور کرد کشوری که بنزین روی آتش می‌پاشد بدون هیچ مزاحمتی همچنان به کار خود ادامه دهد. من این را درباره مسئله خاورمیانه و حمایت از شبه‌نظامیان که درگیر جنگ نیابتی با اسرائیل هستند و همچنین تنش‌ها در دریای سرخ می‌گویم.»

وی با بیان اینکه «تنش‌ها در دریای سرخ به بنادر ایتالیا هم آسیب می‌زند» توضیح داد: «جبهه جدیدی که در دریای سرخ باز شده، اکنون یکی از تهدیدکننده‌ترین مسائل برای منافع تجاری ایتالیا و اروپاست... ایتالیا سهم خود را برای مقابله با فعالیت بی‌ثبات‌کننده تروریستی حوثی‌ها و حفاظت از رونق تجارت با تضمین آزادی دریانوردی انجام خواهد داد.»

ایتالیا یکی از کشورهای است که اعلام کرده به ائتلاف دریایی «گروه ۱۵۳» به رهبری آمریکا علیه حوثی‌ها می‌پیوندد. وزیر دفاع این کشور تأکید کرده ایتالیا سهم خود را برای مقابله با تهدیدات حوثی‌ها و جمهوری اسلامی ادا می‌کند.

گوئیدو کروسو در بخش دیگری از این مصاحبه تهدید کرد، که اگر جمهوری اسلامی بخواهد به این مسیر ادامه دهد و به همین ترتیب به تجارت بین‌المللی آسیب برساند، «ناگزیریم از خود پرسیم که آیا مناسب نیست آن را بطور کامل از روابط بین‌الملل حذف کنیم؟!»

وی با اشاره به اهمیت حفاظت از امنیت تجارت جهانی گفت، «با این مسئله نمی‌شود شوخی کرد... نمی‌شود با اصول غیرقابل مذاکره بازی کرد.»

میخائیل اولیانوف:

در واشنگتن تصمیم گرفته‌اند نیازی به «توافق اتمی» با ایران نیست

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی به «ریا نووستی» گفته شانس «احیای برجام» بسیار اندک است و ظاهراً در واشنگتن تصمیم گرفته شده که دیگر نیازی به توافق اتمی با جمهوری اسلامی نیست و اروپایی‌ها به سادگی میز مذاکرات را ترک کردند.

● کوروش احمدی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در نیویورک در مصاحبه با «انتخاب» هشدار داده «اگر هیچ تفاهمی بین ایران و امریکا نباشد، شرایط تحت کنترل چندین ماه اخیر، می‌تواند از کنترل خارج شود.»

● وی توضیح داده «شرایط خطرناکی می‌تواند شکل بگیرد و بعید نیست که اسرائیل تصمیم گرفته باشد که اگر قرار است دست به تجاوزی علیه ایران و حزب‌الله بزند، الان این کار را بکند.»

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، شانس «احیای برجام» را بسیار پایین دانست و گفت، در واشنگتن تصمیم گرفته شده که دیگر نیازی به توافق اتمی با جمهوری اسلامی نیست.

این دیپلمات روس روز جمعه ۲۹ دسامبر (هشتم دی‌ماه) در مصاحبه با شبکه «ریا نووستی» گفت: «شانس از سر گرفتن مذاکرات برجام در حال حاضر بسیار اندک است. اما در ابتدای مارس ۲۰۲۲ که من مسئول هیأت روسیه در این مذاکرات بودم، همه چیز قبلاً مورد بحث و توافق قرار گرفته و توافق برای احیای برجام در واقع ۹۹ درصد حاصل شده بود.»

وی با بیان اینکه ظاهراً در پاییز ۲۰۲۲ در واشنگتن تصمیم گرفته شد که نیازی به احیای دوباره توافق هسته‌ای با ایران نیست، توضیح داد: «متعاقباً موضع مشابهی توسط انگلیس، فرانسه و آلمان اتخاذ شد و از فوریه تا مارس همان سال به سادگی میز مذاکره را ترک کردند.»

اولیانوف ضمن اشاره به این موضوع که کشورهای غربی اکنون سر و صدای زیادی درباره غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم توسط رژیم ایران به راه انداخته‌اند، اظهار داشت: «طبق برجام ایران اجازه ندارد بیشتر از ۶۷/۳ درصد غنی‌سازی انجام دهد، اما غربی‌ها خودشان از این توافق بیرون رفتند.»

در بخشی از این مصاحبه اولیانوف در مورد عدم توافق بر سر برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی هشدار داد و افزود «مهم‌ترین چیز این است که اکنون شرایط پُر از خطر تنش‌های غیرکنترل شده در هر لحظه‌ای است. اما این انتخاب خود غرب است و نمی‌توانیم مجبورشان کنیم به میز مذاکره بازگردند.» این اظهارات «داهیان» از سوی اولیانوف در حالیست که خود روسیه با حمله نظامی به اوکراین از مسیبان «تنش‌های غیرکنترل شده» است!

بعد از حمله نظامی روسیه به اوکراین مذاکرات

اگرچه ایتالیا اعلام کرده بود به ائتلاف دریایی «گروه ۱۵۳» می‌پیوندد اما برخی منابع غیررسمی گزارش داده‌اند که دولت‌های اروپایی از جمله فرانسه، اسپانیا و ایتالیا چندان اشتیاقی به همکاری با آمریکا در این ساختار جدید ندارند و ترجیح می‌دهند با همکاری ناتو یا ائتلاف اروپایی عملیات دریایی بیشتری در دریای سرخ داشته باشند.

برای نخستین بار است که پس از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل و کشیده شدن تنش‌ها به دریای سرخ و باب‌المندب یک مقام اروپایی رسماً اعلام می‌کند تنش‌های دریایی به منافع تجاری و اقتصاد جهانی لطمه زده است و رژیم ایران را مقصر می‌داند.

بر اساس اعلام شرکت «کوهنه ناگل» دومین شرکت بزرگ خدمات لجستیک جهان، حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری باعث شد که دست‌کم ۱۰۳ کشتی کانتینری مسیر خود را از دریای سرخ تغییر دهند.

جان استاوپرت مدیر ارشد محیط زیست و تجارت اتاق بین‌المللی کشتیرانی که ۸۰ درصد از ناوگان تجاری جهان را در بر می‌گیرد، به آسوشیتدپرس می‌گوید در شرایطی که ۴۰ درصد تجارت آسیا و اروپا بطور معمول از طریق آبراه انجام می‌شود، ناامنی در دریای سرخ تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد جهانی خواهد گذاشت.

بر اساس گزارش مجله «اکنومیست»، «۵۳ درصد تجارت کانتینری جهان در دریای سرخ متوقف شده است.»

همزمان با این اظهارات، ایالات متحده اعلام کرده جمهوری اسلامی در برنامه‌ریزی حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ «عمیقاً درگیر» بوده است. مقامات آمریکایی درباره واکنش احتمالی نسبت به افزایش تهدید علیه کشتیرانی آزاد در یکی از شریان‌های تجارت جهانی هشدار داده‌اند.

تلفات سنگین در حمله آمریکا به پایگاه «فاطمیون» در مرز سوریه و عراق



برخاست دود از مقرّ شبه نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حوالی بوکمال در مرز سوریه و عراق

انقلاب اسلامی و شرکای آن در البوکمال در مرز عراق و سوریه هدف حمله قرار گرفت. از آغاز عملیات اسرائیل در غزه علیه تروریست‌های حماس، بیش از ۱۱۰ بار پایگاه‌های آمریکا در منطقه هدف حمله گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند.

یک منبع امنیتی به «العربیه» گفت بامداد شنبه نهم‌دی‌ماه، در حملات هوایی شبانه نیروهای آمریکایی به پایگاه لشکر «فاطمیون» (افغان‌های عضو سپاه قدس) و دیگر شبه‌نظامیان وابسته به سپاه در حومه البوکمال در نزدیکی شهر مرزی القائم عراق، ده‌ها نفر کشته شدند.

طبق گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن، طی ۹ حمله علیه مواضع این شبه‌نظامیان در شهر مرزی البوکمال دست‌کم ۲۰ نفر کشته و مجروح شدند.

پیش از این گزارش شده بود ۱۱ عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی در حمله اسرائیل به فرودگاه دمشق کشته شده‌اند. اما رمضان شریف سخنگوی سپاه پاسداران این خبر را تکذیب کرده است.

با شدت گرفتن حملات عوامل سپاه پاسداران علیه پایگاه‌های آمریکایی، دولت بایدن برای واکنش مناسب به شدت زیر فشار قرار گرفته است. در یک هفته گذشته دست‌کم دو عملیات علیه گروه‌های نیابتی توسط نیروهای سنتکام انجام شد.

دو مقام دفاعی آمریکا به س‌ان‌ان گفتند که یک نظامی آمریکایی که در حمله روز کریسمس به یک پایگاه هوایی در عراق به شدت مجروح شده بود، در شرایط وخیم بسر می‌برد. این سرباز که به یک بیمارستان در آلمان منتقل شده، یکی از سه نظامی آمریکایی است که در حمله شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران به پایگاه هوایی اربیل مجروح شدند.

● به تلافی حمله شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به پایگاه‌های آمریکایی «الشدادی» در حسکه (شمال شرق سوریه) و «الحریر» در شمال اربیل عراق، پایگاه گروه‌های نیابتی از جمله «فاطمیون» در حوالی البوکمال در مرز سوریه و عراق هدف حمله شدید قرار گرفت.

● از آغاز عملیات اسرائیل در غزه علیه تروریست‌های حماس بیش از ۱۱۰ بار پایگاه‌های آمریکا در منطقه هدف حمله گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند.

● طبق گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن، طی ۹ حمله علیه مواضع این شبه‌نظامیان در شهر مرزی البوکمال دست‌کم ۲۰ نفر کشته و مجروح شدند.

● دو مقام دفاعی آمریکا به س‌ان‌ان گفتند که یک نظامی آمریکایی که در حمله روز کریسمس به یک پایگاه هوایی در عراق به شدت مجروح شده بود، در شرایط وخیم بسر می‌برد. این سرباز به یک بیمارستان در آلمان منتقل شده است.

در ادامه درگیری‌های منطقه‌ای میان گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی و ارتش آمریکا و اسرائیل، جمعه‌شب ۲۹ دسامبر (هشتم دی‌ماه) پایگاه‌های آمریکا «الشدادی» در حسکه (شمال شرق سوریه) و «الحریر» در شمال اربیل عراق هدف پهنادهای انتحاری قرار گرفت.

ایالات متحده می‌گوید که این حملات «تا حد زیادی ناموفق» بوده است، اما تأکید شده که در صورت تهدید، از هیچ اقدامی برای اطمینان از امنیت نیروهای خود دریغ نخواهد کرد.

به تلافی این حملات، پایگاه‌های وابسته به سپاه پاسداران

ا‌تهی با جمهوری اسلامی در عمل به بن‌بست رسید. حتا در داخل ایران شماری از چهره‌های برجسته حکومت از جمله محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین و حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی بارها تأکید کردند که شکست مذاکرات ا‌تهی حاصل «خیانت» روسیه است.



میخائیل اولیانوف

اگرچه جو بایدن حدود یک سال پیش بطور غیررسمی گفت «برجام مُرده است» اما روزنه امیدی برای جمهوری اسلامی وجود داشت که با راهبردهایی مثل به‌گروگان‌گرفتن شهروندان خارجی و دوتابعیتی‌ها یا به واسطه دلالی عمان و قطر راه‌های مذاکره با آمریکا را باز نگه دارند اما حمله تروریستی و مرگبار «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل، دیوار بن‌بست مذاکرات ا‌تهی را بیش از پیش بالا برد. البته برخی تحلیلگران معتقدند حمله حماس به اسرائیل واکنش جمهوری اسلامی به شکست مذاکرات ا‌تهی بود چرا که خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اسرائیل را عامل شکست مذاکرات ا‌تهی و حتا به راه افتادن اعتراضات گسترده ضدحکومتی می‌دانند.

هشدار در مورد عدم توافق با آمریکا

بر اساس تازه‌ترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی ا‌تهی، جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای ساخت سه سلاح ا‌تهی دارد. رافائل گروسی مدیرکل آژانس با اشاره به اخراج بازرسان این نهاد از ایران و افزایش سرعت غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی هشدار داده نباید اجازه داد رژیم ایران به یک کره شمالی دیگر تبدیل شود.

کوروش احمدی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در نیویورک در مصاحبه با «انتخاب» هشدار داده «اگر هیچ تفاهمی بین ایران و آمریکا نباشد، شرایط تحت کنترل چندین ماه اخیر، می‌تواند از کنترل خارج شود.»

وی توضیح داده «شرایط خطرناکی می‌تواند شکل بگیرد و بعید نیست که اسرائیل تصمیم گرفته باشد که اگر قرار است دست به تجاوزی علیه ایران و حزب‌الله بزند، الان این کار را بکند.»

احمدی به ترور رضی موسوی مسئول لجستیک «سپاه قدس» در سوریه اشاره کرده و گفته «عملی بسیار تحریک‌آمیز و ماجراجویانه است و ممکن است با هدف واداشتن ایران به انجام اقدامی در شرایط کنونی که آمریکا در مدیترانه و خلیج فارس و دریای سرخ حضور تقویت شده دارد و در حال آماده‌باش است، انجام شده باشد.»

کشتی جاسوسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌ها در دریای سرخ کمک می‌کند



کشتی «ساوز» متعلق به نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

همین منابع اکنون گزارش می‌دهند که عوامل سپاه پاسداران در جیبوتی نیز آماده اقدامات مشابه علیه کشتی‌ها در اقیانوس هند و آب‌های جنوبی تنگه باب‌المندب می‌شوند. احتمالاً اشاره منابع آمریکایی به کشتی پشتیبانی جمهوری اسلامی که به حوثی‌ها کمک می‌کند کشتی «ساوز» متعلق به سپاه پاسداران است.

امیر مقدم مدیر پیشین روابط عمومی و رابط پارلمانی معاونت اجرایی دولت یازدهم که اکنون در فرانسه ساکن است فروردین سال ۱۴۰۰ در گفتگو با کیهان لندن عنوان کرد «آنچه منابع غربی در مورد کشتی ساويز منتشر می‌کنند درست است، این کشتی در زمینه پشتیبانی و تدارکات تروریسم، جاسوسی دریایی، حمله به کشتی‌های تجاری غربی، انتقال تجهیزات ممنوعه و پهپاد به یمن، پشتیبانی حوثی‌ها و هدف قراردادن منافع عربستان فعال است و از دیگر ماموریت‌های ساويز پشتیبانی کشتی‌هایی است که بین ایران و ونزوئلا تردد می‌کنند و حامل پهپاد هستند و در واقع عملیات رساندن پهپاد از این کشتی‌ها به حوثی‌ها را تسهیل می‌کند.»

امیر مقدم که برای اولین بار «پروژه ساخت سوخت موشک در آلومینای جاجرم» را در مصاحبه با رویترز افشا کرد در ادامه می‌گوید «کشتی‌ها در تردد بین جمهوری اسلامی و ونزوئلا عامل اصلی انتقال پهپاد و تجهیزات ممنوعه به حوثی‌های یمن هستند، قریب به اتفاق این کشتی‌هایی که ظاهراً حامل بنزین و گاز و مواد غذایی‌اند، در واقعیت پهپاد حمل می‌کنند و در طول مسیر با خاموش کردن ردياب‌ها و از طریق کشتی‌های کوچک و واسطه‌ها از طریق بنادر کوچک و با صرف رشوه‌های نقدی تجهیزات را به حوثی‌ها می‌رسانند. شاید بتوان گفت این مهمترین مسیر و پوشش یک قاچاق سازمان‌یافته از ایران تا یمن و شاخ آفریقا است.»

زیرا این یک موضوع مهم برای جامعه بین‌المللی است.» مقامات حوثی در اوایل این هفته گفتند تا وقتی که اسرائیل به جنگ علیه حماس ادامه دهد، به هدف قرار دادن کشتی‌هایی که در نزدیکی یمن حرکت می‌کنند، ادامه خواهند داد.

حوثی‌ها از ۱۸ نوامبر دست‌کم ۱۵ کشتی را هدف قرار داده‌اند، که به گفته آنها واکنشی به جنگ غزه است. اگرچه برخی از این کشتی‌ها به اسرائیل ارتباطی ندارند.

تعداد زیادی از کشتی‌ها از زمان شروع حملات شروع به دور شدن از دریای سرخ کرده‌اند و ترجیح می‌دهند بجای مواجهه با تهدیدات و حملات حوثی‌ها، آفریقا را دور بزنند. پنتاگون برای مقابله با این تهدیدات از تشکیل یک ائتلاف دریایی با عنوان «گروه ضربت ۱۵۳» خبر داده است. تا کنون ۲۰ کشور برای حضور در این ائتلاف اعلام آمادگی کردند.

ایالات متحده می‌گوید که جمهوری اسلامی حمایت مالی حوثی‌ها را برای عملیات‌هایشان فراهم کرده و شبه‌نظامیان از تاکتیک‌های مورد استفاده رژیم تهران در برخی عملیات‌های خود استفاده کرده‌اند، مانند موقعیتی که توانستند «گالکسی لیدر» را به گروگان بگیرند.

واتسون همچنین گفت که حوثی‌ها در حملات خود از پهپادهای ایرانی KAS-۰۴ استفاده کرده‌اند.

یک مقام امنیتی غربی گفت: «حوثی‌ها فناوری راداری برای هدف قرار دادن کشتی‌ها ندارند و به کمک رژیم ایران نیاز دارند. بدون آن، موشک‌ها فقط در آب سقوط می‌کنند.» با اینهمه رژیم ایران نقش خود را در حمله به کشتی‌های تجاری انکار می‌کند.

کیهان لندن پیش از این به نقل از منابع غیررسمی گزارش داده بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اطلاعات کشتی‌های عبوری از دریای سرخ و باب‌المندب را در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد.

● کاخ سفید با استناد به اطلاعات محرمانه سرویس‌های امنیتی اعلام کرد که حوثی‌ها برای حمله به کشتی‌های تجاری به «سیستم‌های تجسسی ارائه‌شده توسط [رژیم] ایران» متکی هستند.

● آدرین واتسون سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در اینبار می‌گوید: «ما می‌دانیم که [رژیم] ایران عمیقاً در برنامه‌ریزی عملیات علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ نقش دارد. اطلاعات تاکتیکی ارائه شده توسط ایران برای فعال کردن حوثی‌ها برای هدف قرار دادن کشتی‌ها از زمان آغاز حملات این گروه در نوامبر بسیار مهم بوده است.»

● منابع غیررسمی می‌گویند عوامل سپاه پاسداران در جیبوتی آماده اقدامات مشابه علیه کشتی‌ها در اقیانوس هند و آب‌های جنوبی تنگه باب‌المندب می‌شوند.

● امیر مقدم مدیر پیشین روابط عمومی و رابط پارلمانی معاونت اجرایی دولت یازدهم که اکنون در فرانسه ساکن است فروردین سال ۱۴۰۰ در گفتگو با کیهان لندن عنوان کرد «آنچه منابع غربی در مورد کشتی ساويز منتشر می‌کنند درست است، این کشتی در زمینه پشتیبانی و تدارکات تروریسم، جاسوسی دریایی، حمله به کشتی‌های تجاری غربی، انتقال تجهیزات ممنوعه و پهپاد به یمن، پشتیبانی حوثی‌ها و هدف قراردادن منافع عربستان فعال است و از دیگر ماموریت‌های ساويز پشتیبانی کشتی‌هایی است که بین ایران و ونزوئلا تردد می‌کنند و حامل پهپاد هستند و در واقع عملیات رساندن پهپاد از این کشتی‌ها به حوثی‌ها را تسهیل می‌کند.»

ایالات متحده می‌گوید جمهوری اسلامی در برنامه‌ریزی حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ «عمیقاً درگیر» بوده است. مقامات آمریکایی درباره واکنش احتمالی نسبت به افزایش تهدید علیه کشتیرانی آزاد در یکی از شریان‌های تجارت جهانی هشدار داده‌اند.

روزنامه «فایننشال تایمز» روز جمعه ۲۲ دسامبر (اول دی‌ماه) گزارش داد کاخ سفید با استناد به اطلاعات محرمانه سرویس‌های امنیتی اعلام کرد که حوثی‌ها برای حمله به کشتی‌های تجاری به «سیستم‌های تجسسی ارائه‌شده توسط ایران» متکی هستند.

آدرین واتسون سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در اینبار می‌گوید: «ما می‌دانیم که [رژیم] ایران عمیقاً در برنامه‌ریزی عملیات علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ نقش دارد. اطلاعات تاکتیکی ارائه شده توسط [رژیم] ایران جهت فعال کردن حوثی‌ها برای هدف قرار دادن کشتی‌ها از زمان آغاز حملات این گروه در نوامبر بسیار مهم بوده است.» دولت بایدن اعلام کرده است که در حال بررسی اقدامات بیشتر در پاسخ به حملات حوثی‌ها است. حملات آنها این نگرانی را ایجاد کرده که جنگ اسرائیل و حماس ممکن است به دیگر کشورهای خاورمیانه گسترش یابد و ایالات متحده را در منطقه درگیر کند.

ایالات متحده از «هفت اکتبر» دو گروه ناو رزمی هوایی‌بار به منطقه اعزام کرده و از زمان آغاز جنگ، صدها نیروی اضافی را در خاورمیانه مستقر کرده است.

واتسون می‌گوید: «ما در حال انجام گفتگوهای فشرده با شرکاء و متحدان خود در مورد پاسخ به این حملات هستیم،

نفتالی بنت نخست وزیر پیشین اسرائیل:

آمریکا و اسرائیل باید هدف روشن برای سرنگونی رژیم ایران تعیین کنند



علی خامنه‌ای در مراسم رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

● نفتالی بنت نخست وزیر پیشین اسرائیل در مقاله‌ای که ۲۸ دسامبر (هفتم دی‌ماه) در روزنامه «وال استریت ژورنال» منتشر شد توصیه کرده که آمریکا و اسرائیل باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی یک هدف روشن تعیین کنند. وی افزوده است «آیت‌الله‌ها می‌بایست تاوان آشوبی را که توسط حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها به راه انداخته‌اند بپردازند.»

● «اورشلیم پست» یک روز بعد، ۲۹ دسامبر، مدعی شد که بنت «اطلاعات نظامی حساس این مقاله را بدون تأیید واحد سانسور ارتش اسرائیل منتشر کرده است.» نخست وزیر سابق اسرائیل در پاسخ گفت که مشکل انتشار اقداماتی که ما علیه جمهوری اسلامی انجام دادیم نیست بلکه اینست که رژیم ایران با حماس و حزب‌الله و حتا حوثی‌ها در کمین تهاجم به ما نشسته و دولت‌ها فقط حرف می‌زنند و هیچ تاوان دردناکی را به رهبران جمهوری اسلامی تحمیل نمی‌کنند.

نفتالی بنت نخست وزیر پیشین اسرائیل در مقاله‌ای که ۲۸ دسامبر (هفتم دی‌ماه) با عنوان «آمریکا و اسرائیل باید مستقیم با ایران مقابله کنند» در روزنامه «وال استریت ژورنال» منتشر شد، توصیه کرده که این دو کشور باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی یک هدف روشن تعیین کنند. وی افزوده است که «آیت‌الله‌ها می‌بایست تاوان آشوبی را که توسط حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها به راه انداخته‌اند بپردازند.»

نفتالی بنت در آغاز این مقاله می‌نویسد، حماس و جهاد اسلامی با حمایت رژیم ایران ۱۲۰۰ اسرائیلی را در «هفت اکتبر» قتل عام کردند و در نتیجه جنگی تمام‌عیار در غزه آغاز شد. حزب‌الله که از سوی جمهوری اسلامی حمایت می‌شود، از آن زمان تا کنون بیش از هزار موشک به شهرهای اسرائیل پرتاب کرده که خطر گسترش آتش‌افروزی در منطقه را به همراه داشته است. حوثی‌های یمن تحت حمایت حکومت ایران در دریای سرخ که یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های جهان است اقدام به حمله و ربودن کشتی‌ها می‌کنند و کشورهای متعادل عرب را تهدید می‌کنند.

وی سپس می‌پرسد، آیا متوجه یک الگو می‌شوید؟ رژیم ایران در مرکز بیشتر مشکلات خاورمیانه و بخش عمده‌ای از ترور جهانی قرار دارد. با این حال، به طرز توجیه‌ناپذیر، انگار کسی این موضوع را احساس نمی‌کند. در ۴۵ سال گذشته، این رژیم منشأ جنگ، ترور و رنج بی‌پایان در سراسر جهان بوده و به نظرم دیگر بس است. امپراتوری شیطان رژیم ایران باید سرنگون شود.

بنت که یک سال، از ژوئن ۲۰۲۱ تا ژوئن ۲۰۲۲ نخست‌وزیر اسرائیل بود، در بخش دیگری از این مقاله با اشاره به بخشی از اقداماتش علیه جمهوری اسلامی، از جمله حمله به یک پایگاه نظامی و کشتن یکی از فرماندهان سپاه در دوران نخست‌وزیری‌اش نوشت، «من به نیروهای امنیتی اسرائیل دستور دادم که تهران را مجبور به پرداخت هزینه حمایت‌های تروریستی خود در پشتیبانی از شبه‌نظامیان علیه اسرائیل کند. مصونیت از مجازات دیگر کافست. در فوریه ۲۰۲۲ پس از ناکامی [رژیم] ایران در انجام دو حمله پهبادی به خاک ما، اسرائیل یک پایگاه پهبادی در خاک ایران را منهدم کرد. در مارس ۲۰۲۲ نیز یک واحد ترور رژیم ایران قصد کشتن گردشگران اسرائیلی در ترکیه را داشت که ناکام

تنها ممکن است، بلکه برای ایمنی و امنیت خاورمیانه و کل جهان متمدن حیاتی است.»

«اورشلیم پست» یک روز بعد، ۲۹ دسامبر، در ارتباط با توضیحات نفتالی بنت درباره حمله به ایران و ترور یکی از فرماندهان رژیم مدعی شد که وی «اطلاعات نظامی حساس این مقاله را بدون تأیید واحد سانسور ارتش اسرائیل منتشر کرده است.»

بنت در واکنش به این موضوع پاسخ داده است: «مشکل با [رژیم] ایران، انتشار اقداماتی که ما علیه آن انجام داده‌ایم و قبلاً در گذشته نیز روشن بوده‌اند نیست بلکه اینست که [حکومت] ایران با حماس و حزب‌الله و حتا حوثی‌ها در کمین تهاجم به ما نشسته و دولت‌ها طی بیش از یک دهه اخیر فقط حرف می‌زنند و مذاکره می‌کنند اما هیچ تاوان دردناکی را به رهبران جمهوری اسلامی تحمیل نمی‌کنند.»

نفتالی بنت در دوران نخست‌وزیری خود با الگوبرداری از «جنگ ستارگان» رونالد ریگان رئیس‌جمهوری سابق آمریکا که برای مقابله با شوروی به اجرا درآمد خواست تا «هزینه را برای رژیم ایران بالا ببرد.»

وی گفته بود «جمهوری اسلامی یک رژیم پوسیده است که حتا نمی‌توانند آب آشامیدنی برای شهروندان خود تامین کنند اما منابع خود را در توسعه هسته‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنند.»

رونالد ریگان آخرین رئیس‌جمهوری آمریکا در دوران جنگ سرد، در سال ۱۹۸۳ طرحی به نام «ابتکار دفاع استراتژیک» موسوم به «جنگ ستارگان» به اجرا گذاشت. بخشی از این طرح ایجاد یک سپر دفاعی در برابر سلاح‌های هسته‌ای بود. نتیجه اینکه اقدامات پرهزینه شوروی برای رقابت نظامی با آمریکا به فلج شدن اقتصاد شوروی و فروپاشی آن منجر شد و به پایان جنگ سرد که با دو قطبی شدن جهان پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود کمک کرد.

مانند. چندی بعد فرمانده این واحد در مرکز تهران کشته شد.»

این اطلاعات صریح نفتالی بنت در ارتباط با حمله اسرائیل به ایران و ترور عاملان جمهوری اسلامی در حالیست که اسرائیل به ندرت درباره چنین اقداماتی از سوی خود اعتراف می‌کند. اما نفتالی بنت در ادامه توضیح می‌دهد که در عمل «معلوم شد زمامداران ظالم ایران، ضعیف‌تر از آن چیزی هستند که انتظار می‌رود. آنها با خوشحالی دیگران را می‌فرستند تا به خاطر آنان بمیرند. اما وقتی در خانه خودشان به آنها صدمه وارد می‌شود، ناگهان نگران می‌شوند.»

اشارات بنت مربوط به عملیات اسرائیل در هدف قرار دادن پایگاه موشکی-پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی کرمانشاه و ترور حسن صیاد خدایی از عوامل «سپاه قدس» است.

نخست‌وزیر پیشین اسرائیل در ارتباط با اقدامات خود همچنین توضیح داده است: «هدف من این بود که در صورت امکان از درگیری‌های محلی با حزب‌الله و حماس اجتناب کنم. در عوض، منابع امنیتی ملی اسرائیل باید بر تضعیف دشمن اصلی ما یعنی ایران متمرکز شود.»

نفتالی بنت سپس افزوده که از اواخر دهه ۸۰ میلادی استراتژی حکومت ایران در خاورمیانه ایجاد نیروهای نیابتی و «اجازه دادن به آنها برای اقدامات کثیف و جنگیدن و مُردن» بود. اکنون این نیروها دائماً در حال جنگ با اسرائیل هستند و از لبنان، سوریه، عراق، یمن و غزه به اسرائیل ضربه می‌زنند.

بنت در این مقاله از عملکرد دفاعی اسرائیل نیز در مقابل تهدیدات رژیم ایران انتقاد کرده و گفته عملیات «هفت اکتبر» درواقع برای اسرائیل به مفهوم «شکست پیش از وقوع جنگ» است که منتهی به این جنایت مرگبار شد.

بنت در پایان نتیجه می‌گیرد: «آمریکا و اسرائیل باید هدف روشنی برای سرنگونی رژیم شرور ایران تعیین کنند. این نه

اعدام چهار نفر در ایران به جرم «خرابکاری» و «جاسوسی» برای موساد



تصاویر سه نفر از اعدام شدگان در زندان ارومیه

● چهار نفر به نام «وفا هناره»، «آرام عمری بردیانی»، «رحمان پرهازو» و «نسیم مازی» به جرم «محرابه و افساد فی الارض از طریق همکاری اطلاعاتی با اسرائیل به قصد برهم زدن امنیت کشور» اعدام شدند.

● رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی گفته این افراد اعضای یک تیم ۱۰ نفره بودند که «با هدایت مستقیم افسران جاسوسی موساد اقدام به شناسایی نیروی‌های امنیتی می‌کردند و با ربایش، تهدید و ضرب و شتم قصد تخلیه اطلاعاتی آنها را داشتند».

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشتم دی‌ماه گزارش داد که چهار نفر در استان آذربایجان غربی به جرم «خرابکاری» و «جاسوسی» تحت هدایت افسران موساد اعدام شدند.

رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی گفته این افراد اعضای یک تیم ۱۰ نفره بودند که «با هدایت مستقیم افسران جاسوسی موساد اقدام به شناسایی نیروی‌های امنیتی می‌کردند و با ربایش، تهدید و ضرب و شتم قصد تخلیه اطلاعاتی آنها را داشتند».

ادعا شده این افراد در قبال مأموریت‌های انجام شده مبالغی را از عوامل اسرائیل و افسران موساد در چند نوبت دریافت کرده بودند.

در این گزارش همچنین آمده این افراد «با برقراری ارتباط تصویری با افسران موساد دارای ارتباط مستقیم با آنها بوده‌اند». منابع امنیتی مدعی شدند اقدامات اعضای این گروه علاوه بر استان‌های آذربایجان غربی، شامل تهران و هرمزگان هم بوده و در چندین فقره اقدام به «آتش زدن خودروها و منازل برخی افراد مرتبط با نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی کرده‌اند و با تهیه تصویر و ارسال برای افسران موساد، پول دریافت کرده بودند».

همچنین ادعا شده است که آنها «در مواردی اقدام به حذف فیزیکی و ترور نیروهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی کرده بودند که خوشبختانه ناموفق بود».

این چهار نفر به نام «وفا هناره»، «آرام عمری بردیانی»، «رحمان پرهازو» و «نسیم مازی» صبح جمعه هشتم دی‌ماه به جرم «محرابه و افساد فی الارض از طریق همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی به قصد برهم زدن امنیت کشور» در زندان مرکزی ارومیه اعدام شدند. حکم اعدام این افراد دو روز بعد از ترور پاسدار «سید رضی موسوی» فرمانده پشتیبانی «سپاه قدس» در سوریه به اجرا درآمد.

شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه اواخر بهمن سال گذشته، پنج نفر به نام وفا هناره، آرام عمری بردیانی، رحمان پرهازو، منصور رسولی و نسیم مازی را به اتهام «مشارکت در همکاری اطلاعاتی و جاسوسی به نفع اسرائیل» به اعدام محکوم کرد.

در این میان، سازمان حقوق بشر «هنگاو» اعلام کرده است که حکم اعدام وفا هناره، آرام عمری بردیانی و رحمان پرهازو ساعت ۲۳ شامگاه پنجشنبه هفتم دی‌ماه در زندان مرکزی ارومیه اجرا شد اما اجرای حکم اعدام نسیم مازی بطور موقت به تعویق افتاده است.

به نوشته این سازمان به نقل از یک منبع مطلع، نهادهای امنیتی به خانواده‌های این زندانیان اعلام کرده‌اند که اجساد

ترور رضی
موسوی فرمانده
لجستیک
«سپاه قدس»
در سوریه؛
گفن‌پوشان
بسیجی خواستار
«انتقام» شدند



سید رضی در کنار قاسم سلیمانی
فرمانده سابق نیروهای قدس

● خبرگزاری‌های نزدیک به سپاه اسداران گزارش دادند رضی موسوی «در تمام مراحل پشتیبانی در جنگ سوریه شرکت کرده بود و در نبردهای صحرا و حومه دمشق شرکت داشت و از افراد ثابت‌قدمی بود که حمله غرب حلب را دفع کرد».

● روابط عمومی سپاه پاسداران در بیانیه‌ای تهدید کرد «بی‌تردید رژیم غاصب و متوحش صهیونیستی تاوان این جنایت را خواهد پرداخت».

● حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی تهدید کرده تل‌آویو آماده شمارش معکوس سخت باشد.

● کاربران در شبکه‌های اجتماعی تهدیدات و رجزخوانی‌های جمهوری اسلامی را به تمسخر می‌گیرند و از جمله یادآوری می‌کنند در سال ۹۸ که پس از

این سه زندانی را به آنها تحویل نخواهند داد. در فروردین ۱۴۰۲ یک فایل صوتی از «آرام عمری بردیانی» منتشر شد که در آن گفته بود زیر شکنجه وادار شده به همکاری با اسرائیل اعتراف کند.

همزمان خبرگزاری فارس ویدیویی از اعترافات اجباری اعضای این گروه منتشر کرد. یکی از کسانی که تصویر و صدای وی به عنوان جاسوس منتشر شد منصور رسولی عضو «سپاه قدس» بود که مقامات موساد اردیبهشت سال ۱۴۰۱ اعلام کردند از وی در خاک ایران بازجویی کردند. حکومت ایران اما ادعا کرد که رسولی یک «کشاورز ساده» بوده است نه افسر سپاه!

رسولی در بازجویی که در منزل وی انجام شد به مأموران موساد اعتراف کرد که برای هدف قرار دادن دیپلمات اسرائیلی و همچنین یک ژنرال آمریکایی مستقر در آلمان و یک روزنامه‌نگار در فرانسه مأموریت داشته است.

چند ماه بعد شبکه «ایران اینترنشنال» گزارش داد سازمان اطلاعاتی اسرائیل از یک افسر ارشد سپاه به نام «یدالله خدمتی» در خاک ایران بازجویی کرده است.

در این بازجویی او به نقش خود در انتقال سلاح به سوریه، عراق، لبنان و یمن اعتراف و ابراز پشیمانی کرده است.

گفته شد در بازجویی از یدالله خدمتی، اطلاعاتی مبنی بر ارتباط نوروژی مسئول «آماد و پشتیبانی» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با شرکت هواپیمایی «فارس ایرقشم» برای حمل سلاح به دست آمده است.

خبرگزاری فارس در بخش دیگری از گزارش خود درباره پرونده افرادی که حکم اعدام آنها اجرا شد می‌نویسد «بنا بر مستندات موجود در پرونده متهمان برای همکاری با موساد، از طریق کیف پول دیجیتالی (رمز ارز) در دفعات متعدد، برای اقدامات خود از جمله خرید اسلحه و تجهیزات مورد نیاز ارز دیجیتال دریافت کرده‌اند».

متهمان دیگر پرونده به جرم ارتباط با رژیم صهیونیستی به قصد برهم زدن امنیت هر کدام به ۱۰ سال حبس مدت محکوم شدند. اسامی این متهمان، کامران هناره، فخرالدین دودکانلوی میلان، اشکان عثمان نژاد گندوک، حسن عمرپور، و امیر مشتاق گنگچین اعلام شده است.

تشییع جنازه رضی موسوی در تهران؛ علی خامنه‌ای نماز میت خواند، حسین سلامی رجزخوانی کرد!



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه برای سیدرضی موسوی نماز میت می‌خوانند

زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی نیز در مراسم تشییع جنازه موسوی گفت: «شهید سیدرضی موسوی از حاج قاسم آموخته بود که شرط شهید شدن، شهید بودن است و بر این اساس شهیدانه زیست و سرانجام به عاقبت نیک خود رسید.» در شرایطی که فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعتراف می‌کند که کار سیدرضی موسوی پشتیبانی شرق مدیترانه بود زینب سلیمانی با سفسطه ادعا کرد: «شهید موسوی در کشوری دیگر و خارج از تمام قوانین بین‌الملل ترور شد، اما مگر می‌توان از رژیم اسرائیل انتظار رعایت قانون را داشت؟!» او تأکید کرد: «راهی بجز مبارزه با اسرائیل وجود ندارد.»

به گفته برخی مقامات حکومتی و رسانه‌های داخلی محل زندگی رضی موسوی در «زینبیه» توسط «نفوذی‌ها» و «جاسوس‌ها» لو رفته بود. سردار جعفر اسدی یکی از فرماندهان سپاه قدس توضیح داد که «اسرائیل هفته گذشته هم همین مکان را به گمان اینکه شهید سیدرضی موسوی در آنجا حضور دارد هدف گرفته بود ولی او در آن مکان نبود؛ ولی اینبار به واسطه جاسوس‌هایی که داشتند، توانستند مکان دقیق حضورش را شناسایی کنند.»

گفته شد که قرار است جسد رضی موسوی در امامزاده صالح تهران دفن شود جایی که جسد محسن فخری‌زاده از فرماندهان موشکی و عوامل اتمی نظام دفن است. او نیز آذرماه سال ۱۳۹۹ توسط عوامل اسرائیل در جاده دماوند ترور شد. جسد موسوی را قبل از دفن در سه حرم در سوریه، نجف و کربلا چرخاندند.

رد دخالت در عملیات حماس علیه اسرائیل

حسین سلامی در جریان سخنرانی خود در «میدان امام حسین» گفت عملیات «هفت اکتبر» (حمله حماس به اسرائیل یا «توفان الاقصی» مستقل از حرکت ما برای انتقام حاج قاسم است. این اظهارات درست برخلاف موضع رمضان شریف سخنگوی سپاه بود. وی ششم دی‌ماه به خبرنگاران گفت که «عملیات توفان الاقصی انتقام ترور سردار سلیمانی بود» اما حماس در بیانیه‌ای رسمی با تکذیب این ادعا اعلام کرد «تمامی عملیات‌های مقاومت فلسطین در پاسخ به اشغالگری و تجاوز مستمر آن به ملت و مقدسات ما صورت می‌پذیرد.»

● **خامنه‌ای در اولین واکنش به کشته شدن موسوی خطاب به خانواده او گفت: «خوشا به حالش... یک عمر زحمت و تلاش... جایزه شهادت پروردگار نصیب‌اش شده است.»**

● **حسین سلامی در مراسم تشییع جنازه رضی موسوی گفت: «هرگز در مقابل شهادت فرزندان این امت صبر نخواهیم کرد و انتقام سیدرضی چیزی جز نابودی رژیم صهیونیستی نخواهد بود.»**

● **زینب سلیمانی نیز در مراسم تشییع جنازه موسوی حضور داشت و گفت: «راهی بجز مبارزه با اسرائیل وجود ندارد.»**

مراسم تشییع جنازه سید رضی موسوی مسئول پشتیبانی نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه روز پنجشنبه هفتم دی‌ماه در تهران برگزار شد. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در حضور حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اسماعیل قاتی فرمانده «سپاه قدس» بر تابوت وی نماز خواند. چند اتوبوس بسیجی و پاسدار را نیز به میدان «امام حسین» در شرق تهران منتقل کردند تا به همراه حامیان نظام آنجا مراسم برگزار کنند.

خامنه‌ای در اولین واکنش به کشته شدن موسوی خطاب به خانواده او گفت: «خوشا به حالش... یک عمر زحمت و تلاش... جایزه شهادت پروردگار نصیب‌اش شده است.»

حسین سلامی نیز گفت: «ما هرگز در مقابل شهادت فرزندان این امت صبر نخواهیم کرد و انتقام سیدرضی چیزی جز نابودی رژیم صهیونیستی نخواهد بود و امیدواریم خداوند این رژیم را از روی زمین محو کند.»

فرمانده کل سپاه پاسداران در بخشی از سخنان خود با بیان اینکه «ما هنوز انتقام ترور شهید سلیمانی و ابومهدی را نگرفته‌ایم» عنوان کرد: «او بعد از حاج قاسم ماند و فرمانده قاتنی را همراهی کرد و ثابت قدم بود... دشمن او را بهتر از ما می‌شناخت چون از او ضربات سهمگینی دریافت کرده بود. دشمن می‌دانست که او چه نقشی و تأثیری بر این زنجیره بی‌انتهای قدرت ایجاد کرده است.»

بر اساس گفته‌های فرمانده سپاه «سیدرضی موسوی ستون محوریت پشتیبانی شرق مدیترانه در سوریه و لبنان و فلسطین بود.» وی روز دوشنبه چهارم دی‌ماه در حمله هوایی اسرائیل به خانه‌اش در محله «زینبیه» دمشق کشته شد.

→ **کشته شدن قاسم سلیمانی در حمله پهپادی آمریکا، زمامداران رژیم تهدید به «انتقام سخت» می‌کردند، با حمله موشکی سپاه پاسداران پرواز مسافری پی‌اس ۷۵۲ بر فراز تهران مورد اصابت قرار گرفت و همه سرنشینان آن کشته شدند. حالا هم شهروندان در ایران می‌بایست مواظب باشند که «انتقام سخت» جمهوری اسلامی آنها را هدف قرار ندهد!**

یکی از فرماندهان ارشد نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نام «سید رضی موسوی» روز دوشنبه چهارم دی‌ماه در حمله هوایی اسرائیل به حومه دمشق کشته شد. برخی منابع داخلی گزارش دادند وی در محله «زینبیه» دمشق هدف سه موشک قرار گرفت.

خبرگزاری‌های نزدیک به سپاه پاسداران گزارش دادند وی «در تمام مراحل پشتیبانی در جنگ سوریه شرکت کرده بود و در نبردهای صحرا و حومه دمشق شرکت داشت و از افراد ثابت قدمی بود که حمله غرب حلب را دفع کرد.»

گفته شد وی از آن دسته فرماندهانی بود که «طی سال‌های گذشته چندین بار مورد سوء قصد اسرائیل قرار گرفته بود.»

برخی دیگر از منابع می‌گویند «سیدرضی از جمله قدیمی‌ترین مستشاران سپاه در سوریه و از همراهان قاسم سلیمانی بود.»

خبرگزاری تسنیم به نقل از «حاضران در صحنه» گزارش داد در لحظه اصابت موشک، افراد دیگری نیز در صحنه حضور داشتند اما آمار دقیق تلفات مشخص نیست.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای تهدید کرد «بی‌تردید رژیم غاصب و متوحش صهیونیستی تاوان این جنایت را خواهد پرداخت.»

از آغاز عملیات نظامی اسرائیل علیه حماس در غزه این سومین پاسدار سپاهی است که در سوریه کشته شد. پیش از این ۱۱ آذرماه محمدعلی عطایی (شورچه) و پناه تقی‌زاده توسط اسرائیل در سوریه هدف قرار گرفتند.

در واکنش به کشته شدن رضی موسوی مقامات جمهوری اسلامی صحبت از «تاوان» و «انتقام» می‌کنند. در تهران شماری از پاسدارها و بسیجی‌ها کفن‌پوش در مقابل ساختمان «شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی» تجمع کردند و شعار «انتقام انتقام» سر دادند.

ابراهیم رئیسی و سخنگوی دولت نیز ادعا کردند اسرائیل باید منتظر «تاوان سخت» باشد.

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه رژیم ادعا کرد موسوی «مستشار مبارزه با تروریسم» بود. وی تهدید کرد تل‌آویو منتظر شمارش معکوس سخت باشد!

حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق گفته رضی موسوی ساعاتی پس از آنکه از سفارت به منزلش در محله «زینبیه» بازگشت هدف موشک قرار گرفت. وی تأکید کرد: «ترور شهید موسوی توسط صهیونیست‌ها ناشی از شکست در غزه بود.» روزنامه «وطن امروز» چاپ تهران تأیید کرد که رضی موسوی مسئول لجستیک سپاه پاسداران در سوریه بوده است.

کاربران در شبکه‌های اجتماعی تهدیدات و رجزخوانی‌های جمهوری اسلامی را به تمسخر می‌گیرند و از جمله یادآوری می‌کنند در سال ۹۸ که پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در حمله پهپادی آمریکا، زمامداران رژیم تهدید به «انتقام سخت» می‌کردند، با حمله موشکی سپاه پاسداران پرواز مسافری پی‌اس ۷۵۲ بر فراز تهران مورد اصابت قرار گرفت و همه سرنشینان آن کشته شدند. حالا هم شهروندان در ایران می‌بایست مواظب باشند که «انتقام سخت» جمهوری اسلامی آنها را هدف قرار ندهد!

اعترافات خواندنی؛ استفاده از هواپیماهای مسافربری و باری به عنوان «سپر انسانی» ابتکار قاسم سلیمانی بود



حضور قاسم سلیمانی در کابین خلبانان پروازهای مسافربری

کشاند. مشارکتی که ادعا شد هدف از آن «دفاع از حرم» است اما اساساً اجرای فرمان علی خامنه‌ای برای حفظ بشار اسد در قدرت با هدف گسترش «عمق استراتژیک» آنهم در بغل گوش اسرائیل بود.

یکی از امتیازاتی که با چراغ سبز خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا برای نیروهای مسلح در سال‌های اخیر داده شده شریک کردن آنها در منافع معدودی از باندهای مافیایی حکومتی در تجارت‌های سودآور است که اساساً ربطی به مأموریت نیروهای مسلح ندارند.

یکی از این مأموریت‌ها مربوط به واردات چند تن گوشت یخزده از قزاقستان با هواپیمای باری ۷۰۷ نیروی هوایی ارتش بود. روز ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۷ این هواپیما به «اشتباه» بجای فرودگاه «پیام» کرج در فرودگاه نظامی «فتح» سپاه پاسداران در همان نزدیکی فرود آمد اما به علت کوتاه بودن طول باند متوقف نشد و در نهایت به دیوارهای انتهای فرودگاه و ویلاهای پشت دیوار برخورد کرد. در این سانحه ۱۶ نفر از جمله یک زن کشته شدند و یک نفر که مهندس پرواز بود جان سالم به در برد.

خلبان این هواپیما «غفور قوجاوند» بود که تصاویری از وی در کنار قاسم سلیمانی در چند وبسایت منتشر شده است. اکنون پنج سال بعد از این سانحه، نصیرزاده نقل می‌کند که «عمدتاً سلیمانی وقتی می‌خواست به سوریه برود با هواپیمای این خلبان می‌رفت... این خلبان [قوجاوند] تعریف می‌کرد هر موقع حاج قاسم به هواپیما می‌آمد تا به سوریه برود، در کابین می‌نشست و بعد از پشت شانه‌های من را ماساژ می‌داد و می‌گفت شما زحمت می‌کشید و مدت طولانی پرواز می‌کنید... لذا ویژگی‌های خاص اینچنینی حاج قاسم اطرافیانش را جذب می‌کرد.»

پیش از این نیز از سوی چند سپاهی و همچنین یکی از خلبانان شرکت «ماهان ایر» در مورد سوء استفاده

● عزیز نصیرزاده جانشین فعلی ستادکل نیروهای مسلح (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰) در چهارمین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در مصاحبه با «تسنیم» گفته «سلیمانی در سخت‌ترین شرایط احساس بن‌بست می‌کرد» و «در جایی که هواپیمای سی-۱۳۰ ما روی باند فرودگاه حلب در تیررس داعش قرار داشت معتقد بود هواپیما باید بنشیند» و نشست!

● «عمدتاً حاج قاسم وقتی می‌خواست به سوریه برود با هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ خلبان قوجاوند می‌رفت...» روز ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۷ این خلبان با محموله گوشت‌های قرمز یخزده از قزاقستان به «اشتباه» بجای فرودگاه «پیام» کرج در فرودگاه نظامی «فتح» سپاه در همان نزدیکی فرود آمد اما به علت کوتاه بودن طول باند متوقف نشد و در نهایت به دیوارهای انتهای فرودگاه و ویلاهای پشت دیوار برخورد کرد. در این سانحه ۱۶ نفر از جمله یک زن کشته شدند.

● در همین مصاحبه نصیرزاده به خاطره‌ای از سیدرضی موسوی مسئول لجستیک سپاه قدس در سوریه پرداخته. وی روایت می‌کند: «یکبار هواپیمای ۷۴۷ نیروی هوایی در دمشق نشست به بارش را که خالی می‌کرد رژیم صهیونیستی فرودگاه دمشق را زد و هواپیمای ما آسیب دید. لذا حدود دو ماه می‌رفتیم تا هواپیما را آماده کنیم و به کشور برگردانیم؛ در آن زمان ایشان به ما خیلی کمک کرد، هم در تأمین قطعات و هم در هماهنگی رفت و آمد نیروها و پشتیبانی کارها.»

ترور رضی موسوی مسئول لجستیک «سپاه قدس» در دمشق با چهارمین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همزمان شد. هر دوی آنها سال‌ها برای تجهیز گروه‌های شبه‌نظامی همکاری تنگاتنگ داشتند.

خبرگزاری «تسنیم» در رابطه با فعالیت‌های آنها با عزیز



عکسی از غفور قوجاوند و قاسم سلیمانی در کابین بوئینگ ۷۰۷ ارتش جمهوری اسلامی

مراسم خونین سالگرد قاسم سلیمانی در کرمان با بیش از ۱۰۰ کشته و ۲۰۰ مجروح



انفجار در مسیر راهپیمایی / کرمان / چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲

واقعیت این است که هر کدام از این سناریوها واقعیت داشته باشد، مقامات و نهادهای مشخصی را که وظیفه‌ی تأمین امنیت این مراسم را بر عهده داشتند به پرسش می‌کشد. این موضوع به این دلیل اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که برخی ناظران معتقدند تدارک و اجرای این رشته انفجارها و حجم سنگین مواد انفجاری به کار رفته نمی‌تواند بدون نقش داشتن عواملی از خود رژیم و درون یگان‌های تأمین و امنیت صورت گرفته باشد.

بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌کنند که عوامل جمهوری اسلامی خودشان پشت این مہب‌گذاری‌ها قرار دارند. وظیفه و مسئولیت تأمین امنیت این نوع مراسم بر عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی است و مسئول عدم جلوگیری از آن هستند. این در حالیست که خیرگزاری‌های حکومتی و شماری از مقامات نظام طبق معمول با فرافکتی ادعا می‌کنند که این عملیات کار عوامل اسرائیل است آنهم در حالی که در این انفجارها مردم عادی کشته و مجروح شده‌اند. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این عملیات خونبار را به عهده نگرفته است.

ابراهیم رئیسی در واکنش به انفجارهای کرمان تأکید کرد که حتماً از عوامل پشت صحنه «حمله تروریستی» در کرمان انتقام گرفته خواهد شد.

کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران گزارش دادند که مہب‌های منفجر شده از نوع «ترکش‌زا» بوده بطوری که با انفجار، تعداد بی‌شماری ساجمه یا براده آهن به اطراف پرتاب شده تا تلفات بیشتر شود.

روابط عمومی «هلال احمر» اعلام کرده با توجه به وضعیت تعداد گمشدگان نیز در حال افزایش است! «هلال احمر» توضیح بیشتری در این زمینه نداده است.

● حال برخی مجروحان وخیم است و احتمالاً به آمار کشته‌شدگان اضافه خواهد شد. در میان کشته‌شدگان تعدادی امدادگر و ماموران امنیتی نیز دیده می‌شوند.

● اعظمی ساردوئی نماینده جیرفت در مجلس شورای اسلامی به رسانه‌ها گفت چهار انفجار روی داده است.

● برخی ناظران معتقدند تدارک و اجرای این رشته انفجارها و حجم سنگین مواد انفجاری به کار رفته نمی‌تواند بدون نقش داشتن عواملی از خود رژیم و درون یگان‌های تأمین و امنیت صورت گرفته باشد. بسیاری از کاربران نیز در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌کنند که عوامل جمهوری اسلامی خودشان پشت این مہب‌گذاری‌ها قرار دارند.

مراسم چهارمین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی بار دیگر خونین برگزار شد. روز چهارشنبه ۱۳ دی‌ماه در یک رشته مہب‌گذاری در مسیر منتهی به قبر سلیمانی بیش از ۱۰۰ نفر کشته و بیش از ۲۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.

همچنین گزارش شده است که حال برخی مجروحان وخیم است و احتمالاً به آمار کشته‌شدگان اضافه خواهد شد. در میان کشته‌شدگان تعدادی امدادگر و ماموران امنیتی نیز دیده می‌شوند.

برخی منابع حکومتی از جمله احمد وحیدی وزیر کشور می‌گویند دو انفجار در محل رخ داد اما اعظمی ساردوئی نماینده جیرفت در مجلس شورای اسلامی به رسانه‌ها گفت چهار انفجار روی داده است.

اظهارات ضد و نقیض درباره این انفجارهای مرگبار کم نیست از جمله اینکه برخی منابع حکومتی ادعا می‌کنند مہب‌ها در کیف دستی جاسازی شده بود اما برخی دیگر مدعی‌اند عوامل مہب‌گذاری کمربند انتحاری داشتند.

→ قاسم سلیمانی از هواپیماهای مسافربری و باری به عنوان «سیر انسانی» روایت‌های دیگری نقل شده بود. کاپیتان امیر اسداللهی خلبان هواپیمای ایرباس شرکت هواپیمایی ماهان خرداد ۱۳۹۹ در یک مصاحبه گفته بود «خرداد سال ۹۲ قرار بود با هفت تن بار ممنوعه به سمت دمشق پرواز کنیم. علاوه بر بار، تقریباً ۲۰۰ مسافر هم داشتیم که حاج قاسم یکی‌شان بود.»

نصیرزاده در بخش دیگری از این مصاحبه توضیح داد، سلیمانی گروه‌های مختلف «محور مقاومت» افغانستان، یمن، عراق و سوریه و سایر نقاط را که حتا گاهی با هم درگیر بودند به همدیگر وصل کرد و بین آنها اتحاد برقرار کرد. وی روایت کرده «سلیمانی در سخت‌ترین شرایط احساس بن‌بست نمی‌کرد و در آن موقع مشورتی با نیروی هوایی ارتش داشت که در هر صورت باید به محل‌هایی که محاصره‌اند کمک‌های انسان‌دوستانه برسانیم، شاید ما خودمان آنقدر معتقد نبودیم که هواپیماهای سی-۱۳۰ تا این میزان مؤثر واقع شوند ولی ایشان این تشخیص را داد و احساس کرد که ما یک ظرفیت‌هایی داریم و الان به درد می‌خورد، چیزی که ما قبلاً آن را تجربه نکرده بودیم.»

یکی از این موارد نشست و برخاست هواپیماهای باری نیروی هوایی از روی باند فرودگاه حلب در سوریه بود که نیمی از آن در تیررس داعش قرار داشت و احتمال هدف قرار داد هواپیما زیاد بود. نصیرزاده می‌گوید حتا در این شرایط هم سلیمانی «معتقد بود هواپیما باید بنشیند... ما روی کاغذ محاسبه می‌کردیم و می‌گفتیم نباید این پرواز انجام شود و ایشان می‌گفت می‌شود و لذا خودش در هواپیما نشست و این پرواز هم انجام شد.»

اگرچه نصیرزاده در این مصاحبه ادعا کرده پروازهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی در سوریه «در راستای فعالیت‌های انسان‌دوستانه و کمک به مظلومین بود و ما کار جنگی انجام نمی‌دادیم» اما پیشینه‌ی این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که قاسم سلیمانی در پوشش هواپیمای مسافربری و باری محموله‌های ممنوعه به سوریه منتقل می‌کرده است.

در همین مصاحبه نیز نصیرزاده به خاطره‌ای از سیدرضی موسوی مسئول لجستیک سپاه قدس در سوریه پرداخته است. وی روایت می‌کند: «یکبار هواپیمای ۷۴۷ نیروی هوایی در دمشق نشسته بود و بارش را که خالی می‌کرد رژیم صهیونیستی فرودگاه دمشق را زد و هواپیمای ما آسیب دید. لذا حدود دو ماه می‌رفتیم تا هواپیما را آماده کنیم و به کشور برگردانیم؛ در آن زمان ایشان [سیدرضی موسوی] به ما خیلی کمک کرد، هم در تأمین قطعات و هم در هماهنگی رفت و آمد نیروها و پشتیبانی کارها.»

معاون ستادکل نیروهای مسلح در ادامه می‌گوید: «رضی موسوی از این دست کارها که هیچوقت گفته نشده زیاد داشته‌اند که در گمنامی انجام می‌داد و من حتی دیدم برخی از همکاران و دوستان سپاهی هم ایشان را نمی‌شناسند در حالی که اینهمه فعالیت کرده بود؛ دلیل‌اش کار در گمنامی این شهید بزرگوار بود که صفت مردان خدا این است یعنی کارها را نمایشی و برای ویتترین انجام می‌دهند.»

با وجود این «گمنامی» به نظر می‌رسد سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل به اندازه کافی او را می‌شناختند!

نقش قاسم سلیمانی و سیدرضی موسوی در جنایت علیه مردم سوریه در همدستی با بشار اسد ابعاد پنهان زیادی دارد اما در یکی از این موارد محمود چهارباغی فرمانده توپخانه سپاه پاسداران در سوریه نقل می‌کند که با اجازه سلیمانی آنقدر روی شهر العیس و شهرک‌های تحت کنترل مخالفان بشار اسد در حومه حلب در سال دی‌ماه ۱۳۹۹ مہب ریختند تا آنها مجبور شدند شهر را ترک کنند.

مافیای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دست غارتگر میراث فرهنگی



رفتم به همان روستا و دیدم کارگاه و پروژه را تعطیل کرده‌اند! این روزنامه‌نگار ادامه می‌دهد: «در آنجا کوهی بالای روستا بود به نام گنه‌بند؛ دارای صخره‌های بزرگ با سنگ‌هایی که از افراد جویای گنج و دفینه شنیدم که می‌گفتند اینها سنگ‌های «نشان» است. روی آن سنگ‌ها طرح لاک پشت یا طرح صندلی وجود داشت، می‌گفتند اینجا مال سنگینی دفن هست. خلاصه اینکه، آمدند و به راحتی آن یک تکه را از کوه بریده و برداشته و رفته بودند! پروژه‌ی ادعایی هم تعطیل شد! همچنین زمانی که در حال ساخت آزادراه پردیس بودند، در حول و حوش منطقه جاجرود هم یک وقفه‌ای در عملیات‌شان پیش آمد. بعداً مشخص شد یک محل گنج بوده؛ آمده بودند سکه‌های موجود را برداشته بودند و بقیه محوطه را هم تخریب کردند؛ به همین دلیل در آن زمان پروژه را تعطیل کرده بودند.» وی معتقد است: «یکی از دلایلی که پروژه احداث آزادراه تهران- شمال حدود ۳۰ سال طول کشید، قرار گرفتن این پروژه در منطقه بین البرز و درواغ منطقه هیرکانی سکونتگاه تمدنی دیرینه بوده. در آن منطقه هم تعداد زیادی اشیا و آثار تاریخی را خارج کردند.» مهرداد باستان‌شناس و مردم‌شناس در ارتباط با این موضوع می‌گوید: «در سال ۸۸ برای یک پروژه مردم‌شناسی به شهر ورزنه رفتم. شهری در ۱۱۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان؛ شهری که تالاب گاوخونی در آنجا قرار دارد و زاینده‌رود از آنجا عبور می‌کند؛ شهری که مردم‌اش هنوز دارای فرهنگ زرتشتی هستند؛ زنان این شهر چادر سفید سر می‌کردند و زبان رایج بین آنها زبان پهلوی بود، مردمانی بسیار قدرشناس؛ رضا خلیلی در همان سال در دفاع از تالاب گاوخونی قهرمان ملی تالاب‌ها شناخته شد. آن سال با یک معلم زمین‌شناسی اهل همین شهر ارتباط گرفتم. تعریف می‌کرد اطراف ورزنه کویرهایی وجود دارد که بر اساس افسانه‌های محلی، شهر افسانه‌ای ملکه صبا بوده و چون مردم ناشکری کردند توفان شن آمد و همه شهر را مدفون و به کویر تبدیل کرد.»

این پژوهشگر ادامه می‌دهد: «یک روز من همراه آن معلم زمین‌شناسی به گنج‌یاب‌ها گفتم ما هم با شما می‌آییم؛ در آن محوطه‌ای که گنج‌یاب‌ها دنبال گنج می‌گشتند چند سنگ جواهر تراش‌خورده پیدا کردم. من و دوست

این دو بنا گنجی بوده، داشتند حفاری می‌کردند؛ زمین دچار فرونشست شد و همسایه‌ها با آتش‌نشانی تماس گرفتند؛ ماموران آتش‌نشانی متوجه حفاری غیرمجاز برای یافتن گنج شدند؛ بعد پلیس و سپاه وارد موضوع شدند. هفت ماه اطراف آن محوطه را حصار بسیار بلندی کشیدند و تمام گنجینه‌های زیر زمین آنجا را تخلیه کردند، الان آن محوطه را کاملاً صاف و آسفالت کرده‌اند و به یک ایستگاه پارکینگ و پایانه تبدیل شده است. در حالی که وقتی یک محوطه تاریخی و باستانی کشف می‌شود، دارایی‌ها و مسکوکات آن محوطه می‌بایست به خزانه موزه انتقال پیدا کند و خود آن محوطه را می‌توانند در قالب یک موزه مثل شهر سوخته تبدیل کنند ولی متأسفانه در درجه اول برای آنها منافع مالی بسیار مهم است و از سوی دیگر تاریخ پیش از اسلام برای آنها به هیچ عنوان اهمیتی جز فروختن ندارد! آنها دائم با این بخش از تاریخ ایران در ستیز هستند و بسیار راحت‌تر محوطه‌های تاریخی پیش از اسلام را تخریب می‌کنند.» این روزنامه‌نگار اضافه می‌کند: «کوچک‌ترین ملاحظاتی را که می‌بایست در کاوش انجام داد انجام نمی‌دهند، با ماشین آلات سنگین می‌روند؛ با خودشان موتور برق و دستگاه شکافتن ساروج می‌برند که معمولاً خزانه‌ها و فضاهای مالی با ساروج پوشیده می‌شده. با این ادوات و تجهیزات محوطه‌های تاریخی را تخلیه می‌کنند.»

محمدرضا به یک مورد دیگر حفاری غیرمجاز برای کشف اشیای تاریخی در فاز ۱۲ پردیس اشاره می‌کند: «در سال ۱۳۹۸ آمدند مطرح کردند می‌خواهند فاز ۱۲ پردیس را افتتاح کنند؛ حد فاصل فاز یک تا پشت روستای و اصفهان در شمال شهر پردیس در چند هکتار. همان موقع من رفتم از شرکت عمران برای یکی از تعاونی‌ها پرسیدم؛ می‌خواستیم بینم زمین هکتاری اختصاص می‌دهند یا نه؛ گفتند نه، به هیچ عنوان قصد فروش نداریم. بعد شروع کردند سه چهار سال روی این زمین‌ها فعالیت و کارگاه تجهیز کردند. تعجب من از این بود که چرا از دورترین نقطه فاز ۱۲ در حال انجام عملیات تسطیح هستند در حالی که معمولاً اول باید تسطیح را در مسیری انجام دهند که به شهر نزدیک است. درواقع از انتها به ابتدا شروع کرده بودند. با خودم گفتم شاید برای ایجاد ارزش افزوده این کار را انجام می‌دهند تا اینکه چند ماه پیش کاری برایم پیش آمد؛

● یک پژوهشگر باستان‌شناس: «به دلیل نبود ساز و کار قانونی در حمایت از میراث فرهنگی و اجرای طرح‌هایی چون پرداخت «حق کشف اشیای تاریخی» بدون در نظر گرفتن پیامدهای وحشتناک آن، افراد را به طمع یافتن گنج روانه محوطه‌های تاریخی می‌کند.»

● یک روزنامه‌نگار پیشکسوت: «ماجرای گنج‌یابی از زمانی شروع شد که اسفندیار رحیم مشایی سازمان میراث فرهنگی را در دست گرفت. در اولین اقدام آمدند گفتند موزه گنجینه اسناد فرهنگی را به شیراز منتقل کنند؛ این نقل و انتقال بدون انجام امور اداری رسمی انجام شد؛ می‌بایست اینطرف یک امین اموال همه این گنجینه را فهرست‌بندی می‌کرد و آنطرف نیز امین اموال در شیراز باید تایید می‌کرد؛ اما به هیچ عنوان اجازه ندادند این مراحل اداری طی شود، همه اشیا و اموال گنجینه اسناد فرهنگی را فله‌ای بردند.»

فیروزه نوردستروم- تقریباً دست‌کم هفته‌ای یکبار، خبرهایی از بازداشت حفاران غیرمجاز و کشف محموله‌هایی از اشیای تاریخی و عتیقه در پایانه‌ها و شهرهای مرزی کشور و نقاط دیگر در رسانه‌ها منتشر می‌شود. به دلیل بی‌توجهی پرسش‌برانگیز سازمان میراث فرهنگی و اجرای طرح‌هایی چون «حق کشف اشیای تاریخی» پس از توقف طرحی برای حراج اشیای تاریخی ایران، انگار هر کسی که توان دزدیدن دارد بی‌درنگ به جمع غارتگران اموال تاریخی کشور می‌پیوندد.

همزمان به نظر می‌رسد غارت آثار گرانبهای تاریخی در چند ماه اخیر با شدت بیشتری ادامه پیدا کرده است. اما چه افراد یا گروه‌هایی اقدام به تخلیه میراث باستانی کشور می‌کنند؟ آیا در پس سرفت آثار ارزشمند تاریخی، دست‌هایی از مافیای داخلی دخیل‌اند؟ کیهان لندن این پرسش‌ها را با یک روزنامه‌نگار حوزه میراث فرهنگی و یک باستان‌شناس در میان گذاشته است. با محمدرضا روزنامه‌نگار پیشکسوتی که در ایران با او دو سال در یک روزنامه همکار بودم صحبت کردم. او معتقد است: «ماجرای گنج‌یابی از زمانی شروع شد که اسفندیار رحیم مشایی سازمان میراث فرهنگی را در دست گرفت. در اولین اقدام آمدند گفتند موزه گنجینه اسناد فرهنگی را به شیراز منتقل کنند؛ این نقل و انتقال بدون انجام امور اداری رسمی انجام شد؛ می‌بایست اینطرف یک امین اموال همه این گنجینه را فهرست‌بندی می‌کرد و آنطرف نیز امین اموال در شیراز باید تایید می‌کرد؛ اما به هیچ عنوان اجازه ندادند این مراحل اداری طی شود، همه اشیا و اموال گنجینه اسناد فرهنگی را فله‌ای بردند. در آنجا بطور حتم نتوانستند دله‌دزدی کنند. این روند از آن زمان شروع شد، یعنی از سال ۸۴-۸۵، پیش از آن زمان، تمام زیرخاکی‌ها منتسب می‌شد به تیم یاسر هاشمی یعنی هر کس از این راه هر قدر درآمد داشته در نهایت می‌رسید به تیم یاسر هاشمی ولی از زمان احمدی نژاد به بعد، تعداد این باندهای گنج‌یابی بسیار زیاد شد؛ هر کدام از سردارهای سپاه در استان تحت نفوذ خودشان شروع به کار کشف اشیای عتیقه و به قول خودشان آثار زیرخاکی شدند.»

به گفته وی، «برای پیشبرد این اقدامات مسئله‌ای را لحاظ می‌کنند به نام «ایجاد امنیت» یعنی با پلیس امنیت آن منطقه هماهنگ می‌کنند و شرط آنها با گنج‌کن‌ها این است که مردم محلی نباید خبردار شوند؛ اگر کسی با ۱۱۰ تماس بگیرد، دیگر آن گزارش را نمی‌توان کاری کرد اما در قالب دولتی به راحتی این کارها را انجام می‌دهند.» وی در ادامه این مونه را مطرح می‌کند که «در سال ۱۴۰۰ ابتدای خیابان شریعتی به سمت رودهن یک طلافروشی بود و کنارش یک قصابی که گویا زیر

قتل یک سرباز دیگر در پادگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زاهدان



تصویر سمت راست: الیاس شه‌بخش و تصویر سمت چپ: مجتبی سارانی

مجتبی اهل خودکشی نبود. برخی منابع غیررسمی می‌گویند دو سربازی که هر کدام در یکی از پایگاه‌های سپاه و بسیج هدف قرار گرفتند هر دو بلوچ بودند و توسط عوامل جمهوری اسلامی کشته شدند. آنها «فاطمیون» (افغان‌های عضو سپاه) را متهم به کشتن سربازهای بلوچ می‌کنند. رد یا تأیید این ادعا بطور مستقل ممکن نیست.

کمپین فعالین بلوچ گزارش داد، مجتبی سارانی حدود یک هفته قبل از آنکه کشته شود از مرخصی پایان دوره آموزشی دو ماهه در شیراز بازگشته بود اما به طرز مشکوکی از پشت سر و از ناحیه سمت چپ زیر گوش هدف گلوله قرار گرفته است.

پیکر این سرباز بدون هیچ توضیحی به پزشکی قانونی و سپس سردخانه تحویل داده شد و هیچ شرح حالی در قسمت توضیحات علت کشته شدن وی داده نشده است. مشاهدات عینی از پیکر این سرباز، ادعای مقامات سپاه پاسداران مبنی بر خودکشی را رد می‌کند، زیرا گلوله متعلق به سلاح کلاشنیکف بوده و از پشت سر به ناحیه بین گوش و گردن اصابت کرده و مشخص است که از فاصله نزدیک نبوده است.

لازم به توضیح است هر سانحه‌ای که برای سربازان وظیفه و نیروهای نظامی در داخل پادگان اتفاق می‌افتد، یک برهگی «شرح سانحه» صادر می‌شود و فرمانده یگان موظف است گزارش آنچه را برای نیروهای تحت امر وی اتفاق افتاده ثبت کند.

پیکر این سرباز روز سه‌شنبه پنجم دی‌ماه تحت تدابیر شدید امنیتی به خانواده‌اش تحویل داده شد و صبح روز بعد چهارشنبه در زادگاهش هیرمند با حضور تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران دفن شد.

گفتنی است که نیروهای امنیتی به خانواده‌های این سرباز تأکید کرده‌اند که به هیچ عنوان این موضوع نباید رسانه‌ای شود.

● یک هفته پس از تیراندازی در پایگاه بسیج «بشارتی» زاهدان که طی آن سرباز وظیفه «الیاس شه‌بخش» کشته شد، منابع محلی گزارش دادند که یک سرباز دیگر به نام مجتبی سارانی نیز روز یکشنبه سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ در پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان کشته شده است.

● قتل دو سرباز بلوچ در یک روز عادی به نظر نمی‌رسد اما مسئولان سپاه «سلمان» به خانواده این سرباز گفته‌اند علت مرگ خودکشی بوده است. نزدیکان این سرباز گفته‌اند که مجتبی اهل خودکشی نبود.

● برخی منابع غیررسمی می‌گویند دو سربازی که هر کدام در یکی از پایگاه‌های سپاه پاسداران و بسیج هدف قرار گرفتند هر دو بلوچ بودند و توسط عوامل جمهوری اسلامی کشته شدند. آنها «فاطمیون» (افغان‌های عضو سپاه) را متهم به کشتن سربازهای بلوچ می‌کنند. رد یا تأیید این ادعا بطور مستقل ممکن نیست.

● بنا به گزارش «کمپین فعالین بلوچ» پیکر این سرباز بدون هیچ توضیحی به پزشکی قانونی و سپس سردخانه تحویل داده شد و هیچ شرح حالی در قسمت توضیحات علت کشته شدن وی داده نشده است. مشاهدات عینی از پیکر این سرباز، ادعای مقامات سپاه مبنی بر خودکشی را رد می‌کنند.

یک هفته پس از تیراندازی در پایگاه بسیج «بشارتی» زاهدان که طی آن سرباز وظیفه «الیاس شه‌بخش» کشته شد، منابع محلی گزارش دادند که یک سرباز دیگر نیز روز یکشنبه سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ در پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان کشته شده است.

سرباز وظیفه مجتبی سارانی ۲۱ ساله اهل هیرمند ساکن زابل در اثر اصابت گلوله کلاشنیکف به پشت سرش جان باخته است.

قتل دو سرباز بلوچ همزمان در یک روز عادی نیست اما مسئولان سپاه «سلمان» به خانواده این سرباز گفته‌اند علت مرگ خودکشی بوده است. نزدیکان این سرباز گفته‌اند که

زمین‌شناسم آنها را به میراث فرهنگی اصفهان بردیم تا بگوییم در این شهر، چنین محوطه‌ای وجود دارد تا از آن محافظت کنند. متأسفانه بخش حراست میراث فرهنگی با ما برخورد بسیار بدی کرد. ما را چند روز در بازداشتگاه نگه داشتند و تحت فشار شدید که بگوییم بقیه سنگ‌ها کجاست و آنها را از کجا آورده‌ایم! تا بالاخره از طریق یک سرباز توانستیم صحبت‌هایمان را به زنده‌یاد دکتر مسعود آذرنوش که آن‌موقع مسئول بخش میراث فرهنگی اداره میراث اصفهان بود برسانیم؛ بعد از رهایی از بازداشتگاه به اتفاق دکتر آذرنوش به منطقه رفتیم و شروع به کاوش کردیم بعد از یک ماه بررسی بر روی ورژنه، ۹۰ محوطه تاریخی کشف کردیم با ۱۰ میلیون تومان بودجه در آن زمان.»

مهرداد اضافه می‌کند: «دکتر آذرنوش توضیح داده بود که این جواهرات انگار با تکنولوژی لیزر امروز زاین تراش خورده باشند ولی در ۵ هزار سال پیش! بعد از کشف این ۹۰ محوطه، میراث فرهنگی اصفهان پرداخت بودجه را قطع کرد و گفت بودجه نداریم. یک جمله‌ای ما باستان‌شناس‌ها داریم می‌گوییم «خاک بهترین نگهدارنده است». دکتر آذرنوش دستور داد دوباره آن منطقه را با خاک پر کنند. ولی باز هم گنج‌یاب‌ها مدام به این مناطق می‌روند و از آنجا که امنیت حوزه اطراف شهرها در اختیار سپاه قرار دارد اگر کسی به سراغ گنج برود و بدون نیروهای سپاهی باشد، قطعاً بلای بسیار بدی به سرش می‌آورد. به همین خاطر کسانی که در روستاها و محلات کوچک به دنبال گنج هستند به دنبال وصل شدن به یک سردار متنفذ می‌روند تا با خیال راحت بتواند حفاری کنند.»

به گفته این پژوهشگر باستان‌شناس، به دلیل نبود ساز و کار قانونی در حمایت از میراث فرهنگی و اجرای طرح‌هایی چون پرداخت «حق کشف اشیای تاریخی» بدون در نظر گرفتن پیامدهای وحشتناک آن، افراد را به طمع یافتن گنج روانه محوطه‌های تاریخی می‌کند، به‌خصوص بعد از اینکه نام یک محوطه تازه کشف شده در رسانه‌ها اعلام می‌شود. همه این اشیای تاریخی به لحاظ مالی می‌تواند پشتوانه کشور قرار بگیرد؛ این محوطه‌ها می‌توانند به فضاهای گردشگری یا آموزشی و پژوهشی برای باستان‌شناسان تبدیل شوند؛ ولی همگی از بین رفته و غارت می‌شوند.»

مهرداد ادامه می‌دهد: «گاه پیش می‌آید که محیط‌بان‌ها و جنگل‌بان‌ها در مناطق محیط زیستی، برخی محوطه‌ها یا اشیای تاریخی را شناسایی می‌کنند مثل پارک ملی لار که میراث فرهنگی بسیار غنی دارد؛ این افراد نه قدرتی برای صیانت از این آثار دارند و نه جزو وظیفه و مأموریت‌شان است. در این شرایط، میراث فرهنگی به حیات خلوتی تبدیل شده برای جابجایی رانته‌ها و انجام پولشویی‌ها و تمام این آثار تاریخی که به این شکل شناسایی می‌شوند از طریق بازار سپاه به پایین‌ترین قیمت فروخته می‌شوند؛ مثل آثار تمدن جیرفت که چنان غارتش کردند که اجازه ندادند بسیاری از این آثار شناسنامه‌دار شود! وقتی اثری شناسنامه ندارد می‌تواند از هر جای دنیا سر در بیآورد و آنجا برایش شناسنامه درست کنند.»

در ادامه محمدرضا روزنامه‌نگار می‌افزاید فردی را می‌شناسد که در سال ۹۹ یک و نیم میلیارد تومان هزینه تجهیزات کرد؛ به زنجان رفت و خانه‌ای در نزدیکی گنبد سلطانیه رهن کرد. از آنجا با گروهی که داشت نقب زد و به زیر گنبد سلطانیه رفتند یعنی درست در محدوده حفاظتی یونسکو. این فرد حتی تا تابوت سلطان محمد خدابنده هم پیش رفته بود ولی جواهراتی با او نبود تا با خودش بیرون بیاورند.

به گفته این روزنامه‌نگار، آثار تاریخی غارت شده اغلب با هدف خروج از کشور فروخته می‌شوند؛ معمولاً سکه‌های طلا و نقره را آب و تبدیل به شمش می‌کنند و اشیای دیگر را هم به کلکسیونرهای داخلی و خارجی می‌فروشند.

فرمانده نیروی دریایی سنتکام: حوثی‌ها هیچ علامتی از پایان دادن به حملات «گستاخانه» در دریای سرخ نشان نمی‌دهند

● آدمیرال برد کوپر فرمانده نیروی دریایی سنتکام می‌گوید با وجود استقرار ناوهای رزمی در دریای سرخ با عنوان «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳)، شورشیان حوثی یمن هیچ نشانه‌ای از پایان دادن به حملات «گستاخانه» به کشتی‌های تجاری نشان نمی‌دهند.

● وی خطاب به متحدان آمریکا گفته تأمین امنیت دریای سرخ مستلزم «اقدام جمعی» است و از سایر دولت‌ها خواسته به ائتلاف «گروه ۱۵۳» بپیوندند.

● کوپر که ریاست ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا را بر عهده دارد، گفت: «در حال حاضر پنج کشتی جنگی از ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا در حال گشت در آب‌های جنوب دریای سرخ و غرب خلیج عدن هستند.» وی گفت که از زمان آغاز عملیات، این کشتی‌ها در مجموع ۱۷ پهپاد و چهار موشک بالستیک ضد کشتی را سرنگون کرده‌اند.

یکی از فرماندهان بلندپایه نیروی دریایی ارتش آمریکا می‌گوید با وجود استقرار ناوهای رزمی در دریای سرخ با عنوان «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳)، شورشیان حوثی یمن هیچ نشانه‌ای از پایان دادن به حملات «گستاخانه» به کشتی‌های تجاری نشان نمی‌دهند.

آدمیرال برد کوپر روز یکشنبه ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ (دهم دی‌ماه ۱۴۰۲) در مصاحبه با آسوشیتدپرس گفت: «از زمانی که عملیات دریایی از حدود ۱۰ روز پیش آغاز شد، ۱۲۰۰ کشتی تجاری از منطقه دریای سرخ عبور کرده‌اند و هیچیک مورد حمله پهپاد یا موشک قرار نگرفته‌اند.» وی در ادامه افزود: «انتظار می‌رود کشورهای دیگری نیز به این ائتلاف بپیوندند.»

داتمارک تازه‌ترین مورد است که روز جمعه اعلام کرد قصد دارد یک ناوچه را به مأموریتی بفرستد که لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا در جریان بازدید از بحرین، جایی که ناوگان پنجم نیروی دریایی در آن مستقر است، اعلام کرد. وی گفت که «این یک چالش بین‌المللی است که نیازمند اقدام جمعی است.»

حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی می‌گویند که هدف حملات آنها به سمت کشتی‌های مرتبط با اسرائیل تلاش برای توقف حملات این کشور به غزه است.

تنگه «باب‌المندب» که خلیج عدن را به دریای سرخ و سپس کانال سوئز متصل می‌کند، یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری جهان است که بازارهای آسیا و اروپا را بهم متصل می‌کند. جدی بودن حملات، که تعدادی از آنها به کشتی‌ها آسیب رسانده‌اند، باعث شد شرکت‌های کشتیرانی متعددی به کشتی‌های خود دستور دهند تا زمانی که وضعیت امنیتی بهبود نیابد، حرکت در این آبراه را متوقف ←



در یک حمله سایبری اواخر آذرماه ۱۴۰۲ بیش از ۶۰ درصد جایگاه‌های سوخت ایران از کار افتاد

سایبری جمهوری اسلامی به کشور دیگری ارائه نشده بلکه این تعهد داخلی کشور خودمان است. ولی کشورهایی که توانمندی دارند این توانمندی‌ها را از طریق کار آموزشی، حقوقی و برگزاری جلسات مشترک که در ماده شش این قانون هم پیش بینی شده، با هم به اشتراک می‌گذارند. ایران و روسیه هر دو کشور توانمندی هستند. روسیه به امنیت سایبری جمهوری اسلامی کمک می‌کند... در دفاع سایبری متأسفانه کشور ما یکی از کشورهایی است که بیشترین حمله سایبری علیه آن صورت می‌گیرد در حالیکه توانمندی لازم در داخل کشور وجود دارد ولی این به معنای محروم کردن ما از دانش روز و توانمندی همکاری با کشورهای دیگر نیست.»

وی تأکید کرد، «روسیه هم توانمندی خوبی دارد و فکر می‌کنیم که روسیه می‌تواند این فضا را ایجاد کند که با ایران در یک سطح برابر جلسات مشورتی برگزار کند. این مهم بیش از همه نشان‌دهنده تنوع و ظرفیت همکاری در جمهوری اسلامی است.»

عمومی در پاسخ به اینکه برخی از مخالفین می‌گویند که «اساساً چرا مجوز داده شده که اطلاعات را به کشور ثالثی بدهیم؟» گفت: «در یکی از بندهای این توافق تأکید شده است که اطلاعاتی که در کار مشترک بین ایران و روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد، به هیچ وجه بدون رضایت کتبی یکی از طرفین این همکاری در اختیار طرف ثالث قرار نخواهد گرفت.»

مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۱۹ آذرماه کلیات لایحه همکاری در حوزه امنیت اطلاعات میان جمهوری اسلامی و روسیه را با ۱۸۰ رأی موافق در مقابل ۲۷ رأی مخالف تصویب کرد.

برخی دیگر از منابع داخلی به نقل از کارشناسان اینترنت و شبکه هشدار دادند در تفاهم‌نامه همکاری ایران و روسیه در حوزه امنیت اطلاعات بر مسئله «اطلاعات» و بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی کشورها تأکید شده و از همین موضوع به عنوان دلیلی برای اعمال فیلترینگ بیشتر یاد شده است. برخی دیگر نیز این همکاری را مربوط به استخراج اطلاعات و همچنین «شنود» می‌دانند.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند در ابعاد مختلف به ویژه نظامی و امنیتی همکاری با روس‌ها را تقویت کند. هرچند روسیه در دهه‌های اخیر حاضر به ارائه تجهیزات و تسلیحات مدرن نظامی به جمهوری اسلامی نشده اما در زمینه «جاسوسی» و «شنود» و همچنین در ارائه تجهیزات مربوط به سرکوب مردم شریک مورد اعتمادی برای رهبران دیکتاتور مثل علی خامنه‌ای و الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس است.

هشدار در مورد خطرات وابستگی جمهوری اسلامی به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای خارجی؛ دفاع از همکاری اطلاعاتی با روسیه!

● سازمان پدافند غیرعامل در گزارشی مربوط به بررسی ابعاد حمله سایبری به پمپ‌های بنزین در ایران اعلام کرده «تا هنگامی که کشور وابسته به سخت‌افزار، نرم‌افزار و میان‌افزار خارجی و غیر بومی است آسیب‌پذیری‌ها و احتمال نفوذ از طریق آنها همچنان وجود دارد و لذا تلاش مجدانه و مجاهدانه برای تولید بومی و کاهش وابستگی‌ها ضرورت قطعی دارد.»

● ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته روسیه به امنیت سایبری جمهوری اسلامی کمک می‌کند!

● وی توضیح داده «موضوعات همکاری با روس‌ها را دقیق روشن کرده‌ایم؛ همکاری در مجامع بین‌المللی، در مقابله با جرائم سایبری و در موضوع مقابله با گروهک‌هایی که در محیط سایبر خلاف امنیت ملی و حاکمیت ملی اقدام می‌کنند.»

کمتر از دو هفته پس از حمله سایبری گسترده به پمپ‌های بنزین در ایران، سازمان پدافند غیرعامل ۱۱ دی‌ماه در گزارشی تفصیلی اعلام کرد مسئولیت مستقیم پاسخگویی در مورد این حمله «مسئولان شبکه سوخت و شبکه دریافت و پرداخت مالی» هستند.

در بخشی از این گزارش تأکید شده «تا هنگامی که کشور وابسته به سخت‌افزار، نرم‌افزار و میان‌افزار خارجی و غیربومی است آسیب‌پذیری‌ها و احتمال نفوذ از طریق آنها همچنان وجود دارد و لذا تلاش مجدانه و مجاهدانه برای تولید بومی و کاهش وابستگی‌ها ضرورت قطعی دارد.» با وجود چنین تأکیدی اما سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به دفاع از موافقت‌نامه همکاری اطلاعاتی بین جمهوری اسلامی و روسیه پرداخته است.

ابوالفضل عمویی در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته «موضوعات همکاری با روس‌ها را دقیق روشن کرده‌ایم؛ همکاری در مجامع بین‌المللی، در مقابله با جرائم سایبری و در موضوع مقابله با گروهک‌هایی که در محیط سایبر خلاف امنیت ملی و حاکمیت ملی اقدام می‌کنند. در تمام مراحل هم حاکمیت ملی کشورها استوار است. این توافق حاصل مذاکرات در دولت قبل است و در مجلس شورای اسلامی هم مورد بررسی قرار گرفت و به تصویب رسید. موضوع این توافق به فیلترینگ، محدودیت یا انحصار در نرم‌افزار یا سکوی خاصی ارتباطی ندارد.»

روسیه به امنیت سایبری جمهوری اسلامی کمک می‌کند! وی در واکنش به برخی انتقادات مبنی بر اینکه چرا باید امنیت سایبری را به کشور دیگری سپرد، توضیح داد: «امنیت

دست کم ۲۳ نفر در حمله هوایی به پایگاه‌های وابسته به «سپاه قدس» در سوریه کشته شدند



نیروهای آمریکایی علیه پایگاه‌های شبه‌نظامیان انجام شد. در این حملات مواضع نظامی در البوکمال و اطراف آن در استان دیرالزور هدف قرار گرفت. همچنین یک محموله سلاح که از عراق ارسال شده بود و یک انبار مهمات نیز هدف قرار گرفتند. اسرائیل به ندرت درباره حملات انفرادی که سوریه را هدف قرار می‌دهد اظهار نظر می‌کند، اما بارها گفته به جمهوری اسلامی اجازه نخواهد داد که نفوذ خود در سوریه را گسترش دهد.

بر اساس گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه، چند موشک اسرائیل به انبارها و پایگاه‌های گروه‌های طرفدار رژیم ایران در نزدیکی فرودگاه حلب اصابت کرد که در آن چهار نفر کشته شدند.

در طول بیش از یک دهه جنگ داخلی در سوریه، اسرائیل صدها حمله هوایی در خاک سوریه انجام داده است که عمدتاً نیروهای مورد حمایت رژیم ایران از جمله ستیزه‌جویان حزب‌الله لبنان و همچنین مواضع ارتش سوریه را هدف قرار داده است. اما از زمان آغاز جنگی که گروه تروریستی حماس با حمله‌ی مرگبار در هفتم اکتبر علیه اسرائیل به راه انداخته، این حملات تشدید شده است.

طی ۴۸ ساعت گذشته درگیری‌ها میان شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی و نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه به شدت افزایش پیدا کرده است. برخی منابع ادعا کردند دست کم ۴۰ موشک به پایگاه‌های آمریکایی شلیک شده است. همچنین گفته می‌شود چند نیروی آمریکایی در میدان گازی «کونیکو» زخمی شدند. تعدادی راکت نیز به پایگاه آمریکا در اطراف میدان نفتی «العمر» اصابت کرده است. برخی منابع غیررسمی که اخبار «محور مقاومت» وابسته به جمهوری اسلامی را منتشر می‌کنند کشته شدن دست کم ۱۸ شبه‌نظامی در حمله هوایی را تأیید کرده‌اند.

برخی تحلیلگران می‌گویند پس از ترور رضی موسوی مسئول لجستیک «سپاه قدس» در دمشق تحرکات شبه‌نظامیان علیه اسرائیل و آمریکایی‌ها در منطقه تشدید شده است.

● برخی منابع گزارش دادند این حمله از سوی نیروهای آمریکا بوده و برخی دیگر می‌گویند احتمالاً توسط اسرائیل انجام شده است.

● به گزارش «عرب نیوز»، سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که پنج نفر از کشته‌شدگان سوریه، چهار نفر از عضو حزب‌الله لبنان، شش عراقی و هشت نفر از آنها ایرانی هستند.

● در این حملات مواضع نظامی در البوکمال و اطراف آن در استان دیرالزور هدف قرار گرفت. همچنین یک محموله سلاح که از عراق ارسال شده بود و یک انبار مهمات نیز هدف قرار گرفتند.

● طی ۴۸ ساعت گذشته درگیری‌ها میان شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی و نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه به شدت افزایش پیدا کرده است. برخی منابع ادعا کردند دست کم ۴۰ موشک به پایگاه‌های آمریکایی شلیک شده است.

در حمله هوایی به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در شرق سوریه که شنبه شب نهم دی‌ماه روی داد دست کم ۲۳ نفر کشته شدند. همچنین در یک حمله دیگر در شمال سوریه چهار نفر از نیروهای حزب‌الله کشته شدند.

حمله به پایگاه‌های گروه‌های نیابتی در اطراف فرودگاه حلب به تلافی بیش از ۴۰ راکت که به سمت پایگاه‌های آمریکایی شلیک شد

برخی منابع گزارش دادند این حمله از سوی نیروهای آمریکا بوده و برخی دیگر می‌گویند احتمالاً توسط اسرائیل انجام شده است. به گزارش «عرب نیوز»، سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که پنج نفر از کشته‌شدگان سوریه، چهار نفر از عضو حزب‌الله لبنان، شش عراقی و هشت نفر از آنها ایرانی هستند.

این سازمان اعلام کرد که این حملات «احتمالاً توسط اسرائیل انجام شده است» اما پیش از این چند حمله هوایی از سوی

→ کنند و وارد تنگه نشوند. برخی از کشتیرانی‌های بزرگ کشتی‌های خود را به جنوب آفریقا و دماغه «امید نیک» می‌فرستند تا از این حملات در امان بمانند و همزمان مجبور به تحمل هزینه‌های بیشتر و طولانی‌تر شدن مسیر می‌شوند.

آدمیرال برد کوپر که ریاست ناوگان پنجم نیروی دریایی



ناو آمریکایی در حال گشت در دریای سرخ

آمریکا را بر عهده دارد، گفت: «در حال حاضر پنج کشتی جنگی از ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا در حال گشت در آب‌های جنوب دریای سرخ و غرب خلیج عدن هستند.» وی گفت که از زمان آغاز عملیات، این کشتی‌ها در مجموع ۱۷ پهپاد و چهار موشک بالستیک ضد کشتی را سرنگون کرده‌اند. به گفته فرماندهی مرکزی ایالات متحده، تنها دو روز پیش، ناوشکن «یو.اس.اس میسون» یک پهپاد و موشک بالستیک ضد کشتی را که توسط حوثی‌ها شلیک شده بود، سرنگون کرد. ایالات متحده گفت که بیست و دومین حمله به کشتی‌های بین‌المللی توسط حوثی‌ها از ۱۹ اکتبر تا کنون به هیچیک از ۱۸ کشتی در این منطقه آسیبی نرسانده و یا هیچ آسیبی گزارش نشده است.

کوپر با اشاره به اعلامیه اخیر دامبارک گفت: «من انتظار دارم در هفته‌های آینده کشورهای بیشتری را کنار خود داشته باشیم.»

ایالات متحده گفته است که بیش از ۲۰ کشور در این ائتلاف همکاری می‌کنند. برخی کشورها ترجیح داده‌اند این همکاری را بطور رسمی اعلام نکنند.

به گفته پنتاگون، لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در تماسی با وزیر دفاع هلند کاجسا اولونگرن در مورد حملات حوثی‌ها گفتگو کرد. هر دو این حملات را غیرقابل قبول و برای نظم بین‌المللی و تجارت «بی‌ثبات‌کننده» دانسته و آن را محکوم کردند.

آدمیرال کوپر گفت که ائتلاف در ارتباط مستقیم با کشتی‌های تجاری برای ارائه راهنمایی در مورد «مانور و بهترین شیوه‌ها برای جلوگیری از حمله» و همکاری نزدیک با صنعت کشتیرانی جهت هماهنگ کردن محافظت از امنیت است.

حمله حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها یک هفته پس از آغاز عملیات اسرائیل در غزه علیه حماس پس از آن آغاز شد که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از دولت‌های عربی-اسلامی منطقه خواست شریان انرژی به روی اسرائیل را قطع و تجارت با این کشور را متوقف کنند.

آمریکا سه قایق حوثی‌ها و سرنشینان آنها را غرق کرد

هشدار وزیر خارجه بریتانیا به امیرعبداللہیان



نیروهای ارتش آمریکا در حال بارگیری و آماده‌سازی هلی‌کوپترها روی عرشه ناو

● به گزارش «ای‌بی‌سی نیوز» به نقل از منابع نظامی، هلیکوپترهای نیروی دریایی آمریکا پس از آنکه از یک کشتی تجاری پیام اضطراری دریافت کردند به منطقه رفتند که در نتیجه، سه قایق کوچک حامل شبه‌نظامیان حوثی را در دریای سرخ غرق کردند.

● سنتکام در بیانیه‌ای توضیح داد: «قایق‌های کوچک که از مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن حرکت کرده بودند، با سلاح‌های خدمه و اسلحه‌های سبک به سمت مرسک هانگژو شلیک کردند و به ۲۰ متری کشتی رسیدند و سعی کردند سوار کشتی شوند.»

● به گفته مقامات آمریکایی، هلیکوپترهای «یواس‌اس آیزنهاور» و «یواس‌اس گریولی» برای کمک به کشتی اعزام شدند.

● جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا تأکید کرده که ایالات متحده به دنبال تشدید درگیری‌ها در منطقه نیست و قصدی برای درگیری با نیروهای حوثی ندارد.

● دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در «ایکس» نوشت: «امروز با امیرعبداللہیان در مورد حملات حوثی‌ها در دریای سرخ که جان بی‌گناهان و اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند صحبت کردم و به صراحت اعلام نمودم که [رژیم] ایران با توجه به حمایت‌های طولانی خود از حوثی‌ها مسئولیت جلوگیری از این حملات را بر عهده دارد.»

کشتی‌های تجاری نشان نمی‌دهند. پس از اینکه ارتش آمریکا اعلام کرد سه قایق حوثی‌ها را در دریای سرخ هدف قرار داده است، وزیران خارجه بریتانیا و جمهوری اسلامی تلفنی گفتگو کردند.

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا طی متنی در «ایکس» نوشت: «امروز با امیرعبداللہیان در مورد حملات حوثی‌ها در دریای سرخ که جان بی‌گناهان و اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند صحبت کردم و به صراحت اعلام نمودم که [رژیم] ایران با توجه به حمایت‌های طولانی خود از حوثی‌ها مسئولیت جلوگیری از این حملات را بر عهده دارد.»

جمهوری اسلامی هرگونه پشتیبانی از حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری را رد می‌کند اما در عمل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با روش‌های مختلف از آنها پشتیبانی می‌کند.

از سوی دیگر گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا روز دوشنبه اول ژانویه ۲۰۲۴ (۱۱ دی‌ماه) طی مقاله‌ای در روزنامه «تلگراف» نوشت که بریتانیا در حال بررسی انجام حمله هوایی علیه حوثی‌هاست. وی تأکید کرد دولت بریتانیا برای «اقدام مستقیم» در واکنش حملات این گروه به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ تردید نخواهد کرد.

شاپس تأکید کرد بریتانیا پشتیبان آمریکا در دریای سرخ خواهد بود و افزود: «حوثی‌ها نباید دچار سوء تفاهم شوند. ما متعهد هستیم عاملان شرور را به خاطر حملات و توقیف‌های غیرقانونی‌شان پاسخگو کنیم.»

وی با اشاره به عملیات ناو «ام‌اچ‌اس دایموند» در اواخر آذرماه که یک پهپاد حوثی‌ها را در دریای سرخ منهدم کرد، ادامه داد: «مصمم هستیم اقدام مستقیم انجام دهیم و برای اقدامات بیشتر جهت جلوگیری از تهدید آزادی کشتیرانی در دریای سرخ تردید نخواهیم کرد.»

نیروهای آمریکایی به کشتی‌های آنها دست کم ۱۰ نفر کشته شدند. آنها تهدید کردند این درگیری «رفتار خطرناک» است و «پیامدهای منفی» خواهد داشت.

این گروه همچنین گفت که به حملات خود در دریای سرخ ادامه خواهد داد. حوثی‌ها در بخشی از این بیانیه اعلام کردند: «دشمن آمریکایی تاوان این جنایت را می‌دهد.»

شبه‌نظامیان حوثی که با پشتیبانی جمهوری اسلامی با گستاخی به حملات خود ادامه می‌دهند بار دیگر تأکید کرده‌اند که «در مقابله با هرگونه تجاوز» علیه یمن تردید نخواهند کرد. آنها توصیه کردند کشورها وارد طرح‌های آمریکا «با هدف شعله‌ور کردن درگیری در دریای سرخ نشوند.» اشاره آنها به همکاری کشورها با ائتلاف دریایی آمریکا موسوم به «گروه ضربت ۱۵۳» است.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا تأکید کرده که ایالات متحده به دنبال تشدید درگیری‌ها در منطقه نیست و قصدی برای درگیری با نیروهای حوثی ندارد. وی پیشنهاد داده بهترین کار این است که حوثی‌ها حمله به کشتی‌ها را متوقف کنند.

تا پیش از این عملیات، مأموریت‌های آمریکا در دریای سرخ اغلب دفاعی و پدافندی برای مقابله با راکت‌ها و پهپادهای انتحاری بود اما به نظر می‌رسد وضعیت وخیم دریای سرخ و پیامدهای اقتصادی آن، دولت بایدن را متقاعد کرده که بطور مستقیم مهاجمین را هدف قرار دهد.

ساعاتی پیش از هدف قرار دادن سه قایق حوثی‌ها، آمیرال برد کوپر فرمانده نیروی دریایی سنتکام گفت با وجود استقرار ناوهای رزمی در دریای سرخ با عنوان «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳)، شورشیان حوثی یمن هیچ علامتی از پایان دادن به حملات «گستاخانه» علیه

نیروی دریایی آمریکا سه قایق حوثی‌ها را که به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ حمله می‌کردند غرق کرد و سرنشینانی که در آنها بودند کشته شدند.

به گزارش «ای‌بی‌سی نیوز» به نقل از منابع نظامی، هلیکوپترهای نیروی دریایی آمریکا یکشنبه ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ (دهم دی‌ماه) پس از آنکه از یک کشتی تجاری پیام اضطراری دریافت کردند به منطقه رفتند که در نتیجه، سه قایق کوچک حامل شبه‌نظامیان حوثی را در دریای سرخ غرق کردند.

فرماندهی ستاد مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در بیانیه‌ای اعلام کرد که یک کشتی کانتینری متعلق به شرکت «مرسک» به نام «هانگژو» با پرچم سنگاپور حدود ساعت ۰۶:۳۰ صبح به وقت محلی اعلام خطر کرد. کشتی تجاری گفت که چهار قایق کوچک به آن حمله کردند.

سنتکام توضیح داد: «قایق‌های کوچک که از مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن حرکت کرده بودند، با سلاح‌های خدمه و اسلحه‌های سبک به سمت مرسک هانگژو شلیک کردند و به ۲۰ متری کشتی رسیدند و سعی کردند سوار کشتی شوند.»

به گفته مقامات آمریکایی، هلیکوپترهای «یواس‌اس آیزنهاور» و «یواس‌اس گریولی» برای کمک به کشتی اعزام شدند.

از قایق‌ها با سلاح‌های سبک به سمت هلی‌کوپترهای آمریکایی تیراندازی شد. مقامات آمریکایی گفتند که هلی‌کوپترها به آتش پاسخ دادند و سه قایق از چهار قایق کوچک را غرق کردند که خدمه آن همگی کشته شدند. قایق چهارم از منطقه فرار کرد.

حوثی‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند که پس از شلیک

راهبردهای شکست خورده آمریکا و اروپا علیه کارزار جنگی جمهوری اسلامی



جمهوری اسلامی ایران اسفند سال ۱۳۹۸ اعلام کرد که در حال آزمایش روی نسل جدیدی از سانتریفوژهاست که قدرت غنی‌سازی بیشتری با حجم بالاتر دارند

نیست. برخی تحلیلگران مطرح می‌کنند غربی‌ها تمایلی به برخورد با جمهوری اسلامی ندارند زیرا در همین وضعیت نیز منافع آنها در بالاترین سطح تأمین می‌شود. آنقدر که همچنان می‌توانند چشم به روی پرتاب بیش از ۱۱۰ موشک به پایگاه‌های آمریکایی یا اختلال در مسیر کشتی‌ها در آبراه‌های بین‌المللی ببندند.

علی اکبر صالحی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد «می‌خواهند ایران را تحریک کنند تا به هر طریقی وارد بحران غزه شود.» وی همزمان می‌گوید: «از منظومه فکری مقاومت حمایت می‌کنیم اما قرار نیست فیزیکی وارد جنگ‌های مختلف شویم.»

صحبت‌های صالحی اشاره دقیق به راهبرد جمهوری اسلامی در مقابل غربی‌هاست. جنگیدن علیه منافع کشورهای غربی از طریق نیابتی‌ها و «محور مقاومت» بدون آنکه مسئولیت بپذیرند. بعید است غربی‌ها متوجه این تاکتیک واضح و عیان نشده باشند و بتوانند از راه‌های دیپلماتیک یا تحریم‌ها آنهم به شیوه ضعیفی که دولت بایدن اجرا می‌کند، وضعیت را تغییر دهند. کشورهای غربی همزمان در درگیر شدن در خاورمیانه پرهیز می‌کنند و این پیام ضعف و تردید به تهران رسیده است.

مقامات غربی دائم به صورت فردی یا در بیانیه‌های مشترک تهدیدات اتمی، موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی را «محکوم» می‌کنند یا «خواستار توقف آنها» می‌شوند. این هشدارها آنقدر بی‌پشتوانه بوده که به شدت بی‌خاصیت شده و جمهوری اسلامی اعتنایی به آنها ندارد.

مماشات و ضعف و تردید غربی‌ها آنقدر به جمهوری اسلامی اعتماد به نفس کاذب داده که حسین طائب مشاور عالی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید دشمنان در برابر «دکترین مقاومت» شکست خورده‌اند! وی معتقد است که حمله‌ی وحشیانه‌ی حماس به اسرائیل برای جریان مقاومت «تولید قدرت» کرد. اینهمه در حالیست که در بالاترین رده‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با صراحت اعلام می‌کنند: «جبهه مقاومت پایگاه قدرت جمهوری اسلامی است.»

اورانیوم تنها مشکلی نیست که غرب باید نگران آن باشد. آن درشوویتز کارشناس حقوقی می‌گوید: «می‌توان تردید داشت که جمهوری اسلامی با حمایت مالی از حملات گروه‌های نیابتی علیه نیروهای آمریکایی و متحدان آنها، در حال انجام اقدامات جنگی عمدی علیه ایالات متحده است.»

مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا که در مقاطع مختلف اتحادیه اروپا، عمان و قطر واسطه آن بودند مدت‌هاست به بن‌بست رسیده است. تا یک سال پیش از این غربی‌ها مدام جمهوری اسلامی را تهدید به فعال شدن «مکانسیم ماشه» و «اسنپ بک» یا «پلان B» می‌کردند. این تهدیدات بی‌فایده بود زیرا اکنون گزینه کاملاً واضح است گزینه دیپلماتیک برای کاهش این بحران بی‌اثر و موازی با آن احتمال برخورد با جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده است. جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مهرماه ۱۴۰۰ به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده بود «گزینه بعدی چیز خوبی نخواهد بود!»

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا چند ماه پیش از حمله «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل گفته بود در شرایطی نیستیم که بخواهیم در مورد برجام مذاکره کنیم. اکنون با وضعیت فعلی منطقه ادامه مذاکرات جمهوری اسلامی با غربی‌ها در مورد برجام تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی که یکی از امیدوارترین مذاکره‌کنندگان به زنده کردن برجام بود و مرتب درباره احیای آن در «امروز و فردا» در شبکه‌های اجتماعی پیام می‌نوشت، روز هشتم دی‌ماه ۱۴۰۲ در یک مصاحبه به «ریا نووستی» گفت شانس «احیای برجام» بسیار اندک است و در واشنگتن تصمیم گرفته‌اند نیازی به «توافق اتمی» با ایران نیست. این در حالیست که خود روسیه پس از حمله نظامی علیه اوکراین به یکی از موانع ادامه مذاکرات تبدیل شد.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد گزینه غربی‌ها در مقابل جمهوری اسلامی «فعال شدن مکانسیم ماشه» است اگرچه ریسک آن برای دولت بایدن و اروپایی‌ها کم

● نیکلاس دوریویر سفیر فرانسه در سازمان ملل اخیراً به تلویزیون «ایران اینترنشنال» گفت که افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران «بسیار خطرناک» است.

● پایگاه خبری «نیوزمکس» می‌نویسد غنی‌سازی اورانیوم تنها مشکلی نیست که غرب باید نگران آن باشد. آن درشوویتز کارشناس حقوقی می‌گوید: «می‌توان تردید داشت که جمهوری اسلامی با حمایت مالی از حملات گروه‌های نیابتی علیه نیروهای آمریکایی و متحدان آنها، در حال انجام اقدامات جنگی عمدی علیه ایالات متحده است.»

● مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا که در مقاطع مختلف اتحادیه اروپا، عمان و قطر واسطه آن بودند مدت‌هاست به بن‌بست رسیده است. تا یک سال پیش از این غربی‌ها مدام جمهوری اسلامی را تهدید به فعال شدن «مکانسیم ماشه» و «اسنپ بک» یا «پلان B» می‌کردند. این تهدیدات در عمل بی‌فایده بوده است.

● مماشات و ضعف و تردید کشورهای غربی آنقدر به جمهوری اسلامی اعتماد به نفس کاذب داده که حسین طائب مشاور عالی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید دشمنان در برابر «دکترین مقاومت» شکست خورده‌اند! وی معتقد است حمله وحشیانه حماس علیه اسرائیل برای جریان مقاومت «تولید قدرت» کرد. در بالاترین رده‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با صراحت اعلام می‌کنند: «جبهه مقاومت پایگاه قدرت جمهوری اسلامی است.»

نیکلاس دوریویر سفیر فرانسه در سازمان ملل اخیراً به تلویزیون «ایران اینترنشنال» گفت که افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران «بسیار خطرناک» شده است.

این اظهارات وی پس از آن بیان شده که ایالات متحده، فرانسه، آلمان و بریتانیا در بیانیه مشترک افزایش سرعت غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران را محکوم کردند. آنها اعلام کردند «تولید اورانیوم با غلظت بالا توسط ایران هیچ توجیه غیرنظامی معتبری نداشته و میزان تولید گزارش شده در کارخانه غنی‌سازی سوخت فردو و کارخانه غنی‌سازی سوخت آزمایشی، نهایتاً خطر گسترش تسلیحات هسته‌ای را نیز به همراه دارد.»

حالا دوریویر با اشاره به گزارش آژانس در مورد افزایش ذخایر اورانیوم غیرمجاز در ایران توضیح داده است: «سطح تهدید بسیار افزایش یافته، بنابراین زمان آن رسیده است که ایران به تعهدات خود در برجام بازگردد.»

وی همچنین گفت که ظرفیت غنی‌سازی ایران بطور قابل توجهی افزایش پیدا کرده و «زمان شکست» برای ایران، یعنی مدت زمانی که می‌تواند در آن به اورانیوم غنی‌شده کافی برای تولید سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، بسیار کاهش یافته و هیچ اثری هم از رعایت آنچه در برجام تعیین شده نیست.

اگرچه دولت‌های غربی همچنان روی راه حل‌های دیپلماتیک در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی اصرار دارند اما واقعیت آن است که این راهبرد به شدت بی‌اثر شده است. با فروپاشی برجام کاملاً آشکار است غربی‌ها در مورد اقدام متناسب در مقابل تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی بی‌برنامه هستند. همین وضعیت در مورد تلاش‌های رژیم برای بی‌ثبات کردن منطقه صدق می‌کند.

«نیوزمکس» در همین ارتباط می‌نویسد غنی‌سازی

ابراز نگرانی دولت بایدن از افزایش مجدد سرعت غنی‌سازی اورانیوم در ایران



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای هسته‌ای جمهوری اسلامی / خرداد ۱۴۰۲

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی محرمانه به اعضای شورای حکام اعلام کرده «ایران کاهش سرعت تولید اورانیوم غنی‌شده تا غلظت ۶۰ درصد در چند ماه گذشته را پایان داده و به حالت قبلی بازگردانده است افزایش داده است».

● سخنگوی کاخ سفید در واکنش به گزارش آژانس در بیانیه‌ای گفت که تشدید تنش هسته‌ای ایران درست وقتی که نیروهای نیابتی تحت حمایت جمهوری اسلامی به «فعالیت‌های خطرناک و بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه ادامه می‌دهند»، از جمله حملات اخیر پهپادی و راکتی در عراق و سوریه و همچنین حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری در منطقه دریای سرخ بسیار نگران‌کننده است.

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین گفته آمریکا و سه قدرت اروپایی مانع «احیای برجام» و سبب افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران شدند.

مقامات شورای امنیت ملی کاخ سفید سه‌شنبه ۲۷ دسامبر (ششم دی‌ماه) اعلام کردند که ایالات متحده از گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره افزایش سرعت غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران بطور جدی نگران است.

سخنگوی کاخ سفید می‌گوید: «تشدید تنش هسته‌ای ایران درست وقتی که نیروهای نیابتی تحت حمایت جمهوری اسلامی به «فعالیت‌های خطرناک و بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه ادامه می‌دهند»، از جمله حملات اخیر پهپادی و راکتی در عراق و سوریه و همچنین حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری در منطقه دریای سرخ بسیار نگران‌کننده است».

بر اساس اعلام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی ایران از تابستان سرعت غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد که نزدیک به درجه تسلیحاتی است کاهش داده بود، اما اکنون این روند را معکوس کرده است.

به گزارش رویترز بسیاری از دیپلمات‌ها بر این باور بودند که کاهش سرعت غنی‌سازی اورانیوم، نتیجه مذاکرات محرمانه بین آمریکا و جمهوری اسلامی بوده است که به آزادی شهروندان آمریکایی در ایران و آزاد ساختن شش میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران منجر شد.

طبق تعریف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حدود ۴۲ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد، مقداری است که برای ساخت سه بمب اتم کافی است. جمهوری اسلامی اما ادعا می‌کند که برای کاربرد نظامی دست به غنی‌سازی اورانیوم نمی‌زند در حالی که برای مصارف غیرنظامی به چنین غلظتی از اورانیوم نیاز نیست.

طبق گزارش منابع مرتبط با آژانس، رژیم ایران در تأسیسات نطنز و در کارخانه سوخت فردو قم در حال غنی‌سازی اورانیوم است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اواسط شهریور ۱۴۰۲ اعلام کرده بود، «تولید اورانیوم غنی شده تا ۶۰ درصد ایران از حدود ۹ کیلوگرم در ماه قبلی آن به حدود ۳ کیلوگرم در ماه کاهش یافته است با این حال ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران همچنان ۱۸ برابر بیش از حد تعیین‌شده در برجام است.» اکنون طبق تازه‌ترین گزارش آژانس، جمهوری اسلامی روند

هشدار آمریکا و سه دولت اروپایی در مورد «پیامدهای خطرناک» غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و فردو

● آمریکا، فرانسه، آلمان و بریتانیا بار دیگر در یک بیانیه مشترک افزایش سرعت و میزان تولید اورانیوم غنی‌شده با غلظت ۶۰ درصد توسط جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

● این کشورها با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی «هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای تولید اورانیوم ۶۰ درصدی ندارد» خواستار توقف فوری این اقدامات و تشنج‌زدایی در برنامه‌های هسته‌ای ایران شدند.

● آنچه در این بیانیه نسبت به گذشته جدید به نظر می‌رسد، هشدار در مورد «پیامدهای خطرناک» ناشی از غنی‌سازی است.

● ابرام پیلی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در واکنش به بیانیه مشترک سه قدرت اروپایی و آمریکا نوشت: «ما به فرانسه، آلمان و بریتانیا می‌پیوندیم تا میزان افزایش تولید اورانیوم ۶۰ درصدی ایران را محکوم کنیم. ما از ایران می‌خواهیم فوراً مسیر خود را تغییر دهد و بطور کامل با آژانس همکاری کند».

آمریکا، فرانسه، آلمان و بریتانیا در بیانیه‌ای مشترک که پنجشنبه ۲۸ دسامبر (هفتم دی‌ماه) صادر شد افزایش سرعت و میزان تولید اورانیوم غنی‌شده با غلظت ۶۰ درصد توسط جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

در این بیانیه با اشاره به گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، افزایش سه برابری میزان تولید ماهانه اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در سایت‌های اتمی نطنز و فردو به منزله «عقبگرد» رژیم ایران از تعهدات خود در برجام توصیف شده است.

این کشورها با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی «هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای تولید اورانیوم ۶۰ درصدی ندارد» خواستار توقف فوری این اقدامات و تشنج‌زدایی در برنامه‌های هسته‌ای ایران شدند.

● آنچه در این بیانیه نسبت به گذشته جدید به نظر می‌رسد، هشدار چهار کشور در مورد «پیامدهای خطرناک» ناشی از غنی‌سازی است.

در بخش دیگری از این بیانیه تأکید شده که تأخیر ایران در اطلاع‌رسانی درباره آبشارهای سانتریفیوژ در دی‌ماه سال گذشته، به ایجاد شبهه‌های جدی درباره تمایل آن به شفافیت کامل در همکاری با آژانس منجر شده است.

آمریکا، فرانسه، آلمان و بریتانیا تصمیمات اخیر رژیم ایران را نیز نشانه عدم حسن نیت آن برای تشنج‌زدایی دانسته‌اند و آن را عملکردی «بی‌ملاحظه» در شرایط متشنج منطقه‌ای توصیف کرده‌اند.

این چهار کشور از ایران خواسته‌اند با ادامه فعالیت بازرسان تعلیق‌شده آژانس موافقت کند و تأکید کردند که همچنان بر تعهد خود به «راهکار دیپلماتیک» برای جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران پایبند هستند. ←

کاهش ذخیره‌سازی را دوباره معکوس ساخته و به سرعت میزان غنی‌سازی را افزایش داده است.

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین با اشاره به گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «طبق گزارش آژانس، ایران کاهش سرعت چند ماهه در غنی‌سازی اورانیوم تا غلظت ۶۰ درصد را متوقف کرده و به حالت قبل بازگردانده است.»

اولیانوف با اشاره به وقفه در مذاکرات وین برای احیای توافق هسته‌ای که اجرای همه‌جانبه و کامل آن در پی خروج آمریکا از این توافق در هشتم مه ۲۰۱۸ مختل شد، ادعا کرده است: «اگر آمریکا و آلمان، فرانسه و انگلیس مانع احیای برجام در سال گذشته نشده بودند، سطح غنی‌سازی در ایران، در حال حاضر، از ۶۷/۳ درصد فراتر نمی‌رفت.» این در حالیست که از یکسو جمهوری اسلامی اگر تأسیسات اتمی مخفی آن لو نمی‌رفت، به فعالیت‌های پنهان هسته‌ای همچنان ادامه می‌داده و می‌دهد و از سوی دیگر خود روسیه پس از حمله نظامی علیه اوکراین به سنگ‌اندازی در مذاکرات اتمی پرداخت تا در ارتباط با تحریم‌های بین‌المللی علیه خود باج‌گیری کند.

همچنین این ادعای اولیانوف در شرایطی مطرح می‌شود که خود مقامات رژیم از جمله شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و حتی چهره‌هایی مثل محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی یا حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس بارها گفته‌اند روس‌ها با خیانت به جمهوری اسلامی مانع «احیای برجام» شدند و در مرحله بعدی ایران را به جنگ علیه اوکراین کشاندند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اوایل آذرماه ۱۴۰۲ در نشست شورای حکام اعلام کرد «ایران بازرسانی را هدف قرار داده که «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی [اورانیوم] و سایر ظرفیت‌ها دارند.» وی همچنین طی سخنانی در مؤسسه امور بین‌الملل سوئد گفته بود هیچکدام از طرفین برجام مرگ آن را اعلام نمی‌کنند، اما در وضعیت فعلی این توافق «پوچ» شده است.

محمد اسلامی: گزارش جدید آژانس تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی از جنگ غزه است!



محمد اسلامی

کار جدیدی انجام نداده‌ایم و همان فعالیت جاری خود را دنبال می‌کنیم که طبق چهارچوب و طبق ضوابط انجام می‌شود.»

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه‌شنبه پنجم دی‌ماه در جدیدترین گزارش خود به کشورهای عضو آژانس درباره فعالیت‌های جمهوری اسلامی در زمینه غنی‌سازی ادعا کرد که ایران در هفته‌های اخیر تولید اورانیوم با غنای ۶۰ درصد خود را افزایش داده است. اسلامی پیش از این گفته بود «آژانس ابزار دست قدرت‌های غربی شده است.»

گروسی هشدار داده که ایران تولید اورانیوم ۶۰ درصدی خود را پس از یک دوره ۶ ماهه که ذخایر اورانیوم غنی‌شده را کاهش یافته بود، دوباره افزایش داده است.

پیش از این سخنگوی کاخ سفید در واکنش به گزارش آژانس در بیانیه‌ای گفت که تشدید تنش هسته‌ای ایران درست وقتی که نیروهای نیابتی تحت حمایت جمهوری اسلامی به «فعالیت‌های خطرناک و بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه ادامه می‌دهند»، از جمله حملات اخیر پهبادی و راکتی در عراق و سوریه و همچنین حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری در منطقه دریای سرخ بسیار نگران‌کننده است.

جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر از افزایش میزان ذخایر اورانیوم غیرمجاز و افزایش سطح غنی‌سازی به عنوان ابزاری برای امتیاز گرفتن از دولت‌های غربی استفاده کرده است.

گروسی بارها ضمن اشاره به شکست جامعه بین‌الملل در مقابله با اتمی شدن کره شمالی هشدار داده که باید تمام توان خود را برای جلوگیری از تکرار این مشکل در مورد جمهوری اسلامی ایران به کار بگیرند.

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین گفته آمریکا و سه قدرت اروپایی مانع «احیای برجام» و مقصر افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران آنها هستند.

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در مورد افزایش تولید اورانیوم ۶۰ درصدی در سایت فردو و نظنز را تلاش آمریکا و اسرائیل برای منحرف کردن افکار عمومی جامعه جهانی از جنگ در غزه دانسته است.

● وی با بیان اینکه گزارش آژانس «یک هیاهوی رسانه‌ای» است گفت جمهوری اسلامی «هیچ کار جدیدی» در زمینه غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا انجام نداده است.

● جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر از افزایش میزان ذخایر اورانیوم غیرمجاز و افزایش سطح غنی‌سازی به عنوان ابزاری برای امتیاز گرفتن از دولت‌های غربی استفاده کرده است.

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین گفته آمریکا و سه قدرت اروپایی مانع «احیای برجام» و مقصر افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران آنها هستند.

جمهوری اسلامی گزارش‌ها در مورد افزایش سرعت غنی‌سازی در ایران را «سیاسی» و فضا سازی تحت تأثیر «جنگ غزه» دانسته است. پاسدار محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ششم دی‌ماه در واکنش به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران ادعا کرد، «کار رسانه‌ای سیاسی که مجدداً در خصوص غنی‌سازی ایران مطرح شده است، حرف جدیدی نیست و در گزارش مدیرکل شورای حکام مطرح شده بود.»

وی توضیح داد، «این حرف‌ها یک هیاهوی رسانه‌ای است و اهدافی که دنبال می‌کنند کاملاً مشخص است. در این شرایط سیاسی و به دنبال وضعیتی که جنگ غزه برای آنان ایجاد کرده است، در تلاش هستند تا فضای دیگری ایجاد کنند تا تمرکز و افکار عمومی را از روی غزه به ایران بازگردانند. مشخص است چه اهدافی دارند.»

اسلامی خطاب به مردم گفته «مستحضر باشند که ما هیچ

سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان اواخر آذرماه نیز شبیه همین بیانیه را در مورد تهدیدات موشکی و اتمی جمهوری اسلامی صادر کرده بودند. در آن بیانیه نیز مثل بیانیه‌هایی که در تمام سال‌های گذشته منتشر شده اعلام شده بود «ما بار دیگر بر عزم خود جهت یافتن راهکار دیپلماتیک برای حل بحران هسته‌ای ایران تأکید می‌کنیم.»



بازدید ابراهیم رئیسی از دستاوردهای اتمی جمهوری اسلامی / اردیبهشت ۱۴۰۱

ابرام پیلی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در واکنش به بیانیه مشترک سه قدرت اروپایی و آمریکا نوشت: «ما به فرانسه، آلمان و بریتانیا می‌پیوندیم تا میزان افزایش تولید اورانیوم ۶۰ درصدی ایران را محکوم کنیم. ما از ایران می‌خواهیم فوراً مسیر خود را تغییر دهد و بطور کامل با آژانس همکاری کند.»

اینهمه در حالیست که بسیاری از تحلیلگران دولت‌های غربی را متهم به مداخلات با جمهوری اسلامی می‌کنند. در همین ارتباط ریچارد گلدبرگ عضو «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) در حساب کاربری خود در «ایکس» در پاسخ به توثیق ابرام پیلی نوشت: «نکته قابل توجه اینست که این سیاست چراغ سبز غنی‌سازی است:

- عدم بازگشت تحریم‌های سازمان ملل
- قطعنامه‌های هیأت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا ارجاع به شورای امنیت وجود ندارد
- معافیت ۱۰ میلیارد دلاری تمدید شد
- عدم اجرای تحریم‌های نفتی- اینها حرف‌های توخالیست و تهران این را می‌داند.»

منتقدان دولت بایدن او را متهم می‌کنند که هیچ برنامه‌ای برای مقابله با تهدیدات چند بُعدی جمهوری اسلامی ندارد. مارک والاس سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل و مدیرعامل گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» اخیراً در مصاحبه با روزنامه «سان» گفته بود «رژیم تروریست ایران بسیار فراتر از خاورمیانه در حال نابود کردن است و این بزرگترین تهدید برای نظم جهانی است.»

پروفسور تاراس کوزیو از دانشگاه ملی کی‌یف در همین گزارش «سان» گفته بود «آنچه ما داریم یک محور شرارت ضد غربی با روسیه، ایران و کره شمالی است که جمهوری خلق چین در پس‌زمینه آن قرار دارد... حمله خونین حماس به اسرائیل تأیید می‌کند این محور چقدر گسترده است... محوری که در غرب در دو جبهه اسرائیل و اوکراین با ما می‌جنگد. رژیم‌های خودکامه می‌خواهند اسرائیل و اوکراین را از نقشه جهان محو کنند.»

اعزام ناوشکن «البرز» به دریای سرخ؛ بلومبرگ: اوضاع منطقه پیچیده تر می شود



ناوشکن البرز

الحدیده در یمن حرکت کرد. خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی گزارش دادند ناو البرز از کشتی شاهد پشتیبانی می‌کند. در چنین شرایطی، دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا دو روز پیش از اعزام ناوگروه ارتش جمهوری اسلامی به دریای سرخ در گفتگوی تلفنی با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه رژیم به وی در مورد ادامه پشتیبانی از حوثی‌ها هشدار داده بود. وی به امیرعبداللہیان گفته بود که رژیم «ایران با توجه به حمایت‌های طولانی خود از حوثی‌ها مسئولیت جلوگیری از این حملات را بر عهده دارد.» البته ناوشکن البرز ظرفیت درگیری با رزم‌ناوهای غول‌پیکر آمریکایی را ندارد اما تحریکات جمهوری اسلامی در منطقه احتمال برخورد مستقیم با آن را افزایش داده است. در مورد این وضعیت شماری از تحلیلگران حتا در داخل ایران به حکومت هشدار داده‌اند. اما شماری دیگر از ناظران می‌گویند خیال جمهوری اسلامی فعلاً از اینکه غربی‌ها برنامه‌ای برای اقدام جدی علیه آن ندارند تا حدود زیادی راحت است.

حوثی‌ها توسط هلی‌کوپترهای نیروی دریایی ارتش آمریکا صورت گرفته است. در این گزارش همچنین آمده، تنش‌های منطقه بهای نفت را با آغاز سال ۲۰۲۴ افزایش داده است. بلومبرگ نیز می‌نویسد «اقدام تهران برای اعزام کشتی جنگی، وضعیت بی‌ثبات در دریای سرخ را تشدید و اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند.»

یک کارشناس دفاعی به روزنامه «نیویورک پست» گفته تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای اعزام کشتی جنگی به دریای سرخ، پاسخی آشکار به درخواست‌های واشنگتن از تهران برای متوقف کردن پشتیبانی از حوثی‌هاست.

سابقه اعزام ناو البرز به یمن

اعزام ناو البرز برای کمک به یمنی‌ها سابقه دارد. خرداد سال ۱۳۹۴ همزمان با درگیری حوثی‌ها با عربستان سعودی کشتی «شاهد» به اسم ارسال کمک‌های بشردوستانه از ایران به یمن اعزام شد. کشتی «شاهد» بعد از بازرسی در جیبوتی و زیر نظر بازرسان سازمان ملل متحده به مقصد بندر

● دو روز پس از آنکه دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در گفتگوی تلفنی با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد ادامه پشتیبانی از حوثی‌ها به تهران هشدار داد، یک ناوگروه رزمی از بندرعباس به دریای سرخ اعزام شد.

● به صورت رسمی اشاره‌ای به هدف از اعزام ناو البرز به دریای سرخ نشده اما خبرگزاری‌های حکومتی نوشته‌اند مأموریت این ناوگروه از اوایل سال ۸۸ تا کنون «تأمین امنیت خطوط کشتیرانی و مقابله با دزدان دریایی» در آب‌های آزاد بوده است!

● روزنامه «وطن امروز» چاپ تهران، اعزام این ناو را مربوط به «بسته کامل حمایتی از رزمندگان فلسطین علیه صهیونیست‌ها» و حمایت از حوثی‌ها دانسته است.

● بلومبرگ می‌نویسد «حرکت تهران برای اعزام کشتی جنگی، وضعیت بی‌ثبات در دریای سرخ را تشدید و اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند.»

کمتر از یک هفته پس از فعال شدن ائتلاف دریایی موسوم به «گروه ضربت ۱۵۳» علیه حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب، جمهوری اسلامی یک ناو رزمی و یک ناو پشتیبان را به همان مناطق اعزام کرد. ناوشکن «البرز» و ناو پشتیبان «بوشهر» در ناوگروه ۹۴ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی با عبور از تنگه باب‌المندب روز دوشنبه ۱۱ دی‌ماه وارد دریای سرخ شدند. ادعا شده است که مأموریت این ناوگروه از اوایل سال ۸۸ تا کنون «تأمین امنیت خطوط کشتیرانی و مقابله با دزدان دریایی» در آب‌های آزاد بوده است.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به اعزام این ناو به دریای سرخ نوشت «افزایش تنش در جریان جنگ غزه، تحولات در منطقه خلیج عدن و تنگه باب‌المندب روند شتابانی به خود گرفته است.»

این خبرگزاری گزارش داد، ناوشکن البرز در سال ۹۸ پس از تعمیرات اساسی و نصب سیستم‌های جدید و فناوری‌ها مجدداً به ناوگان جنوب نیروی دریایی ارتش ملحق شد. ناوشکن البرز سال ۱۳۵۱ در زمان محمدرضا شاه پهلوی به نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی ملحق شد و بیش از ۴۸ سال عمر دارد و گفته شده که در سال ۱۳۹۸ تعمیرات اساسی روی آن صورت گرفته است.

بسته کامل حمایتی

در این میان، این ادعا نیز مطرح شده که مأموریت این ناوگروه از اوایل سال ۸۸ تا کنون «تأمین امنیت خطوط کشتیرانی و مقابله با دزدان دریایی» در آب‌های آزاد بوده است. روز سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه در صفحه نخست روزنامه «وطن امروز» تصویر ناو البرز با تیتیر «مأموریت دریای سرخ» منتشر شد و درست پایین آن گزارشی از «تشدید دامنه حمایت گروه‌های مقاومت از حماس و مردم غزه» که در آن از تشدید حملات حزب‌الله به اسرائیل، افزایش حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل و آمریکا و همچنین افزایش حملات راکتی و پهپادی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه به عنوان «بسته کامل حمایتی از رزمندگان فلسطین علیه صهیونیست‌ها» نام برده شده است. اینهمه در حالیست که مقامات رژیم نقش خود را در این تحرکات انکار می‌کنند!

در همین ارتباط، خبرگزاری «سی‌ان‌بی‌سی» اشاره کرده که اعزام ناو البرز به دریای سرخ پس از غرق شدن سه قایق

هشتاد و هشت سالگی ۱۷ دی و حقیقت کشف حجاب



پس از کشف حجاب



پیش از کشف حجاب

یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: حوثی‌ها ماشه را می‌کشند اما رژیم ایران اسلحه را فراهم می‌کند



هلی‌کوپتر نظامی حوثی‌ها بر فراز کشتی باری «گالاکسی لیدر» در دریای سرخ / ۲۰ نوامبر ۲۰۲۳

اما همانطور که نشان داده‌ایم، ایالات متحده برای دفاع از مردم و منافع خود در برابر هر تهدیدی که از [جمهوری اسلامی] ایران ناشی شود، اقدام خواهد کرد.

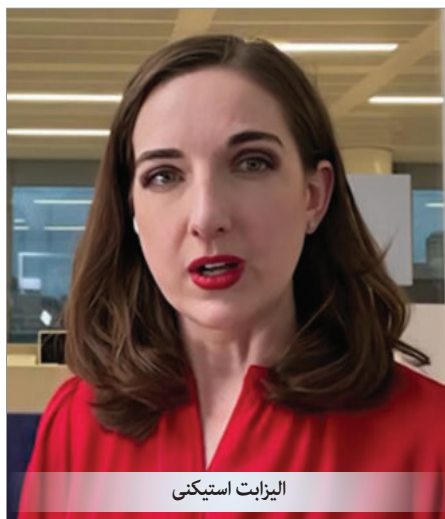
● جمهوری اسلامی از حوثی‌ها پشتیبانی نظامی می‌کند که برای مقابله با آن «ائتلاف دریایی» تشکیل شده. اما بخشی از وابستگی حوثی‌ها به جمهوری اسلامی که بنیادی‌تر است مربوط به حمایت‌های ایدئولوژیک و فکری است. برای این موضوع چه فکری کرده‌اید؟

-حمله‌های اخیر حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ برای امنیت دریایی و قوانین بین‌المللی که همه کشورها موظف به رعایت آن هستند، تهدیدی غیرقابل قبول است. ما می‌دانیم که [رژیم] ایران در طراحی حملات به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ مشارکت داشته است. [جمهوری اسلامی] ایران روش‌ها، ابزارها، قابلیت‌ها، و جنگ‌افزارهایی را که حوثی‌ها با استفاده از آنها این حمله‌ها را انجام می‌دهند، ارائه می‌کند. حوثی‌ها ماشه را می‌کشند اما [رژیم] ایران اسلحه را فراهم می‌کند.

ایالات متحده به دنبال درگیری با [رژیم] ایران نیست. اما همزمان، ما اقدامات لازم را برای محافظت از پرسنل‌مان و منافع خود در منطقه انجام خواهیم داد.

● «احیای برجام» شکست خورد و همزمان درخواست‌های آمریکا و اروپایی‌ها از جمهوری اسلامی برای توقف حملات به پایگاه‌های آمریکا بی‌نتیجه بود. برنامه مشخص آمریکا و سه قدرت اروپایی بجز صدور بیانیه‌هایی که در آن جمهوری اسلامی را «محکوم» می‌کنند چیست؟ آیا سراغ فعال کردن «مکانیسم ماشه» (اسنپ پک) می‌روید؟ -بهرتر است واشنگتن به سوالات خاص در مورد سیاست‌ها در قبال ایران پاسخ دهد. بطور کلی می‌توانم بگویم که ایالات متحده برای دفاع از مردم و منافع خود در برابر هرگونه تهدیدی که از [جمهوری اسلامی] ایران ناشی شود، اقدام خواهد کرد.

۱۸ دسامبر خبر ایجاد «عملیات نگهبان رفاه» را، که یک طرح امنیتی چندملیتی با تمرکز بر پیشبرد امنیت در دریای سرخ است، اعلام کرد. هدف این طرح اطمینان یافتن از آزادی



الیزابت استیکنی

کشتیرانی برای همه کشورها و افزایش امنیت و رفاه منطقه است. این عملیات بر اقداماتی که ما قبلاً انجام داده‌ایم - از جمله سرنگون کردن پهپادها و موشک‌های شلیک شده از مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن و اعمال تحریم‌هایی علیه کسانی که حوثی‌ها را تأمین مالی می‌کنند و به گسترش سلاح‌های خطرناک و رساندن آنها به گروه‌های شبه‌نظامی یاری می‌رسانند - مبتنی است.

حمایت [رژیم] ایران از حوثی‌ها شامل سیستم‌های پیشرفته سلاح است که در این حملات استفاده می‌شوند. این امر، نقض تحریم تسلیحاتی سازمان ملل در یمن است. [حکومت] ایران همچنین پشتیبانی اطلاعاتی برای هدف قرار دادن کشتی‌ها، کمک‌های مالی و آموزش فراهم کرده است. ایالات متحده به دنبال رویارویی با [رژیم] ایران نیست،

● «دولت ایالات متحده در حال بررسی امکان شناسایی حوثی‌ها به عنوان گروه تروریستی است.»

● «ما می‌دانیم که [رژیم] ایران در طراحی حملات به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ مشارکت داشته است. [جمهوری اسلامی] ایران روش‌ها، ابزارها، قابلیت‌ها، و جنگ‌افزارهایی را که حوثی‌ها با استفاده از آنها این حمله‌ها را انجام می‌دهند، ارائه می‌کند. حوثی‌ها ماشه را می‌کشند اما [رژیم] ایران اسلحه را فراهم می‌کند.»

● «ایالات متحده برای دفاع از مردم و منافع خود در برابر هرگونه تهدیدی که از [جمهوری اسلامی] ایران ناشی شود، اقدام خواهد کرد.»

روز چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲ الیزابت استیکنی یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا که به فارسی نیز صحبت می‌کند به پرسش‌های برخی رسانه‌ها در ارتباط با حملات حوثی‌ها و افزایش تنش در دریای سرخ که یکی از آبراه‌های مهم تجارت و اقتصاد جهانی است، پاسخ گفت. کیهان لندن نیز چهار پرسش در همین ارتباط مطرح کرد.

● کیهان لندن - یکی از اولین تصمیمات دولت جو بایدن در مورد خاورمیانه خارج کردن حوثی‌ها از فهرست سازمان‌های تروریستی بود. با این هدف که گفتگو با آنان آغاز شده و آنها مهار شوند. بعد از دو سال اما حوثی‌ها هیچ تغییری نکرده‌اند. فرمانده ارشد سنتکام می‌گوید بعد از تشکیل ائتلاف دریایی نیز هنوز نشانه‌ای از تغییر رفتار حوثی‌ها دیده نمی‌شود. درواقع دادن امتیاز و اصرار به دیپلماسی شکست خورده، راه حل بعدی چه خواهد بود؟

الیزابت استیکنی - دولت ایالات متحده حوثی‌ها را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کرد به دلیل اینکه قرار گرفتن حوثی‌ها در این فهرست، مانع از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان نیازمند یمنی می‌شد. با اینهمه، دولت ایالات متحده در حال بررسی امکان شناسایی حوثی‌ها به عنوان گروه تروریستی است. در مورد یمن بطور کلی، ما همچنان از یک راه حل صلح‌آمیز برای درگیری‌های یمن حمایت می‌کنیم.

«ائتلاف دریایی نگهبان رفاه» هنوز جدید است، اما ما امیدواریم که بتوانیم از حملات حوثی‌ها جلوگیری کنیم، به حمله‌های آنها پاسخ دهیم و تا حدودی وضعیت عادی را به کشتیرانی در دریای سرخ بازگردانیم. ما آنچه را لازم باشد برای محافظت از پرسنل، مردم و کشتیرانی انجام خواهیم داد.

● جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده در «جنگ نامتقارن» با آمریکا است. حوثی‌ها بخشی از این جنگ در دریای سرخ هستند که اقتصاد را هدف قرار می‌دهند و به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها حمله می‌کنند. در گذشته هم به پالایشگاه‌های نفت عربستان و امارات حمله می‌کردند. به نظر می‌رسد این الگوی سپاه پاسداران باشد. با پشتیبانی اصلی حوثی‌ها چه خواهید کرد؟

-حمله‌های حوثی‌ها به کشتی‌های بازرگانی در دریای سرخ جریان آزاد تجارت در منطقه را تهدید می‌کند. این حمله‌ها همچنین کارگران بی‌گناه کشتی‌ها را به خطر می‌اندازند و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند. این یک چالش بین‌المللی است که به اقدام بین‌المللی نیازمند است. وزارت دفاع روز



رزمایش گردان‌های «الی بیت المقدس» در شاهرود

ائتلاف شرّ در به راه انداختن «جنگ بزرگ خاورمیانه» علیه غرب؛ رژیم ایران و روسیه به دنبال نابودی اسرائیل و اوکراین

خود برای قاچاق و مخفی کردن ذخایر به ظاهر بی‌پایان موشک و پول نقد استفاده کردند. منابع اطلاعاتی آمریکا تخمین می‌زند که رژیم ایران سالانه با ۸۰ میلیون پوند از حماس حمایت می‌کند. حکومت ایران به این اما بسنده نکرد و با نیروهای نیابتی خود زیر عنوان «محور مقاومت» برای نابودی اسرائیل به برنامه‌ریزی پرداخت.

والاس توضیح می‌دهد که چگونه حکومت ایران با محاصره اسرائیل توسط حماس و جهاد اسلامی از سمت غرب، حزب‌الله لبنان در شمال و شورشیان حوثی یمن در جنوب، روی رویای جنگ چند جبهه‌ای علیه اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده است.

اگرچه یک جنگ تمام‌عیار بعد از حمله «هفت اکتبر» در منطقه شکل نگرفت اما والاس معتقد است «بطور کلی رژیم ایران در برآورده کردن وحشیانه‌ترین انتظارات خود موفق بوده است.»

به گفته وی، ایران دقیقاً زمانی ضربه زد که «پیمان صلح را در سراسر خاورمیانه از بین ببرد» و «نیابتی‌ها را علیه دشمنانش متحد کند» و در نتیجه «از فلسطینی‌های بی‌گناه به عنوان گوشت دم توپ سوء استفاده می‌کند... آنها قتل یهودیان را جشن گرفتند، اما هیچ مسئولیتی در قبال مرگ فلسطینی‌ها بر عهده نمی‌گیرند.»

همچنین به لطف چندین دهه حمایت حکومت ایران، حزب‌الله به یکی از مسلح‌ترین گروه‌های غیردولتی در جهان تبدیل شده است.

از زمان آغاز جنگ غزه، گروه تروریستی لبنان درگیر تنش‌های مرزی روزانه با اسرائیل بوده و بخش قابل توجهی از ارتش اسرائیل را مجبور کرده است که در مرز شمالی خود مستقر شوند.

سِر ایور رابرتز مشاور ارشد گروه «UANI» و پروژه مقابله با افراط‌گرایی (CEP) می‌گوید: «این یک تاکتیک حساب شده از سوی [رژیم] ایران برای کاهش فشار از روی حماس است.» رابرتز به عنوان رئیس مبارزه با تروریسم در بریتانیا، در دهه ۱۹۸۰ به موضوع حزب‌الله پرداخت، در حالی که آنها عملیات شروانه‌ی آدم‌ربایی را دنبال می‌کردند. وی توضیح می‌دهد «در آن زمان آنها یک سازمان تروریستی کوچک بودند که توسط [حکومت] ایران حمایت می‌شد اما رشد فوق‌العاده آنها از نظر نیروی نظامی و همچنین کنترل سیاسی در لبنان چیزی بود که ما مطمئناً تصور یا پیش‌بینی نمی‌کردیم.» همزمان، نبرد دیگری توسط حوثی‌ها در دریای سرخ جریان دارد. این گروه شبه‌نظامی که اکنون بیشتر خاک یمن را تحت کنترل دارد، بیش از یک دهه از عمر خود را

نفت بالا خواهد رفت ایران به تحریکات پاسخ خواهد داد. فروپاشی اسرائیل اجتناب‌ناپذیر است... ما به آن می‌گوییم آخرالزمان... همین الان یا کمی بعد شاید هنوز وقتش نرسیده اما به زودی اتفاق خواهد افتاد.»

دیدگاه‌های دوگین درست همان تهدیداتی است که از زبان علی خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی شنیده می‌شود.

وی اخیراً در یک یادداشت به پیش‌بینی آینده جنگ در غزه پرداخته و عنوان کرده است که قیام علیه اسرائیل با نام «توفان الاقصی» از اورشلیم آغاز می‌شود و به قیام مسلمانان در اروپا و آمریکا و انقلاب ضد لیبرال تبدیل خواهد شد.

چنین به نظر می‌رسد که «اسلام» به ابزار پوتین، مقام امنیتی سابق کاگب و اتحاد شوروی، علیه غربی‌ها تبدیل شده و جمهوری اسلامی و شرکا و نیابتی‌های آن از مهره‌های مهم آن در این شطرنج مرگبار به شمار می‌روند.

مارک والاس نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد و مدیر گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) در مصاحبه با روزنامه انگلیسی «سان» که ۲۷ دسامبر (پنج‌شنبه) منتشر شد گفت، «جمهوری اسلامی توهم نابود کردن نظام جهانی را در سر می‌پراند و دستیابی به سلاح هسته‌ای یکی از ابزارهای آن است.»

وی در این مصاحبه تأکید می‌کند، رژیم ایران کشور شماره یک حامی تروریسم و فاجعه‌بارترین، تروریست‌ترین و بی‌ثبات‌کننده‌ترین بازیگر در عرصه جهانی است.

والاس معتقد است جمهوری اسلامی عامل اصلی حمله «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل است که طی آن ۱۲۰۰ شهروند اسرائیلی کشته و حدود ۲۴۰ نفر به گروگان گرفته شدند. وی توضیح داد، «جنگ اسرائیل و حماس فقط بین فلسطینیان و یهودیان در جریان نیست. این میدان یک نبرد بسیار بزرگتر است که توسط [رژیم] ایران و دستیارانش در غرب به راه افتاده و سیاستمداران غرب در عرصه سیاسی و تجارت بین‌المللی، میدان را مقابل رژیم ایران وانهادند.» روزنامه «سان» همچنین اشاره کرد که این هفته یک توطئه جمهوری اسلامی برای قتل چند روزنامه‌نگار مستقر در بریتانیا فاش شد که عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آن برنامه‌ریزی کرده بودند.

والاس می‌گوید، «با توجه به اینکه [رژیم] ایران اکنون بزرگترین تهدید برای امنیت ملی انگلیس است... فکر می‌کنم انگلیس و رهبری آن باید به آینه نگاه کنند.» برای دهه‌هاست رژیم ایران گروه حماس را به نمایندگی از خود بیخ گوش اسرائیل تجهیز کرده و آنها نیز از تونل‌های

● الکساندر دوگین که از او به عنوان «مغز متفکر پوتین» یاد می‌کنند دوشنبه ۲۶ دسامبر (چهارم دی‌ماه) در «ایکس» نوشت: «جنگ بزرگ به خاورمیانه خواهد آمد. ممکن است کمی دیرتر باشد، اما خواهد آمد. حوثی‌ها متوقف نخواهند شد. کشتی‌ها دیگر وارد دریای سرخ نخواهند شد. قیمت نفت بالا خواهد رفت ایران به تحریکات پاسخ خواهد داد. فروپاشی اسرائیل اجتناب‌ناپذیر است... ما به آن می‌گوییم آخرالزمان.»

● مارک والاس نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد و مدیر گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) در مصاحبه با روزنامه انگلیسی «سان» می‌گوید «جنگ اسرائیل و حماس فقط بین فلسطینیان و یهودیان در جریان نیست. این میدان یک نبرد بسیار بزرگتر است که توسط [رژیم] ایران و دستیارانش در غرب به راه افتاده و سیاستمداران غرب در عرصه سیاسی و تجارت بین‌المللی، میدان را مقابل رژیم ایران وانهادند.»

● پروفیسور تاراس کوزیو از دانشگاه ملی کیف می‌گوید: «آنچه ما داریم یک محور شرارت ضد غربی با روسیه، ایران و کره شمالی است که جمهوری خلق چین در پس زمینه آن قرار دارد... حمله خونین حماس به اسرائیل تأیید می‌کند این محور چقدر گسترده است... آن محور در غرب در دو جبهه اسرائیل و اوکراین با ما می‌جنگد. رژیم‌های خودکامه می‌خواهند اسرائیل و اوکراین را از نقشه جهان محو کنند.»

یک ماه پیش از حمله مرگبار تروریست‌های حماس به اسرائیل، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه روزانه بیش از ۳۰ عملیات در کرانه باختری و غزه علیه اسرائیل صورت می‌گیرد گفت، «اسرائیل و آمریکا رو به نابودی هستند، نظم جدید در دنیا در حال شکل‌گیری است و حزب‌الله و سایر گروه‌های محور مقاومت مکمل قدرت جمهوری اسلامی هستند.»

آنچه حسین سلامی گفت تکرار همان مواضع علی خامنه‌ای و سایر مقامات اطلاعاتی و نظامی جمهوری اسلامی است اما نسخه‌برداری از دیدگاه‌های افراطی‌ترین جریان‌های امنیتی در حلقه‌های فکری نزدیک به ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه است.

الکساندر دوگین که از او به عنوان «مغز متفکر پوتین» یاد می‌کنند، دوشنبه ۲۶ دسامبر (چهارم دی‌ماه) در «ایکس» نوشت: «جنگ بزرگ به خاورمیانه خواهد آمد. ممکن است کمی دیرتر باشد، اما خواهد آمد. حوثی‌ها متوقف نخواهند شد. کشتی‌ها دیگر وارد دریای سرخ نخواهند شد. قیمت

فریدون عباسی دوانی: دشمنان در قطعاتی که به آنها نیاز داریم خرابکاری می‌کنند



فریدون عباسی دوانی

خرابکاری داخلی هم وجود دارد؟» گفت: «هر چیزی ممکن است. تجربه شخصی من در ۲۵ سال گذشته این بوده که دشمنان در قطعاتی که ما نیاز داریم، خرابکاری می‌کنند و از مسیرهای خاص آنها را به داخل کشور انتقال می‌دهند. اجازه ساخت ابزار و دستگاه با آنها را به ما می‌دهند و پس از اتمام مراحل ساخت محصولات، آن زمان نرم‌افزارها و بدافزارهایشان را فعال می‌کنند.»

فریدون عباسی در بخش دیگری از این مصاحبه افزود: «این اتفاق هم می‌تواند به صورت خودکار انجام شود به این صورت که قطعات زمان‌بندی می‌شوند که مثلاً بعد از ۳ سال به صورت اتومات شروع به خرابکاری کنند؛ هم می‌تواند به صورت عامل نفوذی شروع شود که بعضاً حتا خودشان هم از خرابکاری‌ای که می‌کنند آگاهی ندارند. یعنی به فرد نرم‌افزاری می‌دهند و فرد فکر می‌کند برای موسیقی است. یا در یک آهنگ آن را مستتر می‌کنند ممکن است فرد در دستگاهی از آن استفاده کند و دستگاه این باگ را داشته باشد که فلش‌خور یا DVD خور باشد که آن بدافزار حتا از طریق یک مجموعه کارتونی وارد سیستم شود.»

عباسی دوانی اواسط مهرماه در یک مصاحبه دیگر پیش‌بینی کرده بود که اسرائیل به تلافی حمله «هفت اکتبر» حماس دست به اقدام سایبری علیه جمهوری اسلامی خواهد زد. او تهدید به حمله نظامی را «بلوف» خوانده بود.

واقعیت ژئوپلیتیک است.

وی در رابطه با جاسوسی نیز گفت که حکومت «ایران توانایی‌های جدی دارد. آنها بسیار مؤثر و بسیار توانا هستند و می‌دانند که چه می‌کنند... آنها ممکن است به دنبال طرح‌های هسته‌ای احتمالی برای تأسیسات جدید خود باشند یا هر نوع نفوذ بلندمدت و سطح بالا را در اینجا تضمین کنند.» او همچنین هشدار داد که بریتانیا در «خط مقدم با ایران» جدیدتری روبروست: جنگ سایبری!

بسیاری از کارشناسان امنیتی نسبت به احتمال افزایش سطح تهدیدات رژیم ایران علیه بریتانیا هشدار می‌دهند.

● عباسی دوانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به حملات سایبری و خرابکاری‌های صنعتی در ایران به خبرنگاری «ایلنا» می‌گوید «اجرای دستورالعمل‌های پدافند غیرعامل هزینه دارد و برخی از مواقع دستگاه‌های اجرایی لازم می‌بینند تا برخی از این دستورها را انجام دهند.»

● وی در بخشی از این مصاحبه توضیح داد که «دشمن برای خرابکاری قطعات را طوری زمان‌بندی می‌کند که مثلاً بعد از سه سال به صورت اتومات شروع به خرابکاری کنند.»

● عباسی دوانی همچنین گفت: «گاهی عامل نفوذ توسط برخی افراد که خودشان هم آگاهی ندارند از طریق نرم‌افزاری که فرد فکر می‌کند برای موسیقی است در بدافزارهایی که پشت فایل‌های آهنگ مستتر شده وارد سیستم می‌شود.»

فریدون عباسی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی چهارشنبه ششم دی‌ماه به خبرنگاری ایلنا گفت، حمله سایبری و خرابکاری قابل پیش‌بینی است و سازمان پدافند دستورالعمل صادر می‌کند اما توسط دستگاه‌ها اجرا نمی‌شود!

این نماینده با اشاره به «اختلال در سیستم سوخت‌رسانی» در حمله سایبری به پمپ‌های بنزین توضیح داد که «با پیشرفت علم و فناوری روش‌های آفندی و پدافندی نوین هم به وجود می‌آید و کشورهایی که در حال رقابت چه آشکارا و چه در خفا هستند، دست به خرابکاری و آسیب‌رسانی به کشور مقابل می‌زنند.»

رئیس سابق سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در بخشی از این مصاحبه عنوان کرد «کشورهایی داریم که رقیب ما هستند و با وقوع انقلاب اسلامی در ایران موافق نبودند» و اکنون به شکل‌های جدیدی که بیشتر غیرنظامی است مثل حملات سایبری، حملات زیستی، تهاجم اقتصادی و حملات شیمیایی علیه ما دست به اقدام می‌زنند.»

عباسی توضیح داده «اجرای دستورالعمل‌های پدافند غیرعامل هزینه دارد و برخی از مواقع دستگاه‌های اجرایی لازم می‌بینند تا برخی از این دستورها را انجام دهند.»

وی در بخش دیگر از این مصاحبه گفت که جمهوری اسلامی در مبارزه با استخبار «استمرار» دارد و به همین دلیل دشمنان «ظرف ۲۰ سال گذشته» از طریق «عوامل نفوذی، خرابکاری صنعتی و کنترل از راه دور» دست به اقدام زدند. این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این پرسش که «در کنار حمله سایبری، احتمال نفوذ و

سازمان جاسوسی بریتانیا گفت که بریتانیا با خطر حملات تروریستی مورد حمایت ایران مواجه است.

کن مک کالوم مدیر سازمان امنیت بریتانیا «MI۵» سطح تهدیدات ملی را «قابل توجه» خواند و اظهار داشت که این سازمان نسبت به تهدیدات بی‌شمار جدید از سوی رژیم‌های ایران، چین و روسیه «کاملاً هوشیار» است. او به مردم بریتانیا هشدار داد که جهان در حال حاضر یک مکان بسیار نامطمئن است.

آنی ماچون از افسران بازنشسته «MI۵» به «سان» گفت که نظرات کن مک‌کالوم حاکی از «تشدید» شرایط یک

سپری کرده اما تا حد زیادی توسط جهان نادیده گرفته شده است.

اکنون آنها از گمنامی نسبی به گروگان گرفتن حدود یک تریلیون پوند تجارت جهانی رسیده‌اند و یکی از شلوغ‌ترین خطوط کشتیرانی جهان را به یک منطقه جنگی فعال تبدیل کرده‌اند. حوثی‌ها بیش از ۱۰۰ حمله پهپادی، موشکی و کشتی‌ربایی داشتند. رهبران آنها می‌گویند تا وقتی که اسرائیل جنگ در غزه را متوقف نکند این وضعیت ادامه خواهد داشت. اما در حالی که بزرگترین شرکت‌های کشتیرانی جهان فعالیت‌های خود را در دریای سرخ متوقف می‌کنند، حوثی‌ها مستقیم ایالات متحده را با یک پیام ساده به چالش می‌کشند: «اگر شما به ما ضربه بزنید، ما بلافاصله به شما حمله خواهیم کرد.»

اتلاف رو به رشد شر

با ترسیم خطوط نبرد جدید در عرصه بین‌المللی، حکومت ایران بطور فزاینده در حال یافتن راه‌هایی برای ترکیب منافع خود با رژیم‌های خودکامه و تنظیم مجدد قدرت جهانی به دور از غرب است.

پروفسور تاراس کوزیو از دانشگاه ملی کی‌یف می‌گوید: «آنچه ما داریم یک محور شرارت ضد غربی با روسیه، ایران و کره شمالی است که جمهوری خلق چین نیز در پس‌زمینه آن قرار دارد.»

این کارشناس سیاست و امنیت جهانی به روزنامه «سان» می‌گوید که «حمله خونین حماس به اسرائیل تأیید می‌کند که این محور چقدر گسترده است... آن محور در غرب در دو جبهه اسرائیل و اوکراین با ما می‌جنگد. رژیم‌های خودکامه می‌خواهند اسرائیل و اوکراین را از نقشه جهان محو کنند.»

روسیه همیشه جنگ خود علیه اوکراین را جنگی علیه غرب دانسته و این در مورد جنگ رژیم ایران علیه اسرائیل نیز صدق می‌کند.

از زمان تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین، به نظر می‌رسد روابط ایران و روسیه به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است.

«سان» در بخشی از این گزارش می‌نویسد «چین یکی از متحدان اساسی ایران است، زیرا این کشور نامحبوب به دنبال آن است که به این موضوع که به زودی به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد، بپردازد.»

پروفسور کوزیو در اینباره می‌گوید: «در ایران و روسیه شما رهبران بسیار عصبانی و بی‌حوصله‌ای دارید. در حالی که در چین آنها بسیار صبور هستند... اما به این معنا نیست که دخالت چین در این محور خطرناک نیست. شی رئیس جمهوری چین به اندازه کافی وقت دارد تا غرب را به چالش بکشد.»

والاس سفیر سابق ایالات متحده توضیح می‌دهد که «جهان اکنون در نقطه خطرناکی قرار دارد که در آن رژیم‌های توتالیتر سرکوبگر» تغییر جزر و مد را به نفع خود احساس می‌کنند... ما شاهد فشار عظیمی برای دموکراسی و صلح از سوی اروپا و آمریکای شمالی هستیم و سپس پوتین، شی و [رژیم] ایران این امر را مختل می‌کنند... همه در حال حرکت به جلو هستند و آنها به سمت عقب به سمت دوران خون‌آشام‌هایی که مخالف حقوق بشر و علیه مردم خود هستند، حرکت می‌کنند... برای [حکومت] ایران، موجودیت رژیم وابسته به جنگ علیه ایالات متحده، اسرائیل و بقیه غرب است.»

رژیم ایران مدت‌هاست که بریتانیا را نیز در صدر فهرست دشمنان خود قرار می‌دهد- «شیطان کوچک»، در حالی که ایالات متحده به عنوان «شیطان بزرگ» در صدر جدول قرار دارد. پس از کشتار حماس در «هفت اکتبر»، رئیس

شرکت «ماهان ایر» شریک «سپاه» در تدارکات نظامی، دو کشتی ظاهرا «تفریحی» خرید!



شرکت «ماهان ایر» در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا قرار دارد

نتایج نظرسنجی مؤسسه اِرفی: جمهوری اسلامی روی بشکه باروت!

● بر اساس گزارش «ارفی»، نظرسنجی مربوطه در طول یک شبانه‌روز (از ساعت ۲۰ چهارشنبه ۱۳ دسامبر تا ساعت ۲۰ پنجشنبه ۱۴ دسامبر ۲۰۲۳) پاسخ‌های ۱۷ هزار و ۹۳۵ شرکت‌کننده را دریافت کرد و با رعایت تمامی احتیاط‌های مربوط به نظرسنجی‌های علمی و همچنین محدودیت‌هایی که شرکت‌کنندگان از ایران دارند، یک میانگین شامل ۵ هزار و ۱۹۱ شرکت‌کننده را مبنای بررسی تحلیلی خود قرار داد.

● تمایل و اعتماد پاسخ‌دهندگان به گفتمان ملی و چهره‌های میهن‌دوست با وجود سرکوب و تبلیغات شدید علیه آنها، در نتایج این نظرسنجی آشکار است.

● در این گزارش آمده، انگیزه‌های مختلف در میان شهروندان بر کنشگری آنها نیز تأثیر می‌گذارد و شوق و میل و آرزوهای آنها برای دوران پس از حکومت مذهبی، بیانگر نیاز جامعه به آینده‌ای مبتنی بر آزادی و دموکراسی است که می‌بایست بر اساس همبستگی و مشارکت‌های سیاسی و مدنی تأمین شود. اینها عناصری هستند که گفتمان‌های طرح شده از سوی میهن‌دوستان بر آنها تأکید می‌کنند و بیشترین اثر را بر روند گذار و تغییرات بنیادین دارند. تأثیر آنها به وضوح با اعلام ارزش‌های مشترک و آینده‌ای بهتر برای ایران در این نظرسنجی دیده می‌شود. تأثیری که در شرایط حاضر، ذهنیت عمومی در ایران را تشکیل می‌دهد و بر همین مبنای به دنبال ائتلاف و همکاری هستند.

● نتایج این نظرسنجی همزمان با آغاز سال نو میلادی به زبان انگلیسی در وبسایت این مؤسسه منتشر شده است.

مؤسسه «پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) مستقر در آمریکا روز چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲ (دسامبر ۲۰۲۳) یک نظرسنجی در چارچوب سیاست‌سنجی‌های خود (پولیتیکومتر) در ارتباط با گرایش‌های سیاسی ایرانیان جهت بررسی وضعیت کنونی ایران و جایگاه جمهوری اسلامی در جامعه را آغاز کرد.

این نظرسنجی با عنوان «پژوهش در رابطه با گرایش سیاسی در ایران» شامل ۲۱ پرسش بود که حمایت از جمهوری اسلامی در یک جنگ فرضی علیه اسرائیل یا آمریکا، سیاست اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، رأی پاسخ‌دهندگان به جمهوری اسلامی و شکل حکومت آینده ایران و همچنین نظر شرکت‌کنندگان درباره برخی فعالان سیاسی و اجتماعی ایران نیز جزو موضوعات مطرح شده در آن هستند.

گزارش تحلیلی نتایج این نظرسنجی همزمان با آغاز سال نو میلادی به زبان انگلیسی در وبسایت این مؤسسه

خواهند شد اما مشخص نیست که طرف معامله این دو کشتی کروز کدام کشور یا شرکت است.

مصطفی فاطمی توضیح داد، «شرکت هواپیمایی ماهان به عنوان سرمایه‌گذار قدرتمند نسبت به مطالعات در سواحل مکران اقدام کرده و قصد ایجاد تأسیسات گردشگری و مارینا را در چندین نقطه از سواحل مکران دارد.»

آنطور که ادعا شده شرکت ماهان حدود ۵۰ میلیون یورو در ۱۵ هکتار از اراضی منطقه ساحلی مکران به نام «گوردیم» جهت ایجاد تأسیسات اقامتی و تفریحی مرتبط با توریسم دریایی سرمایه‌گذاری کرده است.

شرکت هواپیمایی «ماهان» تحت پوشش خطوط مسافربری اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ترابری نیروی نظامی و تسلیحات است.

کاپیتان امیر اسداللهی یکی از خلبانان شرکت ماهان خرداد سال ۱۳۹۹ در یک مصاحبه گفته بود سال ۱۳۹۲ به همراه قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» با ۲۰۰ مسافر و هفت تن «بار ممنوعه» به سوریه پرواز کرده است. درواقع از مسافران آن هواپیما به عنوان «سپر انسانی» استفاده شده بود.

هواپیمایی ماهان یکی از بنگاه‌های متعلق به شبکه عنکبوتی مؤسسه «مولی الموحدین» مستقر در کرمان است. احمد مرادعلی‌زاده (مدیرعامل شرکت ملی مس)، شهیار ذوالعلی، حمید عرب‌نژاد خانوکی، شمسعلی نقوی و حسین مرعشی دست‌اندرکاران ماهان و مولی الموحدین هستند. مؤسسه مولی الموحدین متعلق به باند حسین مرعشی از نزدیکان اکبر هاشمی رفسنجانی است.

ضرورت سرمایه‌گذاری در بندر مکران از تأکیدات علی‌خامنه‌ای است اما نه برای توسعه و رفاه عمومی این منطقه بلکه آنجا به حیات خلوت سپاه پاسداران و نهادها و شرکت‌های حکومتی برای واردات و صادرات تبدیل شده و حالا با خیالپروری‌ها درباره گسترش «عمق استراتژیک» به دریای سرخ و آب‌های بین‌المللی فراتر از مرزهای آبی کشور، می‌بایست مقاصد نظامی را نیز در پس این فعالیت‌ها ردگیری کرد.

● مدیرکل دفتر توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌گوید این دو کشتی کروز در مسیر سواحل مکران تا جزایر کیش و قشم به کار گرفته خواهند شد اما تأکید کرده «این برنامه‌ریزی‌ها از سوی شرکت هواپیمایی ماهان برای گردشگران خارجی و در مسیرهای بین‌المللی تدارک دیده شده است.»

● شرکت ماهان حدود ۵۰ میلیون یورو در ۱۵ هکتار از اراضی منطقه ساحلی مکران به نام «گوردیم» جهت ایجاد تأسیسات اقامتی و تفریحی مرتبط با توریسم دریایی سرمایه‌گذاری کرده است.

● ضرورت سرمایه‌گذاری در بندر مکران از تأکیدات علی‌خامنه‌ای است اما نه برای توسعه و رفاه عمومی این منطقه بلکه آنجا به حیات خلوت سپاه پاسداران و نهادها و شرکت‌های حکومتی برای واردات و صادرات تبدیل شده و حالا با خیالپروری‌ها درباره گسترش «عمق استراتژیک» به دریای سرخ و آب‌های بین‌المللی فراتر از مرزهای آبی کشور، می‌بایست مقاصد نظامی را نیز در پس این فعالیت‌ها ردگیری کرد.

شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» که یکی از اصلی‌ترین شرکای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لجستیک نیرو و تسلیحات نظامی در منطقه است با خرید دو کشتی کروز وارد تجارت دریایی شد.

بر اساس گزارشی که رسانه‌های داخلی دهم دی‌ماه منتشر کردند، به دنبال ورود شرکت هواپیمایی ماهان در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری مکران، این شرکت اقدام به خرید دو فروند کشتی کروز کرده است.

مدیرکل دفتر توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌گوید این دو کشتی کروز برای در مسیر سواحل مکران تا جزایر کیش و قشم به کار گرفته خواهند شد اما تأکید کرده «این برنامه‌ریزی‌ها از سوی شرکت هواپیمایی ماهان برای گردشگران خارجی و در مسیرهای بین‌المللی تدارک دیده شده است.»
گفته شده این دو کشتی به زودی وارد بندر چابهار

منتشر شده است.

بر اساس این گزارش، نظرسنجی مربوطه در طول یک شبانه‌روز (از ساعت ۲۰ چهارشنبه ۱۳ دسامبر تا ساعت ۲۰ پنجشنبه ۱۴ دسامبر ۲۰۲۳) پاسخ‌های ۱۷ هزار و ۹۳۵ شرکت‌کننده را دریافت کرد و با رعایت تمامی احتیاط‌های مربوط به نظرسنجی‌های علمی و همچنین محدودیت‌هایی

همزمان با اینکه بیش از ۹۳ درصد با صراحت به دنبال حکومت‌داری جدیدی هستند، آرمان‌های دموکراتیک شهروندان نیز بطور قاطع در این تمایل بازتاب می‌یابد. آن‌هم در حالی که مشروعیت/حقانیت رژیم پیش از پیش کاهش می‌یابد. در این میان بیش از ۳ میلیون نفر با جسارت آمادگی پیشروی فعال علیه رژیم ولایت فقیه هستند. رژیمی که

می‌کنند.

این مؤسسه پژوهشی همچنین افزوده است که در مجموع بررسی تحلیلی نتایج این نظرسنجی که با توجه به عوامل مؤثر بر ایران صورت گرفته، شواهد تجربی متفاوتی را ارائه می‌دهد. انگیزه‌های مختلف در میان شهروندان بر کنشگری آنها نیز تأثیر می‌گذارد و شوق و میل و آرزوهای



که شرکت‌کنندگان از ایران دارند، یک میانگین شامل ۵ هزار و ۱۹۱ شرکت‌کننده را مبنای بررسی تحلیلی خود قرار داد. در نظرسنجی‌ها معمولاً میانگین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ شرکت‌کننده مبنای تحلیل قرار می‌گیرد.

دکتر تقی آل‌رضا از پژوهشگران ارشد این مؤسسه در پیشگفتاری بر این نتایج از جمله می‌نویسد: «تحقیق ما در مورد تغییر اجتماعی ایران بر اساس یک پرسش اصلی صورت گرفته و آن چگونگی و کیفیت برخورد در ارتباط با چشم‌انداز سیاسی-مدنی کشور است. بر این اساس ما بر شواهد تجربی و تمایل شهروندان که وضعیت موجود در ایران را آشکار و علنی چه در خیابان و چه با زمزمه‌های مخالفت در جمع‌های خانوادگی به چالش می‌کشند مورد ارزیابی قرار دادیم.»

در ادامه بر این نکته تأکید شده است که میزان یا درجه‌ی تمایل به گذار و تغییر بنیادی در ایران در دسامبر ۲۰۲۳ بیانگر مرحله‌ی جدیدی در روند مبارزات اجتماعی است: «در این روند، ایرانیان صدای خود را پیدا می‌کنند و با رد حکومت مذهبی، همزمان مشروعیت رژیم را رد کرده و بیش از ۹۳ درصد به صراحت از تغییر رژیم حمایت می‌کنند.»

در این پیشگفتار همچنین به تمایل جدی جوانان جسور و فداکار که به نمادهای ایران امروز تبدیل شده‌اند اشاره شده، و اینکه اگرچه آرزوهای آنها برای تغییر با سرکوب خشن و بی‌رحمانه روبرو شده، با اینهمه به مبارزه ادامه می‌دهند و چشم‌انداز متنوع و بسی فراتر از این رژیم را به نمایش می‌گذارند.

بر اساس آنچه از سوی «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) منتشر شده است، ۹۳/۴ درصد شهروندان خواهان تغییر رژیم در ایران هستند که حدود ۳/۶ میلیون نفر از این ناراضیان بطور فعال در اعتراضات آینده علیه حاکمان اسلامی شرکت خواهند کرد.

جامعه را با انواع مشکلات به بشکه باروت تبدیل کرده است. آن‌هم در حالی که آزادی، میهن و عدالت و دادخواهی در صدر اهداف جامعه قرار دارد.

همچنین شاهزاده رضا پهلوی، فاطمه سپهری، علی کریمی، شاهین نجفی و... بر اساس لیست افرادی که در این نظرسنجی نام آنها مطرح شده، به ترتیب در درجات اهمیت در روند وقوع تغییر در ایران قرار می‌گیرند.

شوق آزادی بر شتاب کنترل نشده‌ی مخالفت علیه اقتدار حکومت مذهبی بیانگر همین واقعیت است. در این میان این پرسش نیز مطرح می‌شود که اگر نشانه‌های پیروزی در جبهه‌ی مردم علیه رژیم ورشکسته دیده شود، آیا استبداد به جریان آزادی تسلیم خواهد شد؟ موضوعی که بر اساس این گزارش دیر یا زود رخ خواهد داد.

بخش دیگری از این نظرسنجی به بررسی تمایلات سیاسی و همچنین موقعیت شماری از فعالان سیاسی و مدنی پرداخته است. تمایل و اعتماد پاسخ‌دهندگان به گفتمان‌های ملی و چهره‌های میهن‌دوست با وجود سرکوب و تبلیغات شدید علیه آنها، در نتایج این نظرسنجی آشکار است.

برای بررسی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، پژوهشگران «ارفی» گروه‌های اجتماعی را در روند تغییرات سیاسی ایران به سلب‌ریتی‌ها، اینفلوئنسرها، اصولگرایان، اصلاح‌طلبان، لیبرال‌ها (منظور کسانیت که خواهان گذار از «استبداد دینی» یا همان اصلاح‌طلبان سابق هستند) و میهن‌دوستان تقسیم کرده‌اند. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان به ترتیب در انتهای اقبال از سوی مردم قرار دارند و میهن‌دوستان با فاصله‌ی زیاد از دیگر گروه‌ها از بیشترین اقبال و محبوبیت برخوردارند.

به همین ترتیب، میهن‌دوستان بیشترین گروه مؤثر در براندازی هستند و اینفلوئنسرها و سلب‌ریتی‌ها با تأثیرات اندک و «لیبرال‌ها» و اصلاح‌طلبان و اصولگرایان با تأثیرات منفی و بازدارنده در این روند حضور دارند و فعالیت

آنها برای دوران پس از حکومت مذهبی، بیانگر نیاز جامعه به آینده‌ای مبتنی بر آزادی و دموکراسی است که می‌بایست بر اساس همبستگی و مشارکت‌های سیاسی و مدنی تأمین شود. اینها عناصری هستند که گفتمان‌های طرح شده از سوی میهن‌دوستان بر آنها تأکید می‌کنند و بیشترین اثر را بر روند گذار و تغییرات بنیادین دارند. تأثیر آنها به وضوح با اعلام ارزش‌های مشترک و آینده‌ای بهتر برای ایران در این نظرسنجی دیده می‌شود. تأثیری که در شرایط حاضر، ذهنیت عمومی در ایران را تشکیل می‌دهد و بر همین مبنای به دنبال ائتلاف و همکاری هستند.

مقایسه این نظرسنجی با نظرسنجی‌های قبلی این مؤسسه همین روند را هم در ارتباط با افراد و هم در مورد جریان‌های سیاسی مختلف نشان می‌دهد. برای نمونه در مقایسه‌ی موقعیت فاطمه سپهری که با حکم ۱۸ سال زندان در حبس بسر می‌برد و نرگس محمدی که جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ به وی اهدا شده و او نیز در حبس است، آشکارا فاطمه سپهری میانگین بالاتری از اعتبار و محبوبیت را با امتیاز ۱/۷۰ در مقابل امتیاز ۰/۳۴ متعلق به محمدی کسب می‌کند. این مؤسسه بر اساس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان توضیح می‌دهد که بطور خلاصه، عموم مردم فاطمه سپهری را درک می‌کنند و با او همسویی نشان می‌دهند و با اینکه هر دو تن به دلیل فعالیت‌های خود زندانی هستند اما ۷۷/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان از اهدای جایزه نوبل به نرگس محمدی حمایت نکرده‌اند.

در این نظرسنجی پرسشی نیز در ارتباط با کشور اسرائیل مطرح شده که بر اساس نتایج به دست آمده، بیش از ۶۳ درصد از پاسخ‌دهندگان از سیاست‌های اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند. گزارش تحلیلی این نظرسنجی همراه با نمودارها و محاسبات مربوطه در وبسایت ارفی منتشر شده است.

کامیلا باتمانقلیچ، فرشته نجات کودکان و نوجوانان بی‌پناه در لندن چشم از جهان فرو بست

● کامیلا باتمانقلیچ با آنکه خود از بیماری بی‌درمان رنج می‌کشید، مدام دغدغه نجات کودکان بیمار را در سر داشت.

خانواده کامیلا باتمانقلیچ با اندوه فراوان درگذشت وی را پس از یک دوره بیماری، اعلام کردند. او در شب اول ژانویه پس از جشن تولد با خانواده‌اش، در آرامش در خواب، دار فانی را وداع گفت.

کامیلا زندگی خود را وقف حمایت از آسیب‌پذیرترین کودکان بریتانیا کرد. او در سال ۱۹۹۶، مؤسسه Kids (کودکان) را تأسیس نمود که پیشگام برنامه‌های درمانی و بالینی جدید برای دستیابی به یک هدف منحصر به فرد بود: «دیدن کودکان و جوانان در امنیت تا قادر به درک پتانسیل خود شوند». کامیلا که در کنار همکاران و داوطلبان فداکار خود کار می‌کرد، زندگی ده‌ها هزار کودک و جوان را در لندن، بریستول و لیورپول تغییر داد که وگرنه توسط سیستم موجود حمایت از کودکان، ناکارآمد و نادیده گرفته می‌شدند. او به این کودکان نشان داد که شایسته محبت و حمایت هستند.

برای همه اطرافیان و به ویژه خانواده‌اش، او منبع بی‌پایان الهام، چشمه‌ای از شوخ طبعی و نقشه‌ای رنگین بود. خانواده کامیلا امیدوارند که خاطره او الهام‌بخش دیگران باشد تا به این فکر کنند که چگونه می‌توانند از کودکان آسیب‌پذیر محافظت کرده و موقعیت آنها را ارتقاء دهند. همانطور که او یکبار نوشت: «شجاعت آنها سزاوار این بازتاب است». کامیلا باتمانقلیچ در سال ۱۹۶۳ در یک خانواده سرشناس ایرانی در تهران متولد شد. او در سن ۹ سالگی تصمیم گرفت که زندگی خود را وقف حمایت از کودکان آسیب‌پذیری نماید که در خیابان‌های تهران با آنها روبرو می‌شد. وی پس از تحصیل در مدرسه دخترانه شربون، از دانشگاه Warwick (واریک) به عنوان روان‌درمانگر فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۹۶ پس از کمک در راه‌اندازی Place2Be (جایی برای بودن) یک موسسه خیریه سلامت روح و روان برای کودکان و جوانان، شرکت Kids (کودکان) را تأسیس نمود.

برای دو دهه، مؤسسه Kids (کودکان) به محافظت و حمایت از کودکان و جوانان آسیب‌پذیر در بریتانیا کمک می‌کرد. این سازمان عمدتاً توسط نیکوکاران خصوصی تأمین مالی می‌شد، اما بودجه دولت محلی و مرکزی را نیز دریافت می‌کرد. مؤسسه «کیدز» ۱۱ مرکز را در لندن بزرگ، بریستول و لیورپول اداره می‌کرد که از طریق آنها از ده‌ها هزار کودک و جوانی که کمترین توجه در بریتانیا به آنها می‌شد، حمایت عاطفی و مادی نمود.

مراجعه‌کنندگان به مؤسسه «کودکان» ناملازمات شدیدی را در دوران رشد خود تجربه می‌کردند و «در معرض ناامنی غذایی، فقر، مسکن بد، خشونت و طرد اجتماعی، سوء استفاده دارویی و سوء مصرف مواد مخدر، تمایل به عدم تحصیل و شغل، بدرفتاری خانگی و محیط‌های ناپایدار خانه قرار داشتند». سازمان «کودکان» از طریق مراکز و برنامه‌های درون مدارس خود انواع مختلفی از درمان و حمایت عاطفی را ارائه می‌داد، وعده‌های غذایی و فرصت‌های توانمندی را فراهم می‌کرد و از جوانانی که برای تأمین مسکن قانونی، آموزش و حمایت از سلامت روان تلاش می‌کردند، حمایت نمود. تا زمان بسته شدن ناگهانی آن در سال ۲۰۱۵، مؤسسه «کودکان» به عنوان یک نهاد نیکوکاری نمونه معرفی می‌شد. پادشاه چارلز



کامیلا باتمانقلیچ

در سال ۲۰۱۲ از مرکز Lambeth این سازمان بازدید کرد. از همان ابتدا، کامیلا، کارکنان و داوطلبان، یک هدف ساده مشترک داشتند: «دیدن کودکان و جوانان در امنیت تا قادر به درک پتانسیل خود باشند». رویکرد پیشگامانه کامیلا «عشق بی‌امان» را در قلب مداوای بالینی، درمانی، آموزشی و اداری مؤسسه Kids قرار داد. کامیلا و فضایی که او ایجاد می‌کرد، بازتابی دیداری این هدف بودند: رنگارنگ، عجیب و جذاب و گرم. به قول کامیلا، با در آغوش گرفتن جمعی از قدرت عشق، «کارکنان مؤسسه کودکان و فرزندانش توانستند جامعه‌ای ایجاد کنند که در آن از کودکان مراقبت کرده و آنها را گرمی بدارند... این ساختار اجتماعی نتایج مثبتی تولید کرد، نه تنها برای بچه‌ها، بلکه برای کارکنان.» ساختار اجتماعی کودکان این مؤسسه نیز از طریق مطالعات چندرشته‌ای گسترده، از جمله توسط دانشگاه کالج لندن و مدرسه اقتصاد لندن تأیید شد. در سال ۲۰۱۳، محققان LSE خاطرنشان کردند که «برنامه‌های مداوای گراهنی مؤسسه کودکان بر ظرفیت‌های توانمند و انعطاف‌پذیری عصبی کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری می‌کند و اقدامات و ساختارهای حمایتی را ارائه می‌دهد که می‌تواند مسیر برخوردی عصبی آنها را تغییر دهد و فرصتی برای تغییرات عاطفی و رفتاری مثبت در کودکان و جوانان آسیب‌پذیر فراهم کند.» با اتخاذ این مدل، مؤسسه «کودکان» توانست «تغییر اساسی در زندگی آنها ایجاد کند» و «بر آگاهی عملی برای مقابله با مسائل مالی و دسترسی به خدمات، مسکن و محل اقامت، تفاهم با اعضای خانواده و نگرش به فعالیت‌های مجرمانه» از جمله سوء مصرف مواد و عدم توجه به پیشرفت تحصیلی و بهزیستی کلی جسمی و عاطفی آنها تأثیر مثبت بگذارد.

کمک‌های شخصی کامیلا به بخش خیریه و علوم بالینی حمایت از کودکان و جوانان بی‌سرپرست با درجه‌های افتخار و کمک‌هزینه‌های تحصیلی متعدد به رسمیت شناخته شد. او در سال ۲۰۱۲ به دلیل «خدمت به کودکان و جوانان» به عنوان CBE (فرمانده امپراتوری بریتانیا) انتخاب شد. کامیلا سه کتاب نوشته است: «زندگی‌های شکسته» (نشر توسط جسیکا کینگزلی)، «ذهن کودک» (ناشر پنگوئن) و «بچه‌ها؛ حفاظت از کودکان در بریتانیا: حقیقت» (انتشارات بایت بک) که در آن گزارش‌های مهمی از نحوه محافظت از کودکان در بریتانیا ارائه کرده است. این سیستم در کنار یک دیدگاه سازش‌ناپذیر از نحوه محافظت از کودکان و جوانان شکست خورد. او با همدلی عمیق، مبارزات کودکان آسیب‌پذیر و والدین آنها را که «بار سنگین مضاعف بر دوش دارند» و همزمان با «رنج‌های شخصی» دست و پنجه نرم می‌کنند، منعکس کرد آنهم در حالی که این خانواده‌ها مجبورند «با این پیام اجتماعی کنار بیایند که: از آنها استقبال نمی‌شود!» همانطور که او در مقدمه کتاب «بچه‌ها» با انعکاس وضعیت خانواده‌هایی که به مؤسسه «کودکان» روی می‌آوردند، نوشت: «شاید دردناک‌ترین بخش سفر آنها این روش جامعه است که پیچیدگی‌های نابرابری را در ارتباط با افرادی که در حال مبارزه با آن هستند، نوعی نقص اخلاقی قلمداد می‌کند. نقصی که خود آنها را مسئول وضعیت آسیب‌پذیر خود معرفی می‌کند.» کامیلا که همیشه در انتقاد از دولت بریتانیا و اقدامات آن صریح بود، معتقد بود که مؤسسه «کودکان» به این دلیل مجبور به تعطیلی شد که «بریتانیا نمی‌توانست تحمل کند که عدم استقبال از کودکان آسیب‌پذیر در آن بازتاب می‌یابد». عوامل سیستمیک نیز مهم بودند. توقف فعالیت مؤسسه Kids با تعداد زیادی تعطیلی مشابه در میان موسسات خیریه بریتانیا که بسیار کمتر توجه قرار می‌گرفتند، ادامه یافت. مانند بسیاری از موسسات خیریه، مؤسسه «کودکان» نیز به سرعت گسترش یافت، زیرا بریتانیا

درگذشت پروانه مرزبان، مبلغ سرشناس تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران



بانکوک بود که بانو مرزبان با برخورداری از شخصیت دلنشین، وقار و ظرافت، بیشترین تأثیر را در تغییر تصور نادرست غرب از زنان کشورهای خاورمیانه داشت. او در برخورد با مطبوعات و رسانه‌ها دارای اعتماد به نفس بود و همیشه بطور واضح تأکید می‌کرد که بانوان در ایران نقش مهم و موثری به عنوان عوامل تغییر ایفا می‌کنند.

بانو مرزبان سومین پسرش، مسعود مرزبان را در سال ۱۹۶۶ در بانکوک به دنیا آورد. او در سال ۱۹۶۸، به شخصیتی شناخته شده در تایلند تبدیل شد و میزبان مقامات دولتی، دیپلمات‌ها و اعضای دربار سلطنتی تایلند در سفارت و اقامتگاه ایران بود. در همان سال میزبانی محمد رضا شاه پهلوی، شاهنشاه ایران در نخستین سفر رسمی خود به تایلند، در سفارت ایران را نیز به عهده داشت.

آخرین انتصاب منوچهر مرزبان در سال ۱۹۷۰ به عنوان سفیر ایران در سوئد، فنلاند و ایسلند بود. پروانه مرزبان از این فرصت برای بازگویی روایت خود در دربار دیپلماتیک و سلطنتی استکهلم استفاده کرد. او که با شاهزاده برتیل، دوک‌هالند (پسر شاه سوئد) و همسرش دوشس لیلیان دوست شده بود، همچنان از ارتباطات خود برای ادامه معرفی ایران به عنوان کشوری با تمدنی ریشه دار و نفوذی چشمگیر در خاورمیانه و نیرویی مثبت در جهان، استفاده کرد.

پس از شورش اسلامی در سال ۱۹۷۹، خانم مرزبان با همسر و دیگر اعضای خانواده به لندن رفته و سپس به نزدیکی واشنگتن، جایی که فرزندان‌ش به عنوان دانشجوی ساکن شده بودند، مهاجرت کرده و در آنجا مستقر و بازنشسته شدند. شخصیت والای او در Bethesda, Chevy Chase و Gaithersburg مریلند، جایی که بسیاری از اقوام بزرگ وی از جمله پسرعموهای نزدیکش و فرزندان‌شان نیز در آنجا ساکن شده بودند، همچنان مشهود بود.

ذوق بی‌عیب و نقص، ظرافت و تیزهوشی خانم مرزبان، همچنین عشق او به بازی بریج تا اوایل دهه نود ادامه یافت. او از فرزندان‌ش رامین عظیمی، منوچهر و مسعود مرزبان و نوه‌هایش کامران، Kaylan (کیلان)، Elika (الیکا)، و کیانا مرزبان به یادگار مانده‌اند.



● بانو مرزبان به هر نقطه‌ای از جهان که همراه همسر دیپلماتش سفر می‌کرد، ایران را به عنوان کشوری پیشرفته و مترقی، با تاریخی درخشان و فرهنگ و هنر غنی معرفی می‌کرد.

بانو معصومه (پروانه) مرزبان همسر منوچهر مرزبان، سفیر فقید دوران پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی، شب بیست و سوم دسامبر ۲۰۲۳ (دوم دی‌ماه ۱۴۰۲) در واشنگتن در آرامش چشم از جهان فرو بست.

خانم مرزبان که با نام مستعار پروانه شناخته می‌شد، در ۱۷ ژانویه ۱۹۳۱ در گرگان ایران از مادر عالیه (اولگا) جندیری، از خانواده اشراف گرجستان و جواد میرفندرسکی، از فرماندهان نظامی به دنیا آمد.

او که از دوران جوانی خلاق و هنرمند بود، در تهران تحصیل کرد و از دانشکده هنرهای زیبا در رشته مد و طراحی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد که هر دو در دوران تصدی همسرش به عنوان یک دیپلمات به خوبی به او خدمت کرد. پروانه مرزبان با همسر اول خود، منوچهر عظیمی که او نیز از سفرای دولت شاهنشاهی در اوایل دهه ۱۹۵۰ بود ازدواج کرد و ثمره آن، اولین پسرش رامین عظیمی بود. وی سپس در اواخر دهه ۱۹۵۰ با منوچهر مرزبان پیوند زناشویی بست.

در سال ۱۹۵۸، منوچهر مرزبان به عنوان سرپرست سفارت ایران در ژاپن به توکیو رفت. خانم مرزبان نقش همسر سفیر بودن را جدی گرفت و ایران را به عنوان جامعه‌ای پیشرفته و مترقی و در عین حال متمایز و غنی از تاریخ، معرفی می‌کرد. در سال ۱۹۶۰ منوچهر مرزبان، به عنوان وزیر مختار ایران در سوئیس منصوب شد. پروانه مرزبان با استفاده از این فرصت، عمق و زیبایی فرهنگ ایرانی را به مجامع دیپلماتیک و سازمان ملل در ژنو نشان داد. تسلط او به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، فارسی و آشنایی با زبان روسی، همراه با شخصیت دلپذیرش به وی اجازه می‌داد تصویری از بانوان ایرانی را مطابق با دنیای در حال تغییر و مدرن شدن سریع ارائه دهد. او در سال ۱۹۶۲ صاحب دومین پسرش منوچهر مرزبان (پسر) شد. آقای مرزبان از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ در اوج جنگ ویتنام به عنوان سفیر ایران در تایلند، مالزی و لائوس منصوب شد. در

وارد یک دوره افول اقتصادی-اجتماعی شد که با سیاست‌های ریاضت اقتصادی ترکیب می‌شد. در واقع این خیریه به عنوان یک قهرمان در بخش سوم یا همان خدمات، توسط نخست وزیر وقت دیوید کامرون به عنوان بخشی از «برنامه جامعه بزرگ» ارائه شد. این شرایط در حکم اخیر دادگاه عالی تأیید شد که خاطرنشان کرد: «بدون مناقشه در مورد افزایش تقاضا برای خدمات مؤسسه «کودکان» پس از بحران مالی ۲۰۰۷/۰۸، رکود اقتصادی به ویژه از سال ۲۰۱۲ با کاهش قابل توجه بودجه‌های نهادهای محلی همراه شد.» اما در حالی که مؤسسه کودکان و سایر موسسات خیریه تحت فشار قرار می‌گرفتند تا حمایت بیشتری از کودکان و جوانان آسیب‌پذیر ارائه دهند و خدماتی را جبران کنند که توسط نهادهای محلی کاهش یافته بود، دولت مرکزی به نوبه خود نتوانست حمایت مالی خود را از بخش خدمات افزایش دهد. همین شرایط اساسی بود که باعث تعطیلی مؤسسه «کودکان» شد.

کامیلا از زمان بسته شدن تاسفبار مؤسسه «کودکان» تا زمان مرگش برای احیای شهرت این سازمان تلاش کرد و در برابر اتهامات سوء مدیریت مطرح شده در دادرسی‌ها و شکایت‌های اولیه در گزارش کمیسیون خیریه دفاع کرد. هدف او این بود که اطمینان حاصل کند که برنامه ویژه و منحصر به فرد مراقبت که از سوی مؤسسه «کودکان» ارائه شده بود، بی‌اعتبار نمی‌شود و فضایی را برای سازمان‌های خیریه حفظ می‌کند تا در رویکردهای خود برای مراقبت و حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان و جوانان، آرزوهای بزرگ داشته باشند.

در سال ۲۰۲۱ پس از یک پرونده حقوقی سه سال و نیمه، دادگاه عالی به نفع کامیلا با تأملیچ رای داد و خاطرنشان کرد که پس از رسیدگی به شکایت‌های رسمی، مدل فعالیت مؤسسه «کودکان» ناپایدار نبوده و اتهامات سوء مدیریت و سوء استفاده از بودجه بی‌اساس بوده‌اند.

در این حکم، قاضی از کامیلا به دلیل «فداکاری عظیمی که طی سال‌ها برای جوانان آسیب‌پذیر نشان داده» و موفقیت او در ایجاد یک موسسه خیریه موفق که «کاری باورنکردنی» انجام داد، ستایش کرد. در دسامبر ۲۰۲۲، در بررسی قضائی گزارش کمیسیون خیریه، که دادگاه عالی اذعان می‌کند که «چندین یافته نامطلوب در مورد مدیریت این مؤسسه خیریه نشان می‌دهد»، از کامیلا رفع مسئولیت شد.

در حالی که او درگیر این مبارزات قانونی بود، سلامتی کامیلا رو به افول گذاشت. یک اختلال غدد درون‌ریز که از کودکی بر سلامت او تأثیر گذاشته بود به این معنی بود که مصنوعیت بدن وی ضعیف و وی دچار مشکل ایمنی است. از زمان همه‌گیری کووید-۱۹، او تنها چند بار آپارتمان کوچک خود را در شمال لندن برای درمان در بیمارستان به دلیل عفونت مکرر ترک کرد. اما «عشق بی‌امان» وی نمی‌توانست او را فقط در دو اتاق کوچک نگه دارد و در هفته‌های قبل از مرگش، با کمک گروهی از داوطلبان، برای خرید هدایای تعطیلات کریسمس برای بیش از ۲۰۰۰ کودک آسیب‌پذیر کمک مالی جمع‌آوری کرد.

کامیلا در شب اول ژانویه پس از جشن تولد با خانواده‌اش در خواب در آرامش چشم از جهان فرو بست. تا زمان فوتش، او به کار با کودکان آسیب‌پذیر ادامه داد. کودکانی که یا با او تماس می‌گرفتند یا با وی ملاقات می‌کردند تا در مورد آسیب‌های روحی، نامنی‌ها و مشکلات خود صحبت کنند. کامیلا با تأملیچ می‌خواست به این کودکان با مراقبت و حمایتی که شایسته‌ی آن بودند یاری برساند و آنها را گرمی بدارد. خدمات زندگی او برای آنها افتخاری بود و قدردانی و سپاس آنها در این است که وی را همواره گرمی داشته‌اند.



فراکنی مسئولان نسبت به مشکل اعتیاد دانش‌آموزان: خارج از آموزش و پرورش صورت می‌گیرد!

● سخنگوی وزارت آموزش و پرورش: «در حال حاضر فضای مدارس، چه دولتی و چه غیردولتی فضای سالمی است.»
● در سال ۱۳۹۸ یکی از مدیران وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی «کانون یاریگران زندگی» در مدارس برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان خبر داده بود. اما دانش‌آموزان می‌گویند اسم این طرح را هم نشنیده‌اند!

● با وجود هشدار مکرر کارشناسان و برخی مسئولان در سطح استان‌ها طی سال‌های اخیر مبنی بر اینکه سن اعتیاد به دانش‌آموزان دبستان و ۱۰ و ۱۲ سالگی رسیده اما این مشکل با فراکنی مقامات ارشد گسترش پیدا می‌کند و طرح‌هایی که بودجه‌های کلان نیز به آنها اختصاص داده می‌شود، یا روی کاغذ می‌مانند و یا شکست می‌خورند.

سخنگوی آموزش و پرورش با اشاره به اوج‌گیری آمار اعتیاد در میان دانش‌آموزان اعلام کرد اعتیاد خارج از آموزش و پرورش صورت می‌گیرد و مدارس سالم هستند!
خبرگزاری «رکنا» روز یکشنبه ۱۰ دی‌ماه به نقل از علی فراهی نوشت: «در حال حاضر فضای مدارس، چه دولتی و چه غیردولتی فضای سالمی است.»

به گفته سخنگوی وزارت آموزش و پرورش، «فضای جامعه قطعاً در دست آموزش و پرورش نیست و باید همه دستگاه‌ها تلاش کنند تا فضای جامعه سالم شود. ما موکداً می‌گوییم در مدرسه، دانش‌آموزان در فضای امنی قرار دارند؛ اما خارج از مدرسه تحت پوشش ما نیست. باید این را در نظر بگیریم که تحول شامل مسجد، محله، خانواده و... می‌شود و نمی‌توان گفت تحول فقط باید در «مدرسه» باشد.»
این مقام مسئول در آموزش و پرورش تأکید کرد: «همه دستگاه‌های فرهنگی باید به والدین کمک کنند تا مجهز به ابزار آموزش در خانواده به دانش‌آموزان باشند. در وزارت آموزش و پرورش و در بخش انجمن اولیا و مربیان این آمادگی را داریم که اولیا را آموزش دهیم؛ ولی مسائلی مثل اعتیاد خارج از آموزش و پرورش صورت می‌گیرد؛ لذا ما باید تلاش کنیم دانش‌آموز را به آگاهی برسانیم.»

در همین ارتباط روزنامه «اعتماد» ۲۰ آذرماه گزارشی در مورد افزایش اعتیاد به گل در میان دانش‌آموزان منتشر کرد. بر اساس این گزارش آبان ۱۳۹۸، یکی از مدیران وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی «کانون یاریگران زندگی» در مدارس برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان خبر داده بود. این مدیر آموزش و پرورش در گفتگو با خبرگزاری ایسنا گفته بود که این طرح به عنوان بخشی از برنامه کلان «یاریگران زندگی» و مصوب جلسه ۱۳۶ ستاد مبارزه با مواد مخدر، نتیجه تفاهم مشترک وزارت آموزش و پرورش و ستاد مبارزه

با مواد مخدر است که به دنبال اجرای این طرح که با مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان اجرا خواهد شد.

با اینهمه در حالی که طبق دستورالعمل‌های رسمی، قرار است از طریق ایجاد کانون «یاریگران زندگی» در مدارس، برنامه‌های خودمراقبتی و مهارت‌های زندگی با هدف پیشگیری از اعتیاد و توقف رشد اعتیاد در مدارس و مداخلات حمایتی و اجتماعی و درمانی برای دانش‌آموزانی که درگیر اعتیاد شده‌اند اجرا شود، دانش‌آموزانی از برخی مدارس پسرانه و دخترانه مقطع دوم متوسطه در مناطق ۴ و ۶ و ۱۱ شهر تهران می‌گویند که نه تنها تا به حال خود و همکلاسی‌های‌شان در سایر مدارس، اسمی از «کانون یاریگران زندگی» نشنیده‌اند و حتی نمی‌دانند که این کانون قرار است چه فعالیتی در مدرسه داشته باشد، بلکه بارها نیز شاهد استعمال دخانیات و قلیان و «گل» توسط همکلاسی‌های‌شان بوده‌اند.

حالا طرح «کانون یاریگران زندگی» در حالی به چهارمین سال اجرا رسیده که همچون بسیاری از طرح‌ها و تفاهمنامه‌ها، علت بروز آسیب در اولویت توجه مسئولان نبوده و مجریان با اعلام اینکه «علت آسیب تقصیر ما نبوده، ما در تولید این آسیب نقش نداشته‌ایم، همه دستگاه‌ها باید برای رفع علت مداخله کنند، تا وقتی باقی دستگاه‌ها پای کار نیایند این مشکلات باقی است و...» سعی می‌کنند خود را در بی‌اثر ماندن طرح‌ها و برنامه‌هایی که با بودجه‌های کلان شکل می‌گیرند و اجرا می‌شوند، بی‌تقصیر نشان دهند.
در ۱۱ دی‌ماه نیز گزارشی در شبکه «شرق» با موضوع اعتیاد به مصرف حشیش و گل در بین دانش‌آموزان منتشر شد. در بخشی از این گزارش با بیان اینکه کارشناسان اعتیاد بارها نسبت به عادی‌سازی مصرف حشیش و گل در بین دانش‌آموزان هشدار می‌دهند اعلام شده بود: «مسئله آنقدر آشکار شده، که حالا عده‌ای از معلمان و مدیران، نگران سلامت برخی از دانش‌آموزان‌شان هستند، آنها تأیید کرده‌اند که بساط برخی از موادفروشان در مقابل مدارس و پارک‌های اطراف مدرسه است. برخی دیگر از موادفروشان هم از دانش‌آموزان در داخل مدرسه برای فروش استفاده می‌کنند تا جایی‌که بوی گل در سرویس بهداشتی مدارس می‌پیچد.»
روزنامه «هم‌میهن» نیز یکم امرداد به نقل از محمد جمالو، معاون پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر نوشته بود که ۲/۱ درصد از دانش‌آموزان با اعتیاد درگیر هستند. به گفته این مقام مسئول، بیشترین اعتیاد در میان دانش‌آموزان، مصرف الکل است. دانش‌آموزانی که در همان ابتدای مسیر تحصیلی با یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مواجه

شدند. آن هم در حالی که روزانه در گوشه و کنار صحبت از یک ماده اعتیادآور جدید می‌شود و به چشم هم‌زدنی هم به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

بر اساس این گزارشی محمد جمالو معاون پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر در این ارتباط اعلام کرده بود که طبق «آمار سال ۱۳۹۵ در حوزه دانش‌آموزی ۲/۱ درصد جمعیت دانش‌آموزان دچار شیوع موادمخدر بودند که اعتیاد در بین دانش‌آموزان هنرستانی بیشتر بود و ۰/۱۵ درصد دانش‌آموزان هنرستان شیشه، ۰/۳۶ درصد حشیش، ۰/۹۶ درصد ماریجوانا و ۵/۴ درصد مصرف الکل داشتند.»

مهری سادات موسوی معاون اجتماعی سازمان بهزیستی نیز توضیح داده بود: «مدل اعتیاد در دهه اخیر تغییر کرده و سن اعتیاد کاهش پیدا کرده و به ۱۰ سال رسیده است. همچنین اعتیاد، زنانه شده، در کنار این موارد قیمت پایین موادمخدر، صنعتی شدن و تغییر الگوی مصرف موادمخدر را شاهد هستیم، به‌عنوان مثال خانواده‌ها تصور می‌کنند که فرزندان در اتاق خود و در فضای امن است اما در حال مصرف موادمخدر صنعتی است.»

هومان نارنجی‌ها مدیرکل سابق پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر نیز هشدار داده بود: «۱۰ سال طول می‌کشد که سن اعتیاد از ۲۲ به ۲۳ سال افزایش یابد و جوانان دیرتر مصرف موادمخدر را شروع کنند. اگر سن اعتیاد در ایران به ۱۰ سال رسیده باشد، یک فاجعه بزرگ رخ داده است. در یک برهه زمانی کوتاه از ۲۳_۲۲ سال سن اعتیاد به ۱۰ سال رسیده است. چنین موضوعی شدنی نیست. در این سنین - ۱۰ سال - اعتیاد دیده شده اما سن شروع اعتیاد در کشور نیست. آماردهنده سن اعتیاد را با سن مصرف اشتباه گرفته است.»
با اینهمه دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در سخنانی که خبرگزاری تسنیم در ۲۲ خرداد به نقل از وی منتشر کرد ادعا کرده بود که «آهنگ رشد اعتیاد در بین دانش‌آموزان بر اساس اعلام آموزش و پرورش متوقف شده است و این مهم نتیجه طرح‌هایی مانند یاریگران زندگی است!» به گفته وی، «ایران رتبه برتر کشفیات مواد مخدر در جهان را دارد، بر اساس آمارهای رسمی ۹۰ درصد تریاک، ۵۰ درصد مورفین و ۲۷ درصد کشفیات هروئین دنیا را ایران کشف می‌کند.»
این همه در حالیست که گرایش به مصرف مواد مخدر در برخی مناطق کشور به مقطع ابتدایی رسیده؛ به گفته نماینده استان خراسان جنوبی در شورای عالی استان‌ها سن اعتیاد در مناطق مرزی خراسان جنوبی به دانش‌آموزان ابتدایی رسیده است.

وی توضیح داده بود: «اینکه سن اعتیاد در بین

دامنه فرار از شرایط ایران امروز به مدارس رسید؛ اراده دانش آموزان برای مهاجرت خیلی زیاد اما توان شان کم است



با احکام قضایی روبرو شده و در ماه‌های گذشته نیز موج سرکوب با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری ادامه یافته است. در همین ارتباط رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش در مهرماه امسال موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته بود: «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

نرگس ملک‌زاده که یکی از این مدیران برکنار شده است در همین ارتباط گفت: «وقتی مرا صدا کردند گفتند تغییر شما به خاطر مطالب انتقادی، گفتگوهایی که انجام می‌دهی، مطالبی که می‌نویسی، فعالیت صنفی، حمایت از معلمان زندانی و مسائل مربوط به حوادث سال گذشته است، برای همین ابلاغ مدیریت مرا لغو کردند. من ۱۰ سال است که ضمن مدیر بودن نقدهای خودم را به وضعیت آموزش و پرورش نوشته‌ام اما در این دولت اینطور تصمیم گرفتند، اینها انتقادات را برمی‌تابند.»

ملک‌زاده اکنون نیز در گفتگو با «خبرآنلاین» می‌گوید: «انگار که مدیران را الک کردند، آنها که خوب بودند برداشتن کنار گذاشتند و ریزها را برای مدیریت مدارس انتخاب کردند. حتی همکاری‌هایی که برای آرام کردن جو مدرسه در سال گذشته فقط همراهی‌هایی با دانش‌آموزان داشتند برکنار شدند.» نیک‌نژاد با اشاره به اینکه تعداد ۳۰۰ الی ۴۰۰ معلم به خاطر فعالیت صنفی از رتبه‌بندی محروم شدند معتقد است: «قبل‌تر هر برخوردی با معلم‌ها متوجه رهبر فعالان صنفی می‌شد اما الان این برخوردها گریبان معلم‌هایی که فقط در تجمع شرکت می‌کنند هم گرفته است، یعنی معاون مدرسه داشتیم که به دلیل فعالیت‌ها هم رتبه‌بندی نگرفته و هم بعد از مدتی بازنشستگی اجباری به او دادند. برخوردهای سیاسی امنیتی را در ساختار آموزش و پرورش آنقدر گسترش داده‌اند که باید گفت در این زمینه سیاه‌ترین دوران آموزش و پرورش را سپری می‌کنیم.» کاهش شدید کیفیت آموزشی و از بین رفتن عدالت آموزشی در مدارس ایران یکی از دلایل کاهش سن مهاجرت به دانش‌آموزان است. روزنامه «اعتماد» خرداد امسال از کاهش سن مهاجرت به دانش‌آموزان ایرانی خبر داده و نوشته بود که علت مهاجرت دانش‌آموزان «نامیدی» از آینده خود در ایران است. افزایش هزینه مدارس غیرانتفاعی و نمونه مردمی در کنار کاهش شدید کیفیت آموزشی و تعداد بالای دانش‌آموزان در کلاس‌های درس مدارس دولتی به دغدغه بسیاری از اولیا تبدیل شده است.

در همین رابطه یک آموزگار بیشتر در گفتگو با روزنامه «اعتماد» به یک نمونه از مهاجرت دانش‌آموزان اشاره کرده و گفته بود: «دختری کلاس نهم است و حدود ۶۲۰ میلیون تومان برای ثبت‌نام او در مدرسه‌ای وابسته به دانشگاهی در تورنتوی کانادا پرداخت کرده‌اند.»

در نسل جدید مسئله اقتصاد در انتخاب رشته اهمیت زیادی دارد، به شدت معتقدند که رشته‌ای باید انتخاب کنند تا درآمد کافی از آن داشته باشند، برای همین گرایش به مهاجرت میان دانش‌آموزان افزایش پیدا کرده است. «محمدرضا نیک‌نژاد نیز با اشاره به اینکه «خیلی‌ها کوله‌پشتی مهاجرت را حداقل در ذهن خود بسته‌اند» می‌گوید: «خیلی از دانش‌آموزان گذشته خودم امروز مهاجرت کرده‌اند، بعد از حوادث سال گذشته میزان سرخوردگی دانش‌آموزان افزایش پیدا کرد. به دلیل برخوردهایی که انجام شده، برخلاف آقای داوری معتقدم خیلی از معلم‌های جدید گرایش به مهاجرت دارند، این معلم‌ها از فضای آموزشی کشور به شدت بدشان می‌آید، نسل جدید دانش‌آموزان و معلمان کوله‌پشتی مهاجرت را حداقل در ذهن‌شان بسته‌اند و فقط منتظر یک فرصت هستند.» نرگس ملک‌زاده نیز درباره این موضوع می‌گوید: «یکبار از دانش‌آموزان خواستم شناسنامه‌ای درست کنند که مجموعه‌ای از علاقه‌ها و نشانه‌های خودشان باشد و ما بتوانیم با خواندن آن دانش‌آموز را بشناسیم، خیلی از دانش‌آموزان سفر کردن و رفتن از ایران را جزو علاقه‌های خودشان نوشته بودند، خیلی‌هایشان ترکیه را برای مهاجرت انتخاب کردند که این نشان می‌دهد انگار فقط دوست داشتند از اینجا بروند.»

به گفته ملک‌زاده، «شرایط اقتصادی درباره مهاجرت‌آژگناری زیادی دارد؛ اکثر دانش‌آموزان ما شرایطی که بخواهند مهاجرت کنند را ندارند، اما همانطور که آقای نیک‌نژاد گفت ذهن‌شان را برای مهاجرت به دلیل نامیدی‌ها و سرخوردگی‌هایی که دارند آماده کرده‌اند، آنها به مهاجرت تمایل دارند.» این تمایل به مهاجرت و در واقع فرار از کشور تحت حکومت جمهوری اسلامی در حالیست که طی یک سال گذشته صدها آموزگار بازداشت و احضار شدند، شمار زیادی از آموزگاران

● یک آموزگار: «اخیراً ایده مهاجرت در دانش‌آموزان بیشتر شده و حتی این ایده به دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و ابتدایی هم کشیده شده است. چنین چیزی کم سابقه است، اراده برای مهاجرت خیلی زیاد است اما توان برای مهاجرت کم است. وقتی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود دلایل ایده مهاجرتی که در ذهن دارند برای چیست، می‌گویند چشم‌انداز تحصیلی و شغلی در خارج از کشور را برای خودشان روشن‌تر می‌بینند.»

یک آموزگار می‌گوید: «ایده مهاجرت در دانش‌آموزان بیشتر شده و حتی این ایده به دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و ابتدایی هم کشیده شده است. چنین چیزی کم سابقه است، اراده برای مهاجرت خیلی زیاد است اما توان برای مهاجرت کم است. وقتی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود دلایل ایده مهاجرتی که در ذهن دارند برای چیست، می‌گویند چشم‌انداز تحصیلی و شغلی در خارج از کشور را برای خودشان روشن‌تر می‌بینند.»

وبسایت خبرآنلاین روز شنبه ۹ دی‌ماه در گفتگوی مفصلی با سه آموزگار به موضوع مهاجرت دانش‌آموزان و معلمان جدید و همچنین کمبود آموزگار در مدارس پرداخت.

محمد داوری یکی از این آموزگاران با بیان اینکه معلم‌ها بیشتر بعد از بازنشستگی مهاجرت می‌کنند گفت: «اخیراً ایده مهاجرت در دانش‌آموزان بیشتر شده و حتی این ایده به دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و ابتدایی هم کشیده شده است. چنین چیزی کم سابقه است، اراده برای مهاجرت خیلی زیاد است اما توان برای مهاجرت کم است. وقتی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود دلایل ایده مهاجرتی که در ذهن دارند برای چیست، می‌گویند چشم‌انداز تحصیلی و شغلی در خارج از کشور را برای خودشان روشن‌تر می‌بینند.»

مشکلات و ناهنجاری‌ها بیش از آمار و ارقام حکومتی است. در این بین، سردار اسکندر مؤمنی رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران در دی‌ماه ۹۹ رسانه‌های اینترنتی را مقصر افزایش شمار اعتیاد بین دانش‌آموزان دانسته و گفته بود: «تغییر الگوهای آموزشی و وابسته‌تر شدن دانش‌آموزان و دانشجویان به بسترهای آنلاین، فرصت مناسبی را برای سوء استفاده قاچاقچیان مواد مخدر فراهم کرده است.» وی در سال ۹۸ نیز گفته بود، ۲۰ هزار خرده‌فروش موادمخدر از اطراف مدارس جمع‌آوری شدند که حدود ۳ تن مواد مخدر از آنان کشف شد. گراس، بنگ، ماری جوانا و گل از جمله مواد مخدری هستند که در فضای مجازی بیشترین سهم را در خرید و فروش دارند.

سالگی هم پایین‌تر آمده است.» در شهریور ۱۳۹۴ نیز شهیندخت مولاووردی معاون امور زنان و خانواده حسن روحانی با حضور در برنامه ویژه خبری شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی از کاهش سن اعتیاد دختران به ۱۳ سال خبر داده بود. ستاد مبارزه با موادمخدر در دی‌ماه ۱۳۹۹ از بالا بودن نرخ اعتیاد دانش‌آموزی در ۹ استان کشور خبر داده و اعلام کرده بود که تهران بالاترین آمار را در این زمینه دارد. مقامات مسئول هرگز هیچ آماری از میزان دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد در ایران را منتشر نکرده‌اند و آنچه رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیز گفته مشابه دیگر آمار در ایران قابل اتکا و اطمینان نیست و همواره آمار واقعی مربوط به

➔ دانش‌آموزان پایین آمده است جای نگرانی دارد. قبلاً بیشتر دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم درگیر بودند اما در حال حاضر دانش‌آموزان دوره ابتدایی هم درگیر شده‌اند.» در اردیبهشت ۱۴۰۱ سلمان ذاکر عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی وضعیت در حوزه مواد مخدر را نگران‌کننده دانسته و اعلام کرده بود: «سن اعتیاد به سن ۱۰ تا ۱۲ سالگی و مقطع راهنمایی رسیده است.» بیشتر اکرم مصوری معاون امور زنان حسن روحانی در مهرماه ۱۳۹۷ با اعلام اینکه سن مصرف مواد مخدر و اعتیاد میان نوجوانان و جوانان به شدت کاهش یافته است گفته بود: «مهمترین آسیب زنان در حال حاضر در ایران اعتیاد است. آمارها نشان می‌دهد سن اعتیاد دخترها از سن ۱۵

پیشنهاد «کیهان تهران»:

مثل اسرائیل مقامات و فرماندهان آنها را در لیست ترور قرار دهید

در حالی که انگشت اتهامات به دلیل سوابق جنایتکارانه‌ی رژیم در عملیات مشابهی که در آنها هیچ آسیبی به مقامات نمی‌رسد و فقط مردم کشته می‌شوند به سوی خود حکومت نشانه رفته است، ناتوانی در عدم تأمین امنیت مراسمی که با برنامه‌ریزی خود حکومت برگزار شده نیز به حساب بلوف‌های امنیتی آن نوشته می‌شود.

در بخشی از پیام خامنه‌ای در واکنش به انفجارهای مرگبار کرمان آمده «چه دست‌های آلوده به خون بی‌گناهان و چه مغزهای مفسد و شرارت‌زا که آنان را به این گمراهی کشانده‌اند، از هم‌اکنون آماج قطعی سرکوب و مجازات عادلانه خواهند بود، بدانند که این فاجعه‌آفرینی پاسخ سختی در پی خواهد داشت باذن‌الله».

روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله‌اش با اشاره به ترور سیدرضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» در دمشق و ترور صالح العاروری نفر دوم حماس در بیروت پرسیده «چرا محور مقاومت و رهبر این محور، درست مثل صهیونیست‌ها، اسامی برخی فرماندهان نظامی و میدانی صهیونیست را لیست نمی‌کنند؟!»

بسیاری تحلیلگران معتقدند این جنایت مستقیم یا غیرمستقیم توسط عوامل درون نظام برنامه‌ریزی شده است. رقابت بین گروه‌ها و باندهای داخل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای جذب بودجه‌های امنیتی یا گرفتن پروژه‌ها سنگین درآمدزا به اسم ارتقاء سطح امنیت را نمی‌شود نادیده گرفت. اتفاقاً محمد عباس‌زاده عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به «همشهری» گفته «بودجه دستگاه‌های امنیتی باید افزایش یابد».

خودکشی استاد دانشگاه پزند در پی اخراج از دانشگاه



نویید برزنجه اهل شهرستان سنه در استان کردستان، دکترای فلسفه هنر و استاد دانشگاه آزاد پزند تهران پس از اخراج از دانشگاه به زندگی خود پایان داد. بنا بر گزارش‌ها، وی از استادان معترض و همراه با مردم در انقلاب ملی بوده و قربانی حذف سیستماتیک اساتید دانشگاه‌ها شده است. مراسم خاکسپاری او پنجشنبه ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۲ در شهرستان سنه برگزار می‌گردد.

جمعیت بزرگ فارغ‌التحصیلان بیکار و شاغلان فقیر!

ادعای دولت: وعده سالانه یک میلیون شغل تحقق یافته! - در پاییز ۱۴۰۲ سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران ۴۲/۸ درصد بوده. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است. - آمارها نشان می‌دهد ۸۹ درصد از جمعیت افراد زیر خط فقر در کشور شاغل هستند و از درآمد شغل خود نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را تأمین کنند.

- معاون اجرایی ابراهیم رئیسی در سخنانی عجیب ادعا می‌کند «وعده ایجاد سالانه یک میلیون شغل محقق شده که قابل صحت‌سنجی است و بیش از ۵۰ شاخص کلان اقتصادی کشور رشد داشته است!»

۹۹ درصد از پوشاک خارجی موجود در ایران «قاچاق» است

خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۱ رقمی معادل ۱۲۵ هزار میلیارد تومان برای تهیه پوشاک و کفش هزینه کرده‌اند. برخی سلبریتی‌ها از طریق تبلیغ پوشاک قاچاق خارجی این بازار را جذاب کرده و در حال وارد کردن ضربه نهایی تولید داخلی در این صنعت هستند.

یک فعال صنفی: وقتی کشور به منبع مصرف کالای بی‌کیفیت، استوک و دست دوم چین، اروپا و بنگلادش تبدیل شده، تولید مفهومی پیدا نمی‌کند.

بازداشت یک پزشک به علت استوری اینستاگرامی درباره «کتلت»!

طبق گزارش‌های رسیده دادستان بجنورد روز چهارشنبه ۱۳ دی‌ماه ضمن تایید خبر بازداشت دکتر محمد شجاع، فوق تخصص قلب کودکان که چند روز پیش همزمان با کشته شدن رضی موسوی در اینستاگرام خود تصویری از کتلت منتشر کرد و نوشت «امشب در ساختمان ما بوی کتلت



پیچیده» گفت: «توهین به شهدا، توهین به مقدسات است!» دکتر محمد شجاع در جریان انقلاب ملی ۱۴۰۱ نیز بازداشت شده بود و از آن زمان زیر نظر سازمان اطلاعات بجنورد قرار دارد. پیش از این نیز یکی از بلاگرهای محبوب آشپزی برای انتشار دستور پخت کتلت در سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی چندین ماه در بازداشت بود!

در نتیجه شکاف میان دستمزد و هزینه زندگی: کار هست، کارگر نیست!

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی: خالی شدن برخی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و حتی ادارات از نیروهای کاربلد، حاصل تورم عجیب و غریب و افزایش اندک حقوق این افراد و گرایش آنها به مشاغل کاذب است.

آیت اسد نماینده کارگران در شورای عالی کار: به شکلی دستمزد مشخص کرده‌اند که نیروی کار جوان و تحصیلکرده انگیزه‌ای برای کار ندارد.

فرامرز توفیقی فعال کارگری: کارگری که ۷ صبح در کارخانه کارت بزند و ۵ بعداز ظهر با حقوق ۸ میلیون به خانه برود چگونه زندگی کند؟ این فرد اصلاً می‌تواند زندگی تشکیل دهد یا ماشین بخرد و رهن خانه بدهد؟

فوت سه نفر در ماکو در اثر مصرف مشروب تقلبی؛ چهار نفر دستگیر شدند

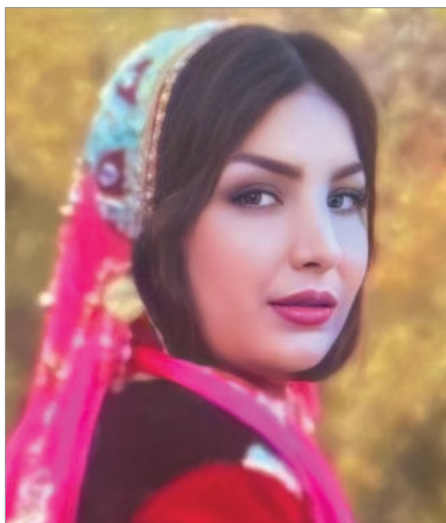
در یک رویداد تکراری سه نفر در ماکو در اثر نوشیدن الکل تقلبی جان خود را از دست دادند.

صابر جعفری دادستان شهرستان ماکو ۱۳ دی‌ماه اعلام کرد در این رابطه چهار نفر بازداشت شدند.

گزارش شده تعداد ۲۰ نفر با علائم مسمومیت ناشی از سوء مصرف الکل به بیمارستان «فجر» این شهرستان منتقل شده‌اند که سه نفر بر اثر مسمومیت فوت کرده‌اند.

خواهر مجاهد کورکور: صدای برادر بی‌گناهم باشید!

نگار کورکور خواهر مجاهد کورکور که به اتهام واهی قتل کیان پیرفلک، کودک ایران، به اعدام محکوم شده و حکم وی به اداره اجرای احکام نیز ارسال شده است بار دیگر از مردم ایران و مراجع حقوقی و بین‌المللی یاری می‌خواهد



تا مانع اعدام برادر بی‌گناهِش شوند. حکم اعدام علیه مجاهد کورکور در حالی صادر شده که خانواده پیرفلک با صراحت اعلام کرده‌اند که فرزند ۹ ساله‌شان در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ و در جریان خیزش ملی مردم در ایذه با شلیک مستقیم مأموران امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده و مجاهد کورکور نقشی در این جنایت نداشته است.

صدرنشینی تورم مواد خوراکی

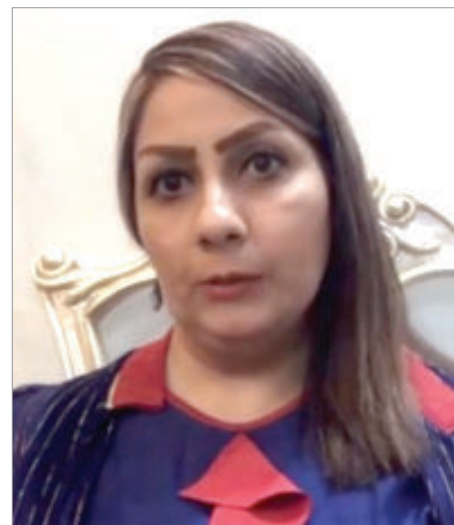
کاهش مصرف غذا و کوچک شدن سفره اقشار کم درآمد در آذرماه مواد غذایی همچنان در صدر تورم قرار داشته و گوشت و مرغ بیشترین تورم نقطه به نقطه را به خود اختصاص داده و گروه سبزیجات و حبوبات نیز بیشترین تورم ماهانه را داشته است. تورم خوراکی‌ها برای دهک اول در مقیاس ماهانه ۵/۲ درصد بوده اما برای دهک دهم که ثروتمندترین دهک درآمدی هستند، این عدد ۳/۵ درصد شده است. نایب رئیس انجمن صنف برنج‌فروشان مازندران: سرانه مصرف برنج خانوارها کاهش قابل توجهی یافته و شاید بتوان گفت که میزان مصرف نصف شده است.

زیان صنایع فولادی بر اثر قطع انرژی در تمام فصول سال؛ سه میلیارد دلار فقط در سال ۱۴۰۱

ایران از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، دهمین تولیدکننده بزرگ فولاد جهان در فهرست انجمن جهانی فولاد بود اما از این رتبه نزول کرده و ایتالیا جای آن را گرفته است. معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران: در سال ۱۴۰۰ به دلیل اینکه محدودیت‌ها به صورت کارشناسی شده و با برنامه‌ریزی اتفاق نیفتاد، نزدیک به ۴۰ درصد افت تولید فولاد داشتیم.

مدیرعامل پیشین پتروشیمی جم هشدار داده که اگر جریان ناترازی گاز از صنایع در سال آینده ادامه پیدا کند، در سال آینده ۶ میلیارد دلار زیان کمبود گاز به صنایع سنگین ایران وارد می‌شود.

حال نرگس منصوری فرزند جانباز جنگ هشت ساله که از ۴ دی‌ماه دست به اعتصاب غذا زده خوب نیست



شنبه ۹ دی ۱۴۰۲ یک پیام صوتی از نرگس منصوری زندانی سیاسی منتشر شد که در آن خبر داد از ۴ دی‌ماه در اعتراض به فشارهای مختلف روحی و جسمی و مالی علیه خودش و خانواده‌اش دست به اعتصاب غذا زده است. اکنون خبر می‌رسد که وی از زمان ارسال این پیام صوتی از ملاقات و تماس محروم شده و حال وی به دلیل اعتصاب غذا اصلا مساعد نیست.

پنج کشته در برخورد دو هواپیما روی باند فرودگاه در ژاپن

یک هواپیمای خطوط هوایی ژاپن، سه‌شنبه دوم ژانویه ۲۰۲۴ (۱۲ دی ۱۴۰۲) در باند فرودگاه بین‌المللی «هانه‌دا» در توکیو در برخورد با یک هواپیمای گارد ساحلی، آتش گرفت. ۳۷۹ سرنشین این هواپیما همگی سالم تخلیه شدند اما پنج سرنشین هواپیمای گارد ساحلی کشته شدند و یک نفر نجات پیدا کرد.

حسین سپهری با وثیقه ۲ میلیارد تومانی از زندان آزاد شد

اصغر سپهری برادر فاطمه و محمدحسین و حسین سپهری روز دوشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲ خبر داد که حسین سپهری پس از سه ماه بازداشت با وثیقه ۲ میلیارد تومانی از زندان مشهد آزاد شده است. وی در ایکس نوشته است: «برادرانم روز ۶ مهرماه در بیمارستان قائم مشهد، زمانی که پیگیر درمان خواهرم بودند بازداشت شدند. اتهامات برادرم، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت داخلی عنوان شده است. قرار بازداشت محمدحسین سپهری برای یک ماه دیگر توسط علی‌سلیمانی مارشک، بازپرس شعبه ۹۰۳، تمدید شده است.»

اعدام داوود عبداللہی زندانی عقیدتی در زندان قرزل حصار

آژانس خبری «کردپا» با اعلام این خبر نوشت: «به گفته یک منبع مطلع، جنازه این زندانی عقیدتی به خانواده‌اش تحویل داده شده و در حال انتقال به مهاباد هستند.» این زندانی عقیدتی گرد اهل مهاباد از روز سه‌شنبه پنجم دی‌ماه در پی انتقال به سلول انفرادی برای اجرای حکم اعدام، دست به اعتصاب غذای کامل زده بود. این پرونده ۱۴ سال پیش، در نتیجه جان باختن ماموستا عبدالرحیم تینا روحانی سنی مهابادی در یک درگیری در ارومیه تشکیل و



به بازداشت هشت متهم با اتهام قتل عمد منجر می‌شود. اگرچه دیوان عالی کشور بعداً این حکم را لغو کرد، ولی در دادگاه دوم، پرونده پس از مدتی به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقبسه ارسال شده و در آنجا به دلیل نبود مستندات کافی درباره قتل عمد، اتهام به «افساد فی الارض» تغییر می‌کند. جمهوری اسلامی پیشتر ایوب کریمی و قاسم آجسته از متهمان این پرونده را اعدام کرده بود.

تیراندازی به امام جمعه سابق بندر کلاهی شهرستان میناب

به گزارش کمپین فعالین بلوچ، عبدالله نایبندی امام جمعه سابق بندر کلاهی شهرستان میناب روز دوشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲ هدف تیراندازی افراد مسلح قرار گرفت. وی برادر منصور نایبندی امام جمعه فعلی بندر کلاهی است و در محل کار خود از سوی سرنشینان یک اتومبیل پژو پارس به او شلیک شد. تیراندازان فرار کردند و امام جمعه سابق به بیمارستان «ابوالفضل» میناب منتقل شد. بر اساس این گزارش، شامگاه هشتم دی‌ماه نیز سرنشینان یک دستگاه پژو پارس بدون پلاک به سوی حوزه علمیه «مخزن‌العلوم» در خاش تیراندازی کرده بودند.

رشد اقتصادی «منفی» در بخش صنعت و معدن: تشکیل سرمایه خالص «زیر صفر» است!

داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه مدعی شده در شش ماه نخست امسال رشد اقتصادی بالای هفت درصد بوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: رشد بخش صنعت در ۶ ماهه ابتدای امسال ناپایدار بوده؛ رشد این بخش در بهار حدود ۳/۶ درصد و در تابستان به ۲/۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رسیده است. حسین راغفر اقتصاددان و استاد دانشگاه: آمار رشد اقتصادی در شش ماهه اول نه تنها خیلی قابل اتکا نیست، بلکه تلاشی مذبوم برای گمراهی افکار عمومی است.

اصلاحات ارضی «برعکس در جمهوری اسلامی: زمین‌های آباء و اجدادی ما را گرفتند و به دولت و سرمایه‌گذاران غیربومی دادند!

شنبه ۹ دی ۱۴۰۲ شماری از شهروندان منطقه رمون و بحرآسمان شهرستان جیرفت در اعتراض به واگذاری زمین‌هایشان به دولت و سرمایه‌گذاران غیربومی دست به اعتراض زدند. به گزارش کمپین فعالین بلوچ، زمین‌های



اهالی این منطقه را در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی گرفتند و به منابع طبیعی واگذار کردند و کوه‌ها و زمین‌های اطراف را نیز که شامل ۱۵۰ معدن است، به سرمایه‌گذاران غیربومی دادند! اهالی این منطقه از شورای تامین استان کرمان و ثبت اسناد می‌خواهند تا زمین‌های آباء و اجدادی آنان به آنها برگردانده شود.



عکس هفته | نه به اعدام!

مجاهد کورکور و رضا رسایی دو شهروندی که با اتهامات واهی به اعدام محکوم شده‌اند و حکم آنها به دایره «اجرای احکام» ارسال شده است.